سیاست کلان

ویژه خانواده

فصلنامه کمیسیون مشترک
سال پنجم / شماره ششم / تابستان ۱۳۹۵

سیاست کلان
فصلنامه کمیسیون مشترک
سال پنجم / شماره ششم / تابستان ۱۳۹۵
ویژه خانواده

ضرورت سیاست گذاری و مطالبات مقام معظم رهبری
مطالبات و بیانات مقام معظم رهبری در رابطه با خانواده/ کمیسیون مشترک

تحلیل وضعیت، آسیب شناسی و موانع
توصیف خانواده و فراتحلیلی بر آن / مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری
تحلیل وضع موجود خانواده در ایران/ کمیته زنان و جوانان
بررسی وضعیت سالمندان با تأکید بر نقش رسانه ها در تکریم جایگاه آنان در خانواده / زهرا سمواتی
بررسی زنان سرپرست خانوار مشکلات و راهکارهای پیش رو/ محمد علی بابایی

سیاست های پیشنهادی، ارزیابی و نقد
طرح مسئله، اصول حاکم، رویکردها، ایده اولیه و سیاست‌های پیشنهادی/ کمیته زنان و جوانان
سیاست‌های کلی خانواده و مستندات/ کمیته زنان و جوانان
دیدگاه‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی/کمیسیون علمی، فرهنگی اجتماعی و معاونت اجتماعی قوه قضائیه
راهکارهای اجرایی سیاست‌ها /کمیته زنان و جوانان
نظر مشورتی مجمع تشخیص مصلحت نظام در مورد سیاست‌های کلی خانواده

گزارش و نقد کتاب
خانواده، رهیافتی نو در عرصه ی سیاستگذاری عمومی / بهمن مشکینی

دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام

کمیسیون مشترک

فصلنامه سیاست کلان

سال پنجم، شماره ششم، تابستان ۱۳۹۵

«ویژه خانواده»

صاحب امتیاز: دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام

مدیر مسئول: علی احمدی

سردبیر: نوراله قیصری

مدیر داخلی: محمد دوست قرین

ویراستار: حمید قناعتی

صفحه آرا: محمد دوست قرین

امور اجرایی: علی فرجی، جلال مشهدی، حمید کرمی، نوراله علیزاده

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

مطالب مندرج در فصلنامه بیانگر دیدگاه‌های نویسندگان بوده و به معنی تأیید همه یا بخشی از آن نیست.

نقل قول مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

فصلنامه در پذیرش، رد یا ویرایش مقالات آزاد است.

نشانی: تهران، میدان پاستور، خیابان پاستور، ساختمان قدیم مجلس.

تماس با ما: ۶۶۴۶۸۱۳۶ **نمابر:** ۶۶۹۷۷۲۰۱

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

مقدمه.....۵

ابلاغ سیاست‌های کلی خانواده توسط مقام معظم رهبری ۹

ضرورت سیاست گذاری و مطالبات مقام معظم رهبری

مطالبات و بیانات مقام معظم رهبری در رابطه با خانواده/ کمیسیون مشترک ۱۳

تحلیل وضعیت، آسیب شناسی و موانع

توصیف خانواده و فراتحلیلی بر آن / مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری ۵۹

تحلیل وضع موجود خانواده در ایران/ کمیته زنان و جوانان ۸۵

بررسی وضعیت سالمندان با تأکید بر نقش رسانه ها در تکریم جایگاه آنان در خانواده / زهرا سمواتی..... ۱۰۵

بررسی زنان سرپرست خانوار مشکلات و راهکارهای پیش رو/ محمد علی بابایی.....۱۳۹

سیاست های پیشنهادی، ارزیابی و نقد

طرح مسئله، اصول حاکم، رویکردها، ایده اولیه و سیاست‌های پیشنهادی/ کمیته زنان و جوانان.....۱۵۱

سیاست‌های کلی خانواده و مستندات/ کمیته زنان و جوانان ۱۶۳

دیدگاه‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی، کمیسیون علمی فرهنگی اجتماعی و معاونت اجتماعی قوه قضائیه.....۱۹۷

راهکارهای اجرایی سیاست‌ها /کمیته زنان و جوانان.....۲۱۴

نظر مشورتی مجمع تشخیص مصلحت نظام در مورد سیاست‌های کلی خانواده.....۲۲۲

گزارش و نقد کتاب

خانواده، رهیافتی نو در عرصه ی سیاستگذاری عمومی /بهمن مشکینی ۲۲۷

مقدمه

خانواده و سیاست های کلی خانواده از آن جهت حائز اهمیت است که با توجه به مقدمه ی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

۱- خانوده، واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است.

۲- تشکیل خانواده که زمینه ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یابنده انسان است اصل اساسی است.

۳- فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است.

در اصل دهم قانون اساسی نیز آمده است: « از آنجا که خانواده واحد بنیادین جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه ریزی های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی برپایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد».

تحقق این مهم در جامعه امروزی با چالش های جدی مواجه گشته است. خانواده با کارکردهای اصلی و مدل خانواده اسلامی فاصله گرفته است. نظام شهرسازی و آشفتگی های عرصه های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی خانواده را از محوریت برنامه ریزی و قوانین و سیاست های اجرایی به حاشیه برده است. به سبب این مشکلات تشکیل خانواده به آسانی صورت نمی گیرد و تجرد در جامعه رو به افزایش است.

به سبب نشر برنامه های مخل به ارزش های خانواده و روابط اخلاقی، کاهش حضور اعضای خانواده در کنار همدیگر و وجود دیگر موانع ، چالش ها و آسیب های جدی، پایه ها و تحکیم خانواده را تا حدودی متزلزل کرده است.

تغییر سبک زندگی، به حاشیه رفتن ارزش ها و سنت های اسلامی در امر ازدواج و تشکیل خانواده، کمرنگ شدن ارزش های اخلاقی و برجسته شدن برخی پیرایه های باطل، اشرافیت و تجمل گرایی، شکل گیری گروه های مرجع ناسالم و بعضاً ناهنجاری رفتاری برخی گروه های مرجع نیز از جمله مواردی است که بعنوان آسیب ها و چالش های کیان خانواده و کارکردهای اصلی آن در جامعه قلمداد می شود.

بنابراین سیاست های کلی خانواده همانگونه که در ایده اولیه این سیاست ها آمده است، درصدد تغییر سمت و سو و حرکت کلی نظام در پاسخگویی به چالش های موجود و تحقق موارد زیر است:

۱- ایجاد جامعه ای خانواده محور و احیای خانواده به عنوان مرکز نشو و نما و تربیت اسلامی فرزند و کانون آرامش بخش.

۲- نهضت فراگیر ملی برای ازدواج موفق همه دختران و پسران و افراد در سنین ازدواج و تشکیل خانواده اسلامی.

۳- تحکیم مناسبات و استواری روابط خانوادگی با جامعیت برنامه های مبتنی بر اخلاق و حقوق اسلامی.

۴- فرهنگ سازی در تکریم و تقدیس ارکان خانواده و حفظ حرمت و حریم آن.

۵- حمایت از عزت و کرامت همسری، خانه داری و نقش مادری زنان و مسئولیت اقتصادی و نقش پدری و معنوی مردان.

۶- صیانت از خانواده و حفاظت از کیان و ماندگاری و پایداری آن و ایجاد فضای سالم در روابط اجتماعی زن و مرد، با بهره گیری منتظم از منظومه آموزه ها (تعالیم و قوانین و راهکارها) ی مترقی اسلام و مقابله همه جانبه با تهدیدات و مفاسد و انحرافات.

۷- تامین درآمد خانوار از طریق ایجاد اشتغال مولد.

کمیسیون مشترک بررسی الزامات، چالش ها و راهکارهای اجرای این سیاست ها را در اولویت پژوهشی و سیاستگذاری خود قرار داده و با اتکای به مطالعات و پژوهش های انجام شده در کشور، مجموعه حاضر را تهیه و برای استفاده سیاستگذاران، مجریان، پژوهشگران و

دیگر علاقه مندان به موضوع راهبردی خانواده ارائه می نماید.

در هر یک از بخش های این ویژه نامه، به بررسی تفصیلی جنبه های خاصی از موضوع پرداخته شده است. برخی از مستندات و اسناد پشتیبان این سیاست ها و نتیجه گیری ها را که در جریان بررسی و تصویب سیاست ها نقش اصلی داشته اند، نیز برای آگاهی از مباحث مربوطه ارائه شده است.

از نقطه نظرهای فرهیختگان، اساتید و پژوهشگران محترم در نقد مطالب استقبال می شود.

به امید اینکه این اقدام زمینه ساز هم راستایی اهداف و تلاش های موجود در کشور برای تحقق جامعه ای خانواده محور گردد.

مدیر مسئول

علی احمدی

شهریور ۱۳۹۵

ابلاغ سیاست‌های کلی خانواده

حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجرای بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی سیاستهای کلی «خانواده» را که پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شده است، ابلاغ کردند.متن سیاستهای کلی خانواده که به رؤسای قوای سه گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۹۵/۶/۱۳ ابلاغ شده، به این شرح است:

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم

سیاست‌های کلی خانواده

خانواده واحد بنیادی و سنگ بنای جامعه اسلامی و کانون رشد و تعالی انسان و پشتوانه سلامت و بالندگی و اقتدار و اعتلای معنوی کشور و نظام است و سمت و سوی حرکت نظام باید معطوف باشد به:

۱- ایجاد جامعه‌ای خانواده محور و تقویت و تحکیم خانواده و کارکردهای اصلی آن بر پایه الگوی اسلامی خانواده به عنوان مرکز نشو و نما و تربیت اسلامی فرزند و کانون آرامش بخش.

۲- محور قرار گرفتن خانواده در قوانین و مقررات، برنامه‌ها، سیاست‌های اجرایی و تمام نظامات آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به‌ویژه نظام مسکن و شهرسازی.

۳- برجسته کردن کارکردهای ارتباط خانواده و مسجد برای حفظ و ارتقاء هویت اسلامی و ملی و صیانت از خانواده و جامعه.

۴- ایجاد نهضت فراگیر ملی برای ترویج و تسهیل ازدواج موفق و آسان برای همه دختران و پسران و افراد در سنین مناسب ازدواج و تشکیل خانواده و نفی تجرد در جامعه با وضع سیاست‌های اجرایی و قوانین و مقررات تشویقی و حمایتی و فرهنگ‌سازی و ارزش‌گذاری به تشکیل خانواده متعالی بر اساس سنت الهی.

۵- تحکیم خانواده و ارتقاء سرمایه اجتماعی آن بر پایه رضایت و انصاف، خدمت و احترام و مودت و رحمت با تأکید بر:

- به‌کارگیری یکپارچه ظرفیت‌های آموزشی، تربیتی و رسانه‌ای کشور در جهت تحکیم بنیان خانواده و روابط خانوادگی.
- فرهنگ سازی و تقویت تعاملات اخلاقی.
- مقابله مؤثر با جنگ نرم دشمنان برای فروپاشی و انحراف روابط خانوادگی و رفع موانع و زدودن آسیب‌ها و چالش‌های تحکیم خانواده.
- ممنوعیت نشر برنامه‌های مخل ارزش‌های خانواده.
- ایجاد فرصت برای حضور مفید و مؤثر اعضای خانواده در کنار یکدیگر و استفاده مؤثر خانواده از اوقات فراغت به صورت جمعی.

۶– ارائه و ترسیم الگوی اسلامی خانواده و تقویت و ترویج سبک زندگی اسلامی–ایرانی با:
– ترویج ارزش‌های متعالی و سنت‌های پسندیده در ازدواج و خانواده.
– پر رنگ کردن ارزش‌های اخلاقی و زدودن پیرایه‌های باطل از آن.
– مبارزه با اشرافیت و تجمل‌گرایی و مظاهر فرهنگ غرب.
– اصلاح رفتار گروه‌های مرجع و برجسته سازی رفتارهای شایسته آنها و جلوگیری از شکل‌گیری گروه‌های مرجع ناسالم.
۷– بازنگری، اصلاح و تکمیل نظام حقوقی و رویه‌های قضایی در حوزه خانواده متناسب با نیازها و مقتضیات جدید و حل و فصل دعاوی در مراحل اولیه توسط حکمیت و تأمین عدالت و امنیت در تمامی مراحل انتظامی، دادرسی و اجرای احکام در دعاوی خانواده با هدف تثبیت و تحکیم خانواده.
۸– ایجاد فضای سالم و رعایت روابط اسلامی زن و مرد در جامعه.
۹– ارتقاء معیشت و اقتصاد خانواده‌ها با توانمندسازی آنان برای کاهش دغدغه‌های آینده آنها درباره اشتغال، ازدواج و مسکن.
۱۰– ساماندهی نظام مشاوره‌ای و آموزش قبل، حین و پس از تشکیل خانواده و تسهیل دسترسی به آن بر اساس مبانی اسلامی–ایرانی در جهت استحکام خانواده.
۱۱– تقویت و تشویق خانواده در جهت جلب مشارکت خانواده برای پیشبرد اهداف و برنامه‌های کشور در همه عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و دفاعی.

۱۲– حمایت از عزت و کرامت همسری، نقش مادری و خانه‌داری زنان و نقش پدری و اقتصادی مردان و مسؤولیت تربیتی و معنوی زنان و مردان و توانمندسازی اعضای خانواده در مسؤولیت پذیری، تعاملات خانوادگی و ایفاء نقش و رسالت خود.

۱۳– پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و عوامل تزلزل نهاد خانواده بویژه موضوع طلاق و جبران آسیب‌های ناشی از آن با شناسایی مستمر عوامل طلاق و فروپاشی خانواده و فرهنگ‌سازی کراهت طلاق.
۱۴– حمایت حقوقی، اقتصادی و فرهنگی از خانواده‌های با سرپرستی زنان و تشویق و تسهیل ازدواج آنان.
۱۵– اتخاذ روش‌های حمایتی و تشویقی مناسب برای تکریم سالمندان در خانواده و تقویت مراقبت‌های جسمی و روحی و عاطفی از آنان.

۱۶– ایجاد ساز و کارهای لازم برای ارتقاء سلامت همه جانبه خانواده‌ها بویژه سلامت باروری و افزایش فرزندآوری در جهت برخورداری از جامعه جوان، سالم، پویا و بالنده.

بخش اول: ضرورت سیاست گذاری و مطالبات مقام معظم رهبری

مقالات:

- مطالبات و بیانات مقام معظم رهبری در رابطه با خانواده

مطالبات و بیانات مقام معظم رهبری در رابطه با خانواده

کمیسیون مشترک

چکیده

اهمیت، ضرورت، ابعاد و چگونگی تحقق سیاست های کلی و به ویژه سیاست های کلی خانواده همواره یکی از محورهای مهم در تدوین و ارزیابی سیاست ها در این زمینه بوده است. بیانات و مطالبات مقام معظم رهبری از ضابطه ها و شاخص های اصلی در تشخیص و تعیین این مقولات است. این مقاله گردآوری بیانات و مطالبات معظم له در خصوص خانواده است. مطالب مطروحه ذیل خلاصه ای از پژوهشی با موضوع بررسی مفهوم خانواده در بیانات مقام معظم رهبری به سفارش کمیسیون مشترک بوده که توسط خانم سمیه خادم حسینی تهیه شده است.

واژگان کلیدی

سیاست گذاری، انضباط سیاستی، اجرای سیاست ها، نظارت، خانواده

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران با تأسی از سید الشهداء علیه السلام ، و با رهبری امام خمینی (ره) در جهت زمینه سازی برای ظهور امام عصر (عج) با داعیه محو نظام سلطه به وقوع پیوست ، تا بر طبق آموزه‌های اسلام حکومتی دینی و استوار را بنیان گذارد و نمونه کوچکی از حاکمیت توحید در عصر ظهور حضرت ولی عصر (عج) باشد.

این انقلاب در عصری که از آن به پایان دوران تعبیر می شود به وقوع پیوست عصری که تمام ایدئولوژیها و ایسم‌ها به بن‌بست رسیده‌اند و بشر بعد از پشت کردن به دین و معنویت دوباره با اشتیاق به آن روی آورده است و راه‌حل گذر از بن‌بستها را، در آموزه های دینی می‌جوید.

این انقلاب در زمینه سازی برای ظهور حضرت ولی عصر (عج) و به عنوان نمونه کوچکی از حاکمیت توحید در عصر غیبت، تلاش می کند تا گوشه‌ای از آموزه های اسلام و سیره اهل بیت عصمت و طهارت (ع) را در عرصه های گوناگون جامع عمل بپوشاند.

تحقق این اهداف و نتیجه عملی این ایده را می توان در بیداری اسلامی و انقلابات منطقه و در چشم انداز وسیع تر در اعتراضات و تظاهرات های مردم امریکا و اروپا علیه دولتمردانشان مشاهده نمود.

این انقلاب در مسیر خود قصد دارد که به الگویی جامع برای ملت ها و مردم جهان تبدیل شود. و این هدف جز با بهره بردن از آموزه های دینی اسلام محقق نمی شود.

کشتی انقلاب با رهبری حکیمانه مقام عظمای ولایت امام خامنه ای، در دریای متلاطم این عصر در حرکت است و نقش کلیدی و رهبری مدبرانه ایشان درحل مشکلات ، سختی ها و فتنه ها بر کسی پوشیده نیست.

خانواده به عنوان اولین و کوچک‌ترین نهاد اجتماعی از اهمیت بالایی در اسلام برخوردار است. در دنیای امروز این نهاد ارزشمند و تأثیر گذار بر جامعه ، رو به تباهی و فروپاشی نهاده است و همانطور که شاهدیم، خانواده در غرب، جایگاه والای خود را از دست داده و این موجب معضلات بسیاری در کشورهای غربی شده است.

در مقابل اسلام اهمیت بسیاری برای خانواده قائل است و تأکید فراوانی بر تشکیل خانواده و حفظ نهاد خانواده دارد به طوری که طلاق در اسلام، از مذموم‌ترین حلال ها شمرده شده است.

با توجه به جایگاه ولی فقیه در رأس امور جامعه و اسلام شناسی عمیق مقام معظم رهبری و نکته سنجی و تیزبینی‌های ایشان در مسایل گوناگون جامعه اسلامی، در این پژوهش قصد داریم تا نظرات و بیانات ایشان را در فاصله سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۰ درباره مفهوم خانواده و ابعاد گوناگون آن مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم ، تا به نقشه راهی درباره این موضوع در مسیر حرکت انقلاب برسیم.

کدگذاری در پژوهش های کیفی، روشی برای دستیابی به تفسیر داده‌ها و تدقیق تفسیرهاست. در فرآیند کدگذاری تمامی داده‌ها در پرتو موضوعات محوری، مفاهیم، برداشت ها و کدگذاری ها در مجموعه‌ای به هم تافته تحلیل می‌شوند.

از میان **۲۹۱** مورد داده خام، مضامین هر داده بدست آورده شد و در زیر آن نوشته و کدگذاری اولیه صورت گرفت. در این مرحله تعداد **۱۴۳** مقوله از کل **۲۹۱** داده بدست آورده شد و این **۱۴۳** مقوله در مرحله بعدی به **۲۳** مورد تقلیل یافت.

مقولات **۲۳** گانه بدست آمده از کل داده‌ها در جدول قرار داده شد و فراوانی‌های هر مورد، ذکر گردید که این جدول در پایان این فصل آورده شده است.

تعریف زندگی و خانواده

۱- ترسیم اهداف و ارزش ها و تلاش و مجاهدت برای رسیدن به آنها

زندگی، یعنی تلاش در این مسیرها؛ و «انّما الحیاه عقیده و جهاد» یعنی همین. همه ی معنای جهاد، جهاد با شمشیر و تفنگ که نیست؛ هر تلاش شما یک جهاد است. جهاد، یعنی مجاهدت کردن و تلاش کردن. زندگی، یعنی این که ما این هدفها را ترسیم کنیم و ارزش هایی را که برای ما عزیز و محترم است، مشخص کنیم و بعد با همه ی قوا بکوشیم؛ اصلاً زندگی جز این معنی ندارد؛ و الّا اگر انسان از ارزشهایی- آن ارزش ها هر چه می خواهد باشد- خالی باشد، به یک جماد تبدیل خواهد شد؛ یا یک حیات نباتی خواهد داشت؛ جذب کن و رشد کن؛ یا احیاناً یک حیات حیوانی خواهد داشت؛ جذب و کن و رشد کن و باز تلاش کن برای این که گیر بیاوری، تا مجدداً جذب کنی و رشد جسمانی و مادّی کنی! اینها که ارزشی ندارد؛ این زندگی، انسانی که نیست.۱
زندگی یعنی ترسیم هدف ها و با همه قوا در جهت رسیدن به آن تلاش و مجاهدت کنیم.

۱- بیانات در اعضای گروه اجتماعی صدای جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۰/۱۱/۲۹.

۲- یک مبارزه بلند مدت با عوامل طبیعی، موانع اجتماعی و مبارزه با نفس خود

در داخل خانواده است که مرد و زن- که زوجین هستند – می توانند تجدید قوا کنند، می توانند همت خودشان را برای ادامه راه آماده کنند. می دانید که زندگی یک مبارزه است، کل زندگی عبارتست از یک مبارزه بلند مدت، مبارزه با عوامل طبیعی، مبارزه با موانع اجتماعی، مبارزه با درون خود انسان که مبارزه با نفس است. دائم انسان در حال مبارزه است. بدین انسان وقتی در جسم باشد، جسم سالم است. در انسان این مبارزه باید صحیح، منطقی، در جهت درست، با رفتارهای صحیح و ابزارهای درست باشد. این مبارزه گاهی یک استراحت و یک بارانداز لازم دارد. این یک سفر و یک حرکت است. این نقطه استراحت، داخل خانواده است.[۱]

زندگی، یک مبارزه است که باید صحیح و منطقی و در جهت درست و با رفتارهای صحیح و ابزارهای درست باشد. نقطه استراحت این سفر داخل خانواده است.

هدف از زندگی و تشکیل خانواده

۱- استفاده انسان از وجود خود و موجودات پیرامونش برای تکامل معنوی و نفسانی

زندگی یک کاروان طولانی است که منازل و مراحلی دارد، هدف والایی نیز دارد. هدف انسان در زندگی باید این باشد که از وجود خود و موجودات پیرامونش برای تکامل معنوی و نفسانی استفاده نماید. اصلاً ما برای این به دنیا آمدیم، ما در حالی وارد دنیا می شویم که از خود اختیاری نداریم. این جا آن جایی است که لازم است انسان درست بیندیشد و درست انتخاب کند و براساس این انتخاب حرکت کند و به جلو برود. اگر انسان این فرصت را مغتنم بشمرد و از این چند صباحی که در دنیا هست خوب استفاده کند و بتواند خودش را به کمال برساند، آن روزی که از دنیا خارج می شود، مثل کسی است که از زندان خارج شده است و زا این جا زندگی حقیقی آغاز می شود. [۲]

باید هدف انسان در زندگی، استفاده از وجود خود و موجودات پیرامونش برای تکامل معنوی و نفسانی باشد.

۱- خطبهٔ عقد مورخهٔ ۱۳۸۱/۳/۸.

۲- خطبهٔ عقد مورخهٔ ۱۳۸۰/۱۱/۱۸.

۲- دستیابی به سکون، آرامش و سعادت

شما ببینید این آیه شریفه در مورد زن – مرد- عمدتاً در داخل خانواده – چه می فرماید. «و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجا». یعنی از جمله‌ی نشانه های قدرت الهی یکی این است که برای شما انسانها، از نوع خودتان و از جنس خودتان همسرانی قرار داد؛ برای شما مردان، زنان را و برای شما زنان، مردان را. از خودتان هستند؛«من انفسکم»، جنس جداگانه ای نیستند، در دو رتبه‌ی جداگانه نیستند؛ همه یک حقیقتند، یک جوهر و یک ذاتند. البته در بعضی از خصوصیات، با هم تفاوتهایی دارند؛ چون وظایفشان دوتاست. بعد می‌فرماید: «لتسکنوا الیها». یعنی زوجیّت و دو جنسی در طبیعت بشر، برای هدف بزرگی است. آن هدف، عبارت است از سکون و آرامش، تا شما در کنار جنس مخالف خودتان در درون خانواده – مرد در کنار زن، زن در کنار مرد – آرامش پیدا کنید. برای مرد هم آمدن به داخل خانه، یافتن محیط امن خانه، زن مهربان و دوستدار و امین در کنار او، وسیله‌ی آرامش است؛ برای زن هم داشتن مردٍ و تکیه گاهی که به او عشق بورزد و برای او مانند حصن مستحکمی باشد – چون مرد جسماً قویتر از زن است – یک خوشبختی است؛ مایه‌ی آرامش و سعادت است. خانواده این را برای هر دو تأمین می‌کند. مرد برای پیدا کردن آرامش، به زن در محیط خانواده احتیاج دارد؛ زن هم برای یافتن آرامش، به مرد در محیط خانواده نیازمند است - «لتسکنوا الیها»- هر دو برای سکون و آرامش، به هم احتیاج دارند. برای مرد: آمدن به داخل خانه، یافتن محیط امن خانه، زن مهربان و دوستدار و امین در کنار او، وسیله‌ی آرامش است برای زن: داشتن مرد و تکیه گاهی که به او عشق بورزد و برای او مانند حصن مستحکمی باشد – چون مرد جسماً قویتر از زن است – یک خوشبختی است؛ مایه‌ی آرامش و سعادت است.[۱]

هدف زندگی، سکون و آرامش مرد و زن در درون خانواده است.

روشهای صحیح زندگی در خانواده

۱- توجه به نیازهای مادی و مواهب حیات، در کنار توجه به آخرت و نیازهای معنوی

یک انحراف دیگر هم این است که انان در زندگی شخصی خود، مواهب حیات و نیازهای مادی را دست کم بگیرد و مورد بی اعتنائی قرار بدهد؛ این هم در اسلام گفته نشده، خواسته نشده؛ بلکه عکسش خواسته شده: «لیس منا من ترک اخرته لدنیا و لا من ترک دنیاه لاخرته» . اگر آخرت را به خاطر دنیا ترک کردید در این امتحان مردودید؛ اگر دنیا را هم به خاطر آخرت ترک کردید در این امتحان مردودید. این خیلی مهم است. امیر المؤمنین به کسی برخورد کرد

۱- بیانات در همایش بزرگ خواهران در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر ۱۳۷۶/۷/۳۰.

که زن و زندگی و خانه و همه چیز را کنار گذاشته بود و به عبادت پرداخته بود؛ فرمود: «قل من حرم زینه الله التی أخرج لعباده و الطیبات من الرزق». این هم این مطلب است. بنابراین تعادل دنیا و آخرت و نگاه به دنیا و آخرت هم در برنامه ریزی، هم در عمل شخصی و هم در اداره ی کشور– لازم است. این هم یک شاخص عمده ی پیشرفت است.

در زندگی شخصی باید تعادل بین نیازهای دنیوی و اخروی برقرار کرد.

۲- غفلت نکردن از توجه به خانواده و رعایت عدالت در زندگی

عدالت صرفاً در اقتصاد نیست؛ در همه ی امور بایستی انسان از خدای متعال بخواهد که عادلانه عمل کند؛ با خودش هم انسان با عدالت رفتار کند؛ با نزدیکانتان با عدالت رفتار کنید؛ با زن و فرزندانتان با عدالت رفتار کنید. گاهی بعضی از مسئولین دیدیم آنچنان غرق در کار می شوند که یادشان می رود از وجود همسرانشان و فرزندانشان؛ و این ضایعاتی را درست می کند.یعنی اینجور نیست که تعارف باشد، بگوئیم: آقا ! خواهش می کنیم بیشتر شما به خودتان برسید، شما هم بگوئید نه، اشکال ندارد. اینجوری نیست. این یک تکلیفی است که انسان بایستی همسرش، فرزندانش، خانواده اش و کانون خانوادگی را حفاظت بکند. «قوا انفسکم و اهلیکم نارا و قودها الناس و الحجاره»؛ خودتان و اهلتان را حفظ کنید.[۱]

با زن و فرزند هم باید با عدالت رفتار کرد و کانون خانوادگی را حفاظت کرد.

۳- برپایی زندگی بر حسب اعتدال و عدالت و رعایت «زندگی ساده» و بی تکلف

زندگی تان را بر پایه اسراف قرار ندهید، زندگی را ساده قرار دهید. زندگی را آن طوری که خدای متعال می پسندد قرار دهید و از طیبات الهی بهره مند شوید بر حسب اعتدال و عدالت. هم اعتدال و میانه روی و هم عدالت. یعنی ملاحظه انصاف را بکنید، ببینید دیگران چطوری‌اند.خیلی بین خودتان ودیگران فاصله درست نکنید.[۲]

زندگی را ساده و بر حسب اعتدال و عدالت و بدون اسراف بر قرار کنید.

زندگی را ساده بگیرید، خودتان را اسیر تشریفات نکنید. اگر از اول وارد مسابقه تشریفات شدید، دیگر رها شدن از آن سخت است. حالا هم جمهوری اسلامی است. اگر کسی بخواهد ساده زندگی کند می تواند. یک روزی بود که نمی شد، سخت بود. اگر چه بعضی به دست

۱- بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۸/۶/۱۸.
۲- خطبهٔ عقد مورخهٔ ۱۳۷۲/۳/۸.

خودشان (زندگی را) مشکل می کنند. در لباسشان، در مسکنشان، در تجملاتشان، همه را بر خودشان سخت می کنند.[۱]

ساده و بدون تشریفات زندگی کنید.

در همه امور زندگی تان سادگی را رعایت کنید. اولش هم از همین مراسم ازدواج است، از این جا شروع می شود.اگر ساده برگزار کردید، قدم بعدی اش هم می شود ساده و الا شما که رفتید آن مجلس کذایی مثل اعیان و اشراف های زمان طاغوت را درست کردید، بعد دیگر نمی توانید بروید توی خانه کوچکی مثلاً با وسایل مختصری زندگی کنید. این جور نمی شود دیگر. چون خراب شده و از دست رفته است. از اول، زندگی را پایه اش را بر اساس سادگی و ساده زیستی بگذارید تا زندگی بر خودتان، بر کسانتان و بر مردم جامعه ان شاء الله آسان شود. [۲]

پایه زندگی را بر سادگی و ساده زیستی بگذارید تا به دیگران هم آسان شود.

زندگی را ساده بردارید، البته ما خیلی هم اهل زهد و تقوا نیستیم. خیال نکنید. آن سادگی که ما می گوییم، آن سادگی زُهّاد و عبّاد و این ها نیست. سادگی به نسبت این کارهایی است که مردم امروز می کنند و الا نه، سادگی ما را اگر چنان چه آن مردان خدا بیایند نگاه کنند شاید هزارَ تا ایراد هم به آن چه که ما سادگی می دانیم، بگیرند.[۳]

زندگی را نسبت به کارهایی که مردم امروز می کنند ساده بگیرید، نه سادگی عبّاد و زهّاد.

ساده زندگی کردن منافاتی با رفاه هم ندارد. آسایش هم که اصلاً در سایه ساده زندگی کردن است.[۴]

زندگی ساده منافاتی با رفاه ندارد.

اول زندگی را ساده بردارید، هر چه می توانید در این جهت سعی کنید. البته، اعتقاد نداریم که افراد بایستی بر عیال خودشان، بر نزدیکان خودشان سخت گیری های تنگ نظرانه بکنند. این عقیده را نداریم، اما عقیده داریم که همه از روی عقیده و ایمان و عشق و دل خودشان به یک حدی قانع باشند.[۵]

---

۱ – خطبهٔ عقد مورخهٔ۱۳۷۷/۱۰/۱۳.
۲ – خطبهٔ عقد مورخهٔ۱۳۷۴/۶/۱۳.
۳ – خطبهٔ عقد مورخهٔ ۱۳۷۴/۵/۱۱.
۴ – خطبهٔ عقد مورخهٔ ۱۳۷۷/۴/۱۸.
۵ – خطبهٔ عقد مورخهٔ ۱۳۷۷/۹/۱۲.

زندگی را ساده بگیرید، امّا سخت گیری تنگ نظرانه نداشته باشید.

سعی تان را بگذارید بر زندگی ساده و به دور از اشرافی گری، بر زندگی ای که منطبق باشد بر زندگی متوسط مردم. نمی گویم پایین ترین مردم؛ (می گویم) متوسط مردم. نگاه نکنید به مسابقه مادی گری. مسابقه هست. چنان که در راه بهشت خدا مسابقه هست، در راه بهشت خیالی دنیا هم مسابقه هست. برای تجملاتش، برای مقام و قدرتش، برای اسم درآوردن و معروف شدنش، مسابقه هست. این مسابقه، مسابقه ناسالمی است ... هر کدام که بخواهید به این مسابقه وارد شوید آن دیگری مانع شود و به عنوان یک ناصح، عمل کند.[۱]

زندگی را به دور از اشرافیگری و منطبق با زندگی متوسط مردم برپا کنید.

۴- گرایش به قناعت، میانه روی و روش متواضعانه

در همه مراحل بایستی میانه روی و قناعت و گرایش به روش متواضعانه و فقیرانه را فراموش نکرد که این نظر اسلام است.[۲]

در زندگی میانه رو و قانع ومتواضع و فقیرانه رفتار کنید.

قناعت کنید، از قناعت خجالت نکشید. بعضی ها خیال می کنند که قناعت مال آدم های تهی دست و فقیر است و اگر آدم (وضع مالی خوبی) داشت، دیگر لازم نیست قناعت کند. نه، قناعت یعنی در حد لازم، در حد کفایت، انسان توقف کند.[۳]

در زندگی قناعت کنید.

۵- نهی از منکر در خانواده

در محیط خانواده هم می‌شود نهی از منکر کرد. در بعضی از خانواده‌ها حقوق زنان رعایت نمی‌شود؛ در بعضی از خانواده‌ها حقوق جوانان رعایت نمی‌شود؛ در بعضی از خانواده‌ها، بخصوص حقوق کودکان رعایت نمی‌شود. این‌ها را باید به آن‌ها تذکّر داد و از آن‌ها خواست.[۴]

۱- خطبهٔ عقد مورخهٔ ۱۳۷۵/۶/۳.
۲- خطبهٔ عقد مورخهٔ۱۳۷۴/۶/۱۳.
۳- خطبهٔ عقد مورخهٔ ۱۳۷۶/۱/۱.
۴- "بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران" ۲۵/ ۹/ ۱۳۷۹.

عملکرد اسلام و فرهنگ اسلامی نسبت به خانواده

۱- به خدمت در آوردن غریزه جنسی و غریزه زوج طلبی در جهت تشکیل خانواده

هنر ادیان – و بیشتر از همه اسلام- در این است که غرایز جنسی و غریزه زوج طلبی انسان را- که غیر از غریزه ی جنسی است – در خدمت تشکیل خانواده قرار داده و کاری کرده اند که کانون خانواده، با پشتوانه غریزه ی جنسی، یا با پشتوانه‌ی آن غریزه ی جنسی عمومیتش بیشتر است- تحقق پیدا کند. و باقی بماند. بعضی ها ممکن است در سنین خاصی نیاز جنسی هم نداشته باشند، اما نیاز به زوج طلبی را دارند و می باید زوجی از جنس مخالف را داشته باشند؛ زن و مرد فرقی نمی کند. سکن، مایه ی آرامش است. ادیان – و بیش از همه اسلام- اینها را پشتوانه ی تشکیل خانواده قرار داده اند.[۱]

اسلام ، غرایز جنسی و غریزه زوج طلبی انسان را در خدمت تشکیل خانواده قرار داده است.

۲- مشخص کردن حد و مرز بین رابطه زن و مرد در جامعه به خاطر حفظ خانواده

یک نکته اساسی هم وجود دارد که در آن اسلام ایستادگی کرده است و آن این است که در طول زمان، چون اخلاق مردان خشن تر و اراده ی آنان در برخورد با مشکلات قویتر و جسمشان سنگینتر بوده است، لذا کارهای مهم و مسئولیت ها و قدرت های گوناگون را در دست داشته اند و این، به مردان امکانی برای سوء استفاده کردن از جنس مخالف- به نفع خودشان- داده است. شما نگاه کنید ببینید که کدام یک از سلاطین، ثروتمندان و پولداران و زرمندان و زورمندان در دربارها و دستگاههایشان، با داشتن پول و مقام و قدرت، به نحوی از انحا، دست به سمت تعرّض و تخطّی و سوء استفاده از زن دراز نکرده اند؟! اسلام در این جا، با کمال قدرت و قوّت ایستاده است و بین زن و مرد در جامعه، مرزی قرار داده است. از نظر اسلام، هیچ کس حق ندارد که این مرز را زیر پا بگذارد و بشکند؛ چون از نظر اسلام، خانواده خیلی مهم است. رابطه‌ی زن و مرد در محیط خانواده به گونه ای است، و در محیط جامعه، به گونه ای دیگر است. اگر آن ضوابطی که اسلام در محیط جامعه به عنوان حایل بین زن و مرد قرار داده است، بشکند، خانواده خراب می شود. در خانواده، غالباً به زن و گاهی هم به مرد، ممکن است ظلم شود. فرهنگ اسلامی، فرهنگ عدم اختلاط زن و مرد است. چنین زندگی ای با خوشبختی ادامه می یابد و می تواند به درستی و با رعایت موازین عقلی بچرخد و حرکت کند و به پیش برود. در این جا اسلام سختگیری کرده است. اگر آن حدّ و مرزی که در جامعه قرار داده شده است، چه از طرف زن و چه از طرف مرد بشکند، اسلام

۱- بیانات در مراسم اجرای عقد ازدواج ۱۳۷۰/۴/۲۰.

در مقابل آن سختگیری می کند؛ درست نقطه ی مقابل آنچه که شهوترانان عالم می خواسته اند و عمل می کرده اند.[۱]

اسلام برای حفظ خانواده، حد ومرزی را بین زن و مرد در جامعه قرار داده است که رعایت آن خوشبختی را به دنبال دارد.

۳- قراردادن حقوق مشخص و متعادل برای زن و مرد در خانواده

در اسلام به مرد اجازه داده نشده است که به زن زور بگوید و امری را به او تحمیل کند. برای مرد در خانواده، حقوق محدودی قرار داده شده است که از روی کمال مصلحت و حکمت است. این حقوق، برای هر کس گفته و تشریح شود، مورد تصدیق قرار خواهد گرفت. همچنین، برای زن نیز در خانواده، حقوقی معیّن شده است که آن هم از روی مصلحت است. مرد و زن، هر کدام طبیعت، اخلاق، روحیّات و غرایزی دارند که ویژه ی خودشان است. آنها اگر از خُلقیات ویژه ی خود به طور صحیح استفاده کنند، در خانواده، زوجی کامل و هماهنگ و مساعد تشکیل می دهند. اگر مرد زیاده روی کرد، تعادل به هم می خورد. اگر زن هم زیاده روی کرد، تعادل به هم می خورد. اسلام در داخل خانواده، دو جنس زن و مرد را مانند دو لنگه ی یک در، دو چشم در چهره ی انسان، دو سنگرنشین در جبهه ی نبرد زندگی و دو کاسب شریک در یک باب مغازه قرار داده است. هر کدام از این دو طبیعت، خصوصیات و خصلتهایی، هم در جسم و روح و فکر و هم در غرایز و عواطف دارند که ویژه ی خودشان است. این دو جنس، اگر با همان حدود و موازینی که اسلام معیّن کرده است در کنار هم زندگی کنند، خانواده ای ماندگار و مهربان و با برکت و پر فایده خواهند داشت.[۲]

اسلام از روی مصلحت برای زن و مرد حقوق معین و متعادلی را قرار داده است که رعایت آنها خانواده ای ماندگار و مهربان وپر برکت را بوجود می آورد.

۴- قراردادن دستوراتی برای حل اختلاف در درون خانواده

اسلام در داخل خانواده ترتیبی داده که اختلاف درون خانواده به خودی خود حل شود. به مرد دستور داده که یک ملاحظاتی بکند. به زن هم دستور داده که یک ملاحظاتی بکند. مجموع این ملاحظات اگر انجام بگیرد، هیچ خانواده ای قاعدتاً متلاشی نخواهد شد و از بین نخواهد رفت. غالباً متلاشی شدن خانواده ها به خاطر این بی ملاحظگی هاست. مرد بلد نیست که رعایت کند؛ زن، بلد نیست که عقل به خرج بدهد. او تندی و خشونت بی حد می کند، این

۱- دیدار گروهی از خواهران پرستار، ۱۳۷۳/۷/۲۰.
۲- بیانات در جمع خواهران ارومیه، ۱۳۷۵/۶/۲۸.

بی تحملی به خرج می دهد. همه اش ایراد دارد، خشونتِ او هم ایراد دارد، سرکشیِ این هم ایراد دارد. اگر او خشونت نکند، اگر یک وقتی اشتباه کردَ، این سرکشی نکند، ملاحَظه کنند، با همدیگر بسازند، هیچ خانواده ای تا آخر متلاشی نخواهد شد و خانواده باقی می ماند.[۱]

اسلام دستوراتی برای حل شدن اختلافات درون خانواده قرار داده است.

۵- جعل توازن بین حقوق زن و مرد در خانواده بر اساس بیّنات و مسلّمات اسلام

در خانواده، حدود و حقوقی هست. مرد حقوقی دارد، زن هم حقوقی دارد و این حقوق به شدّت عادلانه و متوازن ترتیب داده شده است. آنچه به نام اسلام است و غلط است، آنها را نمی گوییم و از آنها دفاع نمی کنیم. آنچه متعلّق به اسلام است. بیّنات اسلام و مسلّمات اسلام است. اینها چیزهایی است که میان حقوق زن و مرد در داخل خانواده توازن قائل است.[۲]

اسلام بین حقوق زن و مرد در خانواده بر اساس بینات و مسلمات اسلام توازن برقرار کرده است.

عوامل تزلزل خانواده

۱- ورود الگوها وارزش های فرهنگهای اروپایی

در این دو، سه دهه ی قبل از انقلاب، به خاطر ورود فرهنگهای اروپایی، بنیان خانواده متزلزل شده بود؛ یعنی حقیقتاً خانواده، آن اصالت و ارزش و عظمتی را که در اسلام و فرهنگ سنتی ما دارد، دیگر نداشت.[۳]

ورود فرهنگ های اروپایی موجب تزلزل خانواده شد.

۲- غفلت از خداوند متعال و قدر همسر را ندانستن

یک وقت انسان ازدواج می کند و می گوید: پروردگارا من ازدواج می کنم... من این نیاز را برآورده می کنم، از تو هم متشکرم که این امکان را در اختیار من گذاشتی، این اجازه را دادی، این وسیله را فراهم کردی، همسر خوبی برای من پیدا شد و بعد از این هم در زندگی جدید، در این وضع جدید، سعی می کنم که آن طور که تو می خواهی عمل کنم. این یک

۱- خطبهٔ عقد مورخهٔ ۱۳۷۵/۱۱/۲۰.
۲- بیانات در همایش بزرگ خواهران در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر ۱۳۷۶/۷/۳۰.
۳- سخنرانی در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان ۱۳۶۹/۱۰/۱۶.

جور ازدواج کردن است. یک وقت هم نه، کسی که ازدواج می کند، نه قدر خدا را می داند، نه قدر همسر را می داند. مثل آدم مست و غافل. این جور زندگی اگر هم پایدار بماند، شیرین نخواهد بود، همراه با انجام وظیفه نخواهد بود.[۱]

غفلت از پروردگار و ندانستن قدر همسر، موجب عدم پایداری خانواده خواهد بود.

۳- سمّ مهلک خانواده؛ رابطه بی قید و بند، عدم رعایت حدود بین زن و مرد و وجود آزادی های جنسی در جامعه

اگر انسانها رها بودند که غریزه ی جنسی را هر طور می خواهند، اشباع کنند، یا خانواده تشکیل نمی شد، یا یک چیز سست و پوچ و تهدید پذیر و ویرانی پذیر می شد و هر نسیمی او را به هم می زد. لذا در هر جای دنیا که می بینید آزادیهای جنسی هست، در آنجا به همان نسبت خانواده ضعیف است؛ چون مرد و زن برای اشباع این غریزه، احتیاجی به این کانون ندارند.[۲]

آزادی های جنسی باعث ویرانی و تضعیف خانواده است.

آنها (غربیها) مایل بوده اند که این حجاب بین زن و مرد، از بین برود، که این، البته برای زندگیِ جامعه مضرّ و برای اخلاق جامعه بد است. برای حفظ عفّت جامعه زیانبار و بخصوص برایِ خانواده از همه چیز بدتر است. این، بنیان خانواده را متزلزل می کند.[۳]

از بین رفتن حجاب بین زن و مرد، بنیان خانواده را متزلزل می کند.

در اسلام، تبرّج ممنوع است. تبرّج، یعنی همان خودنمایی زنان در مقابل مردان، برای جذب و فتنه انگیزی. این، یک نوع فتنه است و خیلی اشکالات دارد. اشکالش فقط این نیست که این دختر جوان، یا این پسر جوان به گناه می افتند - این اوّلیش است؛ شاید بتوانم بگویم کوچکترینش است - دنباله اش به خانواده ها می رسد. اساساً آن گونه رابطه ی بی قید و شرط و بی قید و بند، برای بنای خانواده سمٍّ مهلت است.[۴]

تبرّج و رابطه بی قید و بند، سمّ مهلکی برای بنیان خانواده است.

۱- خطبهٔ عقد مورخهٔ ۱۳۷۸/۱۱/۲۸.
۲- بیانات در مراسم اجرای عقد ازدواج ۱۳۷۰/۴/۲۰.
۳- دیدار گروهی از خواهران پرستار: ۱۳۷۳/۷/۲۰.
٤- گفت و شنود در دیدار جمعی از جوانان به مناسبت هفته ی جوان ۱۳۷۷/۲/۷.

۴- جابه جایی نقش و وظایف زن و مرد در خانواده

بعضی از مسلک های غلط که مخصوص زن ها هم نیست- مردها هم گاهی همان مسلک ها را دنبال می کنند- دنبال این هستند که بگویند: نه! بیاییم اجناس این ترازو (نقش های زن و مرد) را جا به جا کنیم. حالا اگر این کار را بکنیم چه می شود؟ جز این که اشتباه می کنید و جز این که بوستان به زیبایی و نیکی پرداخته شده را، خراب می کنید غیر از این، کار دیگری نمی کنید. فواید همدیگر را از بین می برید، محیط خانواده را هم بی اعتنا می کنید. زن و مرد را نسبت به هم دچار تردید و دو دلی می کنید. آن محبّت و عشقی را که مایه اصلی کار است، از دست می دهید. گاهی اتفاق می افتد مرد در خانه نقش زن را پیدا می کند. زن حاکم مطلق می شود و به مرد دستور می دهد این کار را بکن، آن کار را نکن. مرد هم دست بسته تسلیم است. خوب چنین مردی دیگر نمی تواند تکیه گاه زن باشد. زن یک تکیه گاه خوب را دوست می دارد. گاهی اوقات از این طرف مرد چیزهایی را به زن تحمیل می کند؛ فرض کنید که تمام خرید و کار و سر و کله زدن با مراجعان با خانم است. چرا؟ چون من کار دارم، وقت ندارم. مبنا وقت نداشتن است! می گوید باید بروم اداره، کارها را باید آن خانم انجام دهد. یعنی کارهای بی جاذبه و سنگین برای زن. البته ممکن است چند صباحی سرگرمش کند، اما کار او نیست. [۱]

جا به جا کردن نقشها و وظایف زن و مرد، تردید و دودلی ایجاد می کند و محیط خانواده را خراب و بی اعتنا می کند.

۵- بی اعتنایی به هنر مادری و هنر تربیت فرزند

گناه بزرگ تمدن مادی، تضعیف و گاهی به فراموشی سپردن این نقش (مادری) است. هر جا سخن از تضعیف خانواده است، نقش این بخش مهم (مادری) نادیده گرفته شده. هر جا سخن از بی اعتنایی به هنر مادری و هنر تربیت فرزند در آغوش پر مهر و محبت مادر است، این نقش (مادری) نادیده گرفته شده. [۲]

بی اعتنایی به هنر مادری و تربیت فرزند، خانواده را تضعیف می کند.

۶- عدم توجه به شاخصه های محبت

زن و شوهر باید به هم محبت داشته باشند، همین! کارهایی که محبت را کم می کند، انجام

۱- خطبهٔ عقد مورخهٔ ۱۳۷۸/۱۲/۲۲.
۲- بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا (س) ۱۳۸۴/۵/۵.

ندهید. مواظب باشید چیزهایی که شما را از هم گله مند و بیزار می کند، از شما سر نزند. درست نگاه کنید ببینید شوهر شما یا زن شما روی چه چیزهایی خیلی حساس است، از آن ها اجتناب کنید. بعضی ها بی اعتنایی می کنند.[۱]

آنچه محبت را کم می کند انجام ندهید.

مبادا با گله ها، با دلخوریها، با افزون طلبی و پرتوقعیها، با بی محبتیها، و گاهی با دخالتهای دیگران و از این قبیل، این کانون (خانواده) سست بشود.[۲]

دلخوری و توقع بالا و عدم محبت و دخالت دیگران خانواده راسست می کند.

بی اعتمادی، عدم وفاداری و سستی خانواده را در پی دارد.

اگر زن یا شوهر احساس کند که دل همسرش در گروی جای دیگر است، اگر احساس کند به او راست نمی گوید، اگر احساس کند با دورویی برخورد می کند، اگر احساس کند صمیمیتی در بین نیست، هرچه هم محبت داشته باشد، این محبت ضعیف خواهد شد... [۳]

بی اعتمادی، محبت را که پایه زندگی است تضعیف می کند.

۷- دخالت، بدگویی و ایجاد دلخوری توسط بزرگترها در زندگی زن و شوهر

بزرگترها اگر می خواهند، جوان ها راحت زندگی کنند، باید آن ها را نصیحت کنند و هدایت نمایند. اما دخالت نباید بکنند. بگذارند زندگی شان را بکنند.[۴]

نصیحت و هدایت جوانها نباید تبدیل به دخالت در زندگی آنها شود.

مبادا بعضی ها با دخالت های خودشان، بعضی ها با کم ظرفیتی و خوی بچگی خودشان، این بنای مستحکم را به اندک چیزی متزلزل کنند. اگر دیدند دخالت های آنها دارد این زن و شوهر را نسبت به هم دل چرکین می کند، دیگر اجازه ندارند دخالت کنند.[۵]

اگر دخالت دیگران موجب دل چرکین شدن و تزلزل بنای خانواده شود، ممنوع است.

۱- خطبهٔ عقد مورخهٔ ۱۳۷۱/۹/۲۴.
۲- بیانات در مراسم اجرای عقد ازدواج ۱۳۷۰/۴/۲۰.
۳- خطبهٔ عقد مورخهٔ ۱۳۷۹/۱۲/۲۱.
۴- خطبهٔ عقد مورخهٔ ۱۳۷۴/۵/۱۸.
۵- خطبهٔ عقد مورخهٔ۱۳۷۵/۲/۱۷.

باید جوان ها را هدایت کرد، کرد اما در جزئیات امور آنها نباید خیلی دخالت کرد که زندگی برای آنها مشکل شود.[۱]

هدایت جوانها نباید تبدیل به دخالت در زندگی آنها شود.

مبادا خدای نکرده بزرگترها بیایند پیش یکی از زوجین، از آن دیگری بدگویی کنند و یک چیزی بگویند و دلخوری درست کنند، بلکه باید بزرگترها سعی کنند بیشتر این ها را به هم نزدیکتر نمایند و دلهایشان را به هم متصل تر کنند.[۲]

بزرگترها بین زوجین دلخوری بوجود نیاورند بلکه آنها را به هم متصل تر کنند.

منزلت زن در خانواده اسلامی

۱-زن همانند گل در محیط زندگی، نه کارپرداز خانه

«المرأه ریحانه ولیست بقهرمانه»[۳] قهرمان، یعنی همین کارپرداز امروز زندگی... این زن، کارپرداز شما نیست که همه کارهای زندگیتان را روی دوش او بگذارید و بعد هم از او مواخذه کنید. نه! این یک گلی است در دست شما... حتی اگر دانشمند یا سیاستمدار باشد، دربحث معاشرت خانوادگی او گل است.[۴]

زن در خانواده همانند گل است.

در داخل خانواده هم، از نظر اسلام مرد موظف است که زن را مانند گلی مراقبت کند. می فرماید: «المرأه ریحانه»؛ زن گل است. این مربوط به میدانهای سیاسی و اجتماعی و تحصیل علم و مبارزات گوناگون اجتماعی و سیاسی نیست؛ این مربوط به داخل خانواده است. «المرأه ریحانه و لیست بقرمانه»؛ این چشم و دید خطابینی را که گمان می کرد زن در داخل خانه موظف به انجام خدمات است، پیغمبر با این بیان تخطئه کرده است. زن مانند گلی است که باید او را مراقبت کرد. با این چشم باید به این موجود دارای لطافتهای روحی و جسمی

۱- خطبهٔ عقد مورخهٔ ۱۳۷۶/۹/۶.
۲- خطبهٔ عقد مورخهٔ ۱۳۷۷/۸/۱۱.
۳- بحار الانوار ، ج ۱۰۰، ص ۲۵۳.
٤- خطبهٔ عقد مورخهٔ ۷۹/۶/۲۸.

نگاه کرد. این نظر اسلام است.[۱]

زن موظف به انجام کارِ خانه نیست بلکه مانند گلی است که باید از او مراقبت کرد.

جایگاه زن در خانواده، همانی است که در گفتارهای گوناگون ائمه (علیهم السّلام) آمده: «المرأه ریحانه و لیست بقهرمانه». در تعبیرات عربی، قهرمان یعنی کارگزار، پادو ، یک خدمتگزار محترم، می فرماید: در داخل خانه، زن قهرمانه نیست؛ ریحانه است، گلِ خانه است.[۲]

زن در خانه کارپرداز و خدمتگذار نیست.

۲- عضو اصلی و دارای جایگاه اساسی و رفیع در خانواده

وقتی خانواده هست، همسر و مادر عضو اصلی است. زن در این مجموعه، جای بسیار اساسی و رفیعی دارد. به همین خاطر، وقتی اصل خانواده – یعنی زن- زیر سئوال و متزلزل است، در آن‌جا هیچ چیزی در جای خودش قرار ندارد.[۳]

جایگاه زن در خانواده، بسیار اساسی و رفیع و عضو اصلی است.

در مسأله ی زن آنچه که در درجه ی اوّل اهمیت قرار دارد، مسأله ی «خانواده» است؛ نقش زن به عنوان عضوی از خانواده. به نظر من از همه ی نقشهائی که زن می تواند ایفاء کند، این اهمیتش بیشتر است. البته بعضی ها اینطور حرفها را در همان نظر اول با شدت رد می کنند و می گویند آقا شما می خواهید زن را توی خانه اسیر کنید، محبوس کنید، از حضور در صحنه های زندگی و فعالیت باز بدارید؛ نه، به هیچ وجه قصد ما این نیست؛ اسلام هم این را نخواسته.[۴]

نقش زن در خانواده از نقش های دیگر او مهمتر است.

۱- بیانات در دیدار با گروه کثیری از بانوان ۱۳۷۹/۶/۳۰.
۲- بیانات مقام معظم رهبری با زنان نخبه ۹۰/۳/۱.
۳- سخنرانی در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان ۱۳۶۹/۱۰/۱۶.
٤- دیدار گروهی از زنان نخبه در آستانه سالروز میلاد حضرت زهرای اطهر (س) ۸۶/۴/۱۳ .

۳- نقطه اتکاء برای مسائل روحی و معنوی زندگی و خانواده

زن به نوبه خود نقطه اتکاء است برای مسائل روحی و معنوی زندگی، دریایی است از انس و محبت می تواند مرد را در این فضای سرشار از محبت، از همه غصه ها و غمهای خودش خارج کند. اینها تواناییهای روحی اوست.[۱]

زن، در مسائل روحی و معنوی، نقطه اتکاست.

زن را به چشم آن عنصر اصلی تشکیل خانواده در نظر بگیرید؛ که خانواده اگر چه از مرد و زن تشکیل می شود و هر دو در تشکیل خانواده و موجودیت آن مؤثرند، اما آسایش فضای خانواده، آرامش و سکونتی که در فضای خانه است، به برکت زن و طبیعت زنانه است. با این چشم به زن نگاه کنند تا معلوم شود که او چگونه کمال پیدا می کند و حقوقش در چیست.[۲]

آسایش و سکونت خانه به برکت وجود زن است.

۴- شمع جمع افراد خانواده

شمع جمع افرا خانواده است؛ مایه ی انس و سکینه و آرامش است. کانون خانواده –که حوضچه‌ی آرامش زندگی پرچالش و پر تلاش هر انسانی است– به وجود زن آرام می گیرد و سکینه و اطمینان پیدا می کند. آن وقت نقش او به عنوان همسر، به عنوان مادر، به عنوان دختر خانواده، هر کدام یک فصل طولانی در تکریم دارد.[۳]

زن، شمع جمع افراد خانواده است و نقشهای همسری و مادری و دخترِی زن قابل تکریم است.

۵- «المرأه سّده بیتها»؛ بزرگ خانه و محور مدیریت درونی خانواده

نظر اسلام در باب خانواده و جایگاه زن در خانواده، نظر خیلی روشنی است . «المرأه سیّده بیتها»[۴]؛ بزرگ خانه، زن خانه است؛ این از پیغمبر اکرم است.[۵]

بزرگِ خانه، زن خانه است.

۱- خطبهٔ عقد مورخهٔ ۸۱/۶/۶ .
۲- بیانات در دیدار گروهی از زنان بمناسبت فروخنده میلاد حضرت زهرا (س)و روز زن – ۱۳۷۱/۹/۲۵.
۳- بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا (س) ۱۳۸۴/۵/۵.
٤- کنز الاعمال، منفی هندی، ج ۶، ص ۲۲.
٥- بیانات مقام معظم رهبری با زنان نخبه در تاریخ ۹۰/۳/۱.

در واقع، خانواده را هم زن به وجود می آورد و اداره می کند؛ این را بدانید. آن عنصر اصلیِ تشکیل خانواده، زن است، نه مرد.[۱]

عنصر اصلیِ تشکیل خانواده، زن است، نه مرد.

زن در داخل خانواده، عزیز و مکرّم و محور مدیریت درونی خانواده است.[۲]

زن، مدیر درونی خانواده است.

۶- پایه ی تربیت مردم و عامل گسترش فضای اخلاقی و معنوی در سطح جامعه

امروز در جامعه ی ما خوشبختانه از این نعمت بزرگ، سهم وافری باقی است؛ اگر چه دشمنان سعی می کنند آن را تاراج کنند و از بین ببرند. اما در کشورها و جوامعی که زن چنین هویتی ندارد، می بینید پایه های تربیت مردم می لنگد و فضای اخلاقی و معنوی جامعه هم دچار مشکل می شود. همه ی ارزشهای معنوی را می توان از درون کانون گرم خانواده – که محور آن، زن خانواده است؛ کدخدای این مجموعه، آن مجسمه ی عاطفه است- بیرون کشید و معنویات را در سطح جامعه گستراند.[۳]

زن، محور تربیت و باعث گسترش معنویت در جامعه است.

وظایف و نقش مرد در خانواده

۱- قدر دانی از زحمات زنان در خانه

یک کلمه هم درباره‌ی نقش مردان عرض کنیم. در خانواده هی گفته میشود نقش زن. دلیلش هم واضح است؛ چون زن در خانواده عنصر محوری است. اما اینجور نیست که مرد در خانواده وظیفه و مسئولیت و نقشی نداشته باشد. مردهای بی‌خیال، مردهای بی‌عاطفه، مردهای عیاش، مردهای قدرنشناس زحمات زن خانه، اینها به محیط خانه لطمه میزنند. مرد باید قدردان باشد. جامعه باید قدردان باشد.[۴]

۱- بیانات در اجتماع زنان خوزستان ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.
۲- بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا (س) ۱۳۸۴/۵/۵.
۳- بیانت در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۸۴/۳/۲۵
۴- بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی۱۳۹۰/۱۰/۱۴.

نقش مرد، قدردانی از زحمات زن خانه

در داخل خانواده هم، از نظر اسلام مرد موظّف است که زن را مانند گلی مراقبت کند. می‌فرماید: «المرأة ریحانة»؛ زن گل است. این مربوط به میدانهای سیاسی و اجتماعی و تحصیل علم و مبارزات گوناگون اجتماعی و سیاسی نیست؛ این مربوط به داخل خانواده است. «المرأة ریحانة و لیست بقهرمانة»؛ این چشم و دید خطابینی را که گمان می‌کرد زن در داخل خانه موظّف به انجام خدمات است، پیغمبر با این بیان تخطئه کرده است. زن مانند گلی است که باید او را مراقبت کرد. با این چشم باید به این موجود دارای لطافتهای روحی و جسمی نگاه کرد. این نظر اسلام است. هم خصوصیت زنانگی زن که همه‌ی احساسات و خواستهای او بر اساس این خصوصیت زنانگی است، حفظ شده است، بر او تحمیل نشده است، از او خواسته نشده است، که در حالی که زن است، مثل مرد فکر کند، مثل مرد کار کند، مثل مرد بخواهد.[۱]

در اسلام مرد موظّف است که زن را مانند گلی مراقبت کند

۲- عدالت در رفتار با خانواده

خطاب به مردان می فرماید: بهترین شما کسانی هستند که بهترین رفتارها را با همسرانشان دارند. اینها نظرات اسلام است و از این قبیل الی ماشاء الله وجود دارد.[۲]

بهترین مردان، کسانی هستند که با همسرانشان بهترین رفتار را دارند.

عدالت صرفاً در اقتصاد نیست؛ در همه ی امور بایستی انسان از خدای متعال بخواهد که عادلانه عمل کند؛ با خودش هم انسان با عدالت رفتار کند؛ با نزدیکانتان با عدالت رفتار کنید؛ با زن و فرزندانتان با عدالت رفتار کنید.[۳]

عدالت در رفتار با زن و فرزندان

۳- حفظ کانون خانوادگی

این یک تکلیفی است که انسان بایستی همسرش، فرزندانش، خانواده اش و کانون خانوادگی را حفاظت بکند. «قوا انفسکم و اهلیکم نارا و قودها الناس و الحجاره»؛ خودتان و اهلتان را حفظ کنید.[۴]

۱- بیانات در دیدار با گروه کثیری از بانوان۳۰/ ۰۶/ ۱۳۷۹.
۲- بیانات مقام معظم رهبری با زنان نخبه ۹۰/۳/۱.
۳- بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۸/۶/۱۸.
٤- همان.

حفظ کانون خانوادگی

۴- اجرت خانمها در مقابل کارِ خانه

مسئله اجرت خانمها در کار داخل خانه، این را بگویم که من خودم اعتقاد به این دارم حالا میخواهید عمل کنید میخواهید عمل نکنید.[۱]

اجرت خانمها در کار داخل خانه

حقوق مرد در خانواده

۱- خروج زن از خانه، با اجازه شوهر

مرد فقط در چند مورد- که من یک مورد را تصریح می‌کنم و یکی، دو مورد دیگر را تصریح نمی‌کنم- حق دارد به زن دستور بدهد و زن موظّف است که دستور را عمل کند. آن موردی که تصریح می‌کنم، این است که مرد می‌تواند از خروج زن از خانه بدون اجازه‌ی خود جلوگیری کند؛ به شرط اینکه در هنگام عقد ازدواج، شرطی در این مورد انجام نگرفته باشد. اگر شرطی در بین نباشد، مرد می‌تواند مانع شود. این، یکی از آن رازهای دقیق احکام الهی است و این، حق فقط به شوهر داده شده و حتّی به پدر هم داده نشده است. پدر نمی‌تواند دختر خود را موظّف کند که اگر خواست بیرون برود، از او اجازه بگیرد. پدر چنین حقّی ندارد، یا برادر چنین حقّی نسبت به خواهر ندارد؛ اما شوهر این حق را نسبت به زن دارد. البته در هنگام صیغه‌ی عقد، زنان می‌توانند شروطی را به عنوان شرط عقد ازدواج ذکر کنند. این شروط را هم زن و هم مرد موظّفند که عمل کنند.بنابراین، اگر شرط کردند، آن بحث دیگری است؛ اما در درجه‌ی اوّل، این طور است. یکی، دو مورد دیگر هم هست که زن موظّف است در آن موارد، از مرد اطاعت کند.[۲]

جلوگیری از خروج زن از خانه، از حقوق مرد

۲- اعمال قدرت و زورگویی و رفتار مستخدم گونه با زنان، ممنوع

چون بعضی از مردان، نسبت به زنان زورگویی و ظلم و تعدّی می‌کردند، اسلام در مقابل این

۱- کلیپ صوتی از مقام معظم رهبری درباره بانوان، که تاریخ ایراد آن مشخص نیست.
۲- بیانات در اجتماع زنان خوزستان۲۰/ ۱۲/ ۱۳۷۵.

ظلم و تعدّی ایستاده است. وقتی‌که عائله تشکیل می‌شود، در داخل عائله، از نظر اسلام، زن و شوهر دو شریک زندگی هستند و باید نسبت به یکدیگر با محبت رفتار کنند. مرد حق ندارد به زن زور بگوید؛ زن هم حق ندارد به مرد زور بگوید. [۱]
مرد حق زورگویی به زن را ندارد

... در داخل خانواده هم به مرد گفته‌اند که حقّ تکلیف، تحمیل، زیاده‌روی، اعمال قدرتهای جاهلانه و غیر قانونی ندارد. این، آن نگاه اسلامی است.[۲]

مرد حق اعمال قدرت غیر قانونی ندارد
بعضی از مردان خیال می‌کنند که زن وظیفه دارد همه‌ی کارهای مربوط به آن‌ها را انجام دهد. البته در محیط خانواده، زن و مردی که به هم علاقه دارند، با کمال میل و شوق، کارها و خدمات یکدیگر را انجام می‌دهند؛ اما انجام دادن از روی میل، غیر از این است که کسی احساس کند، یا این طور عمل کند که گویا وظیفه‌ی زن است که باید مثل یک مستخدم، خدمت مرد را به آن شکل انجام دهد. چنین چیزی در اسلام وجود ندارد.[۳]
مرد حق ندارد با زن مثل یک مستخدم رفتار کند

نقش و رسالت متقابل زن و مرد

۱- حفظ و استحکام بنیان خانواده

نمی شود بگوییم شوهر سهم بیشتری دارد یا زن سهم بیشتری دارد، نه، هر دو در حفظ این بنیان و در حفظ این اجتماع دو نفره، که بعدها به تدریج زیاد می شود، نقش دارند.[۴]

زن و شوهر هر دو در حفظ بنیان خانواده نقش دارند.

در استحکام بنیان خانواده، خود زن و شوهر بیشترین نقش دارند. با گذشت خودشان، با همکاری خود، با مهربانی و محبت و اخلاق خوب خودشان- که از همه مهمترین هم محبت است- می توانند این بنا را ماندگار و این سازگاری را همیشگی بکنند. [۵]

۱- همان.
۲- بیانات در دیدار با گروه کثیری از بانوان ۳۰/ ۰۶/ ۱۳۷۹.
۳- بیانات در اجتماع زنان خوزستان ۲۰/ ۱۲/ ۱۳۷۵.
۴- خطبهٔ عقد مورخهٔ ۱۳۷۹/۵/۱۶.
۵- خطبهٔ عقد مورخهٔ ۱۳۷۹/۱۱/۱۷.

زن و شوهر با گذشت و مهربانی و محبت و اخلاق خوب در استحکام بنیان خانواده بیشترین نقش را دارند.

۲- بهشتی و سعادتمند کردن یکدیگر

ازدواج و اختیار همسر، گاهی در سرنوشت انسان مؤثر است. خیلی از زنها هستند که شوهرانشان را بهشتی می کنند. خیلی از مردها هم هستند که زن هایشان را بهشتی می کنند. عکس آن هم هست. اگر زن و شوهر این کانون خانوادگی را قدر بدانند و برای آن اهمیت قائل باشند، زندگی، امن و آسوده خواهد شد و کمال بشری برای زن و شوهر در سایه ازدواج خوب ممکن خواهد شد.[۱]

زن و شوهر می توانند یکدیگر را بهشتی کنندو به کمال بشری دست یابند.

خیلی از زنها هستند که شوهر خودشان را بهشتی می کنند. خیلی از مردها هم هستند که همسر خود را حقیقتاً سعادتمند می کنند. موارد عکس این هم هست. ممکن است مردهای خوبی باشند، زن هایشان آن ها را اهل جهنم کنند و زن های خوبی باشند که مردهایشان آن ها را اهل جهنم کنند. اگر چنانچه زن و مرد هر دو توجه داشته باشند، با توصیه های خوب، با همکاری های خوب، با مطرح کردن دین و اخلاق در محیط خانه – آن هم بیشتر از مطرح کردن زبانی، مطرح کردن عملی – این طور یکدیگر را کمک می کنند. آن وقت زندگی کامل و حقیقتاً وافی و شافی خواهد شد.[۲]

زن و شوهر با مطرح کردن عملی دین و اخلاق در خانواده، یکدیگر را بهشتی و سعادتمند کنند.

در دوران بسیار دشوار سال های مبارزات و همچنین سال های انقلاب، خیلی از زن ها، شوهران خود را با صبر و همکاری شان بهشتی کردند. مردها رفتند در جبهه های گوناگون و خطرات را متحمل شدند. این زنها در خانه ها لرزیدند و دچار تنهایی و غربت گشتند اما زبان به شکوه باز نکردند، شوهران خود را تشویق هم کردند. این ها شوهران خود را بهشتی کردند و الا می توانستند طوری عمل کنند که شوهرهایشان از رفتن به جبهه و از ورود در میدان مبارزه، از ادامه مبارزه پشیمان شوند. می توانستند این طوری عمل کنند ولی نکردند. بی صبری نشان ندادند. شوهرانی هم بودند که همسران شان را بهشتی کردند، هدایت آنها، همکاری آنها، دستگیری و کمک آنها موجب شد که این زنها بتوانند در راه خدا حرکت کنند.

۱- خطبهٔ عقد مورخهٔ ۱۳۷۵/۲/۱۰.
۲- خطبه عقد مورخه ۱۳۷۷/۱۲/۱۱.

عکس آن را هم داشته ایم. زنهایی بوده اند که شوهران خود را اهل جهنم کرده اند و مردهایی هم بوده اند که زنهای خود را جهنمی کرده اند.[۱]

زن و شوهر می توانند یکدیگر را هدایت کرده و بهشتی کنند ویا یکدیگر را جهنّمی کنند.

۳- کمک به یکدیگر در راه تحصیل علم، کمال، تقوی و سازگاری

می توانید با هم همکاری کنید، همدیگر را اهل بهشت کنید، همدیگر را سعادتمند کنید، همدیگر را در راه تحصیل علم، تحصیل کمال، پرهیزکاری، تقویت و سازگاری زیستی کمک کنید. [۲]

زن و شوهر می توانند یکدیگر را بهشتی و سعادتمند کنند.

۴- زن، عامل آرامش و آرایش معنوی؛ مرد، محلّ اعتماد و اتّکاء

اسلام، مرد را قوّام[۳] و زن را ریحان[۴] می داند. این، نه جسارت به زن است و نه جسارت به مرد. نه نادیده گرفتن حق زن است و نه نادیده گرفتن حق مرد؛ بلکه، درست دیدن طبیعت آنهاست. ترازوی آنها هم اتفاقاً برابر است؛ یعنی وقتی جنس لطیف و زیبا و عامل آرامش و آرایش معنوی محیط زندگی را در یک کفه می گذاریم، و این جنس مدیریت و کارکرد و محلّ اعتماد و اتّکاء بودن و تکیه گاه بودن برای زن را هم در کفه دیگر ترازو می گذاریم، این دو کفه با هم برابر می شود. نه آن بر این ترجیح دارد و نه این بر آن.[۵]

زن جنس لطیف و زیبا و عامل آرامش و آرایش معنوی محیط زندگی و مرد جنس مدیریت و کارکرد و محلّ اعتماد و اتّکاء بودن و تکیه گاه بودن برای زن است.

نوع نگاه زن به مرد با نگاه مرد به زن بطور طبیعی مختلف است، باید هم مختلف باشد، ایرادی هم ندارد. مرد به زن به صورت یک الگوی زیبایی، الگوی ظرافت، الگوی حساسیت نگاه می کند، او را لطیف می بیند. اسلام هم همین را تأکید کرده:«المرأه ریحانه» یعنی زن گل است. در این نگرش، زن، یک موجودی است رقیق، مظهر زیبایی و لطافت و رقّت و مرد به

۱- خطبهٔ عقد مورخهٔ ۱۳۷۹/۱۲/۲۳.
۲- همان.
۳- اشاره به آیه کریمه : الرجال قوامون علی النساء.... سوره نساء آیه ۳۴.
۴- اشاره به حدیث معروف حضرت علی علیه السلام: المرأه ریحانه و لیست بقهرمانه، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۵۳.
۵- خطبهٔ عقد مورخهٔ ۱۳۷۸/۱۲/۲۲.

این چشم به او می نگرد. محبت او را در این قالب ترسیم و مجسم می کند. مرد در چشم زن، مظهر اعتماد، نقطهٔ اتکاء و اعتماد است و محبت خودش را به او در این قالب ترسیم می کند. این دو تا، دو نقش جداگانه است که یکدیگر و هر دو نقش لازم است و زن وقتی به مرد نگاه می کند، با همان چشم محبت و عشق، او را در نقش یک تکیه گاه می بیند که می تواند ازنیروهای جسمی و فکری او برای پیشبرد کار زندگی استفاده کند؛ مثل یک موتور. مرد وقتی به زن نگاه می کند، به چشم مظهر انس و آرامش می نگرد و می تواند به انسان آرامش بدهد. اگر مرد نقطهٔ اتکاء در زمینه مسائل ظاهر زندگی است، زن هم به نوبه خود نقطهٔ اتکاء است برای مسائل روحی و معنوی زندگی. دریایی است از انس و محبت. می تواند مرد را در این فضای سرشار از محبت، از همه ی غصه ها و غمهای خودش خارج کند. اینها تواناییهای مرد و زن است. تواناییهای روحی آنهاست.[۱]

زن مظهر انس و آرامش و مرد مظهر اعتماد و نقطه اتکا و در خانواده است.

وظایف و نقش فرزند در خانواده

۱–احترام به پدر و مادر

فرزندان عزیزم، از محبت پاک و پرشور شما متشکرم. شما کودکان و نوجوانان عزیز در دل من جای دارید و من شما را دعا می‌کنم. همت کنید تا هم درس شما پیشرفت کند و هم با کتابهای دینی خوب و مفید، انس پیدا کنید. به نماز اهمیت بدهید و هر روز قرآن بخوانید و اگر می‌توانید آن را حفظ کنید. احترام پدر و مادر را لازم بدانید و به ورزش و فعالیتهای اجتماعی اهمیت بدهید و خلاصه با تلاش و خودسازی فکری و روحی و جسمی خود را برای مسئولیتهای زندگی در جامعه‌ی اسلامی آماده کنید تا بتوانید کشور اسلامی خود را پیش ببرید. موفق باشید.[۲]

احترام به پدر و مادر برای فرزندان لازم است

فرزندان هم نقش دارند. یکی از مهمترین بخشهای خانواده، فرزندانند؛ نقش آنها هم احترام به والدین است. که دیگر حالا این هم داستان مفصلی است.[۳]

---

۱ - خطبهٔ عقد مورخهٔ ۱۳۸۱/۶/۶.
۲– پاسخ به نامه‌ی یک نوجوان ۰۴/ ۰۴/ ۱۳۷۵.
۳– بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی ۱۳۹۰/۱۰/۱۴.

نقش فرزندان،احترام به والدین است

۲- حق مادر بر فرزند، سنگین‌تر و لازم‌تر

پس، در اسلام همه‌ی این مقامات معنوی و درجات انسانی، بین زن و مرد بالسّویه تقسیم شده است. در این موارد، مرد و زن با یکدیگر مساوی و برابرند. هرکس که برای خدا کار کند، «من ذکرٍ او انثی (۷۲۱)»؛ چه مرد باشد و چه زن، «فلنحیینّه حیاتاً طیّبهً (۸۲۱)». اسلام در برخی جاهًا حتی زن را بر مرد ترجیح داده است. مثلاً آنجا که مرد و زن، پدر و مادری هستند که فرزندی دارند، این فرزند اگرچه فرزند هر دو نفر است، اما خدمتگزاری فرزند در مقابل مادر، لازم‌تر است. حقّ مادر بر گردن فرزند، بیشتر و وظیفه‌ی فرزند نسبت به مادر سنگین‌تر است.[۱]

حق مادر بر فرزندان، سنگین تر و لازم تر است

حقوق فرزند در خانواده

۱- تربیت و رسیدگی عاطفی و حفظ ایمان

حقوق کودکان را تضییع کردن، فقط به این هم نیست که انسان به آن‌ها محبّت نکند؛ نه. سوء تربیتها، بی‌اهتمامی‌ها، نرسیدنها، کمبود عواطف و از این قبیل چیزها هم ظلم به آن‌هاست.[۲]

تربیت و رسیدگی عاطفی از حقوق فرزندان

به فرزندانتان برسید؛ «قوا أنفسکم و أهلیکم ناراً وقودها النّاس و الحجارهٔ». حق نداریم فرزندان را رها کنیم. سعی‌تان این باشد که ایمانشان را حفظ کنید. کاری نکنید که ایمان جوان‌تان، دختر و پسرتان –اگر دانشجوست، اگر کاسب است، اگر مشغول کار دیگر است– به مبانی شما متزلزل شود. گاهی انسان با دست و زبانِ بی‌مهار و بیرون از کنترل و با عمل غلط خَودش کاری می‌کند که جوانِ خود را از دین و مبانی دینی و اعتقادات و اصول دور می‌کَند؛ او را بی‌اعتقاد می‌کند. ما چنین کسانی را داشتیم؛ از هر دو طرف هم ممکن است. گاهی با سخت‌گیری‌های بی‌جا –که بنده به سختگ‌یری‌های بی‌جا اصلاً توصیه نمی‌کنم– و گاهی هم با برخورد تند و تلخ و ترش، بعضی‌ها بچه‌ها را زده می‌کنند؛ بعضی هم از آن طرف با بی‌مبالاتی‌ها و لاابالی‌گری‌ها و امکانات بی‌حساب در اختیار بچه‌ها گذاشتن و از هر غلطِ

۱- بیانات در دیدار گروهی از خواهران پرستار، به مناسبت ولادت حضرت زینب (س) ۲۰/ ۰۷/ ۱۳۷۳.
۲- بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۲۵/ ۰۹/ ۱۳۷۹.

آن‌ها با اغماض چشم‌پوشی کردن، بچه‌ها را با دست خود طرد می‌کنند؛ در نتیجه بچه فاسد و خراب می‌شود. باید با منطق و برخورد صحیح و مهربانانه با فرزندان برخورد کرد. «قوا أنفسکم و أهلیکم»؛ جوان و همسرتان را باید حفظ کنید؛ این جزو وظایف شماست. این، اثر تشدید کننده دارد؛ یعنی وقتی در خانواده‌ای، جوان یا یک عضو خانواده خدای نکرده نقطه ضعفی پیدا کرد؛ مثل لکه سیاهی شد روی دندان و مینای دندان در این نقطه خراب شد، به‌تدریج روی ذهن مخاطب‌های خودش و پدر و مادرش اثر می‌گذارد و همین‌طور اثرهای متقابلِ تشدیدکننده دارد؛ در نتیجه آن حقیقت و معنویت را از دست می‌دهد.[۱]

رسیدگی به فرزندان و حفظ ایمان آنان

این آیه‌ی شریفه برای من همیشه جالب بوده است: «الّذین آمنوا و اتّبعتهم ذرّیتهم بأیمان الحقنا بهم ذرّیتهم و ما ألتناهم من عملهم من شیء»؛ کسانی که توانسته‌اند ایمان ذریه‌ی خود را حفظ کنند- و لو عمل ذریه، آن‌چنان برجسته نیست- ما در درجات عالیِ معنوی، ذریه را به آن‌ها ملحق می‌کنیم. در روایت دارد: «لتقرّ عیونهم»؛ تا چشمهایشان روشَن شود. مؤمن که شما باشید، اگر توانستید بچه‌ی خود را مؤمن بار بیاورید، خدای متعال کمبودهای این بچه را در قیامت، در بهشت و در عرصات دشواری که در برابر شماست، جبران می‌کند؛ او را به شما می‌رساند تا چشم و دل شما روشن شود. خدا برای یک مؤمن خیلی ارزش قائل است.[۲]

حفظ ایمان ذریه، موجب روشنی چشم مؤمن در قیامت

۲- مأنوس کردن فرزندان با نماز

حقیقت آن است که نماز با نقش عظیم تربیتی، با تأثیر شگرف در ایجاد آرامش و سکینه‌ی قلبی مؤمنان، با دمیدن روح توکل و تقوا و اخلاص در نمازگزار، با ایجاد فضای تقدس و معنویت در پیرامون نمازگزار که موجب دوری او و دیگران از گناه است، و با درسهای معرفتی گوناگون که در الفاظ و اذکار آن نهفته است، بسی بیش از صرفاً یک وظیفه‌ی شخصی، و در واقع دارای نقش کلیدی در اداره‌ی فرد و جامعه است. تأکیدهای بلیغی که بر گزاردن این واجب شده، و حتی پدر و مادر موظف شده‌اند که فرزند خود را از دوران کودکی با آن مأنوس سازند، در میان همه‌ی واجبات دینی بی‌نظیر است؛ و این به خاطر نقش استثنایی نماز در تنظیم انگیزه‌های روانی فرد و تأمین فضای مساعد برای تحمل بارهای سنگین وظیفه در جامعه است.[۳]

۱- بیانات در دیدار مسؤولان نظام ۸۳/۰۸/۰۶ .
۲- پیام به اجلاس نماز ۰۷/ ۰۷/ ۱۳۷۶.
۳ - بیانات در دیدار مسؤولان نظام ۸۳/۰۸/۰۶ .

خانواده در غرب و فرهنگ غربی

۱- جایگاه سست و متزلزل خانواده

امروز، توده ی معمولی مردم امریکا و اروپا- نه قدرتمندها و تبلیغات چی هایشان – از سست بودن بنیان خانواده رنج می برند. زنها و مردها، در یک حد از متلاشی شدن خانواده ها رنج می برند و ناراحتند و این، روز به روز تشدید می شود و البته آخرین ضربه است.[۱]

مردم امریکا و اروپا از سست بودن بنیان خانواده رنج می برند.

امروز یکی از بزرگترین بلاهایی که گریبان کشورای غربی را به شدّت گرفته و آنها را به وضعیت نامطلوب شدید دچار کرده، مسأله ی خانواده است. لذا هر مردی که شعار خانواده بدهد، از نظر غربیها و بخصوص از نظر زنان در غرب، یک فرد مطلوب و یک مرد محبوب است. چرا؟ چون از تزلزل بنیاد خانواده رنج می برند؛ به خاطر این که متأسفانه غرب، خانواده را – یعنی کانونی را که برای مرد و زن و بخصوص برای زن، محیط امن و آرامش است- از دست داده است. بسیاری از خانواده ها متلاشی شده اند. بسیاری از زنان تا آخر عمر تنها زندگی می کنند. بسیاری از مردان، زنِ مورد علاقه و مورد نظر خود را نمی یابند و بسیاری از زوجها در اوّلین سالهای پیدایش از بین می رود.[۲]

بنیاد خانواده در غرب متزلزل، تحمیلی و تشریفاتی و بی معناست.

امروز متأسفانه در غرب، انسان مشاهده می کند که کم کم کانون خانواده یکی پس از دیگری دارد از هم می پاشد و از بین می رود. آثارش هم همین بی هوّیتیِ فرهنگی و فسادی است که امروز دچارش شده اند. روز به روز هم دارد بیشتر می شود وَ بقایای آنچه را که داشته اند، دارد از بین می رود.[۳]

کانون های خانواده در غرب یکی پس از دیگری در حال فروپاشی ونابودی است.

۲- تحمیلی، تشریفاتی و بی معنا بودن خانواده

در دنیای غرب و به خصوص در آمریکا به بعضی از کشورهای اروپایی شمالی معروف

۱- سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و جمعی از پزشکان، پرستاران و کارکنان مراکز آموزش عالی و درمانی کشور ۱۳۶۸/۹/۱۵.
۲- بیانات در همایش بزرگ خواهران در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر ۱۳۷۶/۷/۳۰.
۳- خطبهٔ عقد مورخهٔ ۱۳۷۷/۴/۱۸.

است که بنیان خانواده خیلی متزلزل است... وقتی بی عفتی رایج شد؛ یعنی مرد و زن این نیاز غریزی را در جایی دیگر غیر از خانواده، غیر از کانون خانواده، تأمین کردند، این کانون خانواده در واقع یک چیز بی معناست؛ یک چیز تحمیلی و تشریفاتی است؛ لذا از نظر عاطفی از هم جدا می شوند. حالا ظاهراً جدایی بینشان نیست، اما به هم علاقه و دلبستگی ندارند.[۱]

بنیان خانواده در غرب متزلزل، تحمیلی و تشریفاتی و بی معناست.

۳- واقعیت نداشتن مسأله ای به نام خانواده

خانواده ها، آنجا گرم نیستند. خانواده اصلاً آن جا واقعیت ندارد. یک مرد و زن با هم توی یک فضایی زندگی می کنند، امّا از هم جدایند.[۲]

خانواده در غرب واقعیت ندارد.

من در یک سخنرانی در سازمان ملل، حدود یک ساعت و اندی راجع به خانواده صحبت کردم. بعد به من اطلاع دادند که تلویزیون های آمریکا با اصراری که در سانسور کردن و خراب کردن حرف های ما دارند، روی این صحبت ها تکیه کرده و آن را چند بار پخش کرده و تفسیر هم گذاشته اند. فقط به خاطر گفتن یک کلمه درباره خانواده. یعنی پیام متضمن مسأله خانواده، امروز برای غرب یک پیامی است مثل آب خنکِ گوارا، چون کمبود آن را حس می کنند. چقدر زیادند زن هایی که تا آخر عمر تنها زندگیَ می کنند، مردهایی که تا آخر عمر تنها زندگی می کنند؛ غریب و بی انس، چقدر جوانانی که به خاطر نبودِ خانواده، ولگرد می شوند. در آن جا یا خانواده نیست یا اگر باشد، مثل نبودن است![۳]

در غرب یا خانواده نیست یا اگر باشد مثل نبودن است.

۴- خانواده، فقط یک قرار داد موقت قانونی

آن نشست و برخاست های خانوادگی، آن محبّت های خانوادگی، آن انس های فراوان به هم، این که مرد خودش را محتاج به زنش ببیند و زن خودش را محتاج به شوهرش ببیند، این ها دیگر نیست. دو نفرند به صورت قراردادی که فقط در یک خانه ای زندگی می کنند. اسمش هم هست که با عشق شروع می شود![۴]

۱- خطبهٔ عقد مورخهٔ ۱۳۸۰/۱۲/۹.
۲- خطبهٔ عقد مورخهٔ ۱۳۷۳/۹/۲.
۳- خطبهٔ عقد مورخهٔ ۱۳۷۶/۹/۲۴.
٤- خطبهٔ عقد مورخهٔ ۱۳۷۳/۹/۲.

خانواده در غرب، به صورت یک قرار داد و زندگی در یک خانه است، بدون محبت.

اگر شما می شنوید که در برخی از کشورهای غربی، فرزند و پدر در یک شهر زندگی می کنند، اما فرزند از پدرش سال به سال احوالی نمی پرسد، خانواده ها دور هم جمع نمی شوند، کودکان از عطوفتهای پدرانه و مادرانه برخوردار نمی شوند، زن و شوهرها جز به موجب یک قرارداد موقت– یک قرارداد قانونی بسته شده است – کنار هم نمی نشینند؛ ... اگر اینها را شما می شنوید که در جایی هست و اگر اینها واقعیت دارد، اینها دیگر نشانه های پسرفت است.[۱]

خانواده در غرب، یک قرار داد موقت قانونی است.

۵- فراموش شدن محیط خانواده و روابط صمیمی موجود در آن

در دنیای غرب با این که بسیاری از آن‌ها از علم و ثروت و سیاست‌های قوی در صدر حکومت‌ها برخوردار هستند، لکن زندگی آحاد مردم در مقیاس خانواده، زندگی بسیار زقّت‌باری است. این اجتماعات فامیلی، این که بزرگتر های فامیل و کوچکترهای فامیل دور هم جمع شوند، به هم محبّت ورزند، با هم تبادل عاطفی داشته باشند، به هم کمک کنند، به هم برسند، همدیگر را از خود بدانند، برادر با برادر، خانواده ها با هم یگانه و یکی باشند، این طور چیزهایی که الآن بین ماها رایج و معمولی است، در غرب از این چیزها خبری نیست. چه قدر زن ها تنها زندگی می کنند. زنی که تنهاست، از خانواده بریده و توی یک آپارتمان زندگی می کند. شب بر می گردد توی خانه تنهاست، صبح بر می خیزد تنهاست. نه انسی، نه همسری، نه فرزندی، نه نوه ای، نه خویشاوندی که با او گرم بگیرد. انسان ها در آن محیط اجتماعی، تک زندگی می کنند. غالباً تنها هستند. چرا؟ چون محیط خانوادگی در آن جوامع فراموش شده است.[۲]

در غرب، محیط خانوادگی و محبت وصمیمیت بین افراد فراموش شده است.

وظایف نهادهای اجتماعی، فرهنگی و مسئولین در رابطه با مسائل مربوط به خانواده

۱- تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و ریشه یابی نابسامانیهای خانواده و تهیه طرحهای بلند مدت برای حلّ آنها

تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و در صحنه های اجتماعی و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه عرصه ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان.[۳]

۱- دیدار با دانشجویان ۱۳۸۵/۸/۱۸.

۲- خطبهٔ عقد مورخهٔ ۱۳۷۵/۸/۵.

۳- پیام به ریاست محترم جمهوری در خصوص سیاستهای کلی برنامه ی پنجساله ی سوم ۱۳۸۷/۲/۳۰

توجه به استحکام خانواده و ایجاد تعادل بین کار و زندگی افراد در نظام اداری.[۱]

البته مسأله ی خانواده خیلی مهم است. خانم به طرحهای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان اشاره کردند. همت مهمتان در این طرحها باید این باشد – و قاعدتاً هم هست– که واقعاً از کار زن گره گشایی کنید؛ ببینید گره های عمده کجاست. یکی از مهمترین گره ها در «خانواده» است؛ بروید ببینید در خانواده ها چه خبر است؛ خود شماها می دانید و می بینید. ببینید چه چیزی این نابسامانیها را به وجود می آورد؛ ریشه های آن را پیدا کنید و طرحهای بلند مدت بریزید، برای این که آن نابسامانیها بر طرف بشود.[۲]

باید گره گشایی از کار زنان و پیدا کردن ریشه نابسامانیها و ارائه طرحهای بلند مدت در جهت برطرف کردن آنها صورت گیرد.

وقتی خانواده هست، همسر و مادر عضو اصلی است. زن در این مجموعه، جای بسیار اساسی و رفیعی دارد. به همین خاطر، وقتی اصل خانواده – یعنی زن– زیر سئوال و متزلزل است، در آن‌جا هیچ چیزی در جای خودش قرار ندارد. اینها بحثهایی است که واقعاً باید روی آنها خیلی تأمل و تدقیق بشود.[۳]

تأمل و تدقیق در بحثهای نقش زن در خانواده و عوامل تزلزل خانواده

۲_ رفع دغدغه های اشتغال ، ازدواج و مسکن جوانان

همین مسئله‌ی اشتغال که آقایان هم اشاره کردند و به مسئولین محترم تأکید شد، واقعاً مسئله‌ی اساسی‌ای است. خانواده‌هائی که جوانهائی دارند، بسیاری هم تحصیلکرده، در سرتاسر این استان، در خود کرمانشاه، در شهرستانهای مختلف، جوانهای فهمیده، اینها بیکار باشند؛ خب، این خیلی سخت است. باید برای اینها اشتغال به وجود بیاید؛ این اساس کار است. وقتی اشتغال بود، مفاسد ناشی از بیکاری هم به خودی خود جمع خواهد شد؛ چون بیکاری به دنبال خود مفاسدی را می‌آورد – مفاسد اخلاقی، مفاسد اجتماعی، مفاسد امنیتی؛ انواع و اقسام مفاسد – اشتغال که به وجود آمد، همه‌ی اینها به خودی خود جمع میشود؛ هزینه‌ها از دوش دولت برداشته میشود.[۴]

۱– ابلاغ سیاستهای کلی نظام اداری۱۳/ ۱۰/ ۱۳۸۹.
۲– بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان – جمعی از زنان پزشک متخصص و مسئولان کنگره حجاب اسلامی به مناسبت میلاد حضرت زهرا(س) ۱۳۷۰/۰۱/۴.
۳- سخنرانی در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان ۱۳۶۹/۱۰/۱۶.
۴– بیانات در دیدار مسئولین اجرائی استان کرمانشاه ۱۳۹۰/۰۷/۲۸.

ایجاد اشتغال برای جوانان خانواده

اهتمام به موضوع «جوانان»، ایجاد زمینه های مساعد برای پیشرفت معنوی و علمی و مسئولیت پذیری، و تلاش برای رفع دغدغه هایی از قبیل ازدواج و آینده ی شغلی و علمی آنان.[۱]

تقویت هویت ملی جوانان متناسب با آرمانهای انقلاب اسلامی، فراهم کردن محیط رشد فکری و علمی و تلاش در جهت رفع دغدغه های شغلی، ازدواج، مسکن و آسیبهای اجتماعی آنان، توجه به مقتضیات دوره جوانی و نیازها و تواناییهای آنان.[۲]

رفع دغدغه های شغلی، ازدواج، مسکن و آسیبهای اجتماعی جوانان

۳- برقراری و استحکام رابطه مسجد با خانواده؛ از نوزادی تا ازدواج تا غمگساری

مسجد باید رابطه‌ی خود را با جوانانی که ازدواج می کنند، با کسانی که به موفقیتهای علمی و اجتماعی و هنریَ و ورزشی دست می یابند، با صاحب همتائی که کمک به دیگران را وجهه ی همت می سازند، با غمدیدگانی که غمگساری می جویند، و حتی با نوزادانی که متولد می شوند، برقرار و مستحکم کند.[۳]

رابطه مسجد با خانواده را برقرار و مستحکم کنید.

۴ـ ارزشگذاری بر روی کار زنان خانه‌دار، قدردانی و تأمین اقتصادی وبیمه آنان

حتماً بایستی بر روی کار زنهای خانه‌دار ارزشگذاری ویژه بشود. بعضی میتوانستند بروند کار بگیرند، بعضی میتوانستند تحصیلات عالیه بکنند، بعضی تحصیلات عالیه هم داشتند – من دیدم زنانی را از این قبیل – گفتند ما میخواهیم این بچه را بزرگ کنیم، خوب تربیت کنیم، نرفتیم کار بگیریم. زن نرفته کار بگیرد، آن کار هم زمین نمانده؛ آن ده نفر دیگر رفتند آن کارِ را گرفتند. باید از اینجور زنی قدردانی شود. در بیاناتی که حضرات فرمودند، این بود که مثلاً بیمه‌هائی برای اینها در نظر گرفته شود. بله، تأمین اقتصادی‌شان، بیمه‌شان، بقیه‌ی چیزهائی که لازم است، باید در نظر گرفته شود.[۴]

۱- پیام به ریاست محترم جمهوری در خصوص سیاستهای کلی برنامه ی پنجساله‌ی سوم ۱۳۷۸/۲/۳۰.
۲- ابلاغ سیاست های کلی برنامه پنجم توسعه توسط رهبر معظم انقلاب ۱۳۸۷/۱۰/۲۱.
۳- پیام به نوزدهمین اجلاس سراسری نماز ۱۳۸۹/۷/۲۰.
۴- بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی ۱۳۹۰/۱۰/۱۴ .

ارزشگذاری ویژه بر روی کار زنهای خانه‌دار

... نکته خوبی را گفتند، اینها در مجاری تصمیم گیری و عملی قرار گیرد، هم محیط صمیمی و عاشقانه داخل خانه ها را به هم نزند و هم حقوق خانمها رعایت شود.[۱]

۵_ ایجاد تسهیلاتی برای خانمهای شاغل، برای رسیدگی بیشتر آنها به مسئله مادری و خانه داری

آن وقت همین جا وظیفه‌ای بر دوش دولت است. باید به آن خانمهائی که حالا به هر دلیلی، به هر جهتی، با هر ضرورتی، کار تمام‌وقت یا نیمه‌وقت را قبول کرده‌اند، کمک بشود تا بتوانند به مسئله‌ی مادری برسند، به مسئله‌ی خانه‌داری برسند. با مرخصی‌ها، با زمان بازنشستگی، با مدت کار روزانه، به نحوی بایستی دولت کمک کند تا این خانمی که حالا به هر دلیلی آمده اینجا شاغل شده، بتواند به آن قضیه هم برسد.[۲]

۶_ جلوگیری از تعدی و ظلم نسبت به زنان با استفاده از قوانین و تهذیب اخلاق مردان

در جوامع ما هم- یعنی جوامع اسلامی و جامعه‌ی ایرانیِ خود ما- متأسفانه مثل جوامع غربی یک بی‌عدالتی در ارتباطات خانوادگی زن و مرد وجود داشته؛ عمده هم مربوط به داخل خانواده است؛ این باید جلویش گرفته شود. یک مقداری با نصیحت امکان‌پذیر است؛ یک مقداری‌اش هم با نصیحت ممکن نیست، با ضرب و زور قانون باید جلویش گرفته شود. زنان، مظلوم واقع می‌شوند. مرد چون از لحاظ جسمانی و برخی از خصوصیات دیگر توانائی‌های بیشتری دارد، در مواردی از این توانائی‌ها سوءاستفاده می‌کند و زورگوئی می‌کند؛ این باید جلویش گرفته شود. این کار با قانون امکان‌پذیر است؛ البته همانطور که عرض کردیم، با تهذیب اخلاق مردان هم امکان‌پذیر است.[۳]

جلوگیری از ظلم و تعدی به زنان در خانواده بوسیله ضرب و زور قانون و مجازاتهای سخت و تهذیب اخلاق مردان

نکته‌ی آخر اینکه جامعه، هم از لحاظ قانونی و هم از لحاظ اخلاقی، باید با کسانی که تعدّی

۱ - سخنانی که یکی از حضّار ایراد می‌کند و ایشان به آن اشاره می‌کنند:«کاربردی کردن قوانین دین مبین اسلام در حوزه قانون مدنی به طوری که حقوق زنان از جمله حق دریافت اجرت در ازای کار در منزل و سایر قوانینی که به دلیل نوع نگرش به زنان مورد بی‌مهری قرار گرفته و علیرغم نیاز زنان به اجرای قوانین شرعی به مرحله عمل نمی‌رسد.»

۲- بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی ۱۳۹۰/۱۰/۱۴.

۳- بیانات در دیدار گروه کثیری از زنان نخبه در آستانه‌ی سالروز میلاد حضرت زهرای اطهر (س) ۱۳/ ۰۴/ ۱۳۸۶.

به زن را حقّ خودشان می‌دانند، برخورد سخت بکند؛ قانون هم باید در این زمینه مجازاتهای سختی را پیش‌بینی کند... کشتن زنان، یکی از بلیّه‌های بسیار زشت و نفرت‌انگیزی است که در کشورهای غربی به‌ویژه امریکا رایج است. این کارها خوشبختانه در کشور ما به آن شدّت نیست و جز موارد استثنایی، دیده نمی‌شود؛ اما به‌هرحال هرگونه ستم و هرگونه تعدّی جسمانی‌ای نسبت به زن، باید با برخورد بسیار سختی مواجه شود، تا در این زمینه جامعه‌ی اسلامی ما به آن سطحی که اسلام خواسته است، برسد.[۱]

برخورد سخت قانونی با متعدّیان به زن در خانواده

تصویر کیفیت برخورد زن و مرد در اخلاق اسلامی و قانون اسلامی هم به نظر ما بایستی بیشتر رویش کار شود. بعضی متدین هم هستند، اما چون با مفاهیم اسلامی درست آشنا نیستند و اخلاقیات مرتبط با روابط زن و مرد را در اسلام درست نمی‌دانند، تدینشان موجب نمی‌شود که از غلظتشان کم شود، از تحکم و زورگوئیشان بکاهد؛ نه، هم متدینند، هم آن تحکمها و زورگوئی‌ها را دارند؛ این هم باید اصلاح شود. اخلاق اسلامی در روابط زن و مرد– بخصوص در داخل خانواده– باید مورد توجه قرار بگیرد.[۲]

کار بر روی چگونگی کیفیت برخورد زن و مرد در اخلاق اسلامی و قانون اسلامی

۷ـ پر کردن خلأهای قانونی و عادتی و سنّتی مربوط به مشکلات داخل خانواده

ما خلأهای قانونی و عادتی و سنتیِ عجیب و فراوانی داریم. گاهی اوقات خانمهائی با ما تماس میگیرند – یا از مجلس، یا از حوزه، یا از مراجعات گوناگون مردمی، یا از مراکز دیگر – و مشکلاتشان را میگویند؛ این مشکلات عمدتاً مربوط میشود به مشکلات داخل خانواده.۳

۸– دقت نهادها و رسانه های اجتماعی در کیفیت ارائه مسائل مربوط به خانواده و روابط بین زن و شوهر

در طرح احکام شرعی در برنامه ی پیش از ظهر ، بایدِ سفارش کنید که مسائلی گفته بشود که در حواشی آن، برداشت نادرستی صورت نگیرد. مثلاً گروه نظارت ما گزارشی به من دادند که در یکی از همین برنامه ها، موقع طرح یک مسأله‌ی شرعی در خصوص اختلاف زن و مرد در زمینه‌ی مهریه، از تعداد زیاد سکه ها مثال زده شده بود؛ مثلاً اگر زن گفت مهریه ی من

۱ – بیانات در همایش بزرگ خواهران در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر۳۰/ ۰۷/ ۱۳۷۶.
۲ – همان.
۳– بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی۱۳۹۰/۱۰/۱۴ .

صد و پنجاه سکه‌ی بهارِ آزادی است، اما مرد گفت نخیر، صد سکه ی بهار آزادی است، در اینجا چه باید کرد! اصلاً چرا شما اسم مهریه را با صد و پنجاه سکه می آورید؟! بنده حداکثر چهارده سکه را برای قرائت خطبه‌ی عقد تعیین کرده ام؛ اگر یک عدد سکه هم اضافه کنند، خطبه‌ی عقد را نمی خوانم. مگر صد و پنجاه عدد سکه شوخی است؟! اصلاً نباید اسمش را آورد. مثلاً باید گفت اگر زن ادعای ده سکه داشت، ولی مرد گفت نخیر، نُه سکه است، چه کار باید کنیم. یا فرضاً شنیده بشود که برخی از تعبیرات نادرست را در طرح مسأله ی بین زن و شوهر به کار برده اند؛ مثلاً گفته بشود که زن اسیر مرد است! زن اسارتی ندارد؛ انسان آزاد است. این گونه تعبیرات با این که تعبیرات حساب شده‌ای هم نیست، اما حالا به زبان آمده است. در هنگامی که می خواهند این گونه برنامه ها را پخش کنند، باید این دقت را بکنند و این موارد را اصلاح کنند.[۱]

در مورد طرح مسائل بین زن و مرد، دقت شود که تعبیرات حساب شده باشد و اشکالات اصلاح شود.

چند سال پیش من در یکی از مجلات آمریکائی دیدم که مصلحینی در آنجا پیشنهاد کرده بودند که این فیلمهای رائج غالب هالیوودی را که در آنها یا شهوت بود یا خشونت، یواش یواش کم کنند و فیلمهای خانوادگی، فیلمهای معصومانه و نجیبانه را رائج کنند. آنها به فکرند، حالا ما تازه از آنها یاد گرفته‌ایم![۲]

تولید فیلم های خانوادگی

ما بایستی زن را، هم با حجاب نشان بدهیم، هم سرشار از ارزشهایی که اسلام و انقلاب برای او در نظر گرفته است؛یعنی نجابت و عفت زن. مهمترین مسأله، آن گوهر عفت زن، آن عضو اصلی و رکن اساسی خانواده بودن، آن عضو عصلی و رکن اساسی فعالیتهای جامعه بودن، آن تأثیر زن در رشد جامعه و رشد مردان، آن تأثیر زن در واقعیتهای گذشته ی ما– از قبیل انقلاب و جنگ و غیره است.[۳]

نشان دادن زن با ارزشهای اسلام و انقلاب، یعنی: حجاب، نجابت، عفت، رکن اساسی خانواده و جامعه بودن و تأثیر گذاری در رشد جامعه و مردان

۹– برقراری امنیت فکری، معنوی و روانی در همه ی محیطهای زندگی؛ بالخصوص

۱- بیانات در دیدار گروه ویژه و گروه معارف اسلامی صدای جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۰/۱۲/۱۳.
۲– بیانات در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران۱۳۹۰/۰۵/۱۶.
۳- بیانات در دیدار شورای سیاستگذاری صدا و سیما ۱۳۶۹/۱۲/۱۴.

توسط نیروی انتظامی

امنیت، یکی از اساسی ترین و اصلی ترین نیازهای یک ملت و یک کشور است. مهمترین مشکل برای یک کشور وقتی به وجود می آید که در محیط کار، در محیط زندگی، در محیط تحصیل و در فضای عمومی جامعه، مردم احساس امنیت نکنند. این جاست که مغزهای فعال، دستهای توانا و سرانگشتان ماهر، هیچیک نخواهند توانست مسئولیت مهمی را که هر کدام بر دوش دارند، به انجام برسانند. در فضای امنیت است که هم تلاش علمی، هم تلاش اقتصادی، هم روحیه و نشاط و هم همه ی فعالیتهای یک کشور میتواند به درستی برنامه ریزی شود و با دقت دنبال گردد و به نتایج خود برسد. امنیت، یک مقوله ی اساسی است. امنیت اجتماعی، امنیت فردی، امنیت در همه‌ی محیطهای زندگی، امنیت فکری و معنوی و روانی، همه ی اینها جزو انتظارات مردم است. بخش مهمی از این وظیفه بر دوش نیروی انتظامی است. جوانهای با استعداد، جوانهای مؤمن، بحمدالله در این نیرو خود را آماده می کنند که به این وظایف بزرگ برسند. نیروی انتظامی، هم باید با عزت، هم با امانت، هم با کارآیی خود، در محیط زندگی مردم بدرخشد. آن ملتی که نیروی انتظامی خود را عزیز می داند، او را با خود یگانه می شمارد و به او اعتماد می کند، ملت خوشبختی است.[1]

امنیت باید در همه محیطهای زندگی مردم برقرار باشد.

۱۰- آموختن روشهای صحیح کارِ داخل خانه یعنی برخورد با همسر و برخورد با فرزندان به زنان

از جمله‌ی چیزهای بسیار مهم دیگر، آموختن روشهای صحیح کار داخل خانه یعنی برخورد با همسر و برخورد با فرزندان به زنان است. زنانی هستند که خیلی هم خوبند؛ دارای حلم و صبر و گذشت و اخلاق خوبند؛ اما روشهای برخورد با همسر یا با فرزندانشان را درست نمی‌دانند. این روشها علمی است؛ چیزهایی است که با تجربه‌ی بشری روز به روز پیشرفت کرده و به مراحل خوبی رسیده است. کسانی هستند که تجربه‌های خوبی دارند؛ باید روشهایی پیدا کنید که افرادی که می‌توانند، خانمها را به این مسائل راهنمایی کنند.[2]

۱۱- پرهیز مسئولین حکومت اسلامی از «زندگی متجملانه و مسرفانه» و بدتر از آن، تبدیل کردنش به یک فرهنگ

مسئولان اسلامی نباید در رفتار و عمل خودشان مسرفانه و متجملانه زندگی کنند. بالاتر از

۱- بیانات در مراسم فارغ التحصیلی جمعی از پرسنل نیروی انتظامی ۱۳۷۹/۷/۱۸.
۲- بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا (س) ۵/ ۵/ ۱۳۸۴.

آن، نباید طوری زندگی کنند که روش اسراف آمیز و تجمل آمیز به یک فرهنگ تبدیل شود. این هم نقطه ی بعدی است که اهمیتش از اولی بیشتر است، یا لااقل کمتر نیست. فرض بفرمایید اگر به ویله ی یک نفر در سطح عالی و در میان صاحبان مناصب حکومت اسلامی، کیفیت آرایش محل زندگی و محل کار، کیفیت زندگی خانوادگی، چگونگی ازدواج فرزندان، مهریه ها و جهیزیه ها و از این قبیل، به شکل غیر اسلامی آن- به معنای مسرفانه – انجام گیرد، این به فرهنگ تبدیل می شود؛ به این معنا که بقیه نگاه می کنند و یاد می گیرند؛ مهریه ها بالا می رود، ازدواجها مشکل می شود، زندگی سخت می شود و همین رفتار بتدریج آثارش در طول مدتی کوتاه یا بلند، در متن جامعه منعکس می گردد. بنابراین مهمترین مطلب اصلی امیرالمؤمنین در باب حکومت این است: حاکم نباید حکومت را برای خود وسیله ی اعاشه و زندگی و کسب درآمد و اندوختن ثروت قرار دهد، بلکه باید آن را یک مسئولیت بداند. باری است بر دوش او؛ باید همه ی همت خود را بگذارد که این بار را به منزل برساند.[۱]

محل زندگی و کیفیت زندگی خانوادگی، ازدواج فرزندان، مهریه ها و جهیزیه ها در میان مسئولین نباید به صورت مسرفانه باشد که تبدیل به فرهنگ جامعه شود.

۲۱_گفتمان سازی درباره تشریفات و خرجهای زائد ازدواج

همین تشریفات زائد ازدواج – خرجهای زیاد، مجالس متعدد – که واقعاً انسان دلش میگیرد وقتی میشنود. اینها از آن مواردی است که گفتمان‌سازی میخواهد. خانمهای مؤثر، آقایان مؤثر، اساتید دانشگاه، روحانیون، بخصوص صدا و سیما و رسانه‌ها باید در این زمینه‌ها کار کنند؛ این را از این حالت بیرون بیاورند.۲

۳۱_ وظیفه حکومت در تربیت معنوی مردم

از نظر اسلام، حکومتها نسبت به تربیت معنوی مردم بی‌تفاوت نیستند که بگویند خود مردم می‌دانند و هر کار که می‌خواهند بکنند، بکنند. همچنان که پدر در یک خانواده نسبت به تربیت فرزندان خود بی‌تفاوت نیست که بگوید مثلاً هر کار خواستند بکنند، بکنند. پدر و مادر مسئولیتهایی دارند که باید انجام دهند. حکومت هم در جامعه در زمینه‌ی اخلاق و معنویت مردم و رشد فضیلتهای اخلاقی در آن‌ها مسئولیتهایی دارد.[۳]

۱- بیانات در خطبه های نماز جمعه ی تهران ۱۳۷۹/۹/۲۵.
۲- بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی ۱۳۹۰/۱۰/۱۴.
۳- بیانات در دیدار مدیران صدا و سیما ۱۵/ ۱۱/ ۱۳۸۱.

تربیت معنوی و اخلاقی مردم

۴۱_ تربیت معنوی و اسلامی زنان جامعه و ترویج کتابخوانی

اگر جامعه‌ی اسلامی بتواند زنان را با الگوی اسلامی تربیت کند یعنی الگوی زهرایی، الگوی زینبی، زنان بزرگ، زنان باعظمت، زنانی که می‌توانند دنیا و تاریخی را تحت تأثیر خود قرار دهند آن وقت زن به مقام شامخ حقیقی خود نائل آمده است. اگر زن در جامعه بتواند به علم و معرفت و کمالات معنوی وَ اخلاقی‌ای که خدای متعال و آیین الهی برای همه‌ی انسانها چه مرد و چه زن به طور یکسان در نظر گرفته است، برسد، تربیت فرزندان بهتر خواهد شد، محیط خانواده گرم‌تر و باصفاتر خواهد شد، جامعه پیشرفت بیشتری خواهد کرد و گره‌های زندگی آسان‌تر باز خواهد شد؛ یعنی زن و مرد خوشبخت خواهند شد.[۱]

تربیت زنان با الگوی اسلامی یعنی الگوی زهرایی و زینبی

از جمله‌ی کارهای بسیار اساسی، باسواد کردن زنان است. از جمله‌ی کارهای بسیار مهم، کتابخوان کردن زنان است. یک شیوه‌های ابتکاری پیدا کنید، برای اینکه خانمهای داخل خانه را کتابخوان کنید. متأسفانه زنان ما با کتابخوانی خیلی انسی ندارند. هزاران کتاب در بازار می‌آید و می‌رود، اما این‌ها مطلع نمی‌شوند. این کتابها معارف بشری است که ذهنها را برای بهتر فهمیدن، بهتر اندیشیدن، بهتر ابتکار کردن، و در موضع بهتر و صحیح‌تری قرار گرفتن، آماده می‌کند.[۲]

با سواد کردن و کتاب خوان کردن زنان خانه دار

زنان می‌توانند تحصیلات عالیه کنند. بعضیها خیال می‌کنند که دختران نباید تحصیل کنند. این، اشتباه و خطاست. دختران باید در رشته‌هایی که برای آن‌ها مفید است و به آن علاقه و شوق دارند، تحصیل کنند. جامعه، به تحصیلات دختران هم نیازمند است؛ همچنان که به تحصیلات پسران نیازمند است. البته محیط تحصیل باید سالم باشد؛ هم برای پسر و هم برای دختر. ۳

زنان ودختران باید در رشته‌هایی که برای آن‌ها مفید است، تحصیلات عالیه کنند.

اگر کشور بتواند جامعه‌ی زنان را با تکیه بر تعلیمات اسلامی، با همان معارفی که اسلام

۱- بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، جمعی از زنان پزشک متخصص، و مسئولان اولین کنگره‌ی حجاب اسلامی، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) ۱۳۷۰/۱۰/۴.
۲- همان.
۳- بیانات در همایش بزرگ خواهران در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر۳۰/ ۷/ ۱۳۷۶.

خواسته است، آشنا کند، من تردیدی ندارم که پیشرفت و ترقّی و تعالی کشور مضاعف و چند برابر خواهد شد. در هر میدانی که بانوان مسئولانه وارد شوند، پیشرفت در آن میدان چند برابر خواهد شد. خصوصیت حضور خانمها در میدانهای مختلف این است که وقتی زن خانواده وارد میدان می‌شود، یعنی همسر و فرزندان او هم واردند. حضور مرد به این معنا نیست، اما حضور زن به این معناست. در هر میدانی که زن وارد شود زنی که خانم و کدبانوی یک خانه است در حقیقت همه‌ی آن خانه را در آن میدان وارد می‌کند. حضور زنان در بخشهای مختلف بسیار مهمّ است.[۱]

آشنا کردن زنان جامعه با تعلیمات اسلام

یک مسئله هم مسأله‌ی تعلیم و تربیت بانوان است. من بر این همیشه تأکید کرده‌ام. خوشبختانه امروز در جامعه‌ی ما، تعلیم و تربیت زنان رایج است؛ اما درعین‌حال هنوز خانواده‌هایی هستند که دختران خودشان را از تحصیل منع می‌کنند. اگر یک روز محیطهای تحصیلی، محیطهای ناسالمی بود، امروز بحمد الله در دوران اسلامی آن‌گونه نیست. باید اجازه بدهند که دختران درس بخوانند، مطالعه کنند، کتاب بخوانند، با معارف دینی و با معارف انسانی آشنا شوند و ذهن و مغزشان قوّت و قدرت پیدا کند. این، کارِ بسیار لازمی است که باید انجام گیرد.[۲]

تعلیم و تربیت بانوان و آشنایی با معارف دینی و با معارف انسانی

اگر زنان ما از لحاظ رتبه‌ی معرفتی و بینش و معلومات، سطح خود را ارتقاء دهند، این نقش با هیچ نقش دیگری، با هیچ مؤثر دیگری از مؤثرات فرهنگی و اخلاقی تا آخر قابل مقایسه نیست. یک‌وقت مادری از لحاظ معرفت سطحش پایین است؛ البته این نمی‌تواند در دوران بزرگی اثرگذاری کند؛ این گناهِ کم بودن معلومات یک انسان است؛ این نقص تأثیر مادری نیست. مادر است که فرهنگ و معرفت و تمدن و ویژگی‌های اخلاقی یک قوَم و جامعه را با جسم خود، با روح خود، با خُلق خود و با رفتارِ خود، دانسته و نَدانسته به فرزند منتقل می‌کند.[۳]

ارتقاء رتبه‌ی معرفتی و بینش و معلومات زنان و مادران باعث اثرگذاری بیشتر در دوران بزرگی فرزندان می شود.

۵۱ـ سرمایه گذاری برای پژوهش درباره مسائل مربوط به زنان و خانواده

۱- همان.
۲- همان.
۳- بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا(س) ۱۳۸۴/۵/۵.

خب، ما باید در این زمینه[زن و خانواده]، خلأهای نظری را پر کنیم. نتیجه این خواهد شد که سرمایه‌گذاری پژوهشی در حد طاقت لازم است؛ این را ما تصدیق میکنیم... بایستی مجموعه‌ی نظام، سرمایه‌گذاری مهمی در حد طاقت و امکانات خود در زمینه‌ی پژوهش در این مسئله بکند.[۱]

مجموعه‌ی نظام، سرمایه‌گذاری پژوهشی در حد طاقت در مسأله زن و خانواده انجام دهد.

۶۱_ نقد نظریه های رایج دنیا در حوزه زن و خانواده وارائه نظریه ها والگوهای مترقی بر اساس تعالیم اسلام و انجام کار بین المللی درباره زنان

در زمینه‌ی حقوق اسلامی، خانمها بعضی اظهاراتی کردند، که درست هم هست؛ جا برای کار و بیان و تبیین فراوانی دارد. من تصدیق می‌کنم مطالبی را که بعضی از خانمها بیان کردند و گفتند ما در تقابل با تبلیغات معارض- از جمله تبلیغات فمینیستی- آن‌چنان که باید، کار درستی، کار قوی‌ای، کار پُرحجمی و با کیفیتهای بالا نکرده‌ایم. من از همین‌جا به دستگاه‌های تحقیقاتی، به پژوهشگاه‌ها، به دانشگاه‌ها، به حوزه‌های علمیه و به صاحب‌نظران توصیه می‌کنم و از آن‌ها مطالبه می‌کنم که در این زمینه کار کنند. مسئله، مسأله‌ی مهمی است. ما اگر در مسأله‌ی زن در کشورِ خودمان خوب کار کنیم، این خدمت به جامعه‌ی زنان در همه‌ی دنیاست؛ خدمت حقیقی است به مجموعه‌ی زنان در همه‌ی عالم. حالا ممکن است بعضی ارزش این خدمت را امروز بفهمند، ممکن است بعضی سالها بعد بفهمند؛ لیکن اگر خوب کار کردیم، این خدمت به آن‌هاست.[۲]

دستگاه‌های تحقیقاتی، پژوهشگاه‌ها، دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه و صاحب‌نظران درباره مسأله زن کار کنند.

بررسی و نقد نظریه‌های رائج دنیا، بدون انفعال[در مورد مسأله زن و خانواده]. این مسئله‌ی بدون انفعال، خیلی مسئله‌ی مهمی است. [۳]

بررسی و نقد نظریه‌های رائج دنیا، در مورد مسأله زن و خانواده بدون انفعال صورت گیرد.

ما باید در این بررسی‌ها، از دارائی‌های علمی خودمان - که کم هم نیست - استفاده کنیم. ده‌ها نظریه و الگوی مترقی در همین زمینه‌ی زن و خانواده میشود استخراج کرد. اینها

۱- بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی ۱۳۹۰/۱۰/۱۴.
۲- بیانات در دیدار گروه کثیری از زنان نخبه در آستانه‌ی سالروز میلاد حضرت زهرای اطهر (س) ۱۳/ ۰۴/ ۱۳۸۶.
۳- بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی ۱۳۹۰/۱۰/۱۴.

نظریه‌پردازی بشود، تئوریزه بشود، با جوانبش، با اجزایش، تدوین بشود و ارائه بشود. اینها کارهای میان‌مدت و بلندمدتی است که حتماً بایستی انجام بگیرد. تعالیم ناب و مترقی اسلام در قرآن و حدیث باید مورد استفاده قرار بگیرد.[۱]

استفاده از داراییهای علمی خودمان برای ارائه ده ها نظریه و الگوی مترقی در زمینه‌ی زن و خانواده

آن وقت نقش او [زن] به عنوان همسر، به عنوان مادر، به عنوان دختر خانواده ، هر کدام یک فصل طولانی در تکریم دارد. بنابراین حقیقتاً باید در زمینه ی ارزش و کرامت زن در نظر اسلام، بازنویسی و بازگویی و بازبینی کرد.[۲]

بازنویسی و بازگویی و بازبینی، در زمینه ی ارزش و کرامت زن در نظر اسلام

... خوب است یک کار بین‌المللی در زمینه‌ی زنان انجام بگیرد.[۳]

۷۱_ایجاد مرکزی برای رسیدگی به مسائل حوزه ی زن و خانواده

آنچه که ما در این جلسه فهمیدیم، علاوه بر استفاده‌ای که از محتوای مطالب دوستان کردیم، مهم این بود که فهمیدیم در حوزه‌ی زن و خانواده، از لحاظ علمی – کارشناسی، کارهای برزمین‌مانده الی ماشاءالله داریم. اینقدر کار بر زمین مانده داریم که بعضی از همین پیشنهادهائی که دوستان کردند – که مرکزِ چنینی تشکیل شود، مرکزِ چنانی تشکیل شود – همه‌اش درست است؛ باید واقعاً بشود.[۴]

۱- همان.
۲- بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا (س) ۱۳۸۴/۵/۵.
۳- بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی ۱۳۹۰/۱۰/۱۴.
۴- همان.

جدول مفاهیم بدست آمده از مقوله‌بندی و طبقه‌بندی داده‌ها:

	مفاهیم مربوطه	فراوانی
۱	تعریف زندگی و خانواده	۲
۲	هدف از زندگی و تشکیل خانواده	۲
۳	روشهای صحیح زندگی در خانواده	۱۲
۴	جایگاه خانواده از منظر اسلام و فرهنگ اسلامی	۱۵
۵	**عملکرد اسلام و فرهنگ اسلامی نسبت به خانواده**	۵
۶	ثمرات تشکیل خانواده	۱۵
۷	عوامل تقویت خانواده	۷۴
۸	عواقب تزلزل و نبود خانواده	۱۴
۹	عوامل تزلزل خانواده	۱۶
۱۰	جایگاه زن در خانواده اسلامی	۱۲
۱۱	نقش و رسالت زن در خانواده	۱۹
۱۲	حقوق زن در خانواده	۱۰
۱۳	وظایف زن در خانواده	۹
۱۴	وظایف و نقش مرد در خانواده	۶
۱۵	حقوق مرد در خانواده	۴
۱۶	نقش و رسالت متقابل زن و مرد در خانواده	۸
۱۷	وظایف و نقش فرزند در خانواده	۳
۱۸	حقوق فرزند در خانواده	۴
۱۹	جایگاه خانواده از منظر غرب و فرهنگ غربی	۹
۲۰	عملکرد غرب و فرهنگ غربی نسبت به خانواده	۵
۲۱	علل تزلزل و مشکلات خانواده در غرب	۴
۲۲	جایگاه زن در خانواده غربی	۷
۲۳	وظایف نهادهای اجتماعی، فرهنگی و مسئولین در رابطه با مسائل مربوط به خانواده	۳۶
	جمع فراوانی ها	**۲۹۱**

نتیجه گیری:

از جمع‌بندی سخنان مقام معظم رهبری چنین برداشت می‌شود که می‌بایست کارهایی اساسی و زیر بنایی در جهت ثبات و استحکام کانون خانوادگی انجام گیرد. در این راستا یاری و کمک مسئولین لازم و ضروری است. بر اساس نقطه نظرهای مقام معظّم رهبری در مسئله خانواده پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:

۱. برنامه‌ریزی جامع و کاربردی در حوزه آموزشهای رسمی کشور صورت گیرد که برآمده از آموزه‌های دینی و قرآنی باشد به گونه‌ای که تزکیه و تهذیب اخلاق در آن، در درجه اول قرار داشته باشد. روشهای صحیح زندگی و برخورد صحیح افراد با یکدیگر در خانواده و اجتماع، به شکل کاربردی، در برنامه جامع سیستم آموزش کشور گنجانده شود تا دختران و پسران بر اساس آموزه‌های دینی و قرآنی، آمادگی لازم برای پذیرش نقشهای زن و شوهری را در خانواده داشته باشند.

۲. توجه ویژه به آموزشهای غیر رسمی از جمله مهمترین آنها یعنی صدا و سیما، برای آموختن روشهای صحیح زندگی در خانواده می‌تواند مفید و مأثر باشد. اهداف و برنامه‌های اساسی در آموزشهای رسمی و غیر رسمی، می‌بایست یکی و هماهنگ گردد تا تعارض و تناقضی در امر آموزش در جامعه ایجاد نگردد. این امر، تدوین برنامه جامع در آموزشهای رسمی و تعامل بیشتر نهادهای مربوط به آموزشهای رسمی و غیر رسمی را می‌طلبد. رادیو و تلویزیون به عنوان تأثیرگذارترین عناصر در آموزشهای غیر رسمی، باید مورد توجه خاص قرار گیرند و تعامل مسئولین این نهاد با نهادهای رسمی آموزشی بیشتر گردد. (در این راستا تأمین مالی سازمان صدا و سیما برای تولید برنامه‌هایی هماهنگ با اهداف آموزشی و اهداف کلی نظام ضروری می‌باشد تا شاهد تیزرها و تبلیغات درآمدزای این سازمان که مغایرت با این اهداف دارد، نباشیم.)

۳. نهاد و سازمانی ایجادشود که به طور خاص و ویژه به امور مربوط به خانواده بپردازد. لازم است، تمام نهادهای کنونی که به نوعی به مسئله خانواده و زنان و جوانان می‌پردازند، در این نهاد تجمیع و ادغام شوند. بودجه کافی برای این نهاد قرار داده شود و قوای سه‌گانه و سازمانهای مربوطه، ملزم به تعامل و همکاری با این نهاد در حوزه خانواده و مسائل مرتبط با آن گردند.

۴. برنامه‌های سطحی و غیر زیربنایی و یا نشأت گرفته از نظریات غربی (از جمله آنها فمنیسم) در مسئله خانواده نمی‌تواند اثربخش و کارآمد باشد، لذا پژوهشها و تحقیقهای عمیق

و کاربردی در مسئله خانواده از میان منابع دینی و قرآنی و تدوین برنامه‌های کاربردی که دربرگیرنده کلیّه مسائل و مشکلات و نیازهای خانواده در جامعه اسلامی ایران باشد ضروری است. نکته قابل توجه در اینجا تأمین بودجه کافی برای انجام این پژوهشها می‌باشد.

منابع

– اسحاقیان، مهدی، می خواهم پژوهشگر شوم، اصفهان: نشر نوشته، ۱۳۸۲.

– طرقی، مجید، درسنامه‌ی روش تحقیق، قم: انتشارات هاجر، ۱۳۸۴.

– ساروخانی، باقر، روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۲ج، چ شانزدهم،۱۳۸۹.

– سید امامی، کاووس، پژوهش در علوم سیاسی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چ سوم، ۱۳۹۰.

– قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران:مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ۰۱ج، چ یازدهم، ۱۳۸۳.

– کیوی، ریمون، لوک وان کامپنهود، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه: عبدالحسین نیک گهر، تهران: نشر توتیا، چ دوم، ۱۳۷۶.

– مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۷۲ج، ۱۳۷۴.

– نرم افزار حدیث ولایت، مرکز تحقیقات علوم اسلامی، ۱۳۹۰.

– نرم افزار حدیث ولایت، ویرایش ۲، موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷.

سایت ها:

http://www.khamenei.ir

http://www.leader.ir

بخش دوم: تحلیل وضعیت، آسیب شناسی و موانع

مقالات:

ـ توصیف خانواده و فراتحلیلی بر آن/ مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست

- جمهوری تحلیل وضع موجود خانواده در ایران/ کمیته زنان و جوانان

- بررسی وضعیت سالمندان با تأکید بر نقش رسانه ها در تکریم جایگاه آنان در خانواده / زهرا سمواتی

- بررسی زنان سرپرست خانوار مشکلات و راهکارهای پیش رو/ محمد علی بابایی

توصیف خانواده و فراتحلیلی بر وضعیت آن

مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری

چکیده

خانواده از ابتدای تاریخ تا کنون در بین تمامی جوامع بشری ، به عنوان اصلی ترین نهاد اجتماعی زیر بنای جوامع و منشاء فرهنگ ها ، تمدن ها و تاریخ بشر بوده است. اسلام به عنوان مکتبی انسان ساز بیشترین عنایت را به تکریم ،تنزیه و تعالی خانواده دارد و این نهاد مقدس را کانون تربیت ومهد مودت و رحمت می شمرد وسعادت و شقاوت جامعه انسانی را منوط به صلاح و فساد این بنا می داند وهدف از تشکیل خانواده را تامین نیازهای مادی ، عاطفی و معنوی انسان از جمله دستیابی به سکون و آرامش بر می شمارد.از اینرو ضروری است که کلیه برنامه ریزی ها و سیاست گذاری ها در تمام سطوح حق مدارانه و ملهم از نگرش توحیدی و در راستای تعالی و مصالح خانواده باشد.

واژگان کلیدی

خانواده، جوامع بشری، اسلام، آرامش

مقدمه

نظر اسلام در باب خانواده و جایگاه زن در خانواده، خیلی روشن است. ولی در عین حال تحقق خواسته‌ی اسلام در خانواده، یک امری است که با صرف بیان، حل نمی شود؛ احتیاج به پشتوانه‌ی قانونی، پشتوانه‌ی اجرائی و ضمانت اجرائی دارد؛ و این کار باید انجام بگیرد . این کار در طول سال های متمادی گذشته انجام نگرفته است . ما در محیط خانواده کمبودهای زیادی داریم؛ احتیاج دارد به پشتوانه‌ی قانونی، به تضمین قانونی، به تضمین اجرائی؛ و این باید تحقق پیدا کند. این مسئله از جمله‌ی عرصه‌ها و میدان هایی است که در داخل کشور در این زمینه کم کار شده و باید کار شود. جنبه‌ی خانواده و مسئله‌ی شأن زن در جامعه. مسئله‌ی مهمی است. (رهبر معظم انقلاب)

در این گزارش به توصیف وضعیت خانواده با نگاهی فراتحلیلی پرداخته شده و نقاط قوت و ضعف و فرصت ها و تهدیدهای آن در چهار حوزه ویژگی های جمعیتی ، تشکیل و پایداری، تقویت و تحکیم وکارکردها به شرح آتی مورد اشاره قرار گرفته است :

تعریف خانواده : خانواده گروهی است متشکل از افرادی که از طریق نسب یا سبب و رضاع با یکدیگر به عنوان شوهر ، زن ، فرزندان ، مادر ، پدر ، برادر و خواهر در ارتباط متقابلند و فرهنگ مشترکی پدید آورده و در واحد خاصی به نام خانواده زندگی می کنند.

نظام زوجیت از ارکان عالم خلقت و از آیات و نشانه های الهی است و وحدت زن و مرد در ابعاد انسانی و اختلاف آنها در بعد بشری از شاهکارهای خلقت و موجب تداوم و تکامل حیات آنان می باشد . زن و مرد بر اساس حکمت الهی با لحاظ تفاوتهای طبیعی آنها باید از حقوق انسانی ، اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی عادلانه برخوردار شوند .

خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است ، قوانین و مقررات و برنامه های کشور باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده ، حمایت و پاسداری از قداست و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد .

نتایج ازدواج ایجاد مودت ، رحمت و آرامش میان زن و شوهر است و با تکریم و احسان توسط فرزندان و رحمت و تربیت توسط والدین تداوم و تکامل می یابد .

اعضای خانواده به ویژه والدین نسبت به حفظ حرمت و صیانت خانواده از آفات و آسیب ها و توانا نمودن اعضاء در ابعاد شناختی و رفتاری جهت هدایت آنها در مسیر الی الله و حصول به حیات طیبه مسئول می باشند. تربیت و عواطف اجتماعی به عنوان مهمترین ویژگی های

نظام انسانی از خانواده نشات می گیرد و توجه به نقش محوری زن به عنوان محور عاطفه و تربیت و نقش محوری مرد در امر تربیت و تامین معیشت و اداره زندگی، امری ضروری است.

توصیف خانواده

الف) جمعیتی: بعد، سواد، هرم سنی، امید به زندگی، نرخ رشدجمعیت

ب) تشکیل و پایداری: ازدواج، طلاق

ج) کارکردها: حفظ نسل، عاطفی،روانی، تربیتی، اجتماعی، اقتصادی

د) تحکیم و تقویت: مشاوره، ارتقاءتوانایی ها، مهارت های زندگی، حقوق و تکالیف

اصول حاکم بر خانواده

زوجیت

عدالت و تناسب

اولویت رویکرد استراتژیک به خانواده

تعلیم و تربیت وتادیب به آداب حسنه

ارتقاء سطح آگاهی خانواده

حسن معاشرت و مودت و رحمت

حکمیت و تنظیم سیستم حقوقی خاص خانواده

قوامیت و مدیریت

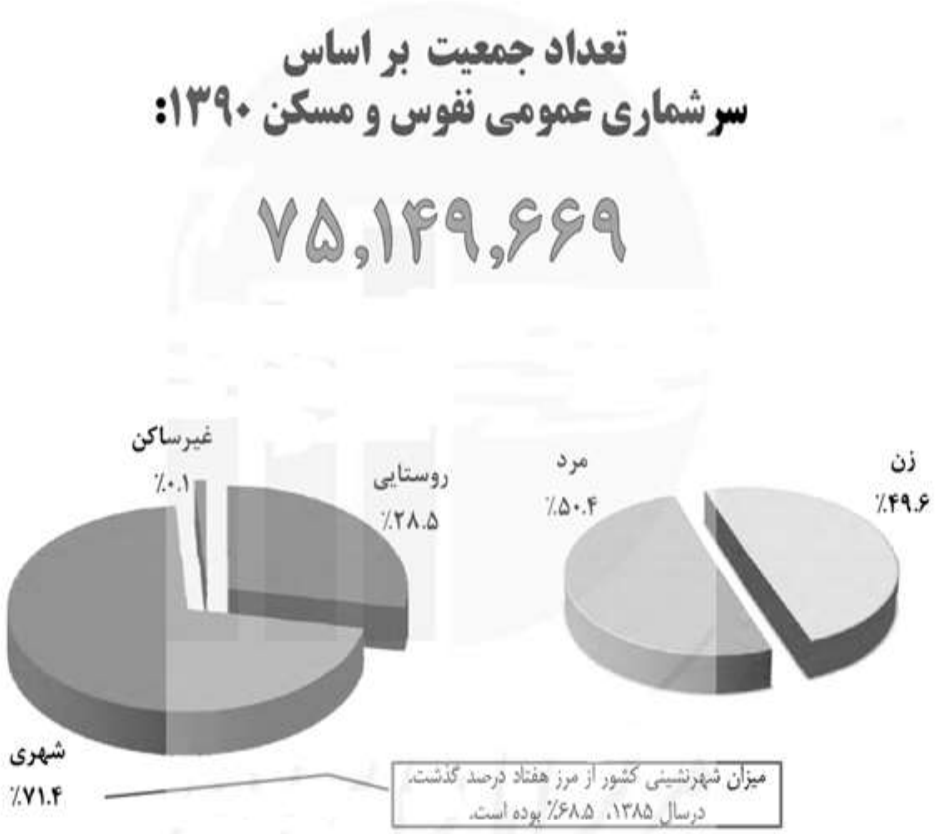
اهمیت در میثاق ازدواج

معروف، فضل، عفو، صلح

امنیت و حمایت

حقوق متقابل زن و مرد

بخش اول: توصیف خانوار ایرانی از دیدگاه آمار



بعد خانوار: ۱۳۹۰

تعداد خانوار کل کشور: ۲۱,۱۸۵,۶۴۷

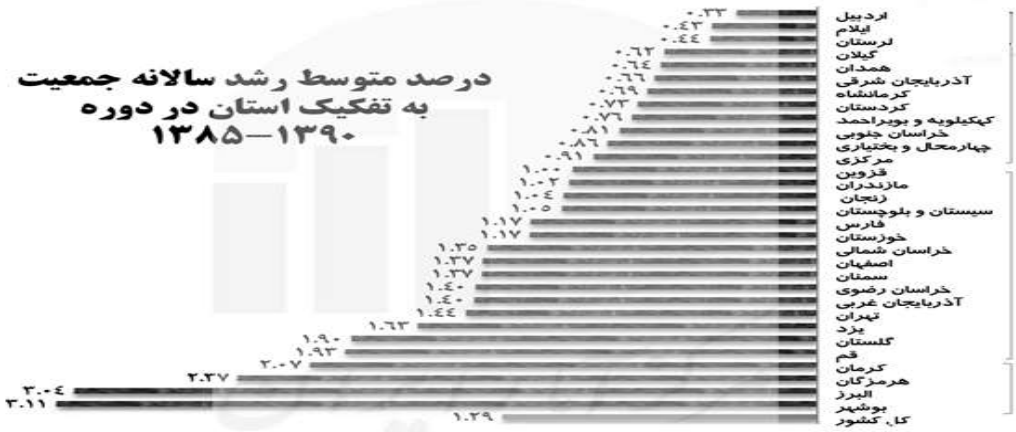
بعد خانوار کل کشور: ۳.۵۵

بعد خانوار مناطق شهری: ۳.۴۸

بعد خانوار مناطق روستایی: ۳.۷۳

جمعیت و خانوار: ۱۳۹۰–۱۳۵۵

سال	جمعیت	مرد	زن	نسبت جنسی	خانوار	بعد خانوار
۱۳۹۰	۷۵,۱۴۹,۶۶۹	۳۷,۹۰۵,۶۶۹	۳۷,۲۴۴,۰۰۰	۱۰۲	۲۱,۱۸۵,۶۴۷	۳.۵۵
۱۳۸۵	۷۰,۴۹۵,۷۸۲	۳۵,۸۶۶,۳۶۲	۳۴,۶۲۹,۴۲۰	۱۰۴	۱۷,۵۰۱,۷۷۱	۴.۰۳
۱۳۷۵	۶۰,۰۵۵,۴۸۸	۳۰,۵۱۵,۱۵۹	۲۹,۵۴۰,۳۲۹	۱۰۳	۱۲,۳۹۸,۲۳۵	۴.۸۴
۱۳۶۵	۴۹,۴۴۵,۰۱۰	۲۵,۲۸۰,۹۶۱	۲۴,۱۶۴,۰۴۹	۱۰۵	۹,۶۷۳,۹۳۱	۵.۱۱
۱۳۵۵	۳۳,۷۰۸,۷۴۴	۱۷,۳۵۶,۳۴۷	۱۶,۳۵۲,۳۹۷	۱۰۶	۶,۷۱۱,۶۲۸	۵.۰۲



میانگین سنی جمعیت کشور به تفکیک جنس:
۱۳۵۵–۱۳۹۰

شرح	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰
مرد و زن	۲۲.۴	۲۱.۷	۲۴.۰۳	۲۷.۹۷	**۲۹.۸۶**
مرد	۲۲.۶	۲۱.۹	۲۴.۱۵	۲۷.۹۸	**۲۹.۷۰**
زن	۲۲.۲	۲۱.۶	۲۳.۹	۲۷.۹۵	**۳۰.۰۳**

میانگین سنی، متوسط سن افراد یک جامعه است.

امید به زندگی به تفکیک جنس:
۱۳۹۰– ۱۳۸۵

سال و جنس	۱۳۹۰		۱۳۸۵	
	مرد	زن	مرد	زن
امید به زندگی	۷۲.۱	۷۴.۶	۷۱.۱	۷۳.۱

تحولات خانوار و بعد خانوار: ۱۳۹۰–۱۳۵۵

سال	تعداد خانوار			بعد خانوار		
	کل	شهری	روستایی و غیرساکن	کل	شهری	روستایی
۱۳۹۰	۲۱,۱۸۵,۶۴۷	۱۵,۴۲۷,۸۴۸	۵,۷۵۷,۷۹۹	۳.۵	۳.۵	۳.۷
۱۳۸۵	۱۷,۵۰۱,۷۷۱	۱۲,۴۰۵,۵۸۴	۵,۰۹۶,۱۸۷	۴	۳.۹	۴.۴
۱۳۷۵	۱۲,۳۹۸,۲۳۵	۷,۹۴۸,۹۲۵	۴,۴۴۹,۳۱۰	۴.۸	۴.۶	۵.۲
۱۳۶۵	۹,۶۷۳,۹۳۱	۵,۵۲۸,۵۴۲	۴,۱۴۵,۳۸۹	۵.۱	۴.۰	۵.۵
۱۳۵۵	۶,۷۱۱,۶۲۸	۳,۲۶۵,۵۲۴	۳,۴۴۶,۱۰۴	۵.۰	۴.۹	۵.۲



درصد خانوار برحسب تعداد افراد خانوار: ۱۳۸۵–۱۳۹۰

سال	۱ نفر	۲ نفر	۳ نفر	۴ نفر	۵ نفر بیشتر
۱۳۹۰	۷.۱	۱۸.۴	۲۷.۱	۲۶.۳	۲۱.۰
۱۳۸۵	۵.۲	۱۵.۳	۲۲.۹	۲۴.۴	۳۲.۲

درصد خانوار بر حسب جنس سرپرست خانوار: ۱۳۹۰-۱۳۵۵

جنس	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰
مرد	۹۲.۷	۹۲.۹	۹۱.۶	۹۰.۵	۸۷.۹
زن	۷.۳	۷.۱	۸.۴	۹.۵	۱۲.۱

جمعیت کشور بر حسب دین: ۱۳۹۰-۱۳۸۵

سال	مسلمان	مسیحی	کلیمی	زرتشتی	سایر	اظهارنشده
۱۳۹۰	۷۴,۶۸۲,۹۳۸	۱۱۷,۷۰۴	۸,۷۵۶	۲۵,۲۷۱	۴۹,۱۰۱	۲۶۵,۸۹۹
۱۳۸۵	۷۰,۰۹۷,۷۴۱	۱۰۹,۴۱۵	۹,۲۵۲	۱۹,۸۲۳	۵۴,۲۳۴	۲۰۵,۳۱۷

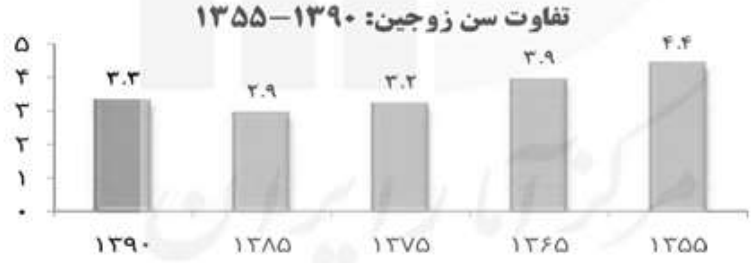


جمعیت ۱۰ ساله و بالاتر کشور بر حسب وضع زناشویی:
۱۳۸۵–۱۳۹۰

سال و جنس		دارای همسر	بی همسر به دلیل فوت همسر	بی همسر به دلیل طلاق	هرگز ازدواج نگرده	اظهار نشده
۱۳۹۰	مرد	۶۰.۰	۱.۰	۰.۷	۳۸.۰	۰.۲
	زن	۶۱.۰	۷.۴	۱.۴	۳۰.۲	۰.۰
۱۳۸۵	مرد	۵۴.۶	۱.۰	۰.۵	۴۳.۴	۰.۵
	زن	۵۶.۷	۶.۵	۰.۹	۳۵.۴	۰.۶

میانگین سن در اولین ازدواج به تفکیک جنس :
۱۳۵۵–۱۳۹۰

جنس	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰
مرد	۲۴.۱	۲۳.۸	۲۵.۶	۲۶.۲	۲۶.۷
زن	۱۹.۷	۱۹.۹	۲۲.۴	۲۳.۳	۲۳.۴





جدول میانگین نسبت طلاق به ازدواج در فواصل زمانی مختلف

کل کشور	سال ۱۳۷۵–۱۳۷۹	سال ۱۳۸۰–۱۳۸۴	سال ۱۳۸۵–۱۳۸۸	سال۱۳۸۹–۱۳۹۰
تعداد طلاق	۲۲۶۸۶۱	۳۴۷۵۴۲	۴۳۰۱۴۹	۲۸۰۰۴۱
تعداد ازدواج	۲۷۷۹۶۰۱	۳۳۶۲۷۲۲	۳۳۹۰۹۳۰	۱۷۶۶۴۱۹
میانگین طلاق	۴۵۳۷۲	۶۹۵۰۸	۱۰۷۵۳۷	۱۴۰۰۲۱
میانگین ازدواج	۵۵۵۹۲۰	۶۷۲۵۴۴	۸۴۷۷۳۳	۸۸۳۲۱۰
نسبت طلاق به ازدواج در سال نهایی	۸,۲درصد	۱۰,۳درصد	۱۲,۷درصد	۱۶,۳درصد

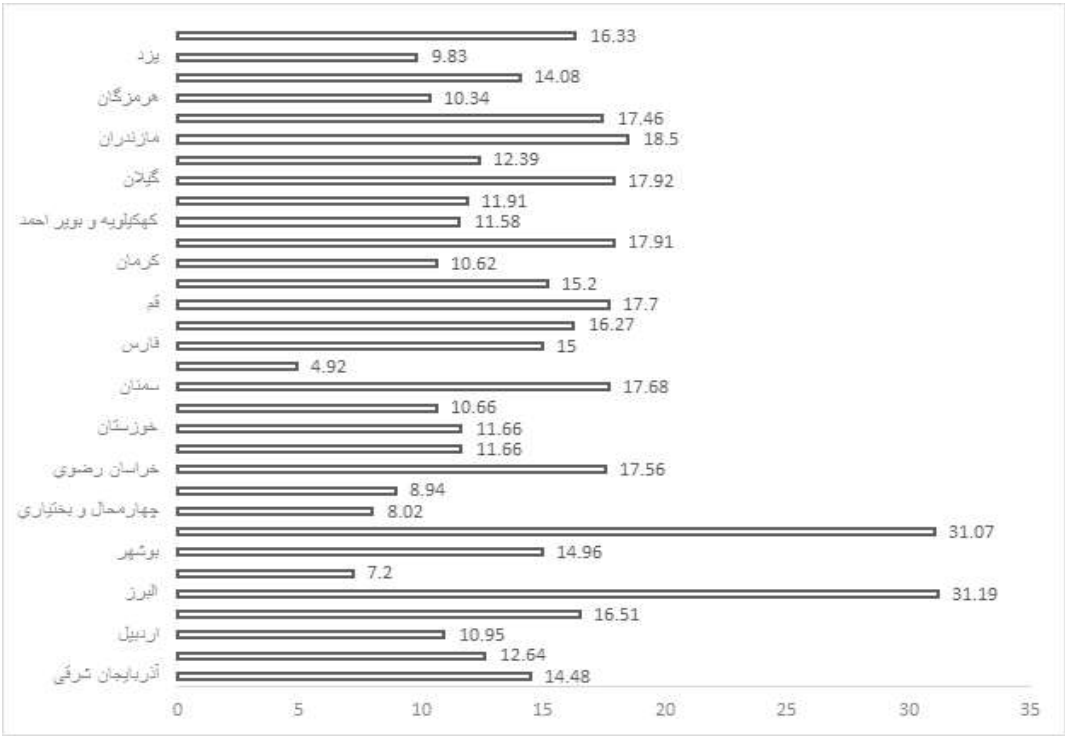
جدول نرخ رشد ازدواج و طلاق طی سالهای ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۰

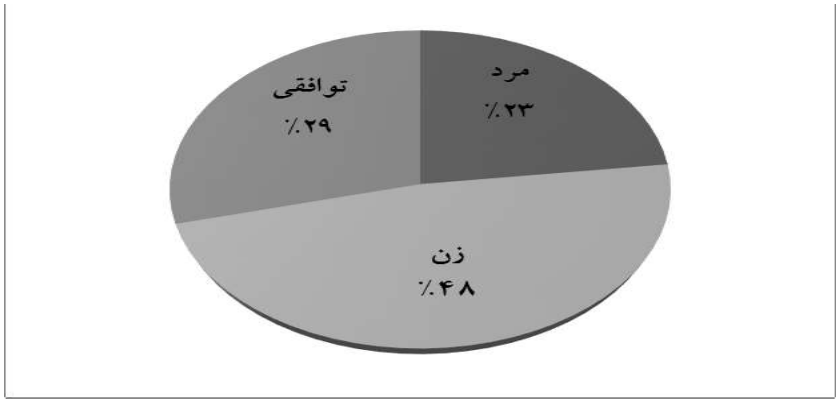
سال	نرخ رشد سالانه ازدواج	نرخ رشد سالانه طلاق
۱۳۷۸	۱۵,۰	۲۰,۴
۱۳۷۹	۵,۸	۵,۴
۱۳۸۰	-۰,۹	۱۲,۶
۱۳۸۱	۱,۶	۱۱,۱
۱۳۸۲	۴,۶	۷,۶
۱۳۸۳	-۱۱,۶	-۱۲,۸
۱۳۸۴	۳۰,۸	۳۳,۵
۱۳۸۵	-۱,۲	۱۱,۶
۱۳۸۶	۸,۱	۶,۲
۱۳۸۷	۴,۸	۱۰,۷
۱۳۸۸	۱,۰	۱۳,۸
۱۳۸۹	۰,۱۶	۹,۱۰
۱۳۹۰	-۱,۹	۴,۱۱

جدول تعداد ازدواج های ثبت شده در سال ۱۳۹۰ به تفکیک استان

آذربایجان شرقی	۴۵,۷۷۰	خراسان شمالی	۱۲,۹۹۷	کرمانشاه	۲۴,۶۶۳
آذربایجان غربی	۳۸,۵۹۱	خوزستان	۵۸,۶۲۳	کهکیلویه و بویر احمد	۸,۸۱۹
اردبیل	۱۸,۷۵۰	زنجان	۱۵,۰۳۵	گلستان	۲۴,۲۶۲
اصفهان	۵۰,۶۰۶	سمنان	۶,۳۵۳	گیلان	۲۸,۸۲۶
البرز	۲۰,۲۸۷	سیستان و بلوچستان	۲۸,۵۹۹	لرستان	۲۵,۰۷۹
ایلام	۷,۴۵۹	فارس	۵۳,۸۰۴	مازندران	۳۴,۱۸۷
بوشهر	۱۱,۲۳۷	قزوین	۱۴,۲۰۴	مرکزی	۱۶,۳۹۲
تهران	۱۰۱,۸۲۹	قم	۱۳,۷۰۶	هرمزگان	۱۹,۰۸۵
چهارمحال و بختیاری	۱۲,۸۶۱	کردستان	۲۱,۵۲۶	همدان	۲۴,۳۵۵
خراسان جنوبی	۸,۸۲۷	کرمان	۳۳,۹۶۰	یزد	۱۲,۵۲۸
خراسان رضوی	۸۱,۵۷۲	کل کشور ۸۷۴۷۹۲			

نمودار نسبت طلاق به ازدواج در سال ۱۳۹۰ به تفکیک استان





درصد متقاضیان طلاق بر حسب جنسیت در سال ۱۳۸۸

بخش دوم: آسیب شناسی مسائل خانواده به روش مدیریت راهبردی

در این بخش ویژگیهای جمعیتی خانوارها، تشکیل و پایداری خانواده، تحکیم و تقویت خانواده، کارکردهای خانواده به اختصار مورد بررسی قرار می گیرد.

- ویژگی های جمعیتی

افزایش تحصیلات و آگاهی‌های زنان و مادران

جوان بودن جمعیت فعال کشور

افزایش نرخ امید به زندگی

کاهش مرگ و میر مادران

- تشکیل و پایداری

پایبندی به مذهب و اعتقادات دینی در زنان وخانواده ها

قداست نهاد خانواده و بی بدیل بودن آن در جامعه ایرانی

افزایش آگاهی نسبی جوانان و خانواده ها در مسائل زناشویی و جنسی

- تحکیم و تقویت خانواده

بالا بودن روحیه احسان و ایثار در زنان کشور

افزایش گرایش خانواده ها به استفاده از مشاوره در مسایل مختلف زندگی

تعهد و تعصب زنان ایرانی و مسلمان در حفظ عفت و پاکدامنی

تعهد و تعصب زنان ایرانی و مسلمان در رعایت امانت و صداقت در امور خانه

افزایش آگاهی های حقوقی زنان نسبت به خود و همسر

وجود زمینه مناسب برای انتقال تجربیات زندگی از سوی والدین به فرزندان

همت مردان جامعه برای حفظ خانواده

وجود سرمایه های اجتماعی با ارزشی همچون ارتباطات فامیلی و شبکه های خویشاوندی

بالا بودن روحیه پشتکار و روحیه فعالیت زنان در امور اجتماعی

آبروداری و حفظ اسرار و حیثیت خانوادگی نزد زنان و خانواده

افزایش روزافزون اعتماد به نفس و توانایی مقابله با مشکلات در زنان و خانواده

بالا بودن باور عمومی زنان و خانواده نسبت به عواقب آسیب های اجتماعی

حساس شدن مردم نسبت به آسیب های اجتماعی به ویژه در خصوص زنان و دختران

وجود اعتماد ، اتکا ، تشریک مساعی و همکاری متقابل بین اعضای خانواده با یکدیگر

- کارکردهای خانواده

کمک به جامعه پذیری فرزندان

مشارکت خانواده ها در تامین نیازهای اقتصادی و مادی زوجهای جوان بهنگام ازدواج

فرهنگ احترام به پدر و مادر و قدر شناسی و حفظ کرامت سالمندان و حمایت از آنها

– زمینه های بهبود

در این قسمت ویژگیهای جمعیتی خانوارها، تشکیل و پایداری خانواده، تحکیم و تقویت خانواده، کارکردهای خانواده به اخصار مورد بررسی قرار می گیرد.

ویژگی های جمعیتی

افزایش سن ازدواج و کاهش باروری

افزایش طلاق

کوچک شدن بعد خانوار

افزایش نرخ تجرد قطعی و کاهش نرخ شیوع ازدواج

پایین بودن میزان و گستره آموزش ها و اطلاعات حقوقی زنان و خانواده

تشکیل و پایداری خانواده

ضعف مسئولیت پذیری جوانان برای ورود به عرصه زندگی

ضعف کمی و کیفی آموزشهای قبل و بعد از ازدواج

نامتناسب بودن آموزش های مهارت زندگی و مشاوره های خانوادگی با فرهنگ دینی و بومی ایران

تغییر الگوی مصرف و گرایش بیشتر خانواده ها به مصرف گرایی تجمل گرایی

عدم رعایت مراودات شرعی در جامعه

پایین آمدن ضریب تحمل و گذشت جوانان در فهم و درک یکدیگر

عدم آگاهی خانواده در برقراری درست مناسبات سالم نسبت به ازدواج فرزندان

تشکیل و پایداری خانواده

کمرنگ شدن ملاک های حقیقی ازدواج نزد جوانان و تفوق ملاک های غیرواقعی

آشنا نبودن خانواده ها در برقراری مناسبات درست با فرزند آسیب دیده

آشنا نبودن زوجین با مهارتهای زندگی، به ویژه مهارتهای ارتباطی

کم رنگ شدن روحیه سازش پذیری و مدارا و اطاعت از والدین در بین فرزندان

ضعیف شدن میزان پایبندی برخی خانواده ها به آموزه های دینی

تحکیم و تقویت خانواده

کم شدن میزان حضور مادران در خانواده

کم توجهی به آرامش روانی زن در خانواده و انتظار یک سویه از او بعنوان تنها عامل آرامش

وجود خلاء ها و کاستیها در دستیابی زنان به حقوق شرعی و قانون

فقر فرهنگی و عدم آگاهی در مورد تبعات خشونت و پیشگیری از آن نزد زنان

امتناع برخی مردان در پرداخت نفقه به همسران

ضعف مهارتهای لازم در رویارویی با پدیده تفاوت نسلی در والدین

ضعف ارتباطات در بین اعضای خانواده بدلیل کاهش وقت و فرصت

کاهش صله ارحام و روابط بین نسلی خانواده ها

ضعف آگاهی اعضا نسبت به حقوق و تکالیف ومسئولیت های یکدیگر

فقدان الگوی مناسب برای مشارکت اجتماعی بانوان متناسب با شان و منزلت زن

نبودن فرهنگ لازم برای مراجعه مستمر و فوری به مراکز حمایتی

تقدم برنامه های حمایتی بر برنامه های توانمندسازی خانواده

عدم توجه به برنامه های اجتماع محور منطقه ای و محلی

کارکردهای خانواده

کاهش نقش های تربیتی خانواده

کم رنگ شدن نقش جامعه پذیری غیر رسمی و واگذاری آن به بنهاد های خصوصی و دولتی

کاهش کارکرد نظارتی خانواده

کم رنگ شدن نقش سرپرستی اقتصادی مردان در خانواده

ضعف آگاهی ، نظارت و مدیریت والدین نسبت به فن آوری اطلاعات در خانواده

پایین بودن توانایی و مهارت والدین در حل مشکلات فی ما بین

سخت گیری و خشونت بی رویه والدین نسبت به فرزندان خاطی

تبعیض بین فرزندان پسر و دختر

وجود بی تفاوتی و بی مسئولیتی در برخی مردان در قبال خانواده و تربیت فرزندان

بی دقتی خانواده در نظارت بر روابط فرزندان در خارج از خانواده بویژه از دوران نوجوانی

فرصت‌ها

در این قسمت ویژگی های جمعیتی خانوارها، تشکیل و پایداری خانواده، تحکیم و تقویت خانواده، کارکردهای خانواده به اختصار مورد بررسی قرار می گیرد.

ویژگی های جمعیتی

تعداد جمعیت کشور

وسعت جغرافیایی کشور (تنوع آب و هوایی کشور)

افزایش مراکز علمی و ایجادرشته های مرتبط با خانواده

افزایش متخصصین زن

افزایش مبلغین زن

تشکیل و پایداری خانواده

وجود ظرفیت های عظیم دینی در کشور

برنامه ریزی جدی دولت و سازمانهای مردم نهاد جهت تسهیل امر ازدواج جوانان

اهتمام جامعه، مردم و بویژه بنگاههای خیریه در حمایت از ازدواج دختران بی بضاعت، یتیم و...

توجه مسئولان در افزایش تسهیلات اشتغال و ازدواج جوانان

تحکیم و تقویت خانواده

تقید دینی خانواده های ایرانی به اعتقادات مذهبی

توجه حاکمیت و مسئولان نظام به اهمیت خانواده و ضرورت برنامهریزی در جهت تحکیم بنیان خانواده

وجود حقوق و امتیازات مالی (نفقه ، مهریه و..) و غیر مالی برای زنان در قوانین و مقررات

توجه مسئولان نسبت به روند نامناسب آسیب های خانواده

وجود مراکز مداخله در بحران(اورژانس اجتماعی) و مراکز مشاوره خانواده ومددکاری

فعال شدن سازمان های غیردولتی در زمینه تحکیم بنیان خانواده

توجه به موضوع تحکیم خانواده در قوانین و مصوبات

توجه به آموزش تحکیم خانواده در مدارس، دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی

تقویت رویکرد استفاده از یافته ها و روش های علمی در زمینه تحکیم خانواده

افزایش نسبی امنیت اجتماعی در کشور در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر

امکان گسترش اطلاعات و آگاهی‌های لازم و به موقع در زمینه آسیب های اجتماعی زنان و عواقب آن از سوی رسانه های عمومی در کشور

افزایش اهتمام دولت جهت غنی سازی اوقات فراغت

استفاده از ظرفیت های مساجد ,حوزه های علمیه در مباحث خانواده

وجودنهادها و سازمان های تامین اجتماعی از قبیل وزارت رفاه و تامین اجتماعی ، سازمان بهزیستی، کمیته امداد حضرت امام (ره)

وجود ظرفیت های بالای مردمی و خیریه برای مداخله در مسائل خانواده ها (تشکل های موجود در مساجد و هیات ها و افراد خیر)

وجود مشاوران و مراکز مشاوره خانواده

وجود مراکز پزشکی ودرمانی مناسب جهت درمان نازایی و توجیه زوجین در تحمل و پذیرایی یکدیگر

وجود زمینه‌های لازم جهت وضع و اجرای قوانین حمایتی از فرزندان بدسرپرست و یا مادران بدسرپرست در مراکز قانون گذاری و اجرایی کشور

وجود اهتمام نزد دولتمردان برای برنامه ریزی جهت تامین امور اجتماعی و رفاه نسبی مردم و کاهش نابرابری ها

وضع و اجرای قوانین حمایت های مالی از زنان سرپرست خانوار و خود سرپرست و بدون سرپرست

تهدیدها

در این قسمت تهدیدات مربوط به خانواده در : ویژگیهای جمعیتی خانوارها، تشکیل و پایداری خانواده، تحکیم و تقویت خانواده، کارکردهای خانواده به اختصار مورد بررسی قرار می گیرد.

ویژگی های جمعیتی

بالا رفتن آمار و تنوع آسیبهای اجتماعی زنان و دختران

کاهش سن بزه در بین زنان و دختران

کوچک شدن بعد خانوار

افزایش نرخ بیکاری

افزایش میزان طلاق به ویژه در سالهای اخیر

افزایش خانوارهای با سرپرست زن

افزایش خانواده های تک فرزند

روند رو به رشد مهاجرت به شهرهای بزرگ و اسکان در حاشیه شهرها و رواج آثار و عواقب سوء زندگی شهری

تشکیل و پایداری خانواده

کاهش توانایی اقتصادی خانواده ها در انجام امر ازدواج جوانان

کاهش حمایت های سنتی از تشکیل خانواده و عدم جایگزینی نظامها و روش های مناسب به جای آن

افزایش آداب و رسوم دست وپاگیر در ازدواج

وجود برخی از سنت های قومی و طایفه ای نسبت به زنان در برخی از اقوام از جمله ازدواج های اجباری

گسترش پدیده تفاوت نسلی و افزایش روحیه ستیز با والدین

تحکیم و تقویت خانواده

کم رنگ شدن صله رحم در بین خویشاوندان

کمبود مراکز مشاوره و افراد متخصص و متعهد در این خصوص (عدم بومی شدن روش ها)

نفوذ فرهنگ غرب از طریق رسانه های رسمی و غیر رسمی و فضاهای مجازی

ساختار نامناسب اشتغال زنان و آثار و تبعات آن بر خانواده

شیوع و گسترش پدیده چند شغلی سرپرست خانوار و کاهش ساعات حضور وی در خانواده

شیوع گرایشات فمنیستی و ایجاد تقابل بین زن و مرد

عدم وجود پوشش کامل امینت اجتماعی به ویژه برای خانواده های بد سرپرست و دارای سرپرست زن

پراکندگی و تعدد مراجع تصمیم ساز و سیاستگذار در حوزه زنان و خانواده و فقدان وجود سازمانی نظامند و کارآمد بعنوان متولی خانواده با ابزارهای نظارتی و اجرایی قوی

پایین آمدن قبح طلاق در فضای عمومی جامعه

جدایی عاطفی والدین از یکدیگر

کارکردهای خانواده

کارا نبودن شیوه های سنتی و عادت شده امر به معروف و نهی از منکر و آشنا نبودن با روش‌های کارآمد و موثر

عدم حمایت از زنان زندانی پس از آزادی از زندان و خانواده های زندانیان

عدم حضور جدی دستگاه های انتظامی و امنیتی در محل های جرم خیز

عدم وحدت رویه قضایی کامل در مسائل خانوادگی و دعاوی

تغییر در برخی از کارکردهای خانواده در نتیجه تحولات موسوم به مدرنیسم

بخش سوم: چالش های مربوط به تشکیل و استحکام خانواده به اختصار به صورت فهرست زیر مستفاد از بیانات رهبری معظم انقلاب و اسناد بالا دستی به شرح زیر ارائه می گردد.

وضع موجود و اهم چالشهادر بیانات رهبری	ظلم به زن در خانواده
	عدم آگاهی و مهارت کافی در تعامل و روابط بین و زن و مرد
	طلاق
	گسترش آسیب اجتماعی برای زنان در اثر خانواده متلاشی
	گسترش آسیب اجتماعی برای فرزندان در اثر خانواده متلاشی
	تاثیر منفی فرهنگ غربی بر استحکام خانواده(بی بندو باری جنسی، اعتیاد ، ...،مشروبات الکلی)
	تاثیر فعالیت اجتماعی بر نقش مادری و همسری زن
	تاثیر فعالیت اجتماعی بر نقش پدرانه و همسری مرد
	تجمل در ازدواج (مهریه سنگین، تجملات و اسراف مردم و محدودی از مسئولان)
	...،موانع فرهنگی و اقتصادی ازدواج(شغل، مسکن)
	ضعف فرهنگ عمومی و تاثیر آن بر خانواده
	مهارت پائین برخی والدین برای تعامل با نسل جوان
	ازدواج تحمیلی در برخی مناطق کشور

وضع موجود و چالش ها در اسناد بالادستی	نبود نگرش نظام مند و منسجم فرهنگی به سیاستگذاری و برنامه ریزی با محور خانواده
	فقدان متولی مشخص برای برنامه ریزی در امر خانواده
	تقدم برنامه های حمایتی بر برنامه های توانمندسازی خانواده
	فاصله بین بلوغ جنسی جوانان و بلوغ اجتماعی و اقتصادی آنان وبه تأخیر افتادن استقلال اجتماعی و اقتصادی جوانان به دلیل مسایل و مشکلات .اقتصادی کشور
	ابهام و ناهماهنگی در نظام مدیریت(سیاست گذاری، برنامه ریزی، اجرا و نظارت) در حوزه خانواده
	نفوذ فرهنگ غرب از طریق رسانه های رسمی و غیررسمی تهاجم فرهنگی
	پایین بودن میزان و ضعف محتوای آموزشهای قبل و بعد از ازدواج
	آشنا نبودن زوجین با مهارتهای زندگی بویژه مهارتهای ارتباطی
	فقدان مهارتهای لازم در خانواده در رویارویی با پدیده تفاوت نسلی
وضع موجود و چالش ها در اسناد بالادستی	شیوع تفکرات فمینیستی و کاهش میزان سازش پذیری زنان
	ضعف فرهنگی نگرش زنان نسبت به جایگاه و منزلت خانه داری
	نامتناسب بودن آموزشهای مهارت زندگی و مشاوره های خانوادگی با فرهنگ بومی ،دینی و ایرانی
	ضعف ارتباطات در بین اعضای خانواده بدلیل کاهش وقت و فرصت
	ضعف گرایش زوجین جوان به فرزندآوری
	کاهش کارکرد نظارتی خانواده
	بالا رفتن سن ازدواج و تأخیر در ازدواج جوانان و گسترش پدیده تجرد زیستی
	افزایش میزان طلاق به ویژه در سالهای اخیر نسبت به ازدواج
	ساختار نامناسب اشتغال زنان و آثار و تبعات آن بر خانواده

بر اساس بررسی های انجام شده موارد زیر به عنوان مسائل و موضوعات اصلی زنان در حوزه خانواده معین شده اند.

چکیده مطالعات تحلیل وضعیت موج

چالش های اصلی در سطوح پیامدها و عواقب اجتماعی	• افزایش نرخ طلاق در کشور • ظلم به زنان • عدم آگاهی و مهارت کافی در تعامل و روابط بین و زن و مرد در برخی خانواده ها • مهارت پائین برخی والدین برای تعامل با نسل جوان • گسترش آسیب های اجتماعی برای زنان و فرزندان خانواده ی متلاشی شده • تاثیر منفی فرهنگ غربی بر استحکام خانواده (بی‌بندوباری، اعتیاد، مشروبات الکلی، و ...) • تجمل در ازدواج (مهریه سنگین، تجملات و اسراف مردم و معدودی از مسئولان)
چالش های اصلی در سطوح سیاستی و برنامه‌ریزی	• وجود مشکلاتی در نظام سیاست‌گذاری، پایش و راهبری خانواده در سطح کلان نظام • ضعف فرایندهای نظریه‌پردازی و الگوسازی سبک زندگی خانواده اسلامی ـ ایرانی • نارسایی سازوکارهای رصدگری، پژوهش میدانی وآسیب‌شناسی و کمبود نهادهای علمی و پژوهشی مطالعات خانواده در حوزه تشکیل، تحکیم و تعالی خانواده • وجود مشکلات مرتبط با کمبود توانایی های زنان و مردان جهت ایفای نقش‌های اساسی خود در خانواده در چارچوب سبک زندگی اسلامی ـ ایرانی • ضعف زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی مرتبط با تشکیل، تحکیم و تعالی خانواده • ضعف نظام شناسایی، توانمندسازی و مداخله موثر برای پیشگیری و رفع آسیب از خانواده‌های در معرض فروپاشی • وجود مشکلاتی در زمینه نظام حقوقی و رویه‌های قضایی مرتبط با تشکیل، تحکیم و تعالی خانواده

تحلیل وضع موجود خانواده در ایران

کمیته زنان و جوانان

چکیده

خانواده، صرف‌نظر از تعاریف گوناگونی که برای آن شده است، با پیوند زناشویی بین زن و مرد آغاز می‌شود. سبب اصلی برای این پیوند، میل و کشش درونی انسان از جنبه غرایز و عواطف و انگیزه بقای نسل به حکم عقل و علاقه به استکمال معنوی در سایه زوجیت از جنبه فطرت الهی انسان است. این جهات متنوع موجب شده تا جنبه‌های دینی و اخلاقی، حقوقی و عاطفی درباره این پیوند در هم آمیزند و علوم جدید نیز بطور مستقل یا میان رشته‌ای به بحث درباره آن بپردازند. واقعیت آن است که خانواده باید کانون سیاست‌گذاری در عرصه‌های فرهنگ و هنر، آموزش، اقتصاد و امور زیربنایی، قرار گیرد.

واژگان کلیدی

خانواده، پیوند زناشویی، اقتصاد، سیاست گذاری

مقدمه

خانواده، نهادی طبیعی است که از فرط بداهت، درست دیده نمی‌شود. مجموعه آموزه‌های الهی و خطابه‌های نبوی و ولایی و تبیین و تفسیر شریعت توسط عالمان متأله تا به زبان نظامات تقنینی، فرهنگی، اقتصادی و ... ترجمه نشود و همه از اهمیت و قداست و اصالت خانواده سخن بگویند و در مقام برنامه‌ریزی‌های توسعه- آن کار دیگر کنند- به سان کتاب آسمانی که به آن عمل نشده خواهند بود.

خانواده، به عنوان یک نهاد، از وجوه مختلف قابل مطالعه است:

مبانی نظری و رویکرد به خانواده و تشکیل آن: رویکرد قرآن و سنت و بزرگان فکری و هم‌چنین بررسی وضعیت خانواده در فرهنگ غرب در این بخش مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

مطالعه روندی از مرحله شکل‌گیری تا استمرار:

موضوعاتی نظیر آمادگی برای تشکیل خانواده (بلوغ، عقل و رشد)، همسریابی، کفویت، نیازهای اقتصادی، روابط و مناسبات خویشاوندی، تولد فرزندان، نیازهای متقابل و بسیاری عناوین دیگر به صورت روندی و کارکردی در این بخش مورد بحث قرار می‌گیرد.

بررسی نسبت محیط بیرونی با خانواده:

نهادهای اجتماعی و قوای سه‌گانه نسبت به خانواده دارای نقش‌های فراوان و متفاوتی هستند. تعیین این نسبت و سپردن مسئولیت‌ها و نقش‌ها باید مورد بررسی قرار گیرد.

تحلیل وضعیت خانواده در ایران:

تحلیل وضعیت خانواده، با استفاده از اطلاعات و آمار و شاخص‌های مربوط، برای تشخیص چالش‌های کنونی خانواده ضروری است.

۱- مبانی نظری

خانواده، کوچک‌ترین نهاد اجتماعی است که با اراده یک زن و مرد شکل می‌یابد و با پیوندهای خانوادگی و تولد فرزندان بزرگتر می‌شود و رفته‌رفته فرهنگ و ارتباطاتی را پایه‌گذاری می‌کند که منجر به پدید آمدن جوامع روستایی و شهری می‌گردد. از این جهت خانواده نهادی حساس است چون نقشی حیاتی برای رشد و پیشرفت و اجتماعی شدن نوع انسان ایفا می‌کند.

در این بین، خانواده یک نظام صرفاً درون‌گرا نیست، بلکه با همه نظام‌های بیرون از خود در ارتباط است و در تأثیر و تأثر دائمی با آنها قرار دارد.

در قرآن و سنت به خانواده توجه جدی شده و در عصر ما نیز عالمان دینی تلاش کرده‌اند این آموزه‌های دینی را به صور گوناگون بیان کنند. هم‌چنین در فرهنگ غرب نیز رویکردی متفاوت به موضوع خانواده شده است که به اختصار به هریک از آنها می‌پردازیم:

(۱-۱) قرآن

قرآن، بنیان هستی را بر پایه زوجیت دانسته (و خلقناکم ازواجاً) و استمرار حیات بشر و پدید آمدن جوامع را به یک زن و مرد نسبت می‌دهد و می‌فرماید:

یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا [۱]...

ای مردم! ما شما را از یک مرد و یک زن آفریده‌ایم و شما را به هیأت اقوام و قبایلی در آورده‌ایم تا با یکدیگر انس و آشنایی یابید.

حضرت باری تعالی سپس مبنای زوجیت را وحدت اعلام کرده (و هوالذی خلقکم من نفس واحده و جعل منها زوجها لیسکن الیها [۲]) و اخلاق و آرامش را ثمره شیرین پیمان زناشویی می‌داند.

در سوره مبارکه روم می‌فرماید:

و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم موده و رحمه

و خداوند برای شما از نوع خودتان، همسرانی آفرید که با آنان آرام گیرید، و در میان شما دوستی و مهربانی افکند.

از نظر قرآن، تشکیل خانواده، امری فطری و حرکت در جهت خواسته الهی است و از این منظر، ازدواج و خانواده، مقدس و محترم است و ترک آن سرزنش شده است.

۱- حجرات/۱۳

۲- اعراف/۱۸۹

قرآن می‌فرماید: انت لباس لهم، هن لباس لکم[۱]

این عبارت بیانگر روابط زن و مرد در خانواده است. محققین معانی متعددی برای این عبارت ذکر کرده‌اند. از آن جمله و مهم‌ترین آنها عبارتند از:

زن و مرد مکمل یکدیگرند. وجود یکی بدون دیگری نقص است.

زن و مرد عیب‌پوش یکدیگرند.

رابطه زن و مرد یک رابطه دیگر خواهی و نفی خودخواهی‌هاست.

خانواده، حجابی در مقابل نامحرم و دیگران است.

محور رابطه زن و مرد، اخلاقی است و سیر الی الله با محاسبه و مراقبه و سفارش به نیکی‌ها در سایه زوجیت محقق می‌شود.

این برداشت‌ها، نشانگر عمق بینش اسلامی درباره خانواده است که در مباحث بعدی راهگشا خواهد بود.

(۲-۱) روایات

در باب نکاح روایات بسیاری وارد شده است که همگی نشان دهنده اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده و مبغوض بودن ترک ازدواج است.

از آن جمله‌اند:

ما بنی فی الاسلام بناء احب الی الله عزوجل ، و اعز من التزویج۲

هیچ بنایی در اسلام دوست داشتنی‌تر و عزیزتر از ازدواج نزد خداوند عزوجل نیست.

شرارکم عزابکم، رکعتان من متأهل خیر من سبعین رکعه من غیر متأهل۳

۱- رسول اکرم (ص) / بحار الانوار/ ج ۱۰۳/ص ۲۲۲

۲- رسول اکرم (ص) / کنز

بدترین شما، آنانی هستند که ازدواج نمی‌کنند، دو رکعت نماز از متأهل بهتر از هفتاد رکعت نماز از مجرد است.

هم‌چنین قدم گذاشتن برای ازدواج جوانان توصیه شده و این نشان‌دهنده اهمیت ویژه تشکیل خانواده در اسلام است:

من زوج عزبا کان ممن ینظر الله الیه یوم القیامه

کسی که مجردی را به زوجیت درآورد از جمله کسانی است که روز قیامت مورد عنایت حضرت حق قرار می‌گیرد.

(۳-۱) قانون اساسی

در مقدمه قانون اساسی آمده است:

خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یابنده انسان است اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است.

از این عبارت استخراج می‌شود:

۱- خانواده در جمهوری اسلامی ایران، بنیادی‌ترین واحد اجتماعی است.

۲- خانواده کانون اصلی رشد و تعالی انسان است.

۳- فراهم کردن امکانات برای ایفای نقش خانواده از وظایف حکومت اسلامی است.

در اصل دهم نیز همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌ها را برای آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی می‌شمرد:

"از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد."

(۴-۱) رهبران و بزرگان فکری

رهبران و بزرگان فکری، از زوایای گوناگون به موضوع خانواده پرداخته‌اند. امام خمینی(ره) خانواده را کانون علم و اخلاق و تربیت می‌دانند:

" خانه مطلوب مسلمان، خانه تربیت است. خانه مسلمان خانه علم و اخلاق است."

ایشان آگاهی‌ها و مهارت‌های لازم برای تشکیل خانواده را ضروری می‌دانند و می‌فرمایند :

" مرد و زن برای ازدواج و تشکیل خانواده باید عالم به تعلیم و تربیت و قوانین و آداب اسلامی بوده و آنها را ا جرا نمایند."

رهبر معظم انقلاب خانواده را کلمه طیبه می‌دانند و با الهام از آیه ۱۲ سوره مبارکه روم می‌فرمایند:

"مرد برای یافتن آرامش، به زن در محیط خانواده احتیاج دارد؛ زن هم برای یافتن آرامش به مرد در محیط خانواده احتیاج دارد."

این تعبیر، در مقابل کسانی است که آرامش در کنار همسر را یکطرفه تفسیر می‌کنند حال آن‌که از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، آرامش، اطمینان، امنیت و مودت و رحمت در زندگی زناشویی دوطرفه است.

ایشان آنگاه می‌فرمایند:

"خانواده در اسلام یعنی محل سکونت دو انسان. محل آرامش روانی دو انسان. محل انس دو انسان با یکدیگر. محل تکامل یک نفر به وسیله نفر دیگر. آن‌جایی که انسان در آن صفا می‌یابد، راحتی روانی می‌یابد، این محیط خانواده است."

علامه طباطبایی(ره) نیز می‌فرماید:

" اسلام، ازدواج و تشکیل خانواده را عامل اصلی پیدایش و بقای جامعه بشری تشخیص می‌دهد."

همچنین استاد شهید مطهری(ره) درباره خانواده با طرح مباحث گسترده می‌نویسد: "نه تنها ازدواج مقدس است، بلکه کانون خانوادگی مقدس است." و ادامه می‌دهد:

" اسلام زندگی خانوادگی را یک اجتماع طبیعی می‌داند و برای این اجتماع طبیعی یک مکانیسم مخصوص تشخیص داده است و رعایت آن مکانیسم را لازم و غیر قابل تخلف دانسته است. "

ایشان عامل تشکیل خانواده را عامل اخلاقی می‌داند و سپس به موضوعی عمیق اشاره می‌کند:

" کانون خانوادگی و فلسفه خانوادگی و روح خانوادگی عبارت است از روح مافوق غریزه جنسی که میان دو نفر پیدا می‌شود؛ یعنی شخصیت یکدیگر را دوست دارند و تا سنین پیری که دیگر غریزه جنسی به کلی ضعیف یا نابود می‌شود، علقه خانوادگی و محبت میانشان هست و روز به روز هم شدیدتر می‌شود. "

از اینجا به بعد استاد مطهری(ره) به عامل اخلاقی در خانواده می‌پردازند و در عباراتی این‌طور می‌آورند.

ازدواج صرفاً برای اطفاء غریزه جنسی نیست، مسأله وحدت و صمیمیتی است که باید پایدار بماند.

در نظام اجتماع، قانون اساس است و در اجتماع خانوادگی عواطف.

علقه خانوادگی علقه خاصی است براساس عواطف و وحدت و یگانگی و صمیمیت، برخلاف علقه اجتماعی که اساس آن بیگانگی و عدالت است.

مشکلات خانواده و زندگی خانوادگی را فقط محبت می‌تواند حل کند نه عدالت و قانون

حضرت آیت الله جوادی آملی نیز عبارات متعددی در این باب دارند که مشابهت زیادی با نظرات استاد مطهری دارد. ایشان می‌فرماید:

خانواده، براساس محبت و عقلانیت اداره می‌شود.

خانواده، با اخلاق و عشق اداره می‌شود و نه با حقوق و وظایف.

از بیانات رهبران و بزرگان فکری که همه آنها از یک سنخ اند برداشت می‌شود: اولاً خانواده مقدس است. ثانیاً عامل اصلی تعیین‌کننده در تشکیل و اداره خانواده، محبت و عقلانیت می‌باشد.

اما آنچه فهم ما درباره خانواده را از منظر جهان‌بینی اسلامی عمیق‌تر می‌سازد عباراتی است

که در آنها شهید مطهری(ره) به لایه درونی‌تر ازدواج و خانواده اشاره می‌کنند:

به عقیده ما اساس و ماهیت زندگی خانوادگی شرکت و مالکیت نیست، وحدت است.

زندگی خانوادگی اساسش از بین رفتن من و تو و ایجاد یگانگی است.

ازدواج، شکستن حصار خودی است.

این عبارات تکلیف انسان در قبال مسیر الی الله را در سایه زوجیت روشن می‌سازد و فرسنگ‌ها با مباحثی که خانواده را در تقسیم مالکیت و چارچوب‌ها و قراردادها محدود می‌کند فاصله دارد.

(۵-۱) فرهنگ غرب

ازدواج، در آیین مسیحیت پس ازحضرت مسیح (ع) یک تنزل از مقام تقرّب محسوب می‌شود و راهبان مسیحی به همین دلیل از ازدواج منع می‌شوند. گرچه این به معنای نفی «تشکیل خانواده» در غرب نیست لکن به آن صورت که در اسلام، ازدواج، مسیر قرب الی الله معرفی شده، نمی‌باشد.

نظامات حقوقی خانواده در غرب، به گونه‌ای است که علقه خانوادگی در حصار تنگ «قرارداد اجتماعی» قرار می‌گیرد و جدا شدن زوجین از یکدیگر یک امر عادی محسوب می‌گردد. گرچه در این باره، ممنوعیت طلاق نزد کاتولیک‌ها یک استثنای مذهبی است که به نوبه خود مشکلات دیگری به وجود آورده است، حال آن‌که اسلام، که طلاق را مذموم دانسته در مواردی همین طلاق مذموم را واجب شمرده است.

اخیراً نیز برخی کشورها نظیر انگلستان، تعریف ازدواج را تغییر داده‌اند که البته به دلیل سنت‌ها و ارزش‌های دینی هنوز اکثریت، در برابر آن مقاومت می‌کنند. باید توجه داشت بسیاری معتقدند این همجنس‌گرایی زاییده نگاه فمینیستی به موضوع رابطه زن و مرد و خانواده می‌باشد.

آن‌چه مسلم است آن‌که، ازدواج آن‌چنان که در اسلام مقدّس است در غرب جنبه تأکیدی و تقدّسی ندارد و طلاق نیز نظیر آن‌چه در اسلام قبیح است، اصلاً مذموم نمی‌باشد.

به رسمیت شناخته شدن زندگی مشترک هم‌خانگی (بدون ازدواج)، بی‌بند و باری جنسی، افزایش سن ازدواج بدون آن‌که توصیه به ازدواج یک فرهنگ پذیرفته شده باشد و مواردی

از این قبیل، حداقل نشان از عدم تأکید جدّی بر موضوع ازدواج و تشکیل خانواده در غرب دارد. البته جامعه‌شناسان به موضوع خانواده خصوصاً از جنبه یک نهاد اجتماعی و کارکردهای آن توجه کرده و مطالب قابل استفاده‌ای در این زمینه به جامعه بشری عرضه کرده‌اند که مبدأ بسیاری از تصمیمات به نفع خانواده شده است.

۲– خانواده، از مرحله شکل گیری تا استمرار

(۱-۲) پیش از ازدواج

فاصله بلوغ جنسی تا سن رشد را می‌توان دوره آمادگی برای ازدواج دانست. این دوره در دهه‌های گذشته کوتاهتر و شکل‌گیری ساده‌تری داشته است. به تدریج که زندگی شهرنشینی گسترش یافت و عوامل تأثیر گذار بر این دوره تنوع پیدا کرد، با دوره‌ای طولانی‌تر و پیچیده‌تر روبرو شده‌ایم.

در گذشته، آگاهی‌ها و مهارت‌های موردنیاز برای ازدواج و اداره زندگی ساده‌تر و متفاوت از وضعیت کنونی بود. این آگاهی‌ها و مهارت‌ها به تدریج در خانواده گسترده به نسل بعد منتقل می‌شد. در دوره جدید این نیازها بسیار متنوع شده و انتظار انتقال آن از خانواده به فرزندان دور از واقعیت است.

فهرستی از مهمترین نیازها را می‌توان به این ترتیب ارائه کرد:

- احکام بلوغ
- آگاهی‌های علمی دوره بلوغ
- آگاهی‌ها و مهارت‌های بهداشت جنسی
- آگاهی‌ها و مهارت‌های موردنیاز درباره جنس مخالف
- آگاهی‌ها و پیشگیری‌های لازم درباره مسائل روحی و روانی خاص این دوره
- مهارت‌های زندگی درخانواده
- آگاهی‌های لازم درباره نحوه برخورد متناسب با کرامت انسانی، ترسیم آینده روشن در تشکیل خانواده و تقدس ازدواج و خانواده

- کیفیت و مهارت آشنایی با جنس مخالف برای ازدواج
- مهارت‌های جلب رضایت همسر و افزایش علقه زناشویی
- اصول و آموزه‌های دینی درباره زندگی زناشویی و خانواده
- وظایف شرعی، حقوقی، اخلاقی و عرفی زوجین
- اخلاق زناشویی

در این بین، موضوعی که در حوزه قوانین، درباره شرایط ازدواج بیش از گذشته شایسته توجه است، شرط رشد برای طرفین می‌باشد.

درگذشته سه عنوان بالغ و عاقل و رشید برای پسران و بالغه و عاقله و رشیده برای دختران شروط احراز صلاحیت ازدواج ذکر می‌شده است.بلوغ در حوزه قوانین جای خود را بازکرده گرچه همچنان درباره سن بلوغ محل بحث وجود دارد.

درباره عقل نیز به حداقل تشخیص عقل اکتفا می شود حال آنکه تعریف عقل و نیاز به استفاده از عقل در شرایط کنونی بسیار گسترده تر از گذشته است و باید از علوم جدید برای تعیین حداقل های مورد نیاز استفاده نمود.

لکن رشد مفهومی است که متروک مانده و آن را گاه با بلوغ و گاهی با عقل مترادف گرفته‌اند در حالی‌که حق مطلب این نیست. (در قوانین، به "رشد" اشاره شده است، لکن عملاً آن‌چنان که شایسته است مورد عنایت قرار نمی‌گیرد.)

شهید مطهری(ره) درباره رشد در تألیفات متعددی قلم زده اند و آورده‌اند :

" کلمه رشد در عربی به معنای نمو نیست که در فارسی استعمال می‌شود بلکه همان معنایی است که در فقه می‌گویند عاقل بالغ رشید. رشد یعنی اینکه انسان در یک ناحیه از نواحی زندگی مثلاً در امر ازدواج آنچنان حدی از فکر و عقل را داشته باشد که مصالح خود را در انتخاب همسر و در اداره زندگی خانوادگی درک کند. معنی رشد، درک ارزشها و سرمایه‌ها و طرز استفاده و بهره برداری از آنهاست. رشد یعنی قدرت مدیریت. رشد یعنی اینکه انسان شایستگی و لیاقت اداره و نگهداری و بهره برداری یکی از سرمایه ها و امکانات مادی و یا معنوی که به او سپرده می‌شود داشته باشد. رشد مربوط به اندام نیست. یک نوع کمال روحی است. مثلاً در مورد ازدواج ، پسری که می‌خواهد ازدواج کند، باید معنی و هدف و ارزش

نتایج ازدواج را درک کند و قدرت تشخیص و انتخاب و اراده داشته باشد، به صرف تلقین این و آن، شخصی را به عنوان همسر انتخاب نکرده باشد، هم چنانکه دختر نیز برای انتخاب همسر باید رشد داشته باشد. " ۱

از مطالب فوق، می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که باید شرایط رشد از آغازدوره بلوغ به بعد در خانواده، مدرسه، رسانه، نهادهای دینی و ... فراهم شود تا نسلی آماده ازدواج گردد که بتواند منتقل‌کننده فرهنگ و هویت اسلامی به نسل‌های بعد در کانون خانواده باشد. به همین خاطر، تشخیص و تبیین رشد در قانون باید مورد عنایت قرار گیرد و به شروط احراز صلاحیت ازدواج افزوده گردد.

(۲-۲) شکل‌گیری (تشکیل خانواده)

با گسترش جوامع شهری و تغییر الگوی ارتباطات و مناسبات انسانی همراه با افزایش سطح تحصیلات و آگاهی‌های عمومی و دسترسی آسان به منابع اطلاعاتی و همچنین پیچیده‌تر شدن روابط زندگی، جوانان نیازمند مهارت افزون بر گذشته برای ازدواج و پایداری زندگی شده اند. اختلالات زندگی زناشویی و افزایش میزان طلاق عاطفی و طلاق قانونی، نوعی واهمه برای ازدواج در جوانان ایجاد می‌کند که می‌تواند در آینده منجر به کاهش تمایل به ازدواج شود.

از این رو می‌توان مسایل اصلی در این مرحله را به قرار ذیل شناسایی نمود:

الف- طراحی فرصت‌هایی برای انتخاب همسر و تشخیص صلاحیت‌های کفویت در همسر آینده.

آمارها نشان می‌دهند ۸۵ درصد علل مراجعه برای طلاق، «عدم تفاهم و سازش» بوده است. این امر گویای آن است که گام‌های لازم برای شکل‌گیری ازدواج در تشخیص صلاحیت طرفین به خوبی برداشته نشده است.

در این بین، مدیریت و هدایت صحیح روابط و آشنایی‌های قبل از ازدواج با مراقبت‌های لازم از سوی نهادهای فرهنگی و با نظارت خانواده، می تواند راهگشا باشد.

باید توجه داشت در حال حاضر همچنان ۶۲ درصد ازدواج‌ها به صورت سنتی شکل گرفته است و افزایش آمار طلاق می‌تواند رابطه با دشواری تشخیص صلاحیت توسط خانواده در نسبت باشد.

۱ - فرهنگ مطهر- ص ۴۳۸

ب- فرصت و اختیار برای انتخاب مطلوب در امر ازدواج

در نظرسنجی‌ها، ۱۳/۵ درصد زنان اعلام کرده‌اند ازدواج بدون رضایت آنها بوده است. این موضوع، نشان می‌دهد همچنان عامل «رضایت» با چالش روبه‌روست.

فرهنگ‌سازی ازدواج و احکام شرعی در این بین، می‌تواند یکی از مهم‌ترین عوامل اصلاح وضعیت موجود باشد.

ج- آگاهی، آمادگی و مهارت برای زندگی خانوادگی

تحلیل علل درخواست طلاق (عدم تفاهم و سازش ۵۸ درصد، مشکلات جنسی در زوجین میانسال ۲۳/۸ درصد و ...) نشانگر آن است که جامعه جوان ما، مهیای زندگی خانوادگی نشده و از مهارت کافی برای آن برخوردار نیست.

مدارس، رسانه‌ها، منابع مطالعاتی مفید و ... در این زمینه به خانواده کمک نمی‌کنند و خانواده نیز به تنهایی از عهده این نقش مهم برنمی‌آید. آنچه در مرحله قبل درباره آگاهی ها و مهارت های مورد نیاز فهرست شد باید در این مرحله استمرار و عمق یابد.

پایدارسازی خانواده نوپا

در زندگی مشترک، مرحله دشواری وجود دارد که پایداری آینده،محصول چگونگی تنظیم روابط درون خانواده در این مرحله است که معمولاً در حدود سه تا پنج سال پس از ازدواج به طول می‌انجامد.

آمارها نشان می‌دهند ۶۵ درصد درخواست طلاق در سه سال اول زندگی بوده است و این امر مراقبت ویژه از خانواده در این مرحله را ایجاب می‌کند.

چالش‌های عمده درعدم پایداری خانواده های نوپا عبارتند از:

۱- رفتارهای ناسازگار با زندگی مشترک از سوی مردان جوان.

بیش از ۹۰ درصد زنان جوان، علت مراجعه خود به دادگاه‌های خانواده را عدم تفاهم با شوهر، خشونت خانگی و اعتیاد همسران اعلام کرده‌اند.

باید توجه داشت که این آمارها نشان می دهد، پسران تصور کاملی از وظایف شرعی و قانونی خود پس از ازدواج ندارند. بسیاری از مردان جوان، همچنان به ارتباطات با دوستان خود ادامه

می‌دهند و وقت کافی برای همسران خود اختصاص نمی‌دهند. اینها به دلیل عدم آماده‌سازی آنها برای ازدواج در مراحل پیشین است.

آمارهایی نظیر مشکلات جنسی با فراوانی بیش از ۱۰ درصد (اظهارشده) در اختلافات ازدواج‌های جوان گویای واقعیات پیچیده این مرحله می‌باشد.

. ۲- کمبود مهارت‌های لازم نزد طرفین.

۳- دخالت‌های غیرمسئولانه اطرافیان.

۴- عدم تنظیم مطالبات و توقعات اقتصادی، اخلاقی، جسمی و جنسی طرفین.

۵- فقدان نظامات مشاوره‌ای و حمایتی از خانواده‌های نوپا.

۶- نارسایی‌های اقتصادی و تحمیل آن به فضای روابط خانوادگی.

.(۴-۲) استمرارخانواده دارای فرزند

با تولد و رشد فرزند یا فرزندان و تثبیت خانواده، مسایل جدیدی پیش‌روی خانواده قرار می‌گیرد که عمده‌ترین آنها عبارتند از:

۱- تمایلات زنان به فعالیت در عرصه‌های اجتماعی – اقتصادی و علمی.

. براساس نظرسنجی‌ها، ۶۵ درصد پاسخ‌گویان اعلام کرده‌اند دخترانی که زود ازدواج می‌کنند، فرصت تحصیل و اشتغال را از دست می‌دهند.

نیاز به تحصیل، تمایل به استقلال اقتصادی و موضوع مالکیت اموال به دست آمده در خلال زندگی از مهم‌ترین چالش‌های این مرحله می‌باشد و حجم وسیعی از اختلافات خانوادگی در این مرحله را تشکیل می‌دهند.

۲-گرایش به چندهمسری دربرخی از مردان

تمایلات مردان به ازدواج‌های موقت و مجدد، در یکی از نابسامانی‌های این مرحله است. جمهوری اسلامی ایران با قرار دادن شرط «رضایت» برای ازدواج‌های رسمی، موضوع تعدد زوجات رسمی را محدود ساخته لکن «ازدواج موقت» و پنهانی یکی از چالش‌های خانواده‌ها و زنان میانسال می‌باشد.

۳- ضعف و نقص کارکرد مدرسه و نیاز به صرف زمان و هزینه در زمینه‌های تربیتی و آموزشی از سوی خانواده.

۴- دغدغه تأمین آینده فرزندان و اشتغال، ازدواج و مسکن آنان و تأثیر آن در خودفراموشی.

علاوه بر موارد فوق، کمبود قوانین لازم حقوقی و حمایتی و عدم وجود ضمانت‌های لازم برای قوانین موجود یکی دیگر از چالش‌های این مرحله می‌باشد.

(۵-۲) خانواده درکهنسالی

در مرحله کهنسالی موضوعاتی نظیر بهداشت و سلامت، تأمین‌اجتماعی و جلب محبت فرزندان حائز اهمیت است.

(۶-۲) خانواده‌های با سرپرستی زنان

خانواده‌هایی که به علت فوت یا طلاق، زن سرپرست خانواده می‌باشد با مشکلات، آسیب‌ها و چالش‌های متنوعی روبه رو هستند. موضوعاتی نظیر اشتغال و تأمین اجتماعی از مهم‌ترین این چالش‌ها هستند که در عرصه‌های بعدی به آنها پرداخته خواهد شد. باید توجه داشت براساس سرشماری سال ۸۵ زنانی که سرپرست خانواده می‌باشد بالغ بر ۲/۴ میلیون نفر می‌باشند که ۲۱درصد خانوارهای ایرانی را شامل می شود.

۳- نسبت محیط بیرونی با خانواده

خانواده، یک نهاد صرفاً درون‌گرا نیست و با نهادها و محیط‌های بیرونی خود در تعامل است و در عین تأثیرگذاری بر آنها، تأثیر بسیاری نیز می‌پذیرد. در اینجا به برخی از این ارتباطات می‌پردازیم:

(۱-۳) نهاد تعلیم و تربیت

دوازده سال از عمر خانواده در ارتباط دائمی و پرحجم با نهاد تعلیم و تربیت می گذرد. هر چه پیشتر رفته‌ایم نیز، این ارتباط، ابعاد وسیع‌تری یافته و تقریباً تمامی رفتارهای خانواده را متأثر از خود ساخته است.

اقتصاد خانواده بطور وسیعی درگیر با نظام تعلیم و تربیت است.

وقت گذاری برای زندگی تابع تعیین و تکلیف‌های مدرسه است.

خانواده باید وقت بسیاری را صرف خنثی سازی تأثیرات غلط محیط و روابط درون مدرسه بر فرزندان نماید.

خانواده نقش آموزشی مکمل برای فرزندان دارد.

و بسیاری موارد دیگر که در جای خود باید به آنها پرداخت. پرسش اصلی این است که نظام تعلیم و تربیت در قبال این میزان بارگذاری بر دوش خانواده، چه سهمی در کاهش مشکلات و کمک به خانواده برای ایفای نقش خود دارد. خصوصاً این وضعیت در دوره راهنمایی و متوسطه پر رنگ تر است.

خانواده، از نظام تعلیم و تربیت انتظار دارد فرزندان با هویت دینی و ملی تربیت شوند. مؤدب به آداب اجتماعی باشند. اخلاق محور تربیت آنها باشد. جامعه پذیر و قانون‌گرا و مسئولیت‌پذیر تربیت شوند.

ولی هم مشاهدات و هم نتایج پژوهش‌ها بیانگر واقعیت دیگری است. امروز، خانواده باید افزون بر تأمین هزینه‌ها، نقش‌های بر زمین مانده نظام تعلیم و تربیت را نیز برعهده بگیرد و از آن بدتر آموزه های غلط در محیط مدرسه را نیز خنثی کند.

(۲-۳) رسانه ملی

رسانه ملی در ترویج فرهنگ و ارزش ها نقشی بی‌بدیل دارد. این نقش به خوبی شناخته شده و برای آن تلاش می‌شود. رسانه ملی گام‌های مثبتی در موضوع خانواده برداشته است. لکن از دو منظر باید بیش از پیش به این رسالت دینی خود واقف گردد:

کمک به ترویج فرهنگ‌ازدواج، افزایش مهارت زندگی، تحکیم بنیان‌خانواده و کاهش رنج‌ها و آرامش‌بخشی به کانون خانواده

حفاظت از کانون خانواده با نفی نمایش یا گفتاری که اختلال در روابط خانواده ایجاد می‌کند.

(۳-۳) نهاد روحانیت

نهاد روحانیت، پدر معنوی جامعه است. این نهاد در ترویج فرهنگ ازدواج، مشاوره و آموزش؛ تحکیم بنیان خانواده و حل و فصل اختلافات خانوادگی از گذشته تاکنون نقش ممتازی داشته است.

این نقش نسبت به گذشته کمرنگ‌تر شده و هرچه به سمت شهرهای بزرگ و پرجمعیت حرکت می‌کنیم، این نقش در لابه لای جمعیت انبوه گم می‌شود. یکی از دلایل این کاستی، فاصله ای است که روحانیت اززندگی در محله و مسجد و در بین مردم گرفته است. اگر از کرسی ولایت و تصدی برخی مسئولیت‌ها در حکومت دینی بگذریم، هیچ نقشی برای روحانیت ممتاز تر از مربی‌گری، معلمی و ترویج فرهنگ دینی از پایگاه مسجد و در سایه زندگی در بین مردم وجود ندارد.

این نقش باید بازسازی شود . امروز نهاد خانواده به بازیگری این‌چنین در کنار خود نیاز مبرم دارد.

موارد فوق، تنها سه شاهد مثال برای بیان نسبت محیط بیرونی با خانواده است. همه ارکان و نهادهای اجتماعی و حاکمیتی باید نسبت خود را با خانواده تعیین کنند. ارکانی نظیر مقننه، قضائیه و نهادهای برنامه‌ریزی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... باید کارکردهای خود را متناسب با آرمانهای نظام در حوزه خانواده و جاری و ساری شدن این آرمانها از مجرای خانواده تنظیم کنند.

۴– تحلیل وضعیت خانواده در ایران

(۱–۴) بررسی اطلاعات و آمار

سالنامه آماری کشور در سال ۰۹، آمار تعداد خانوار در ایران را۲۱/۱۸۵/۶۴۷ خانوار اعلام کرده است. استفاده از واژه خانوار که یک مفهوم «جمعیت‌شناسانه» است به جای خانواده این امکان را برای آمارگیری فراهم نموده تا ساکنین در یک محل سکونت اعم از یکنفره یا بیشتر و یا دارای پیمان زوجیت یا غیر آن را در سرجمع خانوار محاسبه نماید.

این موضوع با تعریفی که ما از خانواده داشته‌ایم فاصله دارد و با تعریفی که در برخی اسناد بین‌المللی وجود دارد نزدیک‌تر است. براساس تعریف ما، نهاد اجتماعی که با پیمان زوجیت آغاز می‌شود و حداقل با یکی از والدین و فرزندان ادامه یابد، خانواده نامیده می‌شود. لکن با قراردادن عنوان خانوار، کسانی که در تجرد به سر می‌برند و یا زندگی بدون پیمان زوجیت دارند نیز خانوار محسوب می‌گردند. این موضوع، موجب اختلال در جهت‌گیری برنامه‌های کشور می‌شود و ضروری است تا نقطه عزیمت آمار و برنامه‌های کشور در این زمینه از «خانوار» به «خانواده» اصلاح گردد. جداول و نمودارهای اطلاعات و آمار خانواده در بخش بعدی آمده است.

(۲-۴) تحلیل و جمع‌بندی

با شکل‌گیری بنیان‌های جدید اجتماعی، خانواده متأثر از مناسبات جدید، دچار تحول شده و از گسترده به هسته‌ای تغییر شکل داده است. خلاء و در بعض موارد بحران در کارکردها در شرایطی که به دلیل تحولات جهانی، دوره گذار توسعه و ضرورت‌های افزون بر گذشته در تاثیر خانواده بر حوزه تربیت، دین، اخلاق و هویت در تقابل با تهاجم فرهنگی، نقش بیشتری برای خانواده ایجاد کرده است و خانواده بیش از گذشته نیاز به حمایت، توانمندسازی و استحکام بخشی دارد.

براین اساس، اصلی‌ترین مولفه‌ها برای تحلیل وضعیت خانواده و سیاست‌ریزی بر پایه آن عبارتند از:

الف- خانواده، علاوه بر کارکردهای گذشته، دارای کارکردهای پیچیده جدیدی شده است. در عین حال متناسب با کارکردهای گسترده، توانایی‌ها، شرایط و حمایت‌های لازم برای شکل‌گیری، استواری و ایفای نقش خانواده ، به وجود نیامده است.

ب- نقص نهادهای اجتماعی در ایفای نقش و خلاء کارکردی آنها، موجب شده است تا باری افزون بر توان خانواده بر دوش آن گذارده شود[1] و از این بابت این نهادها به جای کمک به خانواده ، مشکلات آن را بیشتر می‌کنند.

ج- نارسایی‌های بخش‌های زیربنایی، اقتصادی و آسیب‌های دوره گذار توسعه؛ خانواده را متاثر ساخته و در مواردی با بحران روبرو کرده است و خانواده که در شرایط جدید بار بیشتری را باید بر دوش کشد، ناچار در حد تأمین نیازهای اولیه مادّی تنزل یافته است. در این بین زنان نیز ناچار شده‌اند در عرصه اقتصاد و معیشت خانواده فعال‌تر شوند و حضور آنان در زندگی کم‌رنگ‌تر و یا با تحمّل مشقت فراوان برای ایفای نقش شده است. در مواردی نیز که مردان با کار مضاعف برای تأمین هزینه های زندگی تلاش می کنند و مادران در خانه مسئولیت ها رابر دوش می کشند شاهد تربیت زنانه پسران بدون الگو برداری از مردانگی پدران هستیم.

د- جهت‌گیری تربیتی و آموزشی خانواده، مدرسه، رسانه و نهادهای اجتماعی متناسب با فضای جدید برای آماده‌سازی فرزندان جهت تشکیل خانواده، همسریابی و همسرداری و زندگی زناشویی نبوده است و موجب شده تا نسلی به مقطع تشکیل خانواده نزدیک شود که مهیای آن نیست.

هـ- شهرنشینی، الگوی همسریابی را تغییر داده، لکن الگوهای متناسب با وضع جدید طراحی و نهادینه نشده و جامعه جوان، همسریابی را در مجرایی که جامعه بزرگسال آن را به رسمیت نمی‌شناسد جستجو می‌کند و این خود موجب بروز آسیب‌هایی در روابط نسل‌ها و چگونگی تشکیل و استمرار خانواده شده است.

و- افزایش سطح مطالبات زن و مرد از یکدیگر و ناتوانی طرفین در پاسخگویی به این مطالبات؛ مشکلات جدیدی برای خانواده به وجود آورده است. در خانواده‌های دارای فرزند این اختلال بین فرزندان و والدین نیز وجود دارد.

ز- خانواده، کانون تهاجم فرهنگی دشمنان، برای رسیدن به اهداف خود، است. از طرفی هیچ نهادی به اندازه خانواده، نمی‌تواند در تقابل با این تهاجم موفق باشد. همچنین سیاست‌های آموزشی، بهداشتی، اقتصادی، فرهنگی و ... کشور از مجرای خانواده به بهترین نحوی قابل اجراست و موجب کاهش هزینه‌های دولتی می‌شود.

پیشنهادها و راه‌کارها:

موضوع خانواده محور برنامه‌های توسعه و برنامه‌های اجرایی دستگاه‌ها قرار گیرد. این بدان معناست که برخلاف وضع موجود در برنامه‌های توسعه، اقتصاد در خدمت خانواده باشد. منظور از این پیشنهاد فراتر از اختصاص چند ماده یا تبصره در برنامه‌های توسعه نظیر آن‌چه تاکنون شاهد آن بوده‌ایم، می‌باشد.

پیشنهاد مصرّح ما، اختصاص یک فصل جدید در برنامه تحت عنوان «خانواده» در عرض فصول دیگر است. افزون بر این در همه فصل‌های دیگر، موضوع خانواده معیار ارزیابی صحّت و درستی هریک از مواد قرار گیرد و با آن سنجیده شود.

موضوع خانواده در وظایف اساسی همه دستگاه‌های اجرایی و نهادهای عمومی گنجانده شود و نسبت به آن ساختار و تشکیلات، منابع انسانی، بودجه و اعتبارات و برنامه‌های اجرایی تنظیم گردد.

اجرایی نمودن آموزه‌ها و توصیه‌های دینی و نشر سیره عملی، از معصومین (ع) تا عالمان متأله عصر حاضر نظیر حضرت امام خمینی (ره)، رهبر معظم انقلاب، علامه طباطبایی(ره)، شهید مطهری (ره)، شهید بهشتی (ره)

از اظهارنظرها و توصیه‌های بدون پشتوانه نظری و جامعیت جداً باید پرهیز شود.

«مشاوره» ازدواج قبل، حین و پس از ازدواج ساماندهی گردد.

برای ثبت «مهریه عندالمطالبه» به هر میزان که بین طرفین تعیین شود «پشتوانه مالی و تضمین حقوقی» به وجود آید.

رفع دغدغه خانواده درباره هزینه‌های درمان و آموزش و اشتغال، مسکن و ازدواج فرزندان در آینده باید در برنامه‌های اقتصادی یک اولویت مستمر باشد. طراحی شاخص‌هایی نظیر تفریح و اوقات فراغت، مراقبت‌ها و پیشگیری‌های سلامت، فرهنگ، ورزش یک ضرورت است.

ایجاد فضای امید و آرامش و نشاط همراه با ارایه الگوهای صحیح چگونه زیستن و روابط و مناسبات خانوادگی و پرهیز از نمایش یا گفتاری که به نحوی موجب اختلال در روابط خانواده می‌شود در رسانه ملی.

طراحی الگوهایی برای ازدواج آسان با نظارت خانواده‌ها خصوصاً در کلان‌شهرها می‌تواند در وظایف دستگاه‌های فرهنگی دیده شود.

بازتعریف الگوی «خانواده، محلّه زندگی، مسجد» نه تنها برای موضوع خانواده بلکه برای حفظ و ارتقای هویت اسلامی و ملّی جامعه از ضرورت‌های انکارناپذیر است.

حمایت همه‌جانبه از زنان خودسرپرست و سرپرست خانواده، یکی از ضرورت ها در سیاستگذاری هاست.

الگو سازی برای مراقبت از «کهنسالان» با توجه به شرایط جسمی ، روحی و سنی آنان

بررسی وضعیت سالمندان با تأکید بر نقش رسانه ها در تکریم جایگاه آنان در خانواده

زهرا سمواتی[1]

این مقاله در فصلنامه پویش راهبردی شماره پنجم به چاپ رسیده است.

چکیده

این پژوهش که از نوع کاربردی است با استفاده از روش کتابخانه ای اقدام به گردآوری اطلاعات نموده و هدف آن تبیین شناخت اجمالی از وضعیت سالمندان در کشور و ارائه راهکارهایی برای استفاده بهتر از نقش رسانه ها در تکریم جایگاه و بهبود وضعیت آنان در جامعه می باشد. شرایط خاص بهداشت و درمان و معیشت این گروه که از اقتضائات دوران پیری است، ضرورت ارائه خدمات رفاهی و اجتماعی به آنان را بیش از پیش نمایان می سازد. در کشور ما نحوه ارائه این خدمات در مقایسه با کشورهای توسعه یافته تر که نظام رفاهی منسجم و ریشه داری دارند از وضعیتی مطلوب برخوردار نیست. می توان این طور ادعا کرد که فرهنگ سازی برای تکریم سالمندان و تقویت اثربخشی نهادهای عمومی ذیربط برای این مهم،بیشتر از طریق توسعه مشارکت سازمان یافته و نهادینه مردم، در قالب نهادها و تشکل های جامعه مدنی، امکان پذیر می شود. یکی از موثرترین این نهادها، همانا رسانه ها می باشند. در این پژوهش ضمن بررسی وضعیت سالمندان کشور در حوزه های مختلف، نقش رسانه ها و کارکرد آنها در جهت آگاهی بخشی بیشتر جامعه نسبت به جایگاه سالمندان و تغییر نگرش مردم نسبت به آنان مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی

سالمند، خدمات اجتماعی، فرهنگ سازی، رسانه

۱-پژوهشگر و مدرس دانشگاه

مقدمه

درصد بالنسبه بالای جمعیت سالمند در بسیاری از کشورهای توسعه یافته موجب شده است که نظام تأمین اجتماعی معطوف به ارائه راهکارهایی برای توجه بیشتر به وضعیت بهداشت و سلامت و نیازهای دوران بازنشستگی سالمندان شود. در ایران از مدتها قبل مقدمات برنامه سالمندان ایجاد شده است و بر این اساس نهادهای مختلفی از جمله شورای سالمندان، شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی وظیفه سیاست گذاری، برنامه ریزی و هماهنگی برای این گروه را عهده دار شده اند. هماهنگی ملی میان دستگاه های اجرایی مرتبط با امور سالمندی از یک سو و سازمان های مردم نهاد مرتبط از سوی دیگر، برای ارتقا و بهبود وضعیت و شرایط زندگی سالمندان یک ضرورت است. اما در کنار مسائل بهداشتی درمانی که از مسائل اولویتدار پیش روی جمعیت سالمند می باشد، مسئله تکریم و احترام به حقوق و شخصیت این بخش از جامعه نیز بسیار حائز اهمیت است. سالخوردگی[۱] تجربه ای است که ممکن است اکثر افراد آن را دوست نداشته باشند اما چاره ای جز پذیرش آن ندارند. سالخوردگی ناشی از دو مشکل عمده افت توانایی های جسمی و کمرنگ شدن توانایی های روانشناختی است که از غلبه یافتن سالمندان برناتوانی های پیری، حفظ عزت نفس، تسلط و احساس شایستگی نشئت می گیرد. توانمند ساختن سالمند برای تسلط بر خود، محیط پیرامون و امور فردیش سبب می گردد تا سالمندی حس شیرینی را به وجود آورد و خلأ ناشی از افسردگی و احساس تنهایی را پر کند. از زمانی که مسیر پیشرفت جامعه عوض شد و خانواده ها از صورت گسترده به صورت بسته درآمدند، نگاه جامعه نیز به بسیاری از موضوع ها تغییر یافت و نگاه به سالمندان نیز تابع چنین موضوعی شد. پیچیدگی مناسبات کاری و اجتماعی و دغدغه های روزمره زندگی سبب گردیده تا بسیاری از روابط گرم خانوادگی که درگذشته اساس مناسبات خانوادگی محسوب میشده، رو به سردی گراید. تغییرات اجتماعی در جامعه ما موازنه جمعیتی را به هم ریخته تا جایی که این به هم ریختگی آستانه تحمل و پذیرش خیلی از کارهای روزمره را به پایین ترین حد خود در سال های اخیر رسانده است. خوشبختانه علیرغم بسیاری از کشورهای توسعه یافته هنوز در ایران مهمترین حامی و پشتیبان سالمندان، خانواده ها به شمار می روند. هنوز این باور عمومی وجود دارد که سالخوردگان جامعه که سال های خوب زندگی خود را صرف تربیت و پرورش فرزندان کرده اند به این امید که در ایام پیری دستگیر آنها باشند، انتظار دارند تا دوران سالخوردگی را در کنار خانواده و فرزندان سپری نموده و مورد حمایت، محبت و احترام آنان قرار گیرند. در صورتی که افراد یک خانواده که کوچکترین واحد اجتماع است نسبت به سالخورگان خود بی توجه باشند، این بی توجهی به کل جامعه تسری می یابد. اما چه باید کرد که توجه

۱- Ageing

و اهتمام عمومی نسبت به سالخوردگان تضعیف نشده و حتی ارتقایابد.

در این تحقیق بر یکی از عوامل که می تواند نقش مؤثری بر حفظ و تقویت توجه عمومی به سالخوردگان داشته باشد تمرکز می کنیم؛ یعنی بررسی نقش رسانه ها در ارتقای بهبود وضعیت و ارتقای شأن و جایگاه سالمندان در جامعه.

اما از میان رسانه ها نقشی که صدا و سیما میتواند ایفا کند بسیار حائز اهمیت است. این نهاد به سبب حجم بالای مخاطبانش می تواند بهترین و مؤثرترین نقش را در ارتقای سطح دانش و آموزش خانواده ها در خصوص تکریم سالمندان ایفا نماید. همچنین در این مقاله به نقشی که رسانه های دیجیتال و فضای مجازی میتواند در ارتقای وضعیت و جایگاه سالمندان در جامعه ایفا کند اشاره می شود . برای نیل به اهداف تحقیق سؤالات ذیل از خلال مباحث تحقیق پاسخ داده می شود.

سؤالات تحقیق

نگرش دین اسلام به بزرگان و سالمندان در جامعه چگونه است؟

سالمندان از نگاه حکوت و سیاست گذاری در قانون اساسی ج. ا. ا. در چه وضعیتی قرار دارند؟

وضعیت سالمندان از نگاه آمار و ارقام در ایران چگونه است؟

نگاه سایر کشورها به مسئله سالمندی و مسائل پیرامونی آن چگونه است؟

نقش رسانه ها در شناخت مشکلات سالمندی چیست؟

راهکارهای آگاه نمودن هر چه بیشتر خانواده ها از مراحل سالمندی، ارزش نهادن به این گروه سنی و تغییر نگرش منفی آنان و سایر افراد جامعه چیست؟

روش تحقیق

این تحقیق از نوع کاربردی بوده و از روش اسنادی برای اجرای آن استفاده شده است. لذا مجموعه مکتوبات و مستندات مرتبط با موضوع سالمندی مورد مطالعه قرار گرفته است. سالمند شناسی در ایران از سابقه کوتاهی برخوردار است لذا منابع، کتب تحقیقات و آمار موجود در مورد سالمندان ایرانی و برنامه و خدمات آنان بسیار اندک می باشد.

مفاهیم اساسی پژوهش

سالمند

سالمندی سنی است که در آن اکثر مردم از کار بازنشسته می شوند و از انواع خاصی از مزایای رفاهی مانند حقوق بازنشستگی برخوردار می گردند (گیدنز، ۱۳۷۶؛ ۳۵۶) به طور کلی سالمندی جمعیت ناشی از یک فرایند انتقالی جمعیت شناختی است که در آن باروری و مرگ و میر از سطحی بالاتر به سطحی پایین تر کاهش می یابند. کاهش باروری اولین و مهمترین عامل موثر در سالمند شدن جمعیت است. به طور کلی در نیم قرن گذشته میزان باروری کل در جهان تقریبا نصف شده است و میزان باروری کل برای هر زن از ۵ فرزند به ۲/۷ فرزند کاهش پیدا نموده است، اما باید توجه کرد که بین مناطق مختلف جهان در این زمینه تفاوت هایی وجود دارد و در مناطق توسعه نیافته به ویژه در آفریقای غربی و شرقی میزان باروری کل همچنان بیشتر از ۵ فرزند برای هر زن است (صندوق جمعیت سازمان ملل متحد ۲۰۵۷: ۵). به نظر لانگر، بخشی از ناتوانی افراد مسن ممکن است ناشی از دیگرانی باشد که به آنان برچسب ناتوان بودن می زنند، ما به عنوان جامعه، تمایل داریم که پیران را ناتوان بدانیم و فرض کنیم که آنها دوران خود را گذرانده اند و از انجام هر عمل و فعالیت جسمی و روحی عاجزند. (کریمی، ۱۳۸۲)

صاحب نظران علوم زیستی و اجتماعی تعاریف خاصی از سالمندی ارائه کرده اند از دیدگاه زیستی، پیری عبارت است از تغییرات بیولوژیکی که در نحوه زیست ارگانیسم و در طول زمان ظاهر می شود. انطباق فرد با شرایط ناگهانی و ناتوانی در ایجاد تعادل مجدد همراه بوده و به تدریج دگرگونی هایی را در ساختمان و عمل اعضای مختلف بدن فرد به وجود می آورد. (محسنی، ۱۳۸۲)

پیری شناسان زیستی معتقدند که مسئله پیری، فرایندی از زندگی موجودات و ارگانیسم زنده است که به طور ژنتیکی برنامه ریزی شده است، در حالی که پیری شناسان احتمالی بر این باورند که سالخورده کسی است که برای تامین نیازهای حیاتی خود به توجه و مراقبت دایمی دیگران نیاز دارد. همچنین جامعه شناسان در تعریف این پدیده با عنایت به انتظارات اجتماعی و ارزش های فرهنگی به این نکته اشاره می کنند که سالمند کسی است که بر اثر افزایش سن و کهولت، توانایی انجام نقش ها و مسئولیت های اجتماعی واگذار شده از سوی خانواده و جامعه را نداشته باشد. دانشمندان در تعریف علمی سالمند، با هم اختلاف نظر دارند. پیری شناسان می گویند: سالمند کسی است که به دلیل کاهش توانایی و قدرت کار و بنیه حیاتی، برای برآوردن نیازهای حیاتی خود به توجه دیگران نیاز دارد.

به طور کلی، تغییرهای فیزیکی تن و روان همراه با افزایش سن، زمینه سالمندی را فراهم می آورد. برخی آغاز آن را از ۴۰ سالگی و گروهی دیگر ۷۰ سالگی دانسته اند، گروهی نیز با شمارش سن بازنشستگی فاصله ۶۰ تا ۶۵ سالگی را سن سالمندی شمرده اند. ولی باید پذیرفت سالمندی، سن معین ندارد و نسبت به اشخاص گوناگون متفاوت است. به همین دلیل برخی سالمندی را امری نسبی می دانند که از عوامل درونی، روانی، اجتماعی و جسمی اثر می پذیرد. به باور آنان گاه ممکن است افراد در سن بسیار بالا از جنب و جوش کافی برخوردار باشند و اصلا احساس پیری نکنند و برعکس.

رسانه

آی.سی.تی ها به «آن دسته از فناوری ها اطلاق می شود که برای انتقال، پردازش، ذخیره سازی، خلق، نمایش، به اشتراک گذاری یا مبادله اطلاعات توسط وسایل الکترونیک به کار می روند. این تعریف گسترده از آی.سی.تی، فناوری هایی از قبیل رادیو، تلویزیون، ویدئو.، دی.وی. دی، تلفن (هم ثابت و هم همراه)، سیستم های ماهوارهای و رایانه و نرم افزار و سخت افزار شبکه ای و نیز تجهیزات و خدمات مرتبط با این فناوری ها همانند کنفرانس های ویدئویی و ایمیل و وبلاگ را در بر می گیرد (ملیسی، ۷۰۰۲: ۳).

فناوری های جدید اطلاعاتی و ارتباطی با پیشرفت سریع خود جایگاه ویژه ای در مطالعات توسعه پیدا کرده اند. به عبارت دیگر، گسترش سریع فناوری های جدید اطلاعاتی و ارتباطی نویدبخش تغییرات اجتماعی، اجتماعی و فرهنگی در حوزه های گوناگون فعالیت انسان ها شده است. فناوری های نوآورانه ای همانند تلفن همراه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، حتی نواحی روستایی فقیر، در دسترس عموم افراد گرفته اند. این فناوری ها امیدواری های زیادی را برای ایجاد پیامدهای مثبت برای پیشرفت و توسعه به وجود آورده اند. از جمله این پیامدها می توان به تسهیل رشد اقتصادی، ایجاد مشاغل بیشتر، کاهش فشار مهاجرت از نواحی روستایی به مناطق شهری، افزایش تولید کشاورزی و صنعتی، افزایش خدمات و امکان دسترسی به آنها، اشاعهٔ آسان تر نوآوری ها و افزایش کارایی خدمات دولتی اشاره کرد. با وجود این، هنوز نابرابری های زیادی از منظر دسترسی به آی.سی.تی، در بین کشورها و درون کشورها و نیز موانع عمده ای وجود دارند که مانع از استفاده از پیامدهای مثبت این فناوری ها می شوند. جدای از موانع و مشکلاتی که بر سر راه بهره برداری بهینه از ظرفیت ها و قابلیت های فناوری جدید اطلاعاتی و ارتباطی وجود دارد، از جمله شکاف دیجیتال، شکاف دسترسی، توزیع قدرت، سواد رسانه ای و نابرابری های اقتصادی، فناوری های جدید ارتباطی بسیار نویدبخش بوده اند. از جمله می توان به نقش این فناوری ها در توانمندسازی

ساکنان مناطق حاشیه ای و روستایی اشاره کرد. در فرآیندهای توسعه بخش، اطلاعات برای فعالیت های اجتماعی و اقتصادی نقشی کلیدی و الزامی بر عهده دارد. فناوری ارتباطی به عنوان ابزار انتشار اطلاعات علاوه بر آنکه سبب ایجاد ارتباط میان افراد می شود، در خود زنجیرهٔ فرآیند ارتباطی سبب ایجاد پیوند می شود. در کل می توان گفت که دسترسی و بهره مندی از اطلاعات به بهبود کارایی، یا نسبت فایده به هزینه؛ مؤثربودن یا کیفیت محصولات و خدمات؛ برابری یا توزیع مزایای توسعه در سرتاسر جامعه؛ دامنه و برد یا توانایی برای ایجاد ارتباط با مشتریان جدید در فرآیند توسعه نقش دارد (هادسون، ۲۰۰۸).

سایت و ویجایابسکار (۲۰۰۵) با تکیه بر تجربه کشور هند که رشد سریعی را در زمینهٔ آی.سی.تی شاهد است، به تشریح برخی از ابعاد تأثیر رشد صنایع آی.سی.تی بر توسعه پرداختهاند. از نظر آنها رشد این صنعت میتواند فرصتی را برای کشورهای در حال توسعه فراهم کند تا به سادگی به سطح کشورهای پیشرفتهٔ صنعتی برسند. زیرا منابع مورد نیاز در اینجا به طور بنیادی با بخش های سنتی تفاوت دارد. بنابراین، کشورهایی که درآمد پایینی دارند می توانند بدون نیاز به طی مراحل مختلف صنعتی شدن وارد «اقتصاد جدید» شوند. شرکت های واقع در اقتصاد با درآمد پایین بنابراین به سرعت بیشتری به ظرفیت سازی بپردازند و مسیرهای حرکت را به مسیرهای متناسب و مربوط تری هدایت کنند. بسیاری از بخش های واقع در بخش آی.سی.تی بیشتر بر سرمایه انسانی تکیه می کنند تا سرمایه گذاری فیزیکی. بنابراین، کشورهایی که از سرمایه انسانی نیرومندی برخوردار هستند، همانند چین و هند، در چنین کوشش های موفق خواهند بود.

سالمندان از نگاه آمار

توسعه اجتماعی اقتصادی در جهان منجر به بهبود شرایط زیستی، بهداشتی و افزایش امید به زندگی شده است. این فرآیند اگر با کاهش زاد و ولد همراه باشد، تغییر ساختار سنی جمعیت را در پی دارد به طوری که وزن جمعیت را از گروه های سنی جوان به گروه های با سن بالا منتقل می نماید. طبق پیش بینی های انجام شده، تا سال ۲۰۵۰، جمعیت گروه سنی ۶۵ سال به بالا از ۵۵۰ میلیون نفر به بیش از ۱/۴ میلیارد نفر خواهد رسید. یعنی شاخص سالمندی جهان از ۴۲ نفر در سال ۱۹۵۰ به ۳۳ نفر در سال ۲۰۰۰ رسیده است، به ۱۰۱ نفر در سال ۲۰۵۰ افزایش خواهد یافت (غلام زاده:۱۳۸۸: ۱)

در کشور ایران تغییرات ایجاد شده در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی در دهه‌های اخیر، فراهم آوردن فرصت‌هایی بوده‌است که به نوبه خود رشد جمعیت سالمندان را سبب گردیده است. عوامل اصلی رشد جمعیت سالمندی در ایران عبارتند از: عوامل

جمعیتی (سیر نزولی میزان موالید در دهه اخیر از یکسو و کاهش میزان مرگ و میر از سوی دیگر)، بهبود خدمات بهداشتی درمانی، رشد شتابان صنعت و شهرنشینی، نگاهی به ساختار سنی جمعیت ایران طی نیم قرن اخیر سنگاسنگ افزایش تعداد و درصد سالمندان در جمعیت کشور می‌باشد.

جدول (۱) : تعداد و درصد بازنشستگان صندوق بازنشستگی کشور به تفکیک سال

سال	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
تعداد سالمندان	۱۷۷۰۶۱۴	۲۶۸۶۳۵۰	۳۹۷۸۱۲۷	۵۱۲۱۰۴۳
درصد سالمندان	۵/۲	۵/۴	۶/۶	۷/۳

جدول (۲) : تعداد بازنشستگان و بازنشستگان متوفی صندوق بازنشستگی کشور به تفکیک جنسیت (تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۹)

	بازنشسته و از کار افتاده		بازنشسته و شاغل متوفی		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
زن		۳۵,۴۳	۱۲۷۹۳	۶,۴۶		
مرد		۶۴,۵۷	۱۸۵۳۰۸	۹۳,۵۴		
جمع		۱۰۰,۰۰	۱۹۸۱۰۱	۱۰۰,۰۰		

جدول (۳) : تعداد بازنشستگان و بازنشستگان متوفی صندوق بازنشستگی کشور به تفکیک سن فعلی بازنشستگان (۱۳۹۰/۱۲/۲۹)

	بازنشسته و از کار افتاده		بازنشسته و شاغل متوفی		جمع	
سالهای خدمت	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
کمتر از ۴۰ سال	۶۳۵	۰/۰۷	۱۹۷۴	۱		
از ۴۰ تا ۵۰ سال	۴۲۷۴۳	۴/۶۲	۸۲۵۳	۴/۱۷		
از ۵۰ تا ۶۰ سال	۴۱۵۷۲۸	۴۴/۹۸		۱۱/۵۷		
از ۶۰ تا ۷۰ سال	۳۰۰۸۱۳	۳۲/۵۵		۱۶/۵۵		
از ۷۰ تا ۸۰ سال	۱۱۸۱۷۷	۱۲/۷۹		۱۹/۴۷		
از ۸۰ تا ۹۰ سال	۴۰۰۱۸	۴/۳۳		۲۲/۶۵		
از ۹۰ تا ۱۰۰ سال	۶۰۱۲	۰/۶۵		۱۵/۸۳		
از ۱۰۰ سال به بالا	۱۲۲	۰/۰۱		۸/۷۶		
جمع	۹۲۴۲۴۸	۱۰۰		۱۰۰		

بر اساس مرکز آمار ایران که چند سالی یک بار سرشماری در سراسر کشور انجام می شود. در آخرین سرشماری که در سال ۱۳۹۰ انجام گرفت، جمعیت کشورمان در حدود ۷۶ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر گزارش شده است. جمعیت سالمندان مطابق تعریف وزارت بهداشت(۶۰ ساله و بیشتر): ۲,۸ درصد جمعیت کشور سالمند هستند، معادل ۲,۶ میلیون نفر. طبق پیش بینی ترکیب آینده جمعیت کشور در ۳۰ سال آینده ، سهم سالمندان بالای ۶۵ سال در جمعیت کشور به حدود ۱۸ الی ۲۰ درصد خواهد رسید (یعنی تقریباً از هر پنج نفر، یک نفر سالمند خواهد بود). در ایران از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ مرکز آمار به صورت دوره‌ای و هر ۱۰سال وضع تغییر جمعیت را بررسی می‌کرد که بعد از سال ۱۳۸۵ این روند تغییر یافت و تغییر جمعیت هر ۵سال مورد ارزیابی قرار گرفت: «در سال ۱۳۳۵ سالمندان۶,۲درصد؛ در سال ۱۳۴۵، ۶,۵درصد؛ سال ۵۵، ۵,۲ درصد؛ سال۶۵، ۵,۴ درصد؛ سال ۷۵، ۶.۶ درصد؛ سال ۸۵، ۷.۳درصد و سال ۹۰، ۸.۲درصد جمعیت گزارش شده است. در سال ۱۳۹۰ میزان جمعیت کشور بیش از ۷۵میلیون گزارش شده که تعداد سالمندان در این سال بیش از ۶میلیون نفر بوده است که این میزان ۸.۲درصد جمعیت را به خود اختصاص می‌دهد. از ۸,۲درصد جمعیت سالمندی ۴,۱۷درصد زن و ۴,۲۰درصد مردان هستند. در سال ۱۳۴۵، ۱۰.۸درصد سالمندان ما کهنسال بوده‌اند و اکنون این میزان به ۱۴,۹درصد رسیده است. درحال حاضر ما شاهد زنانه شدن سالمندی هستیم، چراکه درصد سالمندان زن نسبت به قبل افزایش یافته است. بر اساس آمار و اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت احوال کشور، در سال ۱۳۹۳، سالمندان ۶۵ ساله و بیش تر۴/۲ میلیون نفر یعنی معدل ۵/۷ درصد جمعیت را تشکیل می دهند.

جدول (۴) : تعداد بازنشستگان سالمندان کشور در سال های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به تفکیک گروه سنی

	۱۳۸۵		۱۳۹۰	
گروه سنی	تعداد	درصد	تعداد	درصد
جمعیت کشور	۷۰۴۹۵۷۸۲	۱۰۰	۷۵۱۴۹۶۶۹	۱۰۰
۶۰-۶۴ سال	۱۴۶۴۴۵۲	۲/۰۸	۱۸۶۲۹۰۷	۲/۴۸
۶۵-۶۹ سال	۱۱۹۷۵۵۰	۱/۷۰	۱۳۴۳۷۳۱	۱/۷۹
۷۰-۷۴ سال	۱۱۱۹۳۱۸	۱/۵۹	۱۱۱۹۹۶۸	۱/۴۹
۷۵- سال۷۹	۶۹۴۱۲۲	۰/۹۸	۹۱۳۵۳۱	۱/۲۲
۸۰ به بالا	۶۴۵۶۰۱	۰/۹۲	۹۱۹۵۳۹	۱/۲۲
نا مشخص	-	-	۴۶۳۲۲	۰/۰۶

بر اساس تحقیقی که در سال ۹۲ در کشور انجام شده،: «در آن تحقیق نشان داده شد که ۲۷درصد سالمندان بیکار و بدون حقوق بازنشستگی هستند. همچنین ۱۷درصد آنها بدون هر گونه درآمد و حمایت مالی زندگی می‌کنند که نشان می‌دهد ۴۴درصد بازنشستگان حمایت مالی و حقوق بازنشستگی ندارند. ۳۲.۷درصد از سالمندان از وضع اقتصادی خود رضایت دارند. براساس این تحقیق اولین تقاضای سالمندان حمایت مالی است و ۳۸درصد آنها تقاضای حمایت مالی دارند. همچنین ۸ تا ۹درصد از سالمندان تنها زندگی می‌کنند و ۵۲درصد از آنها احساس تنهایی می‌کنند. در بین سالمندان از نظر مشکلات جسمی ۲۴درصد دچار مشکلات اسکلتی – عضلانی بوده، ۳۸درصد مشکلات قلبی و عروقی دارند و ۳۳.۸درصد نیز دچار چربی خون بالا هستند.

به گفته سیاری، ۳۱.۵درصد از سالمندان مشکلات شنوایی داشته و ۵۳درصد آنها از مشکلات بینایی رنج می‌برند. کشور هم اکنون وارد مرحله نخست سالمندی یعنی جمعیت بالای ۶۰ سال بین ۷ تا ۱۴ درصد شده است و پیش‌بینی می‌شود که تا ۳۰ سال آینده وارد مرحله فوق سالمندی، یعنی بیش از ۲۱ درصد جمعیت سالمند شود.

در تمامی کشورهای دنیا،سالمندان و بازنشستگان نسبت به شاغلین در وضعیت درآمدی ضعیف تری هستند.طبق بررسی های آماری وضعیت فقر سالمندان کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری های اقتصادی(DCEO) که از کشورهای مرفه و ثروتمند دنیا محسوب می شوند،تحلیل ها اخیر در سال ۲۰۰۸،آستانه فقر را برابر ۵۰ درصد متوسط درآمد قابل مصرف خانوار تعیین می کند و افرادی که در زیر این سطح قرار دارند،از لحاظ درآمد "فقیر" به شمار می روند.در کشورهای OECD،در اواسط دهه اول سال ۲۰۰۰،بطور متوسط ۱۳,۳درصد سالمندان بالای ۶۵ سال از حداقل درآمد برخوردار بوده اند(غلام زاده:۱۳۸۸: ۱۱)

آمارها نشان می دهد که جمعیت سالمندکشور از وضعیت اقتصادی مناسب و مطلوبی برخوردار نیست. در سال ۶۵ به ازای ۱۱ نفر پرداخت کننده حق بیمه اجتماعی، یک نفر مستمری بگیر وجود داشته و در سال ۷۵ این رقم از هشت به یک رسیده به این ترتیب یک نفر مستمری بگیر متکی به پرداخت هشت نفر است (یعنی تعداد سالمندان افزایش یافته است) و نه ۱۱ نفر و این رقم روز به روز کمتر می شود.از آنجا که سطح دریافتی ها به نسبت هزینه ها بالا نمی رود پس کل دریافتی از بیمه شدگان که باید به نفع مستمری بگیران (از جمله سالمندان) مورد استفاده قرار بگیرد، کاهش می یابد. سالمندان به ویژه سالمندن زن که از حقوق اقتصادی، اجتماعی و امنیت اجتماعی کافی برخوردار نیستند. در این فرایند به شدت آسیب می بینند و از طرفی دیگر طی سال های اخیر، سرانه مستمری بازنشستگی نسبت به قیمت های جاری و ثابت روبه کاهش است به طوری که دریافتی مستمری بگیران- که بیانگر وضع سالمندان نیز می باشد در سال ۵۷ نسبت به سال ۶۰ به حدود یک سوم رسیده است که این مورد به زیان اقشار مستمری بگیر (سالمندان از کار افتادگان) است.

همچنین نسبت منابع به مصارف سازمان تامین اجتماعی در سال ۶۰ معادل ۳/۱ بوده است. در سال ۷۵ به ۱/۶ رسید و پیش بینی می شود که بین سال های ۷۸ تا ۸۱ به عدد یک برسد که این امر باعث می شود بیشترین فشار را بر بنیه از کارافتادگان، سالمندان و معلولان وارد کند که قادر نیستند به هر علت، برای خودکاری دست و پا کنند و از کاستی منابع سازمان تامین اجتماعی که به واقع ارزشمندترین نهاد رفاهی کشور است به شدت آسیب خواهند دید.سازمان بازنشستگی کشور، کمیته امداد امام خمینی(ره) و سازمان تامین اجتماعی سازمان هایی هستند که می توانند ضمن حفظ شأن و منزلت فردی و اجتماعی فرد از کار افتاده و یا بازنشسته و خانواده او، حمایت مالی جامعه را برای آنها (سالمندان) مهیا کنند.

سازمان تامین اجتماعی در هر جامعه ای به عنوان متولیان حمایت از سالمندان شناخته می شوند. اصطلاح تامین اجتماعی بیانگر تامین درآمدی است که به هنگام قطع درآمد به عللی

از قبیل بیکاری، بیماری یا حادثه جایگزین آن می شود و همچنین شامل تامین درآمد برای کسانی می شود که به علت پیری بازنشسته شده اند و یا به سبب مرگ شخص دیگری از حمایت محروم مانده اند و تامین مخارج استثنایی از قبیل هزینه هایی که به مناسبت، تولد، ازدواج یا مرگ پیش می آید. اصولاً تامین اجتماعی یعنی تامین حداقل درآمد.

در حال حاضر سازمان تامین اجتماعی با تحت پوشش قرار دادن از یک سوم جمعیت کشور و بیش از نیم میلیون مستمری بگیر بازنشسته، نقش اساسی را ایفا می کند.بدیهی است اگر نظام تامین اجتماعی، فراگیر و با مسوولیت متمرکز و جدی دولت باشد می باید پوشش همگانی برای نیروی کار، بیکاران، بیماران و سالمندان، نیازمندان، فقرا و کسانی که به هر دلیل به زیر خط معینی از درآمد سقوط می کنند به وجود بیاید. فشار تهیدستی واقعیتی است قوی تر از انفجار بمب، فقر و تهیدستی مانع از آن می شود که آدم ها به وظایف انسانی– اجتماعی خود عمل کنند. در کشور ما امید به زندگی در حال افزایش است. کشور ما هم اکنون دارای سهم بالایی از نسل جوان است. این امر در آینده، نسبت بازنشستگان و کهنسالان را در جامعه زیاد می کند اگر نسل حاضر در راستای توسعه همزمان اجتماعی و اقتصادی فعال نشود وضع سالمندی مصیبت بارتر خواهد شد. بخش عمده ای از این توسعه از طریق تقویت و تمرکز، کارآمدی و فراگیری نظام تامین اجتماعی کشور و نجات این نهاد ارزشمند از سقوط و ورشکستگی میسر می شود. طرحی به نام طرح گنجینه ها که با دستور شهردار تهران و توسط فرهنگ‌سرای سالمند به نمایندگی از طرف سازمان فرهنگی هنری شهرداری به مورد اجرا گذاشته شده است، شامل برنامه ها و مراحل مختلفی می باشد که در اولین مرحله با صدور کارت منزلت، سالمندان (شهروندان ارشد) می توانند از کلیه خدمات فرهنگی، هنری و تفریحی، شهرداری ها و فرهنگسراها به صورت رایگان استفاده نمایند. این طرح از روز ۱۲ بهمن ماه ۱۳۸۳ همزمان با آغاز دهه مبارک فجر و روز ورود امام خمینی(ره) به میهن اسلامی به اجرا گذاشته شده است . سالمندانی که کارت منزلت را دریافت می کنند، می توانند از خدمات رفاهی شهرداری شامل اتوبوس شرکت واحد، مترو، کتابخانه، مراکز تفریحی، ورزشی، هنری و همچنین کلیه خدمات فرهنگسراها به صورت رایگان استفاده کنند. لازم به ذکر است که بر روی کارت منزلت نام و آرم هیچ سازمانی درج نشده است تا سازمان های دیگر هم از این طرح حمایت کرده و خدماتی که در آینده به شهروندان ارشد ارایه می شود منحصر به خدمات مراکز شهرداری نباشد. طرح گنجینه ها با اهداف احیا و اشاعه فرهنگ تکریم و بزرگداشت سالمندان، تحکیم و انسجام خانواده با محوریت سالمندان، ایجاد درک، درایت و آگاهی بیشتر افکار عمومی به حوزه سالمندی، نهادینه سازی روند حمایت از سالمندان، بسترسازی برای گسترش فضاها و فرصت های سالمندی، ایجاد شور و نشاط و افزایش امید به زندگی در بین سالمندان و بالاخره فعال سازی

و افزایش مشارکت اجتماعی سالمندان برگزار می شود. با توجه به مشکلات و تنگناهای دوره سالمندی، از قبیل پایین بودن سرانه و شاخص بهره مندی سالمندان از فضاها و فرصت های اجتماعی به دلیل تغییرات جمعیتی و ویژگی های رشد جمعیتی آنان، دگرگونی ها و تغییرات کارکردهای فرهنگی، اجتماعی سالمندان نسبت به گذشته، مطلوب نبودن جایگاه سالمندان در تصمیم گیری ها و برنامه ریزی های خانواده و جامعه، زندگی دشوار سالمندان در خانواده معاصر به دلیل بافت جدید و متفاوت، آسیب پذیر بودن، زمینه حضور سالمندان در فعالیت های اجتماعی به دلیل کاهش درآمدها، افزایش اوقات فراغت، از دست دادن برخی توانایی ها، از دست دادن همسر، مطلوب نبودن نقش در جایگاه سالمندان به عنوان الگوها و گروه های مرجع جامعه، افزایش مشکلات سالمندان به دلیل کاهش سن بازنشستگی، طول سال های فراغت و عدم برخورداری از شغل رسمی، سهم فرهنگی بسیار کم سالمندان از سبد کالای فرهنگی، مشخص نبودن جایگاه وضعیت آموزش و توانبخشی سالمندان و مطلوب نبودن جایگاه حقوقی سالمندان در سیاست گذاری های کلان فرهنگی، اجتماعی و رفاهی باید تلاش شودتایک یک حرکت فرهنگی در حوزه سالمندی انجام پذیرد و با حمایت سایر سازمان ها تداوم یابد.

علل کاهش اهمیت و ارزش سالمندان در جوامع امروزی

کاهش میزان اعتقاد به سنت ها و ارزشمند بودن سالمندی در جوامع سنتی: سنت های اجتماعی همراه با اعتقادات و باورهای مذهبی به نحوی است که سالمندی را مرحله ارزشمندی از زندگی محسوب نموده و سالمندان را مورد حمایت قرار می دهد. بدین ترتیب نه تنها سالمندان از متن زندگی خانوادگی و اجتماعی طرد نمی شوند بلکه به نوعی در راس هرم اقتدار جامعه و خانواده قرار می گیرند و جوانتر ها موظف می گردند ضمن حفاظت و مراقبت از آنها به اقتدار آنها نیز گردن نهند. برخی از مطالعات حاکی از رابطه مثبت بین میزان پایبندی اعضای خانواده به مذهب و جایگاه بهتر سالمندان خانواده می باشد. این در حالی است که با تضعیف سنتها و باورهای مذهبی در جوامع صنعتی نسل جوان خود را به لحاظ اخلاقی و مذهبی، کمتر موظف به حمایت و اطاعت از سالمندان می داند.

تغییر ساز و کارهای انتقال دانش و تجربیات : با توجه به اینکه در جوامع سنتی ، انتقال دانش و تجربیات از نسلی به نسل دیگر از طریق ارتباط شفاهی و گفتاری صورت گرفته و فن آوری های نوین ارتباطی برای ارتباطات بین نسل ها به کار گرفته نمی شوند، طبیعتاً سالمندان منبع ارزشمندی از دانش ها و تجربیات جامعه محسوب شده و به عنوان گنجینه معلومات و تجارب اجتماعی مورد تکریم و احترام قرار گرفته و در صدر می نشیند با پیشرفت فن

آوری های ارتباطی و ظهور وسایل ارتباطی مکتوب، سمعی و بصری و نو ظهور شبکه های اجتماعی و سازمانها و نهادهای آموزش و فنی عملاً انحصار آموزش معلومات و تجارب از دست سالمندان جامعه خارج گردید. همچنین با عنایت به رشد روز افزون و بی وقفه علوم بشری در جوامع جدید، معلومات افراد سالمند در مدت کوتاهی کم ارزش و فاقد کاربرد محسوب شده و به تعبیر جامعه شناختی، سالمندان کارکرد مثبت شان را در زمینه انتقال دانش ها و تجربیات نوین به نسل جدید از دست می دهند.

افزایش شکاف نسل ها : با توجه به اینکه تحرک اجتماعی و شغلی در جوامع سنتی ناچیز بود، بالطبع فرزندان خانواده توسط والدین شان وظایف شغلی آینده خود را می آموختند. بدین ترتیب، معمولاً پسران ادامه دهنده شغل پدر و دختران تداوم بخش وظایف خانه داری مادران بودند. همراه با این پدیده، به علت بسته بودن جوامع سنتی و عدم وجود فن آوری ارتباطی، سرعت تغییرات و تحولات بسیار پایین بوده ودر نتیجه تفاوت چندانی بین افکار و رفتار والدین با فرزندان و نوه ها مشاهده نمی شد. از این رو زندگی کردن سه یا چهار نسل زیر یک سقف، در کمال آرامش صورت می گرفت شتاب گرفتن تحرک اجتماعی و شغلی در جوامع جدید وخارج شدن انحصار آموزش از دست سالمندان و سپرده شدن آن به سازمانها و نهادهای آموزشی و علمی خارج از خانواده، و نیز رشد شتابان وسایل و فن آوری های نوین ارتباطی (بویژه ماهواره ، اینترنت ، شبکه های اجتماعی،) سبب می گردد تا جوانان در زمینه پدیده های مختلف اطرافشان ، اطلاعات و آگاهی های بیشتر و به روزتری کسب نمایند و بدین ترتیب میزان تفاوت در افکار و رفتار والدین با فرزندان و به ویژه نوه ها سیر صعودی پیدا می کند. به عبارت واضح تر در جوامع جدید رشته ارتباط فکری و رفتاری بین سالمندان با جوانان بسیار باریک یا قطع شده و با توجه به پدیده فرزند سالاری، عدم تفاهم بین آنان زمینه را برای کم ارزش ساختن جایگاه سالمندان در خانواده فراهم آورده است.

تغییر در معماری و فضای حیاتی منازل مسکونی : تغییر اندازه و نحوه ساخت منازل مسکونی در جوامع جدید که حاصل آن زندگی در فضای کوچک تر و از قبل طراحی شده برای مقاصد ویژه (مثلاً در نظر گرفتن فضاهای مخصوص برای نشیمن، پذیرایی، اطاق خواب، آشپزخانه و ...) است امکان اختصاص مکانی ویژه برای نگهداری سالمندان در خانواده ها را محدود کرده است. این امر به ویژه در شهرهای پر جمعیت که ساخت و یا اجاره منازل مسکونی بسیار گران قیمت است و فضای زیست محدود تر از شهرهای کوچک در روستاهاست، نمود بیشتری پیدا می کند.

سالمندان از نگاه دیگر کشورها

ایجاد مراکز دسترسی به مراقبتهای اجتماعی (CCAC)[1]

سازمان‌های محلی غیرانتفاعی و اجتماعی هستند که دسترسی آسان به مراکز و مراقبت‌های اجتماعی را ارائه می دهند. این سازمان‌ها می‌توانند کمک کنند تا سالمندان در منزل تا زمانیکه امکان پذیر باشد، بطور مستقل زندگی کنند. به‌عنوان مثال؛ مسئول هماهنگی در CCAC برای هماهنگی خدمات داخل منزل شامل پرستاری، مراقبت‌های شخصی (کمک به حمام‌کردن، لباس پوشیدن و ...) فیزیوتراپی، کاردرمانی، مددکاری اجتماعی، مشاور تغذیه به شخص سالمند کمک می‌کند. همچنین این مراکز می‌توانند راهکارهایی در خصوص مسکن‌هایی با تجهیزات حمایتی و کمکی، خانه‌های بازنشستگی و آپارتمان‌های مخصوص سالمندان را ارائه نمایند.

دسترسی به مراقبین بهداشتی و درمانی و واحدهای بهداشت عمومی[2]

برنامه ای است که سالمندان را به پزشکان و پرستاران متخصص ارجاع می‌دهد. یک منبع اطلاعاتی است که می‌تواند سالمند را به جستجو برای مراقبت‌های فوری در محل خود راهنمایی کند. واحدهای بهداشت عمومی برنامه‌های ترویج سلامتی و امراض و شیوه های زندگی سالم و کنترل امراض را ارائه می‌دهند به عنوان شکنندگی و افزایش خطر شکستگی استخوان می‌شود. آزمایش تراکم مواد معدنی استخوان، صدمه به استخوان را به علت پوکی استخوان اندازه گیری می‌کند و نتایج این آزمایشات به پزشکان کمک می‌کند تا ریسک شکستگی‌های آینده را ارزیابی و نیاز به درمان پزشکی را تعیین و موفقیت درمان فعلی را نظارت کند و همچنین درخصوص مراقبت های دندانی، آزمایش دیابت و ایمن سازی (واکسیناسیون سالمندان)، آزمایشات مربوط به سرطان.

مرکز دفاع از سالمندان[3]

ایجاد یک کلینیک حقوقی اجتماعی تخصصی است که خدمات حقوقی را برای سالمندان کم درآمد ارائه می‌دهد و شامل مشاوره به موکلین فردی و گروهی، آموزش حقوق عمومی، اصلاح قانون و توسعه فعالیت‌های اجتماعی می باشند.

1- (Community Care Access Center (CCAC)
2- Health Care Connect
3 - Advocacy Center For the Elderly (ACE)

بزه‌دیدگی سالمندان از نظر گونه‌شناسی جرائم[۱]

جرائمی همچون خشونت و مورد آزار و اذیت قرارگرفتن سالمندان در مکان‌های عمومی است که از آن تحت‌عنوان " آزار و اذیت اجتماعی" یاد می‌شود. این مشکل رو به رشد می‌باشد که به موجب آن سالمندان در مناسبات اجتماعی و تعاملات زندگی روزمره خود، آماج آزار و اذیت قرار گرفته و بزه‌دیده می‌شوند. آزار و اذیت سالمندان ممکن است شامل سنگ اندازی، استهزاء کردن، ایجاد مزاحمت و امثال آن باشد و چه بسا ممکن است در بردارنده اعمالی باشد که وصف مجرمانه پررنگتری را دارا باشند از قبیل مورد ضرب و شتم قرار دادن فرد سالمند، اخاذی، کیف‌زنی یا جیب‌بری که فرد سالمند به سبب آسیب‌پذیری و سالمندی خود نمی‌تواند به طور شایسته از خود در برابر وقوع این‌گونه جرائم دفاع کند. دومین نمونه، مورد سوءاستفاده قرار گرفتن سالمندان در مکان‌های خصوصی است. این مورد ناظر بر سوءاستفاده‌های جسمی، جنسی، روانی و مالی از سالمندان است که در چارچوب خانگی واقع می‌شود. با آنکه بیشتر وقت‌ها، مورد سوءاستفاده قرار گرفتن سالمندان مسئله‌ای ناظر به خدمات رفاهی اجتماعی و پزشکی تلقی می‌شود تا مسئله‌ای ناظر به عدالت کیفری، با این حال این مسئله باعث می‌شود که اذعان نمائیم که گریزی نیست که دانش بزه‌دیده‌شناسی از رهگذر بهره‌گیری از رهیافت‌های سالمندشناسی در پرتو مطالعات میان‌رشته ای بتواند تحلیلی جامع را در این خصوص ارائه دهد. مورد سوءاستفاده قرار گرفتن نه تنها جرمی در مورد گروه سنی خاص است که به سبب مسن‌تر بودن دارای وضعیتی می‌باشند که بزهکار را در آستانه ارتکاب جرم علیه خود قرار می‌دهند بلکه خط قابل ملاحظه‌ای را نیز از حیث بزه‌دیدگی مجدد برای سالمندان ایجاد می‌کند، جرایم مربوط به سالمندی در افراد جامعه با جرایمی مقایسه می‌شود که ارتباطی به گروه سنی خاص نداشته و عمدتا در بزه‌دیده‌شناسی مورد توجه قرار می‌گیرند.

مورد سوءاستفاده قرار گرفتن سالمندان از منظر روابط قدرت و وضعیت اقتصادی و اجتماعی آسیب‌پذیر سالمندانی که در معرض خطر بزه‌دیدگی قرار دارند تبیین می‌شود. ماهیت فضاهای خانگی که در آنها سالمند در کنار سایر اعضای خانواده که عمدتا جوان هستند، زندگی می‌کنند و موسسه‌های مراقبتی و نگهداری سالمندان گاه شرایطی را فراهم می‌کنند که در آن سالمندان فقدان قدرت را تجربه می‌کنند. به‌طوریکه آنان ممکن است به مراقبت‌کنندگان جوان‌تر که دارای موقعیت اجتماعی و اقتصادی بالاتری هستند وابسته بوده و لذا در قبال

---

۱ - سالمندشناسی از منظر تعامل بین‌سالمندی و بزه‌دیدگی، فصلنامه حقوق پزشکی، سال سوم، شماره نهم، تابستان ۱۳۸۸ و شجری، مریلا، سالمندی و چالش‌های آن ، چاپ نخست، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی ایران، ۱۳۷۸

سوءاستفاده و یا آزار و اذیت‌هایی که از سوی آنان علیه فرد سالمند ارتکاب می‌یابد نتوانند واکنشی نشان دهند.

این احساس وابستگی در سالمندان بویژه نسبت به مراقبت‌کنندگان از آنها باعث می‌شود که از سالمندان به‌عنوان " بزه‌دیدگان خاموش یا ساکت " یاد شود. چرا که سالمند ترجیح می‌دهد حتی رفتارهای توهین‌آمیز را تحمل نماید تا اینکه بخواهد از رهگذر طرح شکایت علیه چنین افرادی همان حداقل حمایتی را نیز که از آن برخوردار می‌باشد را از دست بدهد. بنابراین با عدم گزارش‌دهی این‌گونه جرایم که در درون موسسات نگهداری سالمندان و یا حتی درون خانواده‌ها علیه فرد سالمند رخ می‌دهد، چنین سوء استفاده‌هایی بطور عمده غیرقابل کنترل و بدون مجازات باقی می‌ماند. بدین‌سان جرایم علیه سالمندان بطور عمده در محیط‌های خصوصی از قبیل نهادها یا سازمان‌های مراقبت از سالمندان مانند پانسیون ها یا آسایشگاه‌ها واقع می‌شود و بطور مستقیم امکان روئیت این جرایم کم است. کاهش روئیت‌پذیری جرایم ارتکابی علیه سالمندان مانند سوءاستفاده‌ها یا خشونت‌ها باعث شده تا این طیف از جرایم در زمره رقم سیاه بزهکاری قرار گیرد. بدین معنا که به ندرت گزارش داده شده و کشف می‌شوند.

مبانی نظری پژوهش

نگاه دین اسلام به سالمند در جامعه

دین اسلام که از طرف پروردگار برای بشریت فرستاده شده و پرچم دار آن حضرت محمد (ص) میباشد، بر ستونهایی چون عدالت و تعاون، دلسوزی، نه فقط برای انسان بلکه برای همه جانداران استوار است و پرچم دار آن را خداوند به عنوان «رَحْمَةً لِلْعالَمِینَ» یعنی رحمت برای همه عالمیان معرفی مینماید:

«وَ ما أَرْسَلْناکَ إِلاَّ رَحْمَةً لِلْعالَمِینَ[1]». ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم.

سالمندی آن قدر در اسلام ارزشمند است که پس از ایمان به توحید و ارکان آن بیان شده است[2]. از طرفی یکی از پیامبران خدا به نام حضرت زکریا (ع) در مناجات با پروردگار عالم به آن توسل می نماید که اینها همه دلیل بر ارزشمند بودن پیری است:

۱- سوره انبیا، آیه ۱۰۷

۲- در چهار مورد از جمله سوره اسراء امر به احسان به پدر و مادر پس از فرمان به عبادت خداوند واقع شده است.

«ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّکَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا * إِذْ نادى رَبَّهُ نِداءً خَفِيًّا * قالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَ اشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْباً وَ لَمْ أَكُنْ بِدُعائِکَ رَبِّ شَقِيًّا[1]». این یادی است از رحمت پروردگار تو نسبت به بنده‌اش زکریا در آن هنگام که پروردگارش را در خلوتگاه خواند. گفت پروردگارا! استخوانم سست شده و شعله پیری تمام سرم را فرا گرفته و من هرگز در دعای تو از اجابت محروم نمی‌شدم.

«وَ قَضى رَبُّکَ أَلاَّ تَعْبُدُوا إِلاَّ إِيَّاهُ وَ بِالْوالِدَيْنِ إِحْساناً إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَکَ الْكِبَرَ أَحَدُهُما أَوْ كِلاهُما فَلا تَقُلْ لَهُما أُفٍّ وَ لا تَنْهَرْهُما وَ قُلْ لَهُما قَوْلاً كَرِيماً * وَ اخْفِضْ لَهُما جَناحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ[2]...» پروردگارت فرمان داده جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید، هر گاه یکی از آنها یا هر دو آنها نزد تو، به سن پیری برسند کمترین اهانتی به آنها روا مدار، و بر آنها فریاد مزن، و گفتار لطیف و سنجیده بزرگوارانه به آنها بگو. بالهای تواضع خویش را در برابرشان از محبت و لطف فرود آر...

احترام به سالمندان در قرآن که یکی از مصادیق آن والدین سالمند است از جمله مواردی است که نشان میدهد سالمندی در دین اسلام از جایگاه والا و ویژهای برخوردار است. خداوند تبارک و تعالی در ضمن آیات فوق، تکلیف تمام فرزندانی را که والدین سالخورده دارند با صراحت بیان نموده است. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می نویسد:

اگر خداوند حکم را اختصاص به دوران پیری پدر و مادر داده از این جهت بوده که پدر و مادر، در آن دوران سخت ترین حالات را دارند و بیشتر احتیاج به کمک فرزند مینمایند، زیرا بسیاری از واجبات زندگی خود ناتوانند و همین معنا یکی از آمال پدر و مادر است که همواره از فرزندان خود آرزو میکنند، آری روزگاری که پرستاری از فرزند را می کردند و روزگاری دیگر که مشقات آنان را تحمل مینمودند و باز در روزگاری که زحمت تربیت آنها را به دوش کشیدند، در همه این ادوار که فرزند از تأمین واجبات خود عاجز بود آنها این آرزو را به سر میپرورانند که در روزگار پیری از دستگیری فرزند برخوردار شوند.[3]

و نیز با توجه به آیه مشخص میگردد از جمله فرمانهای ساحت پروردگار از نظر تشریع و رهبری بشر به انتظام زندگی و سعادت در دو جهان، امر به احسان و خوشرفتاری فرزندان نسبت به پدران و مادران است چه بر حسب گفتار و رفتار و معاشرت و برآوردن حاجت و نیازهای آنان در دوران سالمندی است. بنابراین خداوند برای این که انسان در سالمندی تنها

۱ - سوره مریم، آیات ۲ـ۴
۲ - سوره اسراء، آیات ۲۴ـ۲۳
۳ - محمد حسین طباطبایی، ترجمه تفسیرالمیزان، ج۱۳، ص۱۳۶

و بی یاور نماند، این چنین با تأکید دستور داده است که به والدین سالخورده باید احسان نمود. آنان را از خانه خود نرانید، به آنها بد نگویید، با کمال احترام با آنان سخن بگویید، نیازشان را برآورید، در برابر آنان خاضع و متواضع باشید و همیشه آنان را دعا کنید، تا روزی که نوبت به شما رسید، فرزندانتان فرهنگ مهرورزی به والدین سالمند را به خوبی آموخته باشند و عمل نمایند.

از تعمق در آیات مذکور و صدر و ذیل آن نکات زیر به دست میآید:

ریشه احسان به والدین در اعتقاد به خداوند متعال میباشد.

اهمیت و جایگاه بسیار والای احسان به والدین و تکریم ایشان در دوره سالمندی

سالمندان مظهر لطف الهی هستند.

حمایت از سالمندان یک ارزش الهی و دینی است.

تواضع و خشوع در برابر سالمندان، نوعی تکریم و احترام به آنها است.

طلب خیر و برکت برای سالمندان روش خوبی برای دلجویی از آنها است.

اکرام و احترام سالمندان باید در جامعه به یک فرهنگ عمومی تبدیل شود.

اکرام سالمندان، عمل صالح، کفاره گناهان و عنایت خدا بر فرزندان در دین مبین اسلام است. برخلاف سایر ادیان که اگر احترامی برای ریش سفیدانشان قائلاند، به خاطر بالا بودن سن و ضعفشان میباشد نه به دلیل فرزانگی و اینکه اینان کوله باری از تجربیات هستند. اگر چه بسیاری از آداب و دستوراتشان را از دین اسلام گرفته اند.

علاوه بر آیات قرآن جایگاه سالمندان از منظر روایات نیز بسیار حائز اهمیت می باشد. از بررسی روایات به روشنی میتوان به جایگاه ویژه سالمندان در دین اسلام پی برد. اسلام به واقع برای سالمندان حقوق خاصی قایل شده و از جامعه و افراد می خواهد نسبت به ادای این حقوق کوشا باشند. پیش از هر چیز توجه به این نکته بسیار ضروری است که حقوق سالمندان و متعاقب آن وظایف ما در قبال آنان، به هیچ روی بر اساس عقایدی چون ضعف، از کار افتادگی، نیازمندی، فرتوتی و ... نیست، بلکه بیشتر مبتنی بر مفاهیمی چون بزرگی، شکوه، تجربه، دانایی و... است. به دیگر سخن، توصیه اسلام برای احترام سالمندان به انسانیت و بزرگی آنان است. از این منظر پیر و سالمند انسانی است که پیش از این که نیازمند

ما باشد، ما به او نیاز داریم. سالمند در واقع باورهای وجودی خانواده و جامعه هستند که سرد و گرم روزگار را چشیده‌اند و افراد جامعه، برای بنای یک زندگانی انسانی می توانند از این پشتوانه حکمت، خردمندی و فرزانگی استفاده کنند. اینجاست که پیامبر گرامی میفرماید: «الشَّیْخُ فِی أَهْلِهِ کَالنَّبِیِّ فِی أُمَّتِه[۱]». هر پیری در میان طایفه اش همچون پیامبری در میان امتش است.

به راستی این یکی از ارزنده ترین و زیباترین تعابیری است که میتوان درباره سالمندان بیان کرد. سالخوردگان پیامبرانی هستند رهنما و راشد، پیامبرانی با پیامهایی از مهر و محبت و رسولانی که کوله باری از تجربیات گران سنگ خود را به رایگان در اختیار دیگران می نهند و تنها مزدی که میخواهند اندکی توجه و دل دادن به سخنان و پیام هایشان است. همان گونه که امتها در برابر پیامبران نیز باید زانوی شاگردی زده و متواضعانه از اندوخته هایشان بهره مند گردیم. زیرا پیران پیامبرانند. این حدیث شریف اشاره به همان نقش محوری، فروغ بخشی، صفا آوری، هدایت و ارشاد، تجمع و الفت است که در وجود آنان نهفته است. پس اگر بزرگترها در فامیل و خانواده، چراغ روشنی بخش و محور وحدت و همدلی و عامل انس و ارتباط و رفت و آمدهای خانوادگی اند، باید این جایگاه، محفوظ بماند و مورد حراست و تقویت قرار گیرد[۲]». پیامبر گرامی اسلام (ص) و به تأسی از آن حضرت، ائمه اطهار، سفارشها و سخنان بسیار زیاد و متنوعی درباره احترام و بزرگداشت سالخوردگان بیان نموده اند که به برخی از آنها اشاره مینماییم. رسول اکرم (ص) درباره احترام به شخصیت کهنسالان فرموده است:

«مِنْ إِجْلَالِ اللَّهِ إِجْلَالُ ذِی الشَّیْبَةِ الْمُسْلِم[۳]». یکی از صور تکریم و تعظیم ذات اقدس الهی احترام و تجلیل سالخوردگان مسلمان است.

سالمندان از نگاه حکومت و قانون اساسی

سالمند افزون بر داشتن حقوقی بر گردن خانواده و اجتماع، حقوقی نیز بر گردن حکومت دارد. سالمندان امروز همان جوانان و میانسالان شاداب و سرزنده دیروز کشور هستند که با تکیه بر نیروی جوانی خود، چرخ های اقتصاد و تولید را به گردش درآورند و با دفاع از مرزها و ارزش ها، امنیت و آسایش را به مردم، هدیه دادند، اینکه به رنج روزگار آسیب دیده اند، دولت مردان حق شناس باید تلاش های گذشته آنان را پاس دارند و جایگاه سالمندان را

۱ - عبدالله جوادی آملی، مفاتیح الحیاة، قم، اسراء، چاپ پنجم، ۱۳۹۱، صص۳۹۸ـ۳۹۷.
۲ - جواد محدثی، اخلاق معاشرت، قم، بوستان کتاب، چاپ پنجم، ۱۳۸۲، ص۲۹۷.
۳- محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، تهران، اسوه، ۱۳۸۶، ج۶، ص۱۵۸.

در جامعه ارتقاء دهند. امام علی (ع) در نامه تاریخی خود به مالک اشتر، درباره وظیفه دولت مردان در برابر سالمندان و محرومان جامعه به صراحت می فرماید: از یتیمان خردسال و پیران سالخورده که راه چاره ای ندارند و دست نیاز بر نمی دارند، پیوسته دلجویی کن که مسئولیتی سنگین بر دوش زمام داران است. درباره وظیفه دولت نسبت به سالمندان در اصل ۹۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده: برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تامین نماید. و نیز در اصل ۱۲ آمده: دولت موظف است حقوق زنان را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید، از جمله ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست.

دولت جمهوری اسلامی ایران که به وظایف دینی خویش عمل نموده برای بهتر نمودن حقوق سالمندان، نهادهایی در قالب کمیته امداد امام خمینی (ره)، بهزیستی و خانه سالمندان بنا نهاده تا در چنین نهادهایی، سالمندان به آنان مراجعه و از حقوق مادی و معنوی خویش بهره مند شوند که این کار مناسبی است و انصافا می توان گفت که چنین نهادهایی در امر رعایت سالخوردگان و حقوق ایشان گام های خوبی برداشته اند. از جمله در خانه های سالمندان که در برخی کشورها وجود دارند سالمندان در آن ها پناه داده شده با نظمی خاص در آن جا پرستاری و نگهداری می شوند. مسکن، لباس، غذا و درمان ایشان فراهم می شود و نیز در کمیته امداد امام خمینی، سالمندان مستمری به نام پیرانه دریافت می کنند.

تاثیر رسانه بر روابط و توسعه اجتماعی

استفاده از رایانه های خانگی به عنوان رسانه جدید نه تنها می تواند مهارتهای شناختی و آکادمیک را تحت تاثیر قرار دهد همچنین می تواند در شکل دادن به تعاملات اجتماعی و توسعه ارتباطات اجتماعی نیز تاثیر بگذارد. در تعامل افراد با یکدیگر، یک عارضه آشکار شده است و آن تفاوت فرد استفاده کننده از کامپیوتر با پدر و مادر سنتی خود است.

اثرات اجتماعی برقراری ارتباط از طریق اینترنت

استفاده از کامپیوتر در برقراری ارتباط با دیگران به طور فزاینده ای در حال گسترش است. اغلب جوانان تماس های اجتماعی آنلاین برقرار می کنند. تحقیقات نشان می دهد که اثرات اجتماعی چنین ارتباطاتی بستگی به این دارد که آیا این ارتباط با خانواده و دوستان است یا با غریبه ها و آشنایان؟

استفاده ۶۰ درصد ایرانی ها از اینترنت[۱]

آخرین آمارها از تعداد کاربران اینترنت در ایران نشان می دهد که ۶۰ درصد مردم از اینترنت استفاده می‌کنند؛ ۴۰ درصد کاربران اینترنت در گروه سنی ۲۰ تا ۹۲ سال قرار دارند و اینترنت تلفن همراه بیشترین پارامتر اتصال به اینترنت در ایران است. به گزارش مهر، مرکز مدیریت توسعه ملی اینترنت در آخرین گزارش خود، شمار کاربران اینترنت در ایران را تا پایان ۶ ماهه نخست سال ۱۹ بالغ بر ۵۴ میلیون و ۵ هزار و ۴۴۶ نفر اعلام کرده است که به وسیله پارامترهایی چون اینترنت دایل آپ، اینترنت LSDA، اینترنت تلفن همراه SRPG، وایمکس و فیبرنوری به شبکه متصل می شوند.

براساس این آمار ضریب نفوذ اینترنت در کشور ۹۵,۵ درصد است که ۶۳/۶۴ درصد آن را کاربران اینترنت تلفن همراه SRPG تشکیل می دهند؛ به این ترتیب حدود ۷۲ میلیون و ۱۸۵ هزار و ۹۹۷ کاربر با تلفن همراه به اینترنت متصل می شوند. در همین حال کاربران اینترنت دایل آپ با ۶ میلیون و ۴۳۹ هزار و ۰۶۷ کاربر حدود ۹/۷۱ درصد از کل اتصالات اینترنت را به خود اختصاص داده و شمار مشترکان اینترنت LSDA نیز برمبنای این آمار، ۳ میلیون و ۵۱۵ هزار و ۰۸۹ با ضریب نفوذ ۴/۵۶ درصد است. در این رده بندی، سهم اینترنت وایمکس از مجموع اتصالات به اینترنت در ایران ۱/۵۱ درصد با ۷۶۸ هزار و ۵۰۱ نفر و سهم اتصال از طریق فیبرنوری به اینترنت ۸/۷۰ درصد با ۶ میلیون و ۶۰۱ هزار نفر کاربر اعلام شده است.

همچنین براساس آخرین آمار به دست آمده در مرکز، ۵ استان تهران، اصفهان، تبریز، یزد و شیراز از حیث ضریب نفوذ اینترنت بیشترین کاربر را به خود اختصاص داده اند و ۴۰ درصد کاربران اینترنت در ایران را نیز گروه سنی ۲۰تا ۹۲ سال، ۳۰ درصد را گروه سنی ۳۰ تا ۴۴ سال، ۵۱ درصد کاربران را گروه سنی ۵۴ تا ۹۵ سال، ۱۰ درصد کاربران را گروه سنی ۱۰ تا ۹۱ سال ، ۳ درصد را گروه سنی ۱ تا ۱۰ سال و ۲ درصد را گروه سنی بالای ۶۰ درصد تشکیل می دهند.

۱- برگرفته از وب سایت تحلیلی خبری عصر ایران – خبر منتشر شده در ۳۱ فروردین ماه ۱۳۹۲ (http://www.asriran.com/fa/news/267888)

جدول ۵: گروه سنی کاربران اینترنت

گروه سنی	درصد از کل
۱۰– ۰ سال	۳
۱۹– ۱۰ سال	۱۰
۲۹–۲۰ سال	۴۰
۴۴–۳۰ سال	۳۰
۵۹–۴۵ سال	۱۵
بالای ۶۰ سال	۲

(منبع: http://www.asriran.com/fa/news/267888)

براساس آمارهایی که پیش از این برای سال ۹۰ اعلام شده بود تا پایان سال ۹۰ شمار کاربران اینترنت ۳۲ میلیون و ۶۹۶ هزار نفر و ضریب نفوذ اینترنت در ایران ۴۳/۲۳ درصد بود که ۱۸/۸درصد از کاربران با تعداد ۱۴ میلیون و ۲۵۹ هزار نفر را کاربران GPRS به عنوان بیشترین کاربران اینترنت در ایران تشکیل داده بودند.

شبکه‌های اجتماعی

شبکه اجتماعی عرصه تجربه و عمل و گسترش تعاملات از فرد به جمع در عرصه‌های گوناگون اقتصاد از طریق ایجاد ارتباط بین افراد جامعه است. شبکه‌های اجتماعی را مظهر عرصه عمومی دوران مدرن می‌دانند؛ به عبارت دیگر شبکه اجتماعی نوع جدیدی از شکل‌گیری سازمان اجتماعی نوین است که به صورت خودجوش در بستر ارتباطات مجازی به‌وجود آمده است. این سازمان اجتماعی نوین در درون خود ارتباطی تنگاتنگ با سرمایه اجتماعی دارد؛ زیرا سرمایه اجتماعی را رابرت پاتنام وجوه گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها تعریف می کند که می‌توانند کارایی جامعه را بهبود بخشند ودر نهایت موجب تحقق اهداف جامعه شوند (عظیمی، ۱۳۸۷: ۱۰۳). در واقع سرمایه اجتماعی به پیوندهای میان اعضای یک شبکه به عنوان منبعی با ارزش اشاره دارد که با خلق هنجارها و اعتماد متقابل موجب تحقق اهداف اعضا می شود و این تعریف قرابت زیادی با کارکردهای نهادهای اجتماعی دارد. سرمایه اجتماعی نزد جامعه‌شناسان، عبارت است از روند شکل‌گیری

روابط بین افراد که به تشکیل گروه‌ها، شبکه‌های اجتماعی، شکل‌گیری هنجارها، مقررات، ارزش‌ها، اعتماد عمومی و گسترش همکاری‌های بین افراد به منظور دستیابی به منافع مشترک می‌انجامد. لیکن مفهوم سرمایه اجتماعی را به مثابه منابع نهفته در ساختار اجتماعی تعریف می‌کنند که با کنش‌های هدفمند برای افراد قابل دسترسی است (Leant, ۹۹۹۱:۷۸).

منابع نهفته و موقعیت‌های شبکه‌ای را دو عنصر اصلی مفهوم سرمایه اجتماعی می‌دانند که در ساختار اجتماعی دو نوع «منابع شبکه‌ای» و «منابع ارتباطی» را معرفی می کند. لین معتقد است، سرمایه اجتماعی می‌کوشد هر چیزی را که رفتار شخصی یا جمعی ناشی از شبکه‌های روابط، عمل متقابل اعتماد و هنجارهای اجتماعی تسهیل کند را به‌وجود آورد؛ بنابراین شبکه‌های اجتماعی در ماهیت کارکردی خود مرتبط با سرمایه‌های اجتماعی در جوامع هستند و از آنجا که لایه‌بندی اجتماعی یکی از مسائل شبکه‌سازان اجتماعی است.

به عبارت دیگر شبکه‌های اجتماعی را می‌توان جهانی به‌موازات دنیای واقعی تعریف کرد که در آن افراد اگرچه راهی ندارند جز معرفی شخصیت واقعی خود، لیکن در شخصیت‌پردازی خود و نحوه ارتباط با دیگران به صورت مجازی دارای ابزارهایی هستند که در جهان واقعی فاقد چنین ابزارهایی می‌باشند. از طریق این شبکه‌ها، افراد جامعه می‌توانند از دیدگاه‌های مردم مطلع شوند. آموزشگران می‌کوشند با دانش‌آموزان ارتباط برقرار کنند و اجتماعاتی مبتنی‌بر دانش اشتراکی بسازند. اینترنت به روش‌های بسیاری در حال ارائه یک عرصه عمومی از نوع نسل بعدی است، لکن لایه‌بندی اجتماعی در سراسر جهان شایع است. رسانه‌های اجتماعی به شکلی جادویی نابرابری را از بین نمی‌برند، بلکه آنچه را در زندگی روزمره رخ می‌دهد بازتاب می‌دهند و تقسیم‌بندی‌های اجتماعی را مرئی می‌سازند. آنچه در شبکه اینترنت شاهد هستیم، اموال این سایت‌های خاص نیستند، بلکه الگوی اقتباس و توسعه‌ای هستند که وقتی مردم آنها را می‌پذیرند، ظهور می‌یابند. افراد سوگیری‌های خود را با خود به داخل این سایت‌ها می‌آورند و از آنها حمایت می‌کنند؛ بنابراین برای کامیابی در جهانی که به‌طور روزافزون در حال دیجیتالی شدن است، حضور فعالانه در رسانه‌های اجتماعی گریزناپذیر است (Currie , ۲۰۱۱).

کارکردهای شبکه‌های اجتماعی

شبکه‌های اجتماعی به دلیل حضور پررنگی که در زندگی اجتماعی امروزه مردم داشته و نقش‌های گوناگونی که برعهده می‌گیرند، دارای کارکردهایی هستند از جمله:

شبکه‌های اجتماعی به‌طور روزافزون مورد استفاده قرار می‌گیرند تا عقیده‌ها را منعکس کنند و

نیز ابزاری برای تسهیم اطلاعات در میان این جوامع باشند. در جهان شبکه‌های اجتماعی که از جمله رسانه‌های اجتماعی به‌شمار می‌روند، خبرها به واسطه تفکیک جامعه به اجتماعاتی با حوزه‌های علاقه و سلیقه مختلف، خبرهای هر حوزه بسیار سریع‌تر و گسترده‌تر و مؤثرتر منتشر می‌شوند؛

امروز دیگر مخاطبان که حالا دیگر باید آنها را کاربران نامید، می‌خواهند در در فرآیندهای مشارکتی مربوط به اخبار اعم از تولید، انتشار و کامنت‌گذاشتن نقش داشته باشند. در تحقیقات سال گذشتهٔ مؤسسه تحقیقاتی پیو در مورد «امکانات خبری اینترنت و تلفن همراه و تغییرات آن بر ذائقه مصرف‌کنندگان اخبار» نیز مشخص شد که «حدود ۳۷ درصد از کاربران عملاً در این فرآیندهای مشارکتی نقش داشته‌اند. بیشترین آمار مربوط به کسانی است که برای اخبار و گزارش‌های خبری آنلاین و مطالب وبلاگ‌ها، نظراتشان را نوشته‌اند؛

رسانه‌های اجتماعی و به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی، نقشی جدی در ارائه خبرهای فوری و توزیع اطلاعات جزئی ایفا می‌کنند. برای مثال وقتی بلایای طبیعی اتفاق می‌افتد، توصیف رویداد همراه با اطلاعات جزئی لحظه به لحظه آن در شبکه‌های اجتماعی توزیع و تسهیم می شود. برای مثال نخستین خبرها از زلزله شیوان در چین نه گزارش‌های حرفه‌ای گزارشگران خبری، بلکه مشاهدات شاهدان عینی بود که روی توییتر فرستاده بودند. برخی شبکه‌های خبری بزرگ دنیا مثل بی‌بی‌سی، نخستین اخبار مربوط به زلزله کشور چین را از توییتر گرفتند (Shirky, ۲۰۰۹).

استفاده از قابلیت‌های رسانه‌های اجتماعی تنها کارکرد اطلاع‌رسانی به عموم ندارد بلکه بی‌شک باعث ارتقای عملکرد سازمان‌ها و نهادها در بحران‌ها و شرایط عادی می شود. این مهم، به‌صراحت از سوی وبلاگ رسمی وابسته به صلیب سرخ امریکا تصریح شده است (Emergency Social Data Summit, ۲۰۱۰).

در جامعه با رشد رسانه‌های اجتماعی الگوهای ارتباطی پویا و پیچیده شکل می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، ویژگی شبکه‌ای ارتباطات در شبکه‌های اجتماعی، یک ساختار شبکه‌ای ایجاد می کند که در آن تمرکززدایی و غیرخطی بودن، عناصر اصلی است.

نظریه تزریقی (گلوله)

نظریه تزریقی نامی است که محققین ارتباطی به نخستین فرضیاتی که درباره تاثیر رسانه ها ی همگانی ارائه شد، نهادند که به این نظریه، نظریه گلوله نیز گفته می شود. این نظریه مصداق تاثیر مطلق محتوای رسانه ای بر نگرش و رفتار مخاطبان است. بر اساس این نظریه مخاطبان

در برابر قدرت رسانه ها، موجوداتی منفعل و کاملا تاثیر پذیر هستند و اگر پیام مناسب را از طریق رسانه ها به مخاطبان تزریق کنند آن ها رفتار های مورد انتظار را انجام خواهند داد و آنها پیش بینی می کنند که پیام های ارتباط جمعی بر همه مخاطبانی که در معرض آنها قرار می گیرند اثر های قوی کم و بیش یکسان دارند (بهرامی کمیل،۱۳۹۱:۲۴). به طوری که جریان اطلاعات قوی و منسجم که به صورت مستقیم از یک منبع قدرتمند بر مخاطب یا دریافت کننده پیام می رسد همچون گلوله از دهانه یک تفنگ که در اینجا منظور رسانه ها هستند به مغز مخاطب و دریافت کننده آن شلیک می شود. در این دیدگاه رسانه یک منبع قدرتمند و خطرناک تلقی می شود چرا که گیرنده یا مخاطب در مقابل هرگونه تاثیر پیام ناتوان است و هیچ راهی برای فرار از تحت تاثیر قرار گرفتن در مقابل پیام در این مدل دیده نمی شود. (کرمانی،۱۳۹۰:۳۴۰) در این نظریه اساس مدل گلوله ای را دو عامل «محرکه» و« عکس العمل» تشکیل می دهند و به مدل «محرکه–پاسخ» مشهور شده است. مشخصات اساسی این مدل را می توان به صورت زیر نمایش داد:

پیام		دریافت کننده		عکس العمل
Message		Receiver		Reaction

نمودار ۱ : مدل محرکه–پاسخ

طبق مدل فوق پیام از طریق رسانه به دریافت کننده منتقل و سپس دریافت کننده آن از خود عکس العمل نشان می دهد.این مدل،کم و بیش، هم در مورد اثر گذاری «با قصد» و هم «بدون قصد» دارای کاربرد برابراست. مک گوایر با استفاده از فرآیند اساسی همین مدل، دیدگاه پیچیده تری را پیشنهاد کرده است. این مدل دارای ۶ مرحله و بدین قرار است:

ارائه	توجه	درک	پذیرش	نگهداری	اثر رفتار

نمودار ۲ : مدل مک گوایر

تحلیل مک گوایر گویای این مساله است که مدل «محرکه–پاسخ» ناگزیر به ایجاد تغییراتی در ساختار تئوریک بود تا به نحوی بتواند جنبه هایی چون «انتخاب، توجه، تعبیر، پاسخ و نگهداری» را به اصل تئوری اضافه کند و ظاهر پیچیده تری بدان بدهد.مدل فوق بسیار واقع گرا و دارای قدرت پیش بینی کننده است و وقوع هر گونه پاسخ شفاهی یا یک اقدام رفتاری

را موکول به حضور یک عامل محرکه ی مناسب پیام می داند.با وجود این، فرض اساسی در این مدل، کم و بیش همان تاثیر گذاری مستقیم است که مطابق با قصد فرستنده پیام انجام می شود (مهرداد ،۱۵۹:۱۳۸۸).

بنابر آنچه که در تشریح نظریه تزریقی آمده است ویژگی های اصلی این نظریه بدین قرار است:

مخاطبان به طور مستقیم و بدون میانجی ساختار اجتماعی یا گروهی با رسانه ها در ارتباط هستند.

مخاطبان به صورت مجموعه همسان و یکپارچه و از نظر وزن و ارزش برابر فرض می شود به طوریکه ویژگی های متمایز فردی و اجتماعی آنها نادیده گرفته می شود.

طبق این نظریه رسانه ها قدرت تاثیرگذاری بالایی دارند(مک کوایل و ویندال،۷۲:۱۳۸۸).

یافته های پژوهش

نقش رسانه‌ها در شناخت مشکلات سالمندی

رسانه‌ها باتوجه به توانمندی و قابلیت‌های که دارند یکی از عوامل بسیار مهم در دگرگونی ارزش‌ها، باورها و معیارهای ملی به شمار می‌روند . چرا که قادرند با برنامه‌ریزی های دقیق و کنترل شده، اندیشه‌های مردم یک جامعه را شکل دهند و رفتار آنان را بر اساس سمت و سوی دلخواه خود پیش ببرند. این امر در دنیای امروز که گروه‌های اولیه جای خود را به گروه‌های ثانویه داده‌اند و روابط عاطفی و چهره به چهره رنگ باخته‌اند، بسیار ملموس است و مردم را پیش از پیش تحت تأثیر قرار می‌دهد و موجب سنگین شدن مسئولیت رسانه‌ها و صاحبان و گردانندگان آن می‌شود.(ساروخانی، ۱۳۸۳، ص ۶۵)

در کنار تأثیری که رسانه‌ها بر آحاد جامعه دارد، تأثیر آن را بر نهاد خانواده می‌توان به صورت ویژه و نظام‌مند و قابل تامل بیشتر است در نگرش نظام‌مند به موضوع‌ها و مسائل مربوط به خانواده و کارکردهای آن، نقش نهادهای موازی مانند رسانه‌ها و مهمتر از همه تلویزیون را نمی‌توان نادیده گرفت. تلویزیون امروز، فراگیرترین رسانه می‌باشد که به لحاظ نقش و جایگاهی که در خانواده‌ها دارد، عضوی از آنها تلقی می‌شود با ورود تلوزیون به خانواده، تغییرات معین در شیوه رفتاری افراد خانواده ایجاد شده است چنان که بیشتر گردهمایی شبانه خانواده، به دور تلویزیون و برای برنامه‌های آن می‌باشد.(اعزازی،۱۳۸۱،ص۵۳)

بسیاری از صاحبنظران علوم ارتباطات و پژوهشگران علوم اجتماعی، هنگام تبیین و بررسی جایگاه تلویزیون در خانواده، آن را یکی از اعضای خانواده قلمداد کرده‌اند که وابستگی دیگر اعضای خانواده به آن، به خوبی ملموس و محسوس است. امروزه یکی از مهمترین رسانه‌های تأثیر گذار بر خانواده‌های ایرانی را می‌توان رسانه صدا و سیما دانست. صدا و سیما به دلیل برنامه‌های رایگان ودر دسترس بودن برای تمام مردم کشور، فراگیرترین رسانه ایران است که با توجه به قابلیت‌های صوتی و تصویری، امکان تأثیرگذاری قابل توجهی بر اندیشه، گرایش و رفتار مخاطبان نسبت به افراد سالمند در درون خانواده دارد و مهارت‌ها و آموزش‌های لازم در این خصوص را از دریچه تلویزیون می‌شود در اختیار خانواده‌ها قرار داد. از آن‌جایی که همه ما پس از طی دوران جوانی و دوره‌های طولانی بزرگسالی به بازنشستگی می‌رسیم، اما کمتر پیش می‌آید که قبل از تجربه این دوران خودمان را به جای فرد سالمند قرار دهیم و برای همین است که درک ما از شرایط روحی و نیازهای عاطفی آنان کمتر می‌شود. وقتی صحبت از مراقبت و نگهداری از پدر و مادر سالمندمان به میان می‌آید، گمان می‌کنیم چون آنها را دوست داریم، این مراقبت بسیار ساده است. برای همین با یک نگرش سنتی با آنها که پا به سن گذاشته‌اند رفتار می‌کنیم. رفتارهایی که گاهی مناسب سن والدین سالمند(چه سالم و چه بیمار و یا معلول) نیست. گاهی اوقات ما سعی داریم همانطور که از فرزندان مراقبت می کنیم با آنها برخورد کنیم و فراموش می‌کنیم که ما هرگز نمی توانیم والد پدر و مادر خود باشیم و مراقبت از آنها به مهارت‌های خاصی نیاز دارد، این مهارت‌ها باید در تک‌تک رفتارهای ما نمود داشته باشد این مهارت‌ها آموختنی هستند. رسانه‌ها به‌عنوان بهترین ابزار برای آموزش این نوع مهارت‌ها می‌باشند. خانم دکتر بدرالسادات بهرامی روانشناس و مشاور خانواده در خصوص مهارت برخورد با سالمندان و رفتارهایی که شایسته مقام آنهاست، می‌گوید: دوره سالمندی هم مانند و دوره دیگری در زندگی خصوصیات و دغدغه‌های مربوط به خود را دارد و بسته به اینکه ما در سالمندی اولیه باشیم(بین ۶۰ تا ۷۵ سالگی) یا در سالخوردگی یا کهنسالی(از ۷۵ سالگی به بالا) نیازها و شرایط روحی و جسمی ما متفاوت خواهد بود. نکته مهم درمورد رفتار با سالمندان این است که ما باید همواره در ذهن خود یادآوری کنیم که این سالمند(پدر، مادر یا هر عضو دیگر خانواده) به دلیل ضعف قوای جسمانی و آسیب‌پذیری در برابر بیماری‌ها به شدت نگران و مضطرب است که مبادا سلامت او به مخاطره بیفتد. از سوی دیگر و علاوه بر این نگرانی، به خاطر تغییر شرایط زندگی و کم مشغله تر شدن نسبت به گذشته‌ها، این افراد تا حدی دچار کاهش اعتماد به نفس می‌شوند. بنابراین همواره در تلاش هستند و با این درگیری ذهنی می‌کوشند که به خود و اطرافیان بگویند هنوز هم مانند گذشته فرد مؤثری هستند. بنابراین خانواده باید تلاش نمایند با کسب مهارت‌های گوناگون از طریق پیام‌های رسانه‌ای به فرد سالمند کمک نماید که از نظر ذهنی، آسودگی لازم در

خصوص جایگاه قبلی خود یعنی مؤثر و مفید بودن در خانواده را داشته باشد. در نتیجه با کاهش اضطراب سالمند جایگاه او به مخاطره نخواهد افتاد و به کاهش اعتماد به نفس در خود دچار نخواهد شد.

راهکارها ونتایج

رسانه های گروهی با استفاده از نتایج پژوهش ها در جهت آگاه نمودن هر چه بیشتر خانوادهها از مراحل سالمندی، ارزش نهادن به این گروه سنی و تغییر نگرش منفی آنان و سایر افراد جامعه، گامی مثبت بردارند.

– برنامه ریزی برای افزایش سطح اطلاعات و آگاهی های بهداشتی سالمندان و خانواده ها از طریق صدا و سیما، جراید علمی و رسانه های دیجیتال.

– استفاده از تبلیغات در رسانههای گروهی توسط فیلم و سریال های تلویزیونی در خصوص حفظ احترام به سالمندان.

– اقدامات تبلیغی و ترویجی برای تبیین نقش، جایگاه، شأن و منزلت افراد سالمند در ساختار جامعه.

– قوانین حمایت از سالمندان در کشور، متاسفانه به طور کلی جامع و کامل نبوده و بسیاری از مسایل و مشکلات سالمندان کشور با توجه به بافت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نادیده گرفته شده اند. همچنین رشد جمعیت سالمندان در این عرصه ایجاد شده است. سازمان و انجمن ها با یک بررسی جامع و کافی نیازهای جمعیت سالمند را بررسی کرده و قوانین متناسب را به قوه مقننه پیشنهاد نمایند.

– به منظور توسعه مراقبت های بهداشتی از سالمندان و کاهش هزینه ها و افزایش سهولت دسترسی همگان به خدمات مورد نظر، پیشنهاد می شود که دامنه فعالیت موسسات خصوصی و خیریه با حفظ نظارت مرکزی گسترش یابد و مجوز تاسیس خانه سالمندان و مراقبت بسیار از سالمندان براساس ضوابط علمی و منطقی به افراد متخصص و ذی صلاح داده شود.

– ارزیابی واقع بینانه از امکانات مالی خانواده هایی که از افراد مسن نگهداری می کنند، به منظور ارایه کمک مالی و آموزش های لازم به خانواده های نیازمند.

– آماده نمودن بزرگسالان برای یک بازنشستگی مثمرثمر از نظر شغلی و اجتماعی و ایجاد تسهیلات لازم برای بهره گیری از خدمات و تجربیات مفید و سازنده سالمندان در جامعه.

– به کارگیری سازوکارهایی برای پیشگیری از احساس انزوا و گوشه گیری در افراد سالمند.

– تقویت نهادهای عمومی دولتی و NGOهای حامی سالمندان.
– وضع قوانین حمایت از سالمندان توسط سازمان های رفاهی.

– نهادینه کردن احترام به آنان در بین کودکان نوجوانان و جوانان از طریق آموزش در کتب درسی در سطوح مختلف.

– تلاش برای حل مشکلات اقتصادی سالمندان به منظور استحکام روابط خانوادگی و کاهش مشکلات خانواده ها.

– تشکیل گروه ها و انجمن های سالمندی در سه سطح محلی و منطقه ای و ملی به منظور رسیدگی هر چه بیشتر به مشکلات اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی آنان و ارتباط مستمر سالمندان جامعه با یکدیگر.

– فراهم نمودن امکاناتی برای مردم به منظور پس انداز قسمتی از درآمد برای مخارج دوران پیری.

– پیش بینی حمایت های بیمه ای خاص در مقابل خطراتی که سالمندان بیشتر با آن مواجه اند.

– ایجاد فرصت های تفریحی (زیارتی– سیاحتی) برای سالمندان.

– باید افراد مسن و مخصوصا در آستانه سالمندی، تحت آموزش های اجتماعی خاص دوران سالمندی به وسیله متخصصان مسایل اجتماعی مشاوره ای قرار گیرند.

– خانواده های دارای سالمند به وسیله مشاوران خانواده و رسانه های همگانی با مشکلات دوران سالمندی و مراقبت از آن ها آشنا شوند.

– باید مراکزی تحت عنوان باشگاه های روزانه سالمندی با هدایت و رهبری خود سالمندان، مخصوصا سالمندانی که در موقعیت درخشانی در زمینه علم، هنر، صنعت و ادب بوده اند، با حمایت دولت تشکیل شود و با ایجاد انگیزه های لازم ورزشی، تفریحی و هنری موجبات همگرایی افراد مسن، جوان و سالمند فراهم گردد.

– حل مسئله سالمندی از عهده تنها یک سازمان و نهاد بر نمی آید و ترکیب توانمندی ها و دخالت تمامی بخشها اعم از دولتی و خصوصی را می طلبد، دولتها از طریق تلخیص امکانات

موسسات دولتی با کمکهای سازمانهای بین المللی نهادهای غیر دولتی و بخش خصوصی و از همه مهتر مشارکت خود سالمندان قادر به اجرای این تعهدات خواهند بود.

– سیاست گذاری در زمینه کاهش بزه دیدگی و ترس از جرم در سالمندان باید در راستای اتخاذ تدابیر آموزشی باشد به ویژه با جهت دهی به سمت اصلاح پیش فرضهای نادرستی که ممکن است در ذهن سالمندان به صرف کهولت سن شکل گرفته باشد و منجر به افزایش احساس عدم امنیت و ترس از جرم در آنان شود.

– تدابیر پیشگیرانه به طوری که حمایت بیشتری در جامعه از سالمندان به عمل آید به آنان کمک خواهد کرد که احساس امنیت بیشتری داشته باشند. پیشگیری های وضعی یا محیط مدار از قبیل طرح های نگهبانی و دیده بانی در محل های مسکونی که عمدتا بازنشستگان و سالمندان در آنجا زندگی می کنند به ویژه از طریق مشارکت دهی جوانان در طرح های امنیت اجتماعی برای سالمندان از رهگذر اتخاذ رویکردی بین نسلی و مشارکتی مفیدتر از تمرکز بر تنها یک گروه سنی خواهد بود.

– این شیوه ها باعث می شود تاگروههای سنی مختلف در کنار یکدیگر قرار بگیرنددر حالیکه عدم مشارکت آنان و عدم برقراری تعامل بین نسلی منجر به افزایش احساس ترس سالمندان از اینکه مورداذیت و آزار از سوی جوانان قرار بگیرند، فراهم شد دراولویت قرار دادن سیاست های فقر زدایی در برنامه های دولت، آموزش همگانی در مورد نیازها و ویژگی های سالمندان، تحت پوشش قرار دادن تمام سالمندان به ویژه خدمات تامین اجتماعی و پرداخت مستمری، کاهش خشونت خانوادگی و اجتماعی و غیره تاثیر بسزایی در کاهش بزه دیدگی سالمندان و بهبود وضعیت آنان داد.

– آموزش دادن به جوانان جهت درک فرایند پیری، شناخت ویژگی های روحی سالمندان و یادگیری نحوه برخورد محترمانه با سالخوردگان در خانواده و جامعه

– آموزش دادن به میان سالان (سالمندان آینده) به منظور ایجاد آمادگی ذهنی و روانی در آنان نسبت به مسائل و مشکلات سالمندی و نحوه رویارویی با این مشکلات

– آموزش دادن به سالمندان جهت شناخت مسائل و مشکلات جسمی و روحی خاص دوران پیری به منظور آماده سازی آنان برای مقابله با این مشکلات و یادگیری راههای بیرون رفت از بحرانهای میان نسلی

– تقویت گروه آموزشی طب سالمندی در مراکز دانشگاه به منظور تربیت نیروهای متخصص

در زمینه مسایل و مشکلات جسمی و روحی و روانی سالمندان

– تاسیس مرکز پژوهش سالمندی به منظور نیازسنجی این قشر جامعه شناسایی علمی مسایل سالمندان و ارائه راهکار علمی و عملی برای حل مشکلات آنان

– ایجاد مشاغل مناسب و سبک متناسب با توانایی جسمی و روحی سالمندان در جهت تقویت اعتماد به نفس و بهبود وضعیت مالی آنان و بازیابی استعدادهایشان در این دوران

– بازنگری در قوانین و مقررات مربوط به دوران سالمندی به منظور بهبود جایگاه و عدالت اجتماعی و اقتصادی آنان

– حمایت از تشکیل و تقویت سازمان های مردم نهاد ویژه سالمندان. این سازمانها می توانند با اهداف پژوهشی، تفریحی، آموزش حمایتی و مراقبتی از سایر گروههای سنی جامعه و متخصصان ذیربط کمک بگیرند.

– اجرای طرح پایلوت شهر دوستدار سالمند در کشور حداقل در سه مورد از شهرستان های کشور.

– ایجاد یک مجتمع مسکونی بازنشستگان سالمند در کشور

– ایجاد و راه اندازی حداقل یک مجموعه یا مجتمع از انواع خدمات و مراقبت های سالمندی در کشور

– ایجاد یک بیمارستان سالمندی و احداث یک مرکز مراقبت از سالمندان مبتلا به دمانس در کشور بر اساس استانداردهای جهانی با مشارکت بخش خصوصی و خرید در کشور

– انجام بررسی های ملی در سطح کلیه استانهای کشور جهت تعیین وضعیت سالمندان کشور و برنامه ریزی های بلند مدت و کوتاه مدت هدفمند به عنوان یک ضرورت پیشنهاد می شود.

– دستیابی به بانک اطلاعاتی فوق از طریق شاخصهای سلامت جسمانی، روانی، اقتصادی و اجتماعی و آگاهی از میزان بروز و شیوع بیماریها و اختلالات دوران سالمندی، میزان استفاده از خدمات و مراقبت های سالمندی و ... ممکن خواهد بود.

– برنامه ریزی جهت جایگزینی نسلی از طریق سیاست های جمعیتی هرم سنی نسل جوان کشور به واسطه ازدواج و تولید مثل برای جلوگیری از بحران کهنسالی در نسل های آینده.

منابع

قرآن کریم

اعزاری، شهلا (۱۳۸۱)، خانواده و تلویزیون ، تهران؛ مدنیز.

تافلر، الوین (۱۳۷۳)، شوک آینده، ترجمه حشمت‌اله کامرانی، تهران: چاپخانه گلشن.

جوادی آملی، عبدالله ، مفاتیح الحیاة، قم، اسراء، چاپ پنجم، ۱۳۹۱، صص۳۹۸ـ۳۹۷.

ساروخانی، باقر (۱۳۸۳)، جامعه شناسی ارتباطات تهران – اطلاعات.

سالمندشناسی از منظر تعامل بین‌سالمندی و بزه‌دیدگی، فصلنامه حقوق پزشکی، سال سوم، شماره نهم، تابستان (۱۳۸۸).

سایت سازان بازنشستگی کشور www.cspfiran.com

سایت سازمان آمار ایران www.sci.org.ir

شجری، مریلا (۱۳۷۸)، سالمندی و چالش‌های آن ، چاپ نخست، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی ایران.

طباطبایی، محمد حسین، ترجمه تفسیرالمیزان، ج۳۱، ص۶۳۱.

غلام زاده، زهرا (۱۳۸۸)، وضعیت معیشت در سنین سالمندی، صندوق بازنشستگی.

کریمی، یوسف (۱۳۸۲)، روانشناسی اجتماعی،تهران ، نشر ارسباران.

کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمرهای، تهران، اسوه، ۱۳۸۶، ج۶، ص۸۵۱.

گیدنز، آنتونی(۱۳۷۶)، جامعه شناسی، ترجمع منوچهر صبوری، تهران : نشرنی.

مجله دیابت و متابولیسم ایران– مهر– آبان– ۱۳۹۲دوره ۳۱– شماره ۱

محدثی، جواد، اخلاق معاشرت، قم، بوستان کتاب، چاپ پنجم، ۱۳۸۲، ص۲۹۷

محسنی، منوچهر (۱۳۸۲)، جامعه شناسی پزشکی، تهران – انتشارات.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۰) – نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن.

مک کوائیل، دنیس (۱۳۸۰)، مخاطب‌شناسی، ترجمهٔ مهدی منتظر قائم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیات رسانه‌ها.

میلر، توبی و جرج یودیس(۱۳۸۹) سیاست فرهنگی، ترجمه نعمت‌الله فاضلی و مرتضی قلیچ، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.

ویندال، سون، سیگنایزر، بنو، اولسون، جین (۱۳۷۶)، کاربرد نظریه‌های ارتباطات، ترجمهٔ علیرضا دهقان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

Currie, Timothy (2011), Experiments in Location-Based Content: A Case Study of Post media's Use of Foursquare.

http://www.asriran.com/fa/news/267888

United Nation (2007) Word population data sheet, available in www.prboorg

زنان سرپرست خانوار، مشکلات و راهکارهای پیش رو

محمد علی بابایی

چکیده

در این مجال به بررسی آسیب اجتماعی زنان سرپرست خانوار میپردازیم.بخش عمده ای از این طیف بانوان کشور، اشخاصی با شخصیت و دارای اصالت خانوادگی، دارای سلامت روحی و جسمی، باسواد و متدین و واجد دیگر خصیصه های مثبت اخلاقی می باشند، لذا شایسته است مسئولان ذیربط در امور بانوان به خصوص در بخش های اجرایی و دولتی توجه ویژه ای نسبت به رفع معضلات و مشکلات زنان سرپرست خانواده مبذول نمایند.

واژگان کلیدی

زنان، سرپرست خانوار، آسیب، مشکلات، راهکارها

مقدمه

صحبت از آسیب های اجتماعی زنان در واقع مطالعه آن دسته از آسیب هایی است که موجب اختلال در مناسبات زنان با جامعه، خانواده و زندگی خصوصی خودشان می شود به نحوی که کارکردهای ذاتی و مثبت آنان را مخدوش میکند. در حقیقت مطالعه خاستگاه اختلال ها، بی نظمی ها و نابسامانی های اجتماعی، آسیب شناسی اجتماعی است زیرا اگر در جامعه ای هنجارها مراعات نشود، کجروی پدید میآید و رفتارها آسیب میبیند. یعنی، آسیب زمانی پدید میآید که از هنجارهای مقبول اجتماعی تخلفی صورت پذیرد. عدم پایبندی به هنجارهای اجتماعی موجب پیدایش آسیب اجتماعی است.

تفاوت این قشر از بانوان با دیگر افرادی که درگیر آسیب های اجتماعی هستند در این نکته است که زنان سرپرست خانوار عمدتاً به صورت غیرارادی و تحت تاثیر شرایط محیطی و خانوادگی و از روی اجبار زندگی در این شرایط قرار گرفته اند و بدون شک آنان را نمی توان با بانوانی که درگیر آسیب هایی همچون اعتیاد، فرار از خانه، روسپیگری، خودکشی، سقط جنین غیرقانونی و مواردی از این دست که شخص با اراده و انگیزه انجام عمل و قرار گرفتن در آن شرایط خاص خود را در معرض آسیب ها قرار داده یکسان تلقی نمود.

تعریف زنان سرپرست خانوار

در خانواده های ایرانی، معمولاً مرد (پدر) سرپرست خانواده محسوب میشود. اما تحت شرایطی، چنین مسئولیتی بر عهده زنان (مادر) قرار می گیرد. با ذکر مصداق زنان سرپرست خانوار، شامل زنان بیوه، زنان مطلقه (اعم از زنانی که پس از طلاق به تنهایی زندگی میکنند و یا به خانه پدری بازگشته، ولی خود امرار معاش میکنند)، همسران مردان معتاد، همسران مردان زندانی، همسران مردان بیکار، همسران مردان مهاجر، همسران مردانی که در نظام وظیفه مشغول خدمت هستند، زنان خود سرپرست (زنان سالمند تنها)، دختران خود سرپرست (دختران بی سرپرستی که هرگز ازدواج نکرده اند), همسران مردان از کارافتاده و سالمند، میشوند.

طبق تعریف وزارت کار و امور اجتماعی: زنان کارگر سرپرست خانوار به آن دسته از زنانی اطلاق میشود که در واحدهای مشمول قانون کار اشتغال داشته و سرپرستی خود و سایر افراد تحت تکفل را بر عهده دارند. این افراد شامل:

الف- دختران کارگر مجرد سرپرست خانوار و افراد تحت تکفل آنان.

ب- زنان کارگر سرپرست خانوارو افراد تحت تکفل آنان که همسرانشان از کارافتاده، زندانی، یا معتاد به مواد مخدر بوده و در مراکز نگهداری معتادان به سر میبرند، و یا بیماری اعصاب و روان داشته باشند.

ج- زنان کارگری که از همسران خود طلاق گرفته (مطلقه) یا همسرانشان فوت کرده یا مفقودالاثر باشند و افراد تحت تکفل آنان.

د- زنان کارگر سرپرست خانوار که بر اساس فهرست مورد تایید سازمان تامین اجتماعی مقرری بیمه بیکاری دریافت می نمایند و افراد تحت تکفل آنان.

بررسی آماری

طبق آخرین سرشماری در سال ۱۳۹۰، حدود ۱۲درصد از سرپرستان خانوارهای ایرانی را زنان تشکیل می دهند و پیش بینی اینطور بوده که تا سال جاری یعنی سال ۱۳۹۳ آمار زنان سرپرست خانوار به ۱۵ درصد کل سرپرستان خانوار در کل کشور برسد. از دو میلیون و پانصدهزار زن سرپرست خانوار تنها ۱۸درصد از آنان شاغل بوده و ۸۲ درصد آنان بیکار می باشند. ذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست که در سال ۱۳۸۵ تعداد زنان سرپرست خانوار در کشور حدود یک میلیون و ۶۴۱ هزار نفر بوده است.

از منظر داشتن سواد نیز باید خاطرنشان کرد که متاسفانه بیش از نیمی از زنان سرپرست خانواده یعنی حدود ۵۵ درصد از آنان بی سواد هستند. از مابقی افراد دارای سواد نیز ۱۹درصد آنان دارای سواد ابتدایی هستند.

۳۵ درصد از زنان سرپرست خانوار با وجود داشتن همسر، سرپرستی خانواده را بر عهده دارند. از ۶۵ درصد باقیمانده، ۲۰ درصد به دلیل فوت همسر که عمدتا مربوط به تصادفات جاده ای میباشد و ۲۶ درصد هم به دلیل طلاق، سرپرست خانوار شده اند.

اما نگرانی دیگر مربوط به این قشر از جامعه به درآمد آنان بر میگردد. به طور میانگین درآمد زنان سرپرست خانوار در سال حدود ۹ میلیون و پانصدهزار تومان می باشد. بر همین اساس بیشتر از ۵۰ درصد زنان سرپرست خانوار در دهکهای ۲،۱و۳ قرار دارند که بسیار نگران کننده است. ۸ درصد از زنان سرپرست خانوار معلول، ۷ درصد دارای بیماری های جسمانی، ۱۴/۵ درصد دارای بیماری های روانی و ۳۰ درصد از کارافتاده هستند. ۴۶ درصد از زنان سرپرست خانوار تحت حمایت نهادهایی مانند کمیته امداد امام خمینی، سازمان بهزیستی، بنیاد شهید و امور ایثارگران، شهرداری و... میباشند.[۲] طبق آخرین آماری که علی محمد ذوالفقاری معاون حمایت و سلامت خانواده کمیته امداد امام خمینی(ره)

اظهار می دارد: هم اکنون یک میلیون و هشتصد هزار خانوار با جمعیتی معادل چهار میلیون نفر در کشور تحت پوشش کمیته امداد قرار دارند.[۳]

البته آمارهای جدید دیگری نیز در خصوص این موضوع ارائه شده است که شاید به طور کلی در همه موارد منطبق با آمارهای مرکز آمار نباشد، لذا به جهت اهمیت آنها اشاره ای کوتاه به آن نیز می کنیم.

از عوامل اصلی افزایش تعداد زنان سرپرست خانوار، فوت شوهر و طلاق زوجین از یکدیگر به عنوان دو عامل مهمتر مورد اشاره قرار میگیرد. بر این اساس ۷۱/۴ از زنان سرپرست به علت فوت همسر، ۱۷/۶ درصد به عنوان زنان بدسرپرست، ۱۰درصد بر اثر طلاق به این عنوان شناخته شده اند و ۵ درصد از آنان نیز هرگز ازدواج نکرده اند. همچنین آمار دقیق تر ارائه شده از میزان درآمد زنان سرپرست خانوار این طور نشان می دهد که ۴۳/۳ درصد از زنان سرپرست خانوار در دو دهک پایین درآمدی قرار دارند و ۱۳درصد از آنان در دو دهک بالای درآمدی قرار گرفته اند. در مقایسه میان درآمد زنان و مردان سرپرست خانوار نیز اینطور باید ابراز داشت که میانگین درآمدی زنان حدود ۳۴درصد کمتر از مردان سرپرست خانوار است.[۴]

مشکلات و معضلات پیش روی زنان سرپرست خانوار

اول) فقر و مشکلات اقتصادی:

اساسی ترین مشکلی که زنان سرپرست خانوار با آن درگیر می باشند موضوع فقر است. در اغلب مواردی که از یک زندگی زناشویی ناموفق می تواند نشئت بگیرد مانند رفت و آمد به دادگاه یا مراجع حل اختلاف، فشارهای ناشی از سخت شدن امکان ازدواج مجدد بعد از شکست تجربه اول، تحمل سخنان و برداشت های دیگران و سخن چینی های برخی افراد، سرافکندگی و سرخوردگی در قبال شاهد بودن موفقیت ها و توانایی های افراد همسان خود در زندگی.

دوم) مشکلات فرهنگی و اجتماعی

در بررسی آسیب های اجتماعی نمی توان نقش عوامل فرهنگی را نادیده گرفت. از عوامل مهم پیدایش بزهکاری، سطح و طبقه اجتماعی و فرهنگی خانواده هاست. چنان که سطح تحصیلات (بی سوادی و یا کمسوادی اعضای خانواده)، سطح پایین و نازل منزلت اجتماعی خانواده، ناآگاهی اعضای خانواده به ویژه والدین از مسائل تربیتی، اخلاقی و آموزه های

مذهبی، عدم همنوایی خانواده با هنجارهای رسمی و حتی غیررسمی جامعه، هنجارشکنی اعضای خانواده و اشتهار به این مسئله و مسائل دیگری از این دست مؤلفه هایی هستند که در قالب فقر فرهنگی خانواده در ایجاد شوک های روانی و روحی و انگیزه ارتکاب انواع جرایم را دوچندان میکند.

سوم) مشکلات روحی و روانی

نگاهی سطحی و گذرا به موارد فوق به خوبی می تواند گویای این حقیقت باشد که دشواری های زندگی زنان سرپرست خانوار و حوزه های آسیب پذیری آنان به قدری وسیع است که می تواند آنان را درگیر انواع مختلف درگیری های عصبی، تنش ها و استرس ها، فشارها و ناملایمات درونی و روانی قرار دهد که مواد ذیل تنها چند نمونه مختصر از این آسیب ها می باشد: تنهایی و مشکلات منزوی شدن تدریجی در جامعه، ضعف عزّت نفس، احساس حقارت، فقدان اعتماد به نفس، احساس عدم جذابیت، افسردگی شدید، شیدایی و اختلال خلقی، نگرش نامناسب افراد فامیل به این گونه زنان (عدم توانائی در امور، ترحم، بدبینی و ...)، کاهش ارتباطات خانوادگی (صله ارحام) و محروم ماندن از آثار و برکات آن، تنشهای روحی و روانی خانوادگی (اختلافات و بگو مگوها)، سرافکندگی بین اعضای خانواده و کاهش اعتماد به نفس (به ویژه در زنان مطلقه)، تنش ها و درگیری هایی که می تواند برای یک زن به عنوان سرپرست خانوار بوجود آید شرایطی اتفاق می افتد که یا مرد به عنوان نان آور و سرپرست اصلی خانواده به هر دلیلی وجود ندارد یا اگر هم وجود دارد تمامی هزینه های خانوار یا در بهترین حالت عمده هزینه خانوار بر عهده زن میباشد. از مصادیق وضعیت اول می توان به طلاق یا فوت مرد خانواده اشاره کرد که مسئولیت های خانواده بر دوش زن قرار می گیرد و نتایج آن مشخص است. اما در وضعیت دوم که مرد نامش از فهرست اعضای خانواده حذف نشده اما مسئولیت ها بر عهده زن خانواده می باشد شرایط سخت تر و پیچیده تری برای بانوان مشاهده می شود. به عنوان نمونه خانمی که دارای شوهری بیمار یا معتاد می باشد یا متاسفانه اتفاقی که این روزها در زندگی اجتماعی تعداد زیادی از خانواده های ایرانی خصوصا در کلان شهرها که در آن جدایی رسمی و قانونی بین زوجین اتفاق نیفتاده است اما با هم زندگی نمی کنند که اصطلاحا به آن طلاق توافقی گفته می شود. در اغلب این حالت ها مشاهده می شود که وضعیت سرپرستی خانواده و اداره امور آن بر عهده زن قرار گرفته است.

اما در مقابل این مشکلات که بخشی از آنها مورد اشاره قرار گرفت، متأسفانه شاهد سیاست ها، قوانین و ساز و کارهای تأمینی و حمایتی درخور و مناسب نمی باشیم. با شرایط

اقتصادی فعلی و هزینه های بالا و سرسام آور زندگی از قبیل مسکن، خوراک و پوشاک، هزینه های تحصیلی، هزینه های بهداشتی و درمانی و بسیاری از موارد دیگر آنچه به عنوان حداقل حقوق توسط وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی هر ساله تعیین می شود و کارفرمایان نیز بیشتر از آن مبلغ را برای کارگران متعهد نمی شوند، به خودی خود می تواند گویای وضعیت اقتصادی و معیشتی بیشتر خانوارهای دارای سرپرست زن باشد.

برای جلوگیری از کثرت تقسیم بندی ها و پراکندگی مطالب، مشکلاتی که بانوان سرپرست خانوار در خصوص مسکن، اشتغال، نبود خدمات بیمه ای و تامین اجتماعی مناسب و... را ذیل همین تقسیم بندی و در زمره مسائل اقتصادی اشاره می نماییم در صورتی که هر کدام از این سرفصل ها مطالب بسیاری در دل خود دارد. به عنوان نمونه در مبحث اشتغال به طور مسلم بیشترین آسیب اجتماعی در بیکاری است و ابتدای امر موضوع بیکاری به عنوانِ یک آسیب در نظر گرفته می شود اما خود اشتغال نیز آسیب های زیادی در خود دارد. مثلاً داشتن شغل حساس و اختیارات و امکانات زیاد را آغاز آسیب های اجتماعی می دانند. در مقابل نداشتن شغل مناسب و عدم رضایت شغلی را نیز سرآغاز آسیب های اجتماعی می دانند چرا که افرادی که دارای شغل مناسب با درآمد مکفی نمی باشند به شغل های دوم و سوم روی می آورند که این عامل هم آنان را از خانواده دور می کند و موجبات فراهم آوردن موقعیت های دارای خطر را فراهم می کند.

چهارم) نبود سازمان مشخص متولی برای رسیدگی به امور زنان سرپرست خانوار

یکی دیگر از معضلات مهمی که زنان سرپرست خانوار با آن روبرو هستند، تعدد نهادهای متولی امور آنان در کشور و عدم وجود یک نظام یکپارچه حمایتی در سطح کشور برای خدمت رسانی عادلانه و یکسان به این قشر آسیب پذیر است. به گفته یکی از مقامات مسئول، ۲۲ سازمان به صورت مستقیم و غیرمستقیم در امور زنان سرپرست خانوار اختیارات تصمیم گیری و اجرایی دارا می باشند. از عمده ترین این سازمان ها باید به کمیته امداد امام خمینی(ره)، سازمان بهزیستی کشور، سازمان تامین اجتماعی، بنیاد شهید و امور ایثارگران، بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی اشاره نمود.

توانمندسازی زنان سرپرست خانوار

توسعه و گسترش برنامه های تأمین رفاه اجتماعی از جمله عوامل مؤثر در ارتقای توانایی های بالقوه یک جامعه در تحقق اهداف توسعهٔ آموزشی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و هدف نهایی آن کشور به حساب می آید. از این رو، در این برنامهٔ «توانمندسازی»[۶] هدف نهایی برنامه های رفاه و مددکاری اجتماعی است. توانمندسازی به

عنوان امری ضروری جهت توانمند شدن افراد کم درآمدتر برای رسیدن به حقوقشان از طریق دستیابی و کنترل بر منابع طبیعی سازمان های موجود و تغییریافته تعریف می شود (Agrawal & Gibson, 1999; Leach & et al, 1997). همچنین توانمندسازی به عنوان فرآیندی تعریف می شود که در آن افراد، گروه ها و سازمان ها بر مسائل و مشکلاتی که با آن مواجه هستند، کنترل پیدا کنند.

مساله اقتصادی در واقع مهمترین مساله ای است که زنان سرپرست خانواردرزندگی روزمره خود با آن روبرو هستند.

اسماعیلی معاونت حمایتهای اجتماعی کمیته امداد، نبود ستاد فرماندهی ثابت برای رسیدگی به امور زنان سرپرست خانوار را یکی از معایب و مشکلات موجود در راستای ارایه خدمات به این قشر عنوان کرد. معاونت حمایت های اجتماعی کمیته امداد به منظور ایجاد این ستاد، مطالبات و خواسته های اجرای این طرح را به قوای سه گانه و حتی استانداری ها ارایه کرده است. وی به تجربه کمیته امداد امام خمینی (ره) طی چهار دهه حمایت از زنان سرپرست خانوار اشاره کرد و گفت: یکی از دلایل حضور پررنگ این نهاد در خدمات رسانی به زنان سرپرست خانوار این حضور و تجربه است. معاون حمایت های اجتماعی کمیته امداد امام خمینی (ره) با اشاره به آمار سال گذشته در زمینه سازمان های مرتبط با امور زنان سرپرست خانوار، گفت: این آمار نشان می دهد ۲۲ سازمان به صورت مستقیم و غیرمستقیم با مسایل زنان سرپرست خانوار مرتبط هستند. وی حوزه زنان سرپرست خانوار را بسیار وسیع دانست و ادامه داد: به دلیل این وسعت نیاز است بسیاری از سازمان ها در کنار هم قرار گیرند تا مشکلات این قشر مظلوم کاهش پیدا کند.[۵]

قدرت و فشار این مساله در زندگی این گروه از زنان بسیار چشم گیر است و با بالا رفتن شمار افراد زیر سرپرستی زن نیز شدت بیشتری پیدا می کند. از این رو، سیاست های رفاهی یک جامعه به ویژه در سازمان ها و دستگاه های حمایتی باید برای بهبود وضعیت اقتصادی این قشر از زنان و توانمندسازی آنان باشد.

توانمندسازی فرآیندی است که طی آن افراد، گروه ها و جوامع از وضعیت موجود زندگی و شرایط حاکم بر آن آگاهی یافته و برای تغییر شرایط موجود به سمت شرایط مطلوب یا شناسایی نیازهای خود و یافتن راه حل های مناسب برای برطرف کردن آنها اقدامات آگاهانه و سازمان یافته انجام می دهند.

بر پایه گزارش سال ۱۳۸۰ سازمان ملل متحد درباره توسعه انسانی، مسائلی مانند رفع موانع اشتغال زنان در بازار کار، دسترسی به منابع مالی، برخورداری از حق مالکیت قانونی، مشارکت احتمالی نهادهای دیگر در نگهداری کودکان و تقسیم کار در منزل می تواند امنیت مالی و

پویایی اجتماعی آنان را افزایش دهد. افـزون بر این، سلامت زنان برای ایفای نقش خویش در مقام مادر، یکی دیگر از عواملی است که در توانمندسازی زنان تاثیرگذار است، بنابراین اتخاذ راهبردهایی برای حفظ سلامت زنان ضروری است. همچنین توجه به نیازهای فرهنگی زنان از بایسته های جوامع امروز است.

گرچه همانطور که عنوان شد مسأله اقتصادی و موارد پیرامون آن مهمترین و عمده ترین سازوکار توانمندسازی به شمار می رود اما این مقوله را نمی توان در یک سرفصل محصور نمود و باید از موارد مهم زیر نیز غافل نشد:

– کیفی سازی و نظارت بیشتر بر قوانین، مصوبات و آیین نامه های مرتبط با زنان و کودکان بی سرپرست

– فرهنگ سازی بیشتر و بهتر در راستای تقویت جایگاه و منزلت این قشر از جامعه

– ارائه خدمات آموزشی، تربیتی و مشاوره برای حل مشکلات فرزندان این خانوارها و تامین نیازهای عاطفی و آموزشی آنان

– نظارت مستمر بر اعمال مقررات قانون کار و دیگر قوانین حمایتی از بانوان

– تشکیل گروه ها و انجمن های حمایتی و خدمات رسانی به زنان سرپرست خانواده با اهداف کاریابی، گذران اوقات فراغت، تبادل اطلاعات و تجربیات، مدیریت بحران های خانوادگی و...

دستور کار قرار گرفته است. طبق اظهارات معاون اجتماعی سازمان بهزیستی سالانه شمار قابل توجهی از زنان سرپرست خانوار توانمند می شوند و بیش از ۱۰درصد آنان از چرخه خدمات حمایت های مستمر بیرون رفته اند و شمار قابل توجهی نیز در برخی عرصه ها کارآفرینی می کنند.

در همین راستا خوشحال کننده ترین خبر مرتبط در این زمینه را می توان آغاز اجرای طرح جامع زنان سرپرست خانوار دانست که مقدمات اجرایی شدن آن علی الظاهر آماده و فراهم است و طبق اظهارات مشاور وزیر کشور در امور بانوان و خانواده قرار است این طرح به زودی اجرا شود.

سخن پایانی

آنچه در خصوص زنان سرپرست خانوار مسلم است این است که از منظر اقتصادی

و فرهنگی اوضاع زندگی زنان سرپرست خانوار شرایط مطلوبی ندارد و حمایت درخوری از آنان صورت نپذیرفته است. با توجه به وعده های مسئولان ذیربط در خصوص حمایت از زنان سرپرست خانوار باید عنوان کرد که اگر تمامی این وعده ها محقق شود باز هم در شرایط اقتصادی جامعه و متناسب با وضعیت معیشتی که مردم درگیر آن هستند معضل معیشتی این قشر از جامعه حل نمی شود و مشکلات را باید با راه حل های اصولی و ریشه ای درمان کرد. به عنوان مثال زمانی که اعلام می شود خانوار با درآمد یک میلیون تومان در ماه نیز زیر خط فقر قرار دارد، اضافه شدن مبلغ دویست هزار تومان به حقوق افراد تحت تکفل تامین اجتماعی یا کمیته امداد نمی تواند آنان را از شرایط فوق خارج کند. بدین منظور شایسته است معضلات کلانی همچون اشتغال که رفع آنها به صورت بصورت خودکار مشکلات دیگری را به همراه خود حل میکند در راس برنامه ریزی ها و پیگیری ها قرار گیرد و از توانمندی ها و استعدادهای این بخش از جامعه استفاده بهینه صورت پذیرد. در صورت تحقق این امر سود بیشتری عاید بنگاه های اقتصادی به کار گیرنده این نیروی انسانی عظیم می شود که با اختصاص این درآمد به این افراد هم شرایط اقتصادی و معیشتی آنان بهبودیافته و هم از بودجه کشور به صورت تبرعی برای افراد نیازمند چیزی اختصاص پیدا نکرده است و بودجه اختصاص یافته در حقیقت در اختیار یک سرمایه گذاری مولد قرار گرفته است. امروزه در کشورهای پیشرفته و ثروتمند دنیا از این قشر جامعه به عنوان یک سرمایه ملی نام برده می شود که در اقتصاد ملی نیز برای آنان سهمی قائل هستند و از نیروی انسانی آنان در بخش تولید و دیگر بخش های اقتصاد حداکثر استفاده را می برند.

همچنین رفع موانع فرهنگی و ایجاد تحول در برخی آداب و رسوم و فرهنگ های نادرست که باعث افزایش دردسرها و مشکلات زنان سرپرست خانواده می شود نیز باید در راس امور قرار گیرد. متاسفانه در موارد بسیاری خانمی که به هر دلیل از همسر اول خود جدا شده است، به واسطه فرهنگ غلط اطرافیان خود شانس ازدواج مجدد را از دست می دهد و همین موضوع سرآغاز شروع مشکلات و معضلات و آسیب های دیگر برای او و فرزندان خانواده می شود.

خوشبختانه در سال های اخیر این رویکرد در مسئولان شکل گرفته و امید است که با اجرایی شدن آنها شاهد بهبود شرایط برای این بخش حساس جامعه باشیم. طرح جامع توانمندسازی زنان، طرح جامع زنان سرپست خانواده، بسته اشتغال پایدار با اهتمام ویژه به وضعیت اشتغال زنان سرپرست خانوار، طرح جامع یکپارچهسازی اطلاعات و.... .[۱۰]

طرح جامع توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، برنامه ای بسیار گسترده شامل سرفصل ها و شاخص های کلی است که هر بخش از آن نیازمند برنامه ریزی، تحقیق و بررسی و تدوین قانون است که بتوان آنان را به مرحله اجرایی رساند. با توجه به نوبودن ارائه این طرح

در کشور، نیازمند است که به مرور زمان، هر کدام از جزئیات این طرح به دقت بررسی شده و از مرحله نظری به عملی و اجرایی شدن منتهی شود.

مطلب مهم دیگر این است که با توجه به ارتباط مستقیم میان موضوع زنان سرپرست خانوار با دیگر آسیب های اجتماعی، همزمان با راهکارهای درمانی و کاهش دهنده مشکلات پیش روی زنان سرپرست خانوار مانند طرح توانمندسازی از اهمیت بیشتر ساز و کارهای پیشگیری از مشکلات نیز غافل نشد. آنچه مسلم است این است که به هر اندازه که طرحی مانند توانمندسازی زنان و لو با موفقیت نیز اجرایی شود، افزایش روزافزون تعداد زنان سرپرست خانوار در جامعه عملکرد مفید آن را با اختلال مواجه می کند. به عنوان مثال مقابله با آسیب های اجتماعی همچون اعتیاد و طلاق هم از رشد آمار زنان سرپرست خانوار جلوگیری می کند و هم از تحمیل برنامه ها و هزینه های اضافی به دولت برای مقابله با آسیب های اجتماعی که از یک سرمنشا به وجود می آید پیشگیری می کند.

بخش سوم: سیاست های پیشنهادی، ارزیابی و نقد

مقالات:

- طرح مسئله، اصول حاکم، رویکردها، ایده اولیه و سیاست های پیشنهادی
- سیاست های کلی خانواده و مستندات
- دیدگاه های شورای عالی انقلاب فرهنگی، کمیسیون علمی، فرهنگی اجتماعی و معاونت اجتماعی قوه قضائیه
- راهکارهای اجرایی سیاست ها
- نظر مشورتی مجمع تشخیص مصلحت نظام در مورد سیاست های کلی خانواده

طرح مسئله، اصول حاکم، رویکردها، ایده اولیه و سیاست های پیشنهادی

کمیته زنان وجوانان

چکیده

مسائل خانواده و سیاست گذاری در این زمینه مستلزم بررسی های دقیق و کارشناسی شده می باشد که مستلزم طی مراحلی است که بتوان از درون محتواهای موجود و نیازهای ضروری این سیاست ها را استخراج نمود. طرح مسئله و اصول و رویکردهای حاضر و همچنین ایده اولیه که منتج به سیاست های پیشنهادی خواهد شد مطالب مطروحه مقاله ذیل می باشد.

واژگان کلیدی

خانواده، طرح مسئله، اصول حاکم، ایده اولیه، ساست گذاری

مقدمه

خانواده در اسلام، از جهات متنوع دارای مفهومی وسیع است. علقه خانوادگی، همه «ارحام» را شامل می‌شود و خویشاوندی در موضوعاتی نظیرضمان عاقله و قسامه، پیوندهای مستحکمی ایجاد می‌کند. ماندگاری خانواده از رهگذر ارث، تکالیف بازماندگان پس از فوت یکی از اعضای خانواده و ... تعریف می‌شود. مسئولیت‌ها و حقوق متقابل اعضای خانواده حتی پس از جدایی زوجین نظیر حضانت، طلاق رجعی، نفقه و... نشان از استحکام و اهمیت ویژه این نهاد در شرع مقدس اسلام دارد.

«خانواده هسته‌ای» که پدیده ای متأخر می باشد و تعاریف موجود خانواده بر محور آن شکل گرفته است، نمی‌تواند برای تعیین جهت‌گیری‌های جامعه اسلامی ایران مطمح نظر قرار گیرد.

«مفهوم گسترده خانواده» با شاخص‌های «اخلاق و حقوق اسلامی» و «روابط خویشاوندی» و کارکردهای «نشو و نمـــا و تربیت فرزندان به سبک زندگی اسلامی – ایرانی»، «آرامش‌بخشی برای فرد» و «سازندگی برای جامعه» نقطه عزیمت تحقق خواسته‌های جمهوری اسلامی ایران در مسیر پیشرفت اسلامی– ایرانی است که مبنای سیاست‌های پیشنهادی می‌باشد.

الف) طرح مسئله و سوالات

۱– نقش،جایگاه و اهمیت خانواده در اندیشه و جامعه ی اسلامی چیست؟

۲– نقش و جایگاه خانواده در سلامت، پیشرفت، تمدن، بالندگی، اقتدار و اعتلای معنوی نظام چیست؟

۳– مقصود از (جامعه ی خانواده محور) چیست؟

۴– راهکارهای فرهنگ سازی (کرامت) در خانواده کدام است؟

۵– الگوی مطلوب ایرانی – اسلامی مناسبات میان زن و شوهر چیست؟

۶– خانواده در «سند چشم انداز کشور» و «سیاست های کلی برنامه پنج ساله» از چه جایگاه و نقشی برخوردار است و مقصود از نهاد مستحکم خانواده چیست؟(طی تصریح سند چشم انداز، ایران سال ۴۰۴۱ کشوری است «برخوردار از ... نهاد مستحکم خانواده»)

۷– دولت چه نقشی در دستیابی به هدف «نهاد مستحکم خانواده» می تواند ایفا کند؟

۸- ایجاد شغل مولد برای تامین درآمد خانوار، چه اهمیت و ضرورتی داشته و چگونه باید در شرح وظایف دولت عملیاتی شود؟

۹- نقش تربیتی خانواده نسبت به فرزندان در چه وضعیتی قرار دارد و چگونه می توان این نقش را احیاء، تجدید و تقویت کرد؟

۰۱- آسیب ها و تهدیدات درونی و بیرونی مرتبط بر نقش تربیتی خانواده نسبت به فرزندان چیست و چگونه می توان آثار مخرب آن را کاهش داده و به حداقل یا صفر رساند؟ آیا این تهدیدات و آسیب ها از قابلیت تبدیل به «فرصت» برخوردارند؟

۱۱- راهکارهای مقابله با تهدیدات درونی و بیرونی، مفاسد و انحرافات مترتب بر «خانواده» چیست و در این رابطه مسؤلیت هریک از نهادهای «خانواده» و «دولت» کدام است؟

۱۲- تاثیرات سوء جهانی شدن و توسعه ی ارتباطات رودررو و رسانه ای بر نقش تربیتی خانواده چیست و چگونه می توان بر آن غلبه و به «فرصت» تبدیل کرد؟

۱۳- مطابق الگوی اسلامی و ایرانی، به تفکیک جایگاه و نقش معنوی هریک از «پدر»،«مادر» و «فرزند» در خانه چیست و این امر در سنجش با وضعیت موجود چگونه ارزیابی می شود؟

۱۴- الگوی عملی «تکریم همسر و نقش خانه داری، مادری و آرام بخشی در خانواده»چیست؟

۱۵- آموزش نقش همسری، مادری، شوهری و فرزندی از چه ضرورت و جایگاهی برخوردار است و نهادهای دولتی در این خصوص چه وظیفه ای دارند؟

۱۶- الگوی مطلوب و سازندهی «نقش بزرگترها در زندگی زوج های جوان» کدام است؟

۱۷- نقش تربیتی خانواده نسبت به فرزندان چیست و چگونه می توان این کارکرد را در شکل مطلوب آن عملیاتی کرد؟

۱۸- الگوی «روابط مبتنی بر خدامحوری، احکام، اخلاق و حقوق اسلامی در خانواده» کدام است؟

۱۹- راهنمای عملیاتی تحقق و دستیابی به کارکرد «آرام بخشی خانواده» در خانوارهای ایرانی چیست؟

۲۰- عوامل و عناصر مؤثر بر حفظ و تقویت بنیان خانواده کدام است؟

۲۱- بنیان خانواده ای که دارای مادری خانه دار یا شاغل باشد چگونه است؟ پیامدهای تربیتی و اجتماعی آن چیست؟

۲۲- طی یک مقایسه ی تطبیقی،شاخصه ای نقش تربیتی خانواده نسبت به فرزند را به تفکیک در جوامع «سنتی»، «درحال گذار» و «مدرن» لیست کنید؟

۲۳- الگوی ایرانی - اسلامی خانواده چیست؟

۲۴- الگوی ازدواج اسلامی و ایرانی چیست؟ ایده ها و شاخص های فرایند گزینش همسر کدام است؟ در مقایسه با وضع موجود، سن مطلوب ازدواج چیست؟ آثار سوء روانشناختی، جامعه شناختی و فرهنگی تجرد یا ازدواج در زمان مناسب کدام است ؟ خانواده، دولت و سایر نهادها و مراجع غیردولتی چه نقشی می توانند در فرایند ازدواج مطلوب ایفا کنند؟

۲۵- پیامدهای مثبت یا منفی زندگی تجملاتی چیست؟

۲۶- مشکلات و موانع مترتب بر سر ازدواج جوانان چیست و چگونه می توان آن را مرتفع کرد؟

۲۷- چه نهادهایی در راستای حفظ و تحکیم بنیان خانواده مسئول، موظف و مکلفند؟

۲۸- نسبت میان ازدواج موفق با ناموفق بر مطلوب یا نامطلوب شدن بیان خانواده چیست؟ راههای کاهش آسیب ها و تهدیدات ناشی از ازدواج ناموفق بر سلامت بنیان خانواده کدام است؟

۲۹- سالم سازی دینی و حفظ سلامت خانواده و روابط اجتماعی زن و مرد یک امر کاملا شخصی، درونی و خصوصی است یا دولت و سایر مراجع و نهادهای اجتماعی در این راستا مسؤلیت داشته و مکلف هستند؟سیاست های کلی و راهکارهای اجرایی آن کدامند؟

۳۰- سرمایه ی اجتماعی منبعث و ناشی از خانواده چیست و کارکرد اجتماعی آن کدام است؟

۳۱- متغیرها و شاخصه ای تاثیرگذار و تاثیرپذیر نسبت به خانواده چیست؟(متغیرها: خانواده - جامعه - اقتصاد - فرهنگ - سیاست و حکومت)

شاخص های متغیر خانواده:

پدر- مادر- دختر- پسر- ازدواج - طلاق- تربیت- اخلاق- فرهنگ- درآمد، معیشت و اقتصاد- طبقه- قداست- کرامت- زن خانه دار و شاغل- مسؤلیت اقتصادی پدر- مرد

سالاری- زن سالاری- فرزند سالاری- خانواده ثروتمند و فقیر- خانواده سنتی و مدرن- خانواده شهری و روستایی- خانواده مذهبی و غیرمذهبی- روابط فامیلی خانواده- روابط داخلی اعضای خانواده- انسجام یا گسیختگی مادی و معنوی اعضای خانواده- روابط اجتماعی اعضای خانواده- اشتغال فرزندان- ازدواج فرزندان- تحصیلات فرزندان- اعتیاد اعضای خانواده- روابط نامشروع هریک از پدر و مادر- روابط فرزند پسر و دختر با جنس مخالف

شاخص های متغیر جامعه:

روابط اجتماعی زن ومرد- جامعه کشاورزی- جامعه صنعتی- عدالت اجتماعی

شاخص های متغیر اقتصاد:

بیکاری- تورم- گرانی- خط فقر- صنعت- کشاورزی- کالاهای لوکس- اقتصاد کازینویی- پولشویی- قاچاق کالا- عدالت اقتصادی

شاخص های متغیر فرهنگ:

زندگی تجملاتی- بی بندوباری- فرهنگ خدامحوری، دین داری و بی دینی- حجاب و بی حجابی/فرهنگ پوشش- رسانه های کاغذی و الکترونیکی مثل اینترنت، ماهواره، رادیو، تلویزیون، نشریات- عدالت فرهنگی

شاخص های متغیر سیاست و حکومت:

نوع رویکرد و برنامه های دولت نسبت به خانواده- سیاست زدگی- حکومت دینی و غیردینی

ب)اصول حاکم بر سیاست های پیشنهادی

برخی از خصوصیات خانواده در اسلام که مفهوم آن را گسترده می سازد.



رویکردهای متنوّع دیگری به موضوع خانواده:

.نگاه اومانیستی به فرد و لیبرالیستی به جامعه، اصول موضوعه‌ای هستند که تنظیم روابط و حقوق خانواده در غرب تحت تأثیر آن صورت پذیرفته است.

جامعه‌شناسان غربی نیز خانواده را به عنوان یک نهاد اجتماعی در تعامل با نهادهای دیگر و دارای کارکردهایی تعریف کرده‌اند که متناسب با مسیر تحوّلات اجتماعی و اقتصادی و تحلیل شرایط و نیازها، وضع شده‌اند.

عالمان شیعی، محور تنظیم رویکرد خود به خانواده را «جهان‌بینی اسلامی» قرار داده‌اند. این دسته از نخبگان معتقدند مبانی هستی‌شناسی با محوریت خدا، انسان‌شناسی با محوریت کرامت و عدالت و اخلاق الهی، اصول حاکم بر «نظام روابط و حقوق خانواده در اسلام» است.

رویکرد آینده‌نگر

بی‌تردید با مراجعه به آموزه‌های دینی، رویکرد منتخب ما، رویکرد اخیر است.

در اسلام، فرد و جمع هر دو اصیل هستند و در مقابل خداوند، مسئولند. اصالت دادن به خانواده رافع اصالت فرد نیست، لکن محلّ تربیت و سازندگی فرد، خانواده است. براساس آموزه‌های دینی، فرد در جمع به کمال می‌رسد و زوجیت و خانواده، زمینه‌ساز آرامش روانی و استکمال معنوی انسان است. از این رو خانواده را باید کوچک‌ترین سلول اجتماعی دانست و فرد را در خانواده تعریف نمود. در این بین حقوق فردی در خانواده ضایع نمی‌شود و برای آن تکالیف و احکام شرعی تعیین شده است که خانواده، بهترین ضامن اجرای آن می‌تواند باشد.

در شرایط کنونی، نگاه جامع و برگرفته از اصول ذکر شده به خانواده در احکام و قوانین وجود ندارد که باید مورد اصلاح و تکمیل و بازنگری قرار گیرد. نقطه عزیمت احکام شرعی و قوانین خانواده، براساس یک نگاه نظام مند که ابتدا همه مسایل را شناسایی کرده و پیوندهای آنها را با هم و با اصول تفکر اسلامی برقرار نماید بطوری که یک «منظومه هدفمند» را بتوان شاهد بود، نبوده است.

امروز، به این نوع تدوین نظام خانواده محتاج هستیم. در این بین استمداد حوزه‌های حقوقی از رهبر معظم انقلاب و مراجع عالی‌قدر شیعه برای پاسخ به استفتائات جدید در صدور فتوی در مستحدثات، و اتخاذ مبنای فقهی واحد راهگشا خواهد بود.

موضوعاتی نظیر تغییر ضمانت مهریه از حبس به مال قابل پرداخت، تعیین مصادیق و ایجاد ضمانت‌ها و روش اثبات حسن معاشرت منظور در قانون، رفع تعارض حق تحصیل و ... با اجازه خروج از منزل زوجه و حدود اطاعت زوجه از زوج با توجه به مقتضیات جدید، بازنگری نفقه در مقابل تمکین، تکلیف مرد در مراجعه به منزل پس از ساعات کار و بسیاری موارد دیگر تنها گوشه‌ای از مواردی است که نیاز به بازنگری و اصلاح یا تکمیل دارند. تدوین سیاست‌های خانواده، با هدف انسان‌سازی و جامعه‌سازی براساس آموزه‌های اسلامی صورت می‌پذیرد. خانواده از نگاه راهبردی، «عمق استراتژیک» جامعه اسلامی است و به همین خاطر باید مسایل و چالش‌های آن با آینده‌نگری و نگاهی نظام‌گرا (سیستمی) در سیاست‌گذاری‌ها مورد عنایت قرار گیرد.

رویکرد نظام‌مند (سیستمی)

سیاست های خانواده

رویکرد راهبردی و محتوایی

رویکرد مسأله‌محور

اصولی که سیاست‌های پیشنهادی به آنها تکیه کرده است عبارتند از:

۱- خانواده در جمهوری اسلامی ایران دارای مفهوم گسترده‌ای با شاخص‌های «اخلاق و حقوق اسلامی» و با کارکردهای «نشو و نما و تربیت اسلامی فرزندان بر محور سبک زندگی اسلامی ایرانی»، «آرامش بخشی برای فرد» و «سازندگی برای جامعه» از اختصاصات آن می باشد.

۲- در جامعه اسلامی، خانواده بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی است. این حقیقتی است که تمام نهادهای اجتماعی را شکل می‌دهد و جهت گیری ارکان حکومتی را معین می‌سازد.

۳- در جامعه اسلامی، خانواده سازنده فرد است بر خلاف جوامع غربی که به تدریج و عملاً این مسئولیت بر دوش نهادهای اجتماعی قرارداده شده است. در جمهوری اسلامی ایران، نهادهای جدید نقش مکمل و یاری رسان به این نقش خانواده را دارند.

۴- خانواده باید محور تصمیم‌گیری‌های کشور باشد. این به معنای جاری و ساری شدن قانونمند موضوع خانواده در همه نظامات برنامه‌ریزی، اجرایی و قانون‌گذاری است و به مثابه محک راست آزمایی تصمیمات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی می‌باشد.

۵- ازدواج موفق و تشکیل خانواده یک اصل خدشه‌ناپذیر در جمهوری اسلامی ایران است. همه ساز و کارهای فرهنگی، آموزشی، حقوقی و اقتصادی باید پشتوانه تحقق دائمی این اصل قرار گیرند.

۶- اخلاق و حقوق اسلامی دو عامل مهم برای استحکام روابط خانوادگی می‌باشد.

۷- آسیب‌های متوجه خانواده و موانع تشکیل آن باید شناسایی و برطرف شوند.

۸- رفع دغدغه‌های حال و آینده خانواده در حوزه درآمد و تأمین نیازهای اساسی یک اصل

برای بالندگی و اعتلای خانواده می‌باشد.

ج) رویکردها، هدف و راهبردهای سیاست های پیشنهادی

هـــدف: **ایجاد جامعه‌ای خانواده محور**

رویکـــرد: **مبنا قرار گرفتن اخلاق و حقوق اسلامی در خانواده و جامعه**

راهبردها:

۱- جاری و ساری شدن قانونی بنیاد خانواده در نظام برنامه‌ریزی، اجرایی و قانونگذاری کشور در همه عرصه‌ها

۲- پشتیبانی و ارایه خدمات به خانواده برای ایفای مسئولیت‌ها و نقش‌های خود

۳- رفع موانع بر سر راه اعتلای خانواده و صیانت از خانواده در مقابله با آسیب‌ها

د) ایده اولیه

خانواده واحد بنیادی و سنگ بنای جامعه ی اسلامی و پشتوانه ی سلامت و بالندگی و اقتدار و اعتلای معنوی کشور و نظام است که سمت و سوی حرکت و سیاست های کلی نظام باید معطوف باشد به:

۱- ایجاد جامعه ای خانواده محور و احیای خانواده به عنوان مرکز نشو و نما و تربیت اسلامی فرزند و کانون آرامش بخش

۲- نهضت فراگیر ملی برای ازدواج موفق همه دختران و پسران و افراد در سنین ازدواج و تشکیل خانواده اسلامی

۳- تحکیم مناسبات و استواری روابط خانوادگی با جامعیت برنامه های مبتنی بر اخلاق و حقوق اسلامی

۴- فرهنگ سازی در تکریم و تقدیس ارکان خانواده و حفظ حرمت و حریم آن

۵- حمایت از عزت و کرامت همسری، خانه داری و نقش مادری زنان و مسئولیت اقتصادی و نقش پدری و معنوی مردان

۶- صیانت از خانواده و حفاظت از کیان و ماندگاری و پایداری آن و ایجاد فضای سالم در روابط اجتماعی زن و مرد، با بهره گیری منتظم از منظومه آموزه ها (تعالیم و قوانین و راهکارها) ی مترقی اسلام و مقابله همه جانبه با تهدیدات و مفاسد و انحرافات

۷- تامین درآمد خانوار از طریق ایجاد اشتغال مولد

ه) جدول ایده اولیه و تفصیل آن

متن ایده ابلاغی	تفصیل ایده	جوهره و روح پیام
خانواده واحد بنیادی و سنگ بنای جامعه ی اسلامی و پشتوانه ی سلامت و بالندگی و اقتدار و اعتلای معنوی کشور و نظام است.	۱- خانواده واحد بنیادی و سنگ بنای جامعه ی اسلامی ۲- خانواده پشتوانه ی سلامت و بالندگی و اقتدار و اعتلای معنوی کشور و نظام است.	۱-سلول جامعه اسلامی، خانواده است و نه فرد ۲- نهاد خانواده، بنیاد و مبنایی محکم در همه عرصه ها ۳- خانواده، پشتوانه تحقق اهداف نظام
ایجاد جامعه ای خانواده محور و احیای خانواده به عنوان مرکز نشو و نما و تربیت اسلامی فرزند و کانون آرامش بخش	۱- ایجاد جامعه ای خانواده محور ۲- احیای خانواده به عنوان مرکز نشو و نما و تربیت اسلامی فرزندان ۳- خانواده، کانون آرامش بخش	۱- خانواده باید محور همه تصمیمات کشور باشد ۲- تبدیل خانواده به محیط امن و آرامش بخش و فضایی توام با تعاملات اخلاقی ۳- تعلیم و تربیت فرزندان در سایه خانواده اسلامی
نهضت فراگیر ملی برای ازدواج موفق همه دختران و پسران و افراد در سنین ازدواج و تشکیل خانواده اسلامی	۱- نهضت فراگیر ملی برای ازدواج موفق همه دختران و پسران و افراد در سنین ازدواج ۲- تشکیل خانواده اسلامی	۱- استفاده از همه ابزارها و شیوه ها برای ماندگاری سنت ازدواج پایدار و نفی تجرد ۲- ارتقا فرهنگ ازدواج (موفق) و ایجاد شرایط لازم برای ازدواج های افراد در سنین ازدواج با استفاده از عزم ملی ۳- جهت گیری ازدواج به سمت تشکیل خانواده اسلامی
تحکیم مناسبات و استواری روابط خانوادگی با جامعیت برنامه های مبتنی بر اخلاق و حقوق اسلامی	تحکیم مناسبات و استواری روابط خانوادگی با جامعیت برنامه های مبتنی بر اخلاق و حقوق اسلامی	تدوین و ترویج برنامه های جامع اخلاقی و حقوقی اسلامی برای تحکیم روابط خانوادگی

فرهنگ سازی در تکریم و تقدیس ارکان خانواده و حفظ حرمت و حریم آن	۱- فرهنگ سازی در تکریم و تقدیس ارکان خانواده ۲- فرهنگ سازی برای حفظ حرمت و حریم خانواده	۱- تعریف گسترده روابط خانوادگی و خویشاوندی در اسلام و توسعه مفهوم ارکان خانواده در بین ارحام ۲- تکالیف و حقوق متقابل ارکان خانواده از رهگذر اخلاق و حقوق اسلامی
حمایت از عزت و کرامت همسری، خانه داری و نقش مادری زنان و مسئولیت اقتصادی و نقش پدری و معنوی مردان	۱- حمایت از عزت و کرامت همسری، خانه داری و نقش مادری زنان ۲- حمایت از مسئولیت اقتصادی و نقش پدری و معنوی مردان	۱- آموزش، توانمندسازی، مشاوره و فرهنگ سازی نقش های زنان و مردان در خانواده ۲- حمایت اقتصادی از خانواده
صیانت از خانواده و حفاظت از کیان و ماندگاری و پایداری آن و ایجاد فضای سالم در روابط اجتماعی زن و مرد، با بهره گیری منتظم از منظومه آموزه ها (تعالیم و قوانین و راهکارها) ی مترقی اسلام و مقابله همه جانبه با تهدیدات و مفاسد و انحرافات	۱- صیانت از خانواده و حفاظت از کیان و ماندگاری و پایداری آن ۲- ایجاد فضای سالم در روابط اجتماعی زن و مرد ۳- مقابله همه جانبه با تهدیدات و مفاسد و انحرافات	۱- حفاظت و رعایت سلامتی و پاکی در روابط زن و مرد در جامعه برای صیانت از خانواده ۲- شناسایی و مقابله دائمی با آسیب های متوجه خانواده ۳- ترویج ارزش های متعالی و آموزه های اسلام
تامین درآمد خانوار از طریق ایجاد اشتغال مولد	۱- تامین درآمد خانوار ۲- ایجاد اشتغال مولد	۱- ایفای مسئولیت های دستگاهها و نهادها برای رفع نیازهای اقتصادی (معیشت، مسکن، درمان، تامین اجتماعی و ...) حال و آینده خانواده ۲- تمرکز بر ایجاد اشتغال مولد به عنوان پایه ای ترین نیاز برای تشکیل و استمرار خانواده

و)سیاست های پیشنهادی اولیه

۱- محور قرار گرفتن «نهاد خانواده» به عنوان کلمه طیبه اسلام و کانون و نقطه عزیمت نظام برنامه ریزی و قانونگذاری کشور در همه عرصه های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی.

۲- تبلیغ، ترویج و تسهیل ازدواج و تشکیل و استمرار خانواده به عنوان اصل و محور و امر مقدس و سنت اسلامی و نفی تجرد در جامعه.

۳- فرهنگ سازی و ترویج تعاملات اخلاقی در جامعه و خانواده به عنوان اصلی ترین عامل پایداری خانواده و محوریت سه اصل «رضایت و انصاف»، «خدمت و احترام» و «مودت و رحمت» متقابل برای "آرامش و سکینه" و تحکیم پایه های زندگی و حذف موارد مغایر با کیان و اخلاق خانواده در همه نظامات برنامه ریزی، قانونگذاری و اجرایی کشور

۴- شناسایی و ترویج ارزش های متعالی و سنت های ازدواج و خانواده در اسلام و زدودن پیرایه های باطل از آن و مقابله دائمی با تهاجم فرهنگی و مؤلفه ها و عملکرد مخرب ضدفرهنگی غرب در مورد خانواده و زندگی خانوادگی.

۵- مطالعه مستمر وضعیت آسیب ها و نیازها و مسایل خانواده به منظور ایجاد پشتوانه اصلاحات و تکمیل نظامات حقوقی و برنامه های کشور.

۶- بازنگری، اصلاح و تکمیل نظام حقوقی و رویه های قضایی در حوزه خانواده متناسب با نیازها و مقتضیات جدید و ایجاد ساز و کارهای تأمین عدالت و امنیت درتمامی مراحل انتظامی و دادرسی و ضمانت اجرایی احکام در دعاوی خانواده.

۷- وضع قوانین و تنظیم صریح، شفاف، متعادل و متوازن حقوق بین زن و مرد، فرزندان و خویشاوندان خانوادگی براساس بینات و مسلمات اسلام و ایجاد ضمانت های اجرایی لازم.

۸- تعیین مسئولیت ها و تدوین شرح وظایف و ساختار و تشکیلات دستگاه های اجرایی دولتی و نهادهای عمومی متناسب با جایگاه رفیع خانواده.

۹- تعیین شاخص های حد و مرز روابط زن و مرد در جامعه به منظور حفظ و تحکیم بنیان خانواده و فرهنگ سازی و ارتقاء کیفی نهادهای حکومتی برای نظارت و رعایت آن.

۱۰- باز تعریف مدل «خانواده، محله زندگی، مسجد» برای حفظ و ارتقای هویت اسلامی و ملی از طریق صیانت از خانواده.

۱۱- جلب مشارکت خانواده برای پیشبرد اهداف و برنامه های کشور در همه عرصه های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و دفاعی.

۱۲- طراحی سازوکارهای مناسب برای رفع دغدغه های آینده درباره اشتغال، ازدواج و مسکن فرزندان و ایجاد فضای با نشاط وشاداب برای خانواده ها.

۱۳- آموزش «مسائل ازدواج و خانواده» در نظام تعلیم و تربیت و نهادهای ذیربط متناسب با سن و جنس.

۱۴- سازماندهی و تسهیل دسترسی به نظام مشاوره ای قبل، حین و پس از تشکیل خانواده از طریق حمایت های بیمه ای.

۱۵- تدوین نظام حقوقی و سازوکار اجرایی مشاوره و تشخیص صلاحیت ازدواج (عقل و رشد) و کفویت زوجین به عنوان پیش نیاز ثبت ازدواج.

۱۶- ارتقاء سطح توانایی های هریک از اعضای خانواده در مسئولیت پذیری، تعاملات خانوادگی و ایفای نقش و رسالت خود.

۱۷- طراحی مدل های اسلامی- ایرانی برای آشنایی دختران و پسران به قصد ازدواج با حفظ حریم عفاف و با نظارت خانواده ها.

۱۸- شناسایی مستمر عوامل طلاق و فروپاشی خانواده و طراحی سازو کارهایی برای پیشگیری از آن و حمایت همه جانبه از آسیب دیدگان ناشی از طلاق بخصوص فرزندان و زنان.

۱۹- حمایت همه جانبه حقوقی، اقتصادی و فرهنگی از خانواده های زن سرپرست.

۲۰- مدل سازی برای حفظ احترام و کرامت کهنسالان برای مراقبت های جسمانی و روحی و عاطفی آنان.

سیاست های کلی خانــواده و مستندات

کمیته زنان و جوانان

چکیده

خانواده سنگ بنای جامعه و نهادی پویا و زنده و زایشگر است. از ویژگی های زنده بودنش تعامل با سایر نهادهای اجتماعی و داشتن رشد و بالندگی و حرکت است. خانواده دارای جهت گیری، هدف، امید و نگاه به آینده است. از این رو ایستایی در مدار حرکتی خانواده آن را از حرکت باز می دارد و به پوچی می رساند و می میراند و سپس نابود می کند. لذا برای تداوم حرکت موزون ومتعادل این نهاد مقدس بر محور ایده ها و تعالیم عالیه اسلامی باید راهبردها و سیاست های اجرایی و عملیاتی را بر اساس مقتضیات و شرایط زمان و مکان و فرهنگ غالب بر جامعه ترسیم و برای فرهنگ سازی در جامعه تدوین و ابلاغ و اجراونظارت وپایش نمود.

واژ گان کلیدی

خانواده، سیاست گذاری، فرهنگ، اجتماع

۱- محور قرارگرفتن «خانواده» به عنوان کلمه طیبه اسلام و جاری و ساری کردن قانونی «بنیاد خانواده» در نظام برنامه‌ریزی، اجرایی و قانون‌گذاری کشور در همه عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی.

اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران خانواده را واحد بنیادی جامعه اسلامی دانسته و همه قوانین و برنامه‌ریزی‌ها را در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی برپایه حقوق و اخلاق اسلامی ضروری می‌داند.

از طرفی رهبر فقید انقلاب اسلامی می‌فرمایند:

«مسأله خانواده خیلی مهم است. بروید، ببینید در خانواده‌ها چه خبر است... طرح‌های بلندمدّت (برای خانواده) بریزید.»

همچنین رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز خانواده را کلمه طیبه و یک رکن بزرگ می‌دانند. این رویکرد اساسی از سوی مقام ولایت در سیاست‌های ناظر بر برنامه‌های توسعه کشور ابلاغ گردیده است لکن به دلایل ذیل شاهد تحقق این سیاست در قوانین برنامه پنج ساله نبوده‌ایم:

ساختار برنامه با مبنا قرار دادن خانواده تنظیم نشده است.

تحقق سیاست خانواده در قالب چند ماده محدود رهگیری شده است.

ذهنیت کارگزاران نظام براساس این استدلال اشتباه که اجرای قانون برنامه و قانون بودجه سالیانه دارای نتایج به نفع خانواده است و به تعبیر دیگر رونق کسب و کار، پیشرفت و توسعه اقتصادی و عملکرد دستگاه‌های فرهنگی کشور، همگی در جهت تحقق خواسته‌های نظام در حوزه خانواده، شکل گرفته است.

حال آن‌که اگر ساختار برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری کشور براساس شناخت آرمان‌ها، نیازها، آسیب‌ها، چالش‌ها و توانایی‌ها و کارکردهای خانواده و محور قرار دادن آن باشد، قطعاً به مجموعه‌ای از موضوعات منجر می‌شود که نظام برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری با نگاه کلی به این حوزه به آن دست نیافته و نخواهد یافت.

به همین دلیل موضوعاتی نظیر ازدواج و ساز و کار اقتصادی و فرهنگی آن، مشاوره، آموزش، تکالیف قانونی دستگاه‌ها و ... بسیاری موضوعات دیگر مورد غفلت واقع می‌شود.

توضیح آن‌که:

«برنامه‌های توسعه» براساس «مُدل غربی» و تعریف «توسعه» طرّاحی شده‌اند. مُدل اسلامی که با واژه‌هایی نظیر «عدالت» و «پیشرفت» معرفی شده‌اند و کانون آن حرکت از «محتوا» به سمت «شکل» می‌باشد و اولاً به «معنا» توجه دارد و «امکانات» را معدّات تحقق معنا می‌داند، طراحی نشده است و این نیاز اصلی کشور برای تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی است. به همین خاطر «خانواده‌ای» که براساس مُدل موجود در برنامه رهگیری می‌شود هیچ‌گاه نمی‌تواند آرمان‌های بلند جمهوری اسلامی ایران درباره خانواده را محقق سازد.

بر این اساس، «خانواده» باید نقطه عزیمت و محک راست‌آزمایی همه قوانین و برنامه‌های کشور قرار گیرد.

ضرورت‌ها و توصیف وضع موجود:

خانواده از محیط اقتصادی سالیانه بین ۳۰-۲۰ درصد تحت تأثیر قرار می‌گیرد و این وضعیت در سال ۱۹ به نزدیک صد در صد رسیده است.

این کاهش قدرت خرید در محیط روحی- روانی خانواده اختلالات، کشمکش‌ها و آسیب‌های جدی وارد کرده و روابط و تعاملات درون خانواده را تحت تأثیر قرار داده است.

متناظر و متناسب با سیاست‌های ابلاغی برنامه‌های توسعه کشور و «اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن» مصوب ۴۸/۴/۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی، در قانون برنامه توسعه کشور و قانون بودجه سالیانه موادی گنجانده نشده است و صرفاً در موادی به زنان سرپرست خانواده، خانواده ایثارگران و مددجویان کمیته امداد اشاره شده و جامعیت مصوبات فوق‌الذکر در این قوانین وجود ندارد. این به معنای نادیده گرفتن عملکرد بسیاری از نهادهای کشور در حوزه خانواده نیست، لکن محل بحث، نگاه نظام‌مند به حوزه خانواده در قوانین بالادستی کشور است.

نیازهای جدید خانواده نظیر آموزش، مشاوره، دغدغه‌های ازدواج و اشتغال فرزندان و هزینه‌های نوظهور نظیر رایانه، اوقات فراغت، آموزش‌های تکمیلی و مهارتی و ... افزون بر هزینه‌ها و نیازهای قبلی بوجود آمده است که نظام برنامه‌ریزی کشور این بخش از هزینه‌ها را مورد توجه قرار نمی‌دهد.

۲- مهندسی مجدد «خانواده» در جامعه اسلامی با مفهوم وسیع آن در قالب ارتباطات، حقوق و مسئولیت‌های فردی و جمعی متقابل دینی و بازتعریف کارکردهای خانواده در همه عرصه‌های فرهنگی، تربیتی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به عنوان فرصتی بی‌بدیل و ممتاز در ایران اسلامی.

تعاریف گوناگونی برای خانواده ارایه شده است. کانون رویکرد متفکرین غربی به خانواده، «نهادی» و «کارکردی» است. این دانشمندان، در آثار خود خانواده را از نظر یک «نهاد اجتماعی» دارای «کارکردهایی» معرفی می‌کنند که تابعی از نگاه «اومانیستی» در حوزه فردی و «لیبرالیستی» در حوزه اجتماعی است. رویکرد اندیشمندان ایرانی را نیز می‌توان به چند گروه تقسیم نمود:

- برخی مبنای تعاملات خانواده را صرفاً «احکام فقهی» می‌دانند.

- برخی نخبگان روحانی «فقه» و «اخلاق» را در هم می‌آمیزند.

- برخی نخبگان روحانی مبانی و جهان‌بینی اسلامی را بازخوانی کرده و معتقدند نظام حقوقی اسلام در حوزه خانواده باید بر اساس آن طراحی شده و اجتهاد متناسب با مقتضیات و شرایط زمان و مکان در حوزه خانواده صورت پذیرد.

- اساتید و صاحب‌نظران دانشگاهی نیز حوزه نیازها و کارکردهای خانواده متناسب با جامعه ایران را مورد عنایت قرار داده‌اند و تلاش می‌کنند تا این نیازها و کارکردهای تعریف شده در علوم انسانی را با شرایط ایران تطبیق دهند.

* * *

واقعیت آنست که خانواده در اسلام می‌تواند دارای مفهومی وسیعتر از آنچه در بسیاری از تعاریف صورت گرفته باشد و دایره آن به خویشاوندان سببی و نسبی گسترش یابد. همچنین جهان بینی و اصول اخلاقی اسلام اگر در این حوزه، نقطه عزیمت مهندسی اجتماعی قرار گیرد، خانواده، محور این مهندسی جدید خواهد بود و همه عرصه‌ها را متاثر از خود می‌سازد.

«خانواده هسته‌ای» و «زندگی هسته‌ای» قابلیت حمل آرمان‌ها و پیام‌های رفیع اسلامی را ندارد. آن‌چه فرآیند «تربیت» و «صیانت» اجتماعی را ممکن می‌سازد، ارتباطات و مناسبات گسترده خانوادگی و خویشاوندی و به تبع آن تعریف مُدل و سبک زندگی اسلامی – ایرانی بر پایه‌ی آن است.

ضرورت‌ها و توصیف وضع موجود:

نقطه عزیمت «مهندسی اجتماعی ایران» از شناخت نهادی و کارکردی خانواده و بسط آن در ساحت جامعه و عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی صورت نپذیرفته است.

مهندسی مجدد «خانواده» در جامعه اسلامی ایران یکی از حلقات طراحی «سبک زندگی اسلامی ایرانی» و «الگوی پیشرفت جامعه اسلامی» است.

این موضوع تا حدی مورد غفلت واقع شده که واژه «خانوار» به معنای زندگی فرد یا گروهی (صرف‌نظر از پیمان زوجیت و جنسیت) در یک محل سکونت در آمار و برنامه‌ریزی کشور استفاده می‌شود و رفته‌رفته و به اشتباه به جای واژه «خانواده» به کار می‌رود و این آغاز زاویه بین جهت‌گیری رهبری نظام با نظام برنامه‌ریزی کشور است.

۳- تبلیغ، ترویج و تسهیل تشکیل خانواده، نشو، نما و تربیت فرزندان و نفی تجرّد در جامعه.

نقطه آغازین ایجاد خانواده، ازدواج است. خانواده از نظر نحوه ایجاد، در بین نهادهای اجتماعی، منحصر به فرد می‌باشد. انگیزه تشکیل خانواده طبیعی، حودآگاهانه و خودخواسته است.

در جوامع اسلامی، به خاطر رواج ازدواج به تبعیت از سنّت نبوی (ص)، رغبت به ازدواج یک فرهنگ پذیرفته شده است.

در این بین دو پدیده در جامعه ما قابل مشاهده می‌باشد:

- افزایش سنّ ازدواج

- عدم تمایل به باروری حدّاقل در سال‌های نخست ازدواج.

این دو پدیده پیش از آن‌که معلول شرایط اقتصادی و میزان اعتقادات دینی باشد، مربوط به تقدم رؤیای مدرنیته بر واقعیت آن در جامعه ایران است. برخی از لایه‌های اجتماعی ایران براین باور شده‌اند که اهداف فردگرایانه (خودخواهانه) و لذّت‌جویانه آنها با ازدواج و فرزندآوری قابل جمع نیست و ازدواج در صورتی که در تقابل با این خواسته‌ها قرار گیرد

باید حداقل به تأخیر بیافتد. این دو پدیده با گسترش ایده آل های دست نیافتنی و فردگرایی بدون دخالت مصالح جمعی در ازدواج تشدید شده و پس از ازدواج نیز یکی از عوامل طلاق می باشد.

در چنین شرایطی مفهوم و جهت‌گیری تبلیغی و ترویجی و مفهوم تسهیل ازدواج و عوامل استمرار خانواده با شناخت این واقعیت موجود که متناسب با گسترش رسانه‌های جدید روبه تزاید است- تغییر یافته و باید ابتدا شناخت جامعی نسبت به عوامل فکری افزایش سن ازدواج و کاهش باروری پیدا نمود تا تبلیغ و ترویج و تسهیل به هدف اصابت کند.

تأسیس این سیاست در مجموعه سیاست‌های خانواده، شرط مقدّماتی ورود به مبحث خانواده است. همچنین تحقق اندیشه‌ها و راهبرد رهبری نظام درباره «جمعیّت» از طریق الزام به اجرای این سیاست میسّر خواهد بود.

ضرورت‌ها و توصیف وضع موجود:

- در سال ۱۳۹۰ میانگین سنّ ازدواج مردان ۶۲/۷ و زنان ۳۲/۴ بوده است. این میانگین نسبت به سال ۱۳۵۵، در مردان ۲/۶ سال و در زنان ۳/۷ سال افزایش یافته است.

- بعد خانوار در کلّ کشور در سال ۱۳۹۰ به ۳/۵۵ نفر رسیده است. حال آن‌که این رقم در سال ۱۳۵۵، ۵/۲۰ نفر بوده است.

- افزایش سنّ ازدواج و کاهش بعد خانوار در ایران دو پدیده جدید است که تأثیر آن در وهله نخست در نهاد خانواده و سپس در همه عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور قابل مشاهده خواهد بود.

ا- افزایش نرخ طلاق، تأثیر منفی در فضای روانی جوانان برای مبادرت به ازدواج می گذارد.

۴- فراهم آوردن مقتضیات، رفع موانع و زدودن آسیب‌ها و چالش‌های «تحکیم خانواده»، فرهنگ‌سازی و ترویج تعاملات اخلاقی در جامعه و خانواده به عنوان اصلی‌ترین عامل استواری خانواده با محوریت سه اصل «رضایت و انصاف»، «خدمت و احترام» و «مودّت و رحمت» متقابل برای «آرامش و سکینه» و تحکیم پایه‌های زندگی.

اسلام خانه و خانواده را محلّ تربیت، سکونت و آرامش روانی و تکامل انسان می‌داند. مهم‌ترین اصولی که اسلام برای تأمین این اهداف تأسیس نموده است (۱) عبارتند از:

– اصول اخلاقی برای تشکیل و تحکیم خانواده

– حسن معاشرت و روابط اخلاقی در جامعه و خانواده

– حقوق و مسئولیت‌های متقابل بر پایه مؤدت و انصاف و خدمت و احترام

– تعریف و تحدید معاشرت و اختلاط زن و مرد نامحرم در جامعه و نفی بی‌بند و باری

مسأله‌ای که علامت به وجود آمدن یک بیماری در جامعه است افزایش تمایلات مادی و دعاوی خانوادگی است که به صورت فزاینده با موضوع مسایل اقتصادی و اخلاقی واقع می‌شود.

این علائم به عنوان شاخص‌هایی هستند که به هر میزان که شایع شده باشند نشان از رشد یک بیماری مخرب و مغایر با کیان خانواده دارد. برنامه‌ریزی‌های کشور در حوزه‌های فرهنگی، آموزشی و تربیت اجتماعی باید بر محور ترویج تعاملات اخلاقی و نفی هرگونه رفتارها و مظاهری که به اخلاقیات لطمه وارد می‌کند، طرّاحی شود.

هم‌چنین شاهد هستیم که برخی تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ها بدون الگوی رصدکننده برای بررسی تأثیر نتایج تصمیمات بر روابط اخلاقی و استحکام عاطفی خانواده صورت می‌گیرد. مواردی نظیر نیاز به دوشغله شدن مردان و یا افزایش ساعات کار برای تأمین معاش، نمایش دعوای سهم‌الارث بین فرزندان با پدر خود در زمان حیات، عدم وفاداری زوجین به یکدیگر و ... شواهدی بر این مدعا هستند.

ضرورت‌ها و توصیف وضع موجود:

– افزایش دعاوی خانوادگی و دلایل طلاق عاطفی و طلاق رسمی

– فقدان ساز و کار رصد تأثیر نتایج برنامه‌ها و تصمیمات در عرصه‌های گوناگون بر استحکام اخلاقی و عاطفی خانواده.

---

۱ – این اصول از مجموعه فرمایشات امام راحل (ره)، رهبر معظم انقلاب، استاد شهید مطهری (ره) و دیگر بزرگان فکری و هم‌چنین مصوبه ۸۴/۴/۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی استنباط شده است.

۵- شناسایی و ترویج ارزش‌های متعالی و سنّت‌های ازدواج و خانواده در اسلام و زدودن پیرایه‌های باطل از آن و مقابله دائمی با تهدیدات و تهاجم فرهنگی و مؤلفه‌ها و عملکرد مخرّب ضدفرهنگی غرب در مورد خانواده و سبک زندگی خانوادگی اسلامی – ایرانی.

فرهنگ اسلامی – ایرانی، آداب و سنن ممتازی در حوزه ازدواج و خانواده، از مرحله همسرگزینی تا تربیت فرزندان داراست. این آداب و سنن به سان منظومه‌ای بر کانون پاسداشت از نهاد خانواده بنا شده‌اند. شایستگی‌های اخلاقی و فضیلت‌ها، نفی ارزش‌گذاری مادّی در ازدواج و آسان‌گیری در تشکیل زندگی و توجّه به آرمان‌های ازدواج و خانواده و استکمال معنوی در سایه آن و ... ظرافت‌های این فرهنگ غنی است.

تهاجم فرهنگی غرب، با کشف حجاب و تحمیل فرهنگ غربی بر ذهن مردمان ایران این تعادل را بر هم زد و با گذشت بیش از نود سال هم‌چنان با توسعه ابزار رسانه‌ای و گسترش ارتباطات جهانی بر این شیوه اصرار دارد.

بی‌بند و باری، دوست‌یابی از جنس مخالف، تمایل به تجرد، تغییر الگوی همسریابی و ازدواج، تجمّل و تشریفات و مادیات در ازدواج و خانه و خانواده، عدم وفاداری زوجین به یکدیگر و ... که با شدت و ضعف در جامعه قابل مشاهده است همگی رسوبات این فرهنگ غربی می‌باشد.

راه برون رفت از این وضعیت و جلوگیری از تشدید آن، تکیه بر ارزش‌ها و سنت‌های اصیل و ناب اسلامی– ایرانی و نشر و گسترش آن از طرق گوناگون است.

متأسفانه در چنین شرایطی برخی با ظاهری اسلامی و برخی صاحبان ثروت، نشردهندگان رفتارهای غلط و مخرب در حوزه ازدواج می‌باشند که در تقابل با سنت‌ها و ارزش‌های اسلامی – ایرانی قرار می‌گیرند. تداوم این رویه و عدم مبارزه با آنها، موجب اختلال در برداشت‌های مردم و سردرگمی در انتخاب راه و تغییرات غلط در سبک زندگی اسلامی – ایرانی می‌شود.

ضرورت‌ها و توصیف وضع موجود:

- پیرایه‌های باطل و درخواست‌های دست نیافتنی موجب دل‌سردی، واگرایی و عدم امکان ازدواج و یا حداقل تأخیر طولانی آن در بین جوانان شده است.

- نمایش ازدواج‌های خانواده‌های اشرافی در غرب و فیلم‌های ایرانی مروج این نوع ازدواج‌ها،

در کنار عملکرد برخی که بعضاً با ظاهری اسلامی، تجمل و تشریفات را اشاعه می‌دهند، موجب دوری از سنت‌ها و ارزش‌های متعالی ازدواج و سبک زندگی اسلامی – ایرانی می‌شود.

۶- آسیب‌شناسی و نیازسنجی مستمر مسایل خانواده به منظور ایجاد پشتوانه اصلاحات و تکمیل نظامات حقوقی و برنامه‌های کشور.

خانواده یک نهاد زنده و زاینده است. رشد، حرکت و تعامل با سایر نهادهای اجتماعی از ویژگی‌های زنده بودن خانواده می‌باشد. به همین دلیل نه می‌شود و نه جایز است که از حرکت بازایستد. این ویژگی موجب می‌شود تا خانواده به طور دائم با نیازها، چالش‌ها و آسیب‌هایی روبه رو باشد که متناسب با تنوع، تغییر و توسعه زندگی، دگرگون شده و مسایل جدیدی حادث می‌گردد. در این بین خانواده باید از توانایی برای مواجهه با این تغییرات پر شتاب برخوردار شود.

اینها همان نوع مباحثی است که در اجتهاد شیعی تحت عنوان «مقتضیات» و «شرایط زمان و مکان» از آنها یاد می‌شود.

اصلاحاتی که در همین حوزه پس از پیروزی انقلاب صورت گرفته نظیر ارث زن از عرصه و اعیان، حضانت، شروط ضمن عقد ناشی از این نگاه بوده است.

مسایل فراوان دیگری نیز وجود دارد یا در راه است و موضوعاتی نظیر معاضدت زوجین در مدیریت زندگی و تربیت فرزندان، کیفیت و کمّیت حضور مرد در خانه، اجازه خروج از منزل زنان و ... برخی از این موضوعات هستند.

از طرفی آسیب‌های روانی، جسمی، اقتصادی و موارد متوجّه نحوه ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر و تنظیم روابط با محیط بیرونی نیز بخش دیگری از این موضوعات را تشکیل می‌دهند.

این‌ها نشان‌دهنده ضرورت مطالعه مستمر آسیب‌ها و مسایل خانواده هستند. «آسیب‌شناسی و نیازسنجی مستمر مسایل خانواده» پیش از آن که یک اقدام باشد یک جهت‌گیری و پایه‌ریزی علمی برای تحقق سیاست‌های خانواده است و از این رو باید یک "سیاست مستمر" نظام تلقی گردد. باید توجه داشت موضوع" آسیب شناسی" از چنان اهمیتی برخوردار است که در نظام دانشگاهی دارای جایگاه علمی است و محققین بسیاری در این حوزه، فعالیت می‌کنند.

ضرورت‌ها و توصیف وضع موجود:

– مسایل جدیدی در حوزه خانواده به وجود آمده و خواهد آمد. متأسفانه نگاه روزآمد نسبت به مسایل خانواده در حوزه‌های فقهی، حقوقی، تربیتی و اقتصادی متناسب با این تحولات به وجود نیامده است.

– افزایش پدیده‌هایی نظیر ناسازگاری، طلاق، اختلال تربیت فرزندان و ... که ریشه در عدم پاسخ‌گویی به نیازهای جدید خانواده دارد در صورت درمان بدون مطالعه و عدم توجّه به ریشه‌های آن، لطمات جبران‌ناپذیری به اساس جامعه اسلامی وارد می‌سازد.

۷– بازنگری، اصلاح و تکمیل نظام حقوقی و رویه‌های قضایی در حوزه خانواده متناسب با نیازها و مقتضیات جدید و ایجاد ساز و کارهای تأمین عدالت و امنیت در تمامی مراحل انتظامی و دادرسی و ضمانت اجرایی احکام در دعاوی خانواده.

«نظام حقوقی خانواده» در ایران در قالب «قانون خانواده» و «قانون مدنی» و برگرفته از «احکام شرعی» تنظیم شده است. بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند آن‌چه در «احکام شرعی» آمده است از دو جهت قابل نقد و ارزیابی می‌باشد:

۱– برخورداری از یک نگاه جامع و نظام‌مند به طوری که بتوان از آن به عنوان «نظام خانواده در اسلام» یاد کرد.

۲– میزان انطباق با مقتضیات و شرایط زمان و مکان

واقعیت آن است که فقهای بزرگوار شیعه در طول تاریخ از دریای بیکران میراث گران‌سنگ نبی‌اکرم (ص) به فراخور نیاز مکلّفین و مجموعه‌ی مباحث اصولی و قواعد فقهیه و ظرافت‌ها و لطایفی که در آن وجود دارد به بیان احکام شرعی پرداخته‌اند. فاصله دخالت عوامل متعدد در این استنباط‌ها و اجتهادها، نظیر آرای فقهی در «حوزه مباحث ولایت فقیه» از نفی تا اثبات، آن‌چنان که در زمان حیات امام خمینی (ره) در نفی و اثبات نظری و عملی نظریه «ولایت فقیه و حکومت اسلامی» ایشان وجود داشت، می‌باشد. در حوزه خانواده نیز اگر تأمل جدّی توسط عالمان دینی صورت پذیرد وضع به همین‌گونه است. آنچه در مورد ارث زن از عرصه و اعیان باعنایت رهبر معظم انقلاب انجام گرفت و موجب اصلاح «قانون» گردید شاهدی بر ادعای فوق است.

در این بین دو اشکال وجود دارد: یکی آن‌که اگر به همین روش تجدیدنظرهایی صورت

گیرد، مجموعه حقوق خانواده از نگاه جامعی برخوردار نخواهد بود. دوم آن که در بسیاری مواقع تجدیدنظرها آن‌قدر دیر انجام می‌شود و فرصت‌سوزی رخ می‌دهد که آسیب‌ها و آفات اجتماعی و ... مجال برای دشمنان جهت رخنه در بنیان‌های فکری به وجود می‌آورد.

نکته دیگری که باید توجّه داشت اصلاح رویه‌های اجرایی و ایجاد ضمانت‌های لازم و تأمین عدالت قضایی در مرحله "اجرای احکام" است. گزارش‌ها حاکی از اختلال بسیار در این مرحله می‌باشد. این امر موجب شده تا «حکم قاضی» مورد آسیب‌های جدّی در مرحله اجرا قرار گیرد.

ضرورت‌ها و توصیف وضع موجود:

– اصلاحات موردی «قانون»، جامعیت را از پیکربندی آن سلب می‌کند. هم‌چنین بسیاری از اصلاحات آن‌چنان دیرتر از ضرورت‌ها صورت می‌گیرد که آسیب‌های جدّی به واسطه این تأخیر به وجود آمده است.

– برخوردهای سلیقه‌ای و شخصی در حوزه اجرای احکام، امید به «عدالت» را از جامعه سلب می‌کند.

۸– بازنگری و تعیین تکالیف و اصلاح ساختار و تشکیلات دستگاه‌های اجرایی دولتی و نهادهای عمومی ذی‌ربط برای تأمین مفاد بند ۱ و مسئولیت‌های ناشی از وظایف مصرّح در این سیاست‌ها.

خانواده یک نظام درون‌گرا نیست و با محیط بیرونی خود از جمله نهادهای اجرایی کشور در ارتباط دائمی است. در این بین از آن‌جا که خانواده با مراجعه به اسناد بالا دستی در این سیاست‌ها به عنوان «محور» تعیین شده است باید نسبت هریک از این نهادها با خانواده تعریف و وظایف و تکالیف به وجود آمده ناشی از این نسبت را به هریک از آنها واگذار نمود.

در تجربیات گذشته نظام نیز شاهد بوده‌ایم که در موضوع «محیط زیست» و هم‌چنین در بند (ج) ماده ۱۴ قانون برنامه پنجم توسعه در موضوع «جوانان» به همین صورت عمل شده است.

آن‌چه اکنون وجود دارد در بهترین شرایط مربوط به کارگزارانی است که هرچند وقت یک‌بار در رأس یکی از دستگاه‌های اجرایی قرار می‌گیرند و تصمیماتی در حوزه خانواده اتخاذ می‌نمایند، که گرچه در جای خود قابل تقدیر است، لکن این موضوع به عنوان یک وظیفه

سازمانی که به موجب آن برنامه و بودجه دستگاه از آن متأثر شود وجود ندارد.

حقیقتاً با رویکرد «ساختاری» به «نهاد خانواده»، یکی از حلقات این رویکرد، تعیین وظایف و تکالیف قانونی دستگاه‌ها خواهد بود. در این صورت به عنوان مثال:

– تشکیلات مسؤول در امر گردشگری، مکلف خواهد بود «سفر ارزان خانواده» را مدیریت نماید.

– وزارت فرهنک و ارشاد اسلامی وظیفه ساماندهی استفاده از امکانات فرهنگی – هنری را برای خانواده‌ها خواهد داشت.

– وظیفه دستگاه تبلیغ دینی تبیین نقش "روحانیت در ارتباط با نهاد خانواده" خواهد بود.

– وزارت ورزش و جوانان وظیفه تدارک ساز و کار مناسب برای، استفاده از جاذبه‌های ورزشی را برای "خانواده‌ها" خواهد داشت.

–دستگاهی برای ساماندهی امر مشاوره خانواده‌ها تعیین می‌شود.

اینها گوشه‌ای از موضوعات فراوانی است که باید به صورت تکلیف قانونی به دستگاه‌های مسؤول سپرده شوند.

ضرورت‌ها و توصیف وضع موجود:

خطابات رهبری نظام و سیاست‌های برنامه‌های کشور، تکالیف قانونی برای دستگاه‌ها ایجاد نکرده و این رهنمودهای رفیع معطل مانده است.

۹- تعیین شاخص‌های حد و مرز روابط زن و مرد در جامعه به منظور حفظ و تحکیم بنیان خانواده و فرهنگ‌سازی و ارتقای کیفی نهادهای حکومتی برای نظارت و رعایت آن.

کیفیت حضور و روابط زن و مرد در جامعه، یک نماد هویتی اسلامی است که ثمره آن پاک بودن محیط جامعه و مصون ماندن خانواده از آسیب‌های ناشی از فقدان آن می‌باشد. بیش از سه دهه تجربه در صیانت از این «نماد هویتی» آموزه‌های قابل تأملی به ارمغان آورده است.

مسأله حائز اهمیت، تعریفی است که باید از" نحوه" حضور زن و مرد و "کیفیت" روابط دو جنس در جامعه اسلامی ارایه نمود. این تعریف با بسیاری از واقعیت‌های زندگی اجتماعی در ارتباط است و باید شرایط جدید زندگی اجتماعی را لحاظ نماید. اشتغال، تحصیل، ایاب و

ذهاب، تفریحات، اماکن عمومی، خرید و فروش، امور پزشکی، امور اداری، پیگیری قضایی، گستردگی و تنوع مشاغل زنان و لوازم آن است و بسیاری موارد دیگر واقعیت‌های غیرقابل بازگشت می‌باشند. این تعریف، برای اجرایی شدن محتاج به شاخص‌هایی است که هم در مقام «عمل» و هم «ارزیابی وضعیت» به کار می‌آیند.

این شاخص‌ها، به روشنی می‌توانند «حدّ توقع» از چگونگی روابط زن و مرد را متناسب با زنان و مردان متاهل یا مجرد و اماکن و موضوعات مختلف در حوزه‌های گوناگون بیان کنند و اندازه‌گیری نمایند.

در این بین، نهادهای ذیربط با تعیین وظایف جدید در این موضوع، باید با استفاده از تجربیات گذشته و با نگاه علمی، به لحاظ روش جاری و ساری کردن این شاخص‌ها در ساحت جامعه، به ارتقای کیفی منابع انسانی و ساختاری خود مبادرت ورزند.

باید توجّه داشت این یک تلاش مستمر است که متناسب با شرایط پیش رو باید همواره در دستور کار نهادهای حکومتی قرار گیرد.

ضرورت‌ها و توصیف وضع موجود:

متأسفانه برخوردهای سلیقه‌ای، نگاه‌های بعضاً غیرعلمی، اختلافات سیاسی و شرایط کشور بر این حوزه هویتی جامعه اسلامی تأثیرات سوئی گذاشته است.

نحوه عمل در این حوزه پشتوانه لازم کارشناسی دینی، تربیتی و اجتماعی نداشته است.

۱۰- باز تعریف مدل «خانواده، محله‌ی زندگی، مسجد» و برجسته کردن کارکردهای آنها برای حفظ و ارتقای هویت اسلامی و ملی و صیانت از جامعه.

بی تردید "مهندسی فرهنگی" در ایران با استفاده از" ارکان ساختار اجتماعی" جامعه اسلامی شدنی خواهد بود. "خانواده،" "محله" و "مسجد" سه رکن بی بدیل این ساختار در جامعه ما هستند. پیوندهای ریشه‌دار و نقش تاریخی این ارکان در جامعه سازی در ایران قابل ستایش است. صیانت از هویت دینی جامعه، خودگردانی و درون زا بودن اقتصاد ایران، مقاومت در برابر بیگانگان، انتقال مواریث و ارزش های فرهنگی از نسلی به نسل دیگر، مثال‌هایی برای این قله‌های افتخار هستند.

در چند دهه اخیر با "گسترش آپارتمان نشینی"، و توسعه بدون توجه به الگوهای شهر سازی اسلامی- ایرانی، این پیوند در بخش‌هایی از شهرهای بزرگ سست شده است. همسایگی،

زندگی در محله، وجود مسجد در محله‌ها در این سبک غلط زندگی جدید از یاد می‌روند. امروز کارکردهای این سه رکن (خانواده، محله، مسجد) بیش از گذشته مورد نیاز است. این سه رکن در تعامل با یکدیگر به اصلاح، تکمیل و هم افزایی در صیانت از فرد و جامعه می‌پردازند. بسیاری موضوعات اساسی که دغدغه مسوولان نظام می‌باشد با احیاء پیوندهای این ارکان می‌تواند مدیریت شود.

بر این اساس، این یک سیاست جامع خواهد بود که بخش‌های شهرسازی، سازمان‌ها و نهادهای دینی – فرهنگی و مدیریت شهری را در بر می‌گیرد و می‌تواند به مهندسی مجدد نظام اجتماعی در ایران و صیانت از خانواده، ارتقاء هویت اسلامی– ایرانی و سازماندهی اجتماعی ایران برای برخورد با بحران‌های مختلف بیانجامد. در این بین، نباید از نقش برخی نهادهای جدید نظیر فرهنگسراها غافل بود. این قبیل نهادها قابل هضم در این مهندسی خواهند بود و می‌توان پیوندی هدفدار بین مسجد و آنها (فرهنگسراها و ...)برقرار نمود.

ضرورت‌ها و توصیف وضع موجود:

شهرهای بزرگ کشور، به جامعه‌ای بی دفاع و بدون ارتباطات اجتماعی موثر تبدیل شده‌اند.

ساخت هویتی جامعه از رهگذر پیوند خانواده، محله و مسجد مدیریت می‌شوند.

۱۱- تأمین نیازهای اقتصادی و اشتغال مولد برای خانواده و طراحی ساز و کارهای مناسب برای کاهش دغدغه‌های آینده درباره اشتغال، ازدواج و مسکن فرزندان و ایجاد فضای بانشاط و شاداب برای خانواده‌ها

خانواده نقش محوری در همه عرصه‌ها را می‌تواند داشته باشد.این یک شعار نیست بلکه واقعیت تجربه شده است. "انقلاب اسلامی" و "دفاع مقدس" دو جریان مثال زدنی در تاثیر خانواده بر اصلی‌ترین مسایل یک ملت می‌باشد. ساختار انقلاب، بی‌نظیر و ممتاز است. این انقلاب، با حضور همه جانبه خانواده‌ها به ثمر رسید. این درحالی است که بسیاری از حرکت‌های اجتماعی از طریق احزاب، گروه های مسلح، رسانه‌ها، بنگاه‌های اقتصادی و... بوجود آمده و هدایت می‌شوند. حتی پیوستن ارتش به انقلاب را می‌توان در فراگیر بودن انقلاب در خانواده و تحت تاثیر قرار گرفتن نیروهای نظامی از خانواده خود ارزیابی نمود. در دفاع مقدس نیز وضعیت به همین گونه است. اوج این رشادت ها را می‌توان در مقاومت خرمشهر، و در پایداری شهرها با عدم ترک خانه‌های خود و در سهم بری همه اعضا خانواده از باغ شهادت ارزیابی نمود.

در موضوعات متعددی نظیر مدیریت مصرف، ارتقاء علمی کشور، افزایش یا کاهش جمعیت و تبعیت از سیاست‌های کشور در حوزه‌های مختلف نیز وضعیت به همین گونه است.

توجه به این نکته ضروری است آنچه مطمح نظر است خانواده به عنوان یک مجموعه و به تعبیر دیگر "خانواده به ما هو خانواده" است ونه افرادی که با هم زندگی می‌کنند. خانواده دارای یک روح جمعی و شخصیت جمعی است که به افراد خود و جامعه تاثیر گذار می‌شود.

بر این اساس، همچنان باید به این منبع بی بدیل تکیه نمود وسیاست‌ها و برنامه‌ها بگونه‌ای تنظیم شوند که بتوان از مجرای خانواده و با جلب مشارکت خانواده به اهداف بلند نظام دست یافت. پیشنهاد این بند در ادامه بند اول پیشنهادی که خانواده را محور و به عنوان نهادی قانونی معرفی می‌کند می‌باشد واز آثار اجرای آن است.

ضرورت‌ها و توصیف وضع موجود:

– توانایی های خانواده یک سرمایه اجتماعی بی بدیل است که در موقعیت‌های مختلف، کارهای بزرگی را به انجام رسانده است.

– حدود بیست میلیون خانوار ایرانی در هر موضوعی می‌توانند به سان یک"سازماندهی اجتماعی" وارد عمل شوند.

۱۲– جلب مشارکت خانواده برای پیشبرد اهداف و برنامه‌های کشور در همه عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و دفاعی.

خانواده دارای استعدادهای با ارزشی است که در صورت رفع موانع وآزاد شدن انرژی موجود در آن می‌تواند تحقق آرمان پیشرفت اسلامی – ایرانی را موجب گردد.

این استعدادها و انرژی نهفته آن، باید شکوفا و آزاد شود. این شکوفایی در محیطی توام با آرامش، شادابی و نشاط و "تمرکز" در نقش‌ها و کارکردهای رفیع خود و رفع موانع حاصل می‌شود. این تعبیر از آزادی (عدم مانع بر سر راه شکوفایی استعدادها) ریشه در جهان‌بینی اسلامی دارد . برخی از موانع بر سر راه خانواده در بندهای پیشین (۵، ۶، ۷) بررسی گردید. یکی از موانع دیگر " دغدغه‌های آینده فرزندان" است. گر چه این توجه وجود دارد که وجود این دغدغه اصالتا یک انگیزه برای حرکت رو به جلو و موجب تحکیم پیوندهای خانوادگی می‌باشد. لکن این امر در صورت "دستیابی در برابر تلاش" مفید خواهد بود. در صورتی که این موضوع صرفا دغدغه‌ای توام با اضطراب، عدم دستیابی و پر غصه باشد ویرانگر می‌شود و

خانواده را از کارکردهای اصلی خود دور می‌سازد. اینجاست که در بند یک همین سیاست‌ها "نقطه عزیمت" نظام برنامه‌ریزی کشور، خانواده دانسته شد. یکی از وجوه این نقطه عزیمت، آن است که همه دستگاه ها و نهادهای کشور به کمک خانواده بیایند تا دغدغه‌های آنان درباره اشتغال، ازدواج و مسکن فرزندان همراه با " دستیابی به نیازها " شود. در شرایط کنونی، پدران و مادران با سال ها تلاش حداکثر از عهده تامین مسکن برای خود، هزینه‌های زندگی و تحصیل فرزندان بر می‌آیند و نگرانی و تلاش آنها برای آینده فرزندان خود به اضطراب و عدم دستیابی تبدیل می‌شود. رهبر معظم انقلاب نیز در سیاست‌های ابلاغی خود در برنامه‌های توسعه کشور به درستی "رفع دغدغه‌هایی از قبیل ازدواج و آینده شغلی و علمی جوانان" را مطالبه نموده‌اند. مثال های متعددی نظیر الگوی "حج" در مالزی، "وقف" در سنت‌های اسلامی، و نظام زندگی عشیره‌ای در ایران وجود دارد که نشان می‌دهد در صورت توجه به این مسأله می‌توان به یک الگوی اجرایی دست یافت. متاسفانه شاهدی برای این الگو در عملکرد دستگاه‌های اجرای کشور یافت نمی‌شود.بر این اساس، باید این موضوع سر لوحه برنامه‌ریزی و فعالیت ارکان کشور و دستگاه های مسئول قرار گیرد.

ضرورت‌ها و توصیف وضع موجود:

– آزاد شدن انرژی خانواده و استفاده از آن در رفیع ترین مسایل نظام اسلامی، محتاج کمک به رفع دغدغه‌های خانواده‌ها درباره آینده فرزندان خود می‌باشد.

۱۳– آموزش «مسائل ازدواج و خانواده» در نظام تعلیم و تربیت و نهادهای ذیربط متناسب با سن و جنس

ریشه یابی علت اختلافات خانوادگی و وقوع طلاق، یکی از مسایل اصلی را فقدان" آگاهی‌های" لازم نزد زوجین معرفی می‌کند.

این آگاهی‌ها مسایل متنوعی را شامل می‌شود که متناسب با جنسیت، مقاطع مختلف سنی، مراحل مختلف خانواده و مناطق شهری و روستایی و خرده فرهنگ های مختلف قابل شناسایی می‌باشند.

حضرت امام (ره) در این باره می‌فرمایند:

"مرد و زن برای ازدواج و تشکیل خانواده باید عالم به تعلیم و تربیت و قوانین و آداب اسلامی بوده و آنها را اجرا نمایند."

موضوعاتی نظیر فلسفه ازدواج و خانواده و اهمیت و قداست آن، آگاهی‌های جنسی هر یک از دو جنس درباره خود در دوره بلوغ و پس از آن، بهداشت جنسی، آگاهی درباره آسیب‌های بهداشتی، تربیتی و روانی در ارتباطات جنسیتی و ... برخی از عناوینی است که در دوره نوجوانی و جوانی باید آموزش داده شوند. همچنین مهارت‌های زندگی، حقوق و تکالیف زن ومرد در خانواده، اصول اخلاقی در زندگی مشترک، تعلیم و تربیت فرزندان و ... نیز آگاهی‌های مورد نیاز در دوره‌های بعدی است.

مطلب اصلی آن است که دستگاه ها و نهادهای مسوول از قبیل نظام رسمی تعلیم و تربیت (مدرسه و دانشگاه)، رسانه ملی، نهاد روحانیت، دستگاه های فرهنگی، باید بطور هماهنگ در این زمینه فعال شوند.

ضرورت‌ها و توصیف وضع موجود:

– عدم آگاهی درباره مسایل خانواده یکی از علل اصلی در بروز اختلافات و طلاق می‌باشد.

– این آموزش‌ها و آگاهی‌ها در هیچ یک از دستگاه‌ها و نهادها انجام نمی‌گیرد. در برخی موارد که اقداماتی شده، محدود، ناقص و غیر مستمر بوده است.

۱۴– سازماندهی و تسهیل دسترسی به نظام مشاوره‌ای قبل، حین و پس از تشکیل خانواده از طریق حمایت‌های بیمه‌ای، تربیت مشاور و ساماندهی ساختار مشاوره‌ای.

زندگی جدید، مسائل پیچیده و نیازهای متنوع و متعددی با خود به همراه آورده است:

– آگاهی ها و مهارت های بیشتری برای تشکیل خانواده نیاز است.

– موضوعات متعددی وجود دارد که برای انتخاب رفتارهای مناسب باید به متخصص مراجعه نمود.

– در مراحل مختلف زندگی، راهنمایی های تخصصی در برخورد با پدیده ها و محیط بیرونی و روابط زوجیت، تربیت فرزندان و روابط خویشاوندی مورد نیاز شده که پیش ازاین سطح، تنوع و میزان آن بسیار کمتر و با تجربیات محدودتر قابل پاسخگویی بود. امروز فاصله اطلاعاتی پدر و مادر از نیازها و موضوعات مطرح زیاد شده و نمی‌توانند نظیر گذشته در بسیاری موضوعات مورد اعتماد در ارایه مشاوره قرار گیرند. در عین حال نباید این ذخیره بزرگ را نادیده انگاشت لکن باید نظام مشاوره‌ای مکمل را در کنار آن ایجاد نمود. باید توجّه داشت به دلیل فقدان اطلاعات لازم و پاره‌ای مسایل مربوط به خرده فرهنگ‌ها در بین

خویشاوندان بعضی از مشاوره‌های درون خانواده به مسیر صواب نمی‌انجامد.

براین اساس، خانواده و اعضای آن در همه مراحل، بیش از گذشته محتاج مراجعه به مشاورین متخصص هستند. این موضوع تا اندازه ای مورد نیاز شده که آن را در ردیف مراجعه به پزشک برای نیازهای بهداشتی و درمانی قرارداده است. از طرفی هزینه‌های این مراجعه توسط نهادهای حکومتی پشتیبانی نمی شود و به همین دلیل خانواده از راهنمایی مشاورین محروم می مانند و در بسیاری موارد اختلالات جدی و حتی طلاق را در پی دارد.

همچنین موضوع مراجعه به مشاور متخصص در نظام اجتماعی ایران یک پدیده نوظهور است و باید ساماندهی ساختاری شده و شاخص فراوانی مشاور در جمعیت نیز افزایش یابد.

ضرورت‌ها و توصیف وضع موجود:

– مراجعه به مشاور متخصص یک نیاز جدید اجتماعی است و موجب می شود از بسیاری بحران ها و اختلالات در حوزه خانواده پیشگیری شود.

– پشتیبانی برای تأمین هزینه مراجعه به مشاور، فراوانی مشاورین و سطح دسترسی به آنان و ساختار مشاوره در کشور از مواردی است که باید طی چندین سال در دستور کار نهادهای مسئول قرار گیرد.

۱۵– ایجاد ساز وکار اجرایی مشاوره و تشخیص صلاحیت ازدواج (عقل و رشد موردنیاز برای تشکیل خانواده و کفویت زوجین) به عنوان پیش نیاز ثبت ازدواج.

بررسی دلایل دعاوی خانوادگی و طلاق های واقع شده بیانگر آن است که در موارد متعددی پیمان زناشویی از ابتدا دچار اشکال بوده و طرفین با یکدیگر کفو نبوده یا صالح و آماده برای زندگی خانوادگی نبوده اند.

از طرفی خانواده ها و جامعه بزرگسال در شرایط کنونی زندگی جدید نمی توانند با روش های سنتی، این صلاحیت و کفویت را شناسایی کنند. گرچه همچنان این روش ها باید در جامعه جاری و بلکه توسعه یابد. در عین حال، با مراجعه به متون دینی، عقل و رشد شرط ازدواج تعیین شده و تشخیص این دو شرط در افراد، یک موضوع علمی است. همچنین تشخیص تناسب و کفویت نیز از به یک موضوع تخصصی و چندبعدی تبدیل شده است و ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی، تحصیلی، شغلی و اقتصادی را دربرمی‌گیرد.

واقعیت آن است که همچنان که آزمایش خون و مشاوره ژنتیک به دلایل پزشکی و بهداشتی، به یک پیش شرط وقوع عقد تبدیل شده ، موضوع مشاوره تخصصی درباره صلاحیت و

تناسب و کفویت برای تحکیم خانواده درنخستین گام ها و پیشگیری از طلاق و آسیب های جبران ناپذیر آن که بسیار فراتر از اختلالات پزشکی و بهداشتی است، نیز باید یک پیش نیاز وقوع عقد تعیین شود.

این امر به تدوین نظام حقوقی و مقررات و ساز و کار اجرایی نیاز دارد که یک جهت گیری اساسی و چند وجهی برای ارکان و نهادهای نظام می باشد.

ضرورت‌ها و توصیف وضع موجود:

– افزایش اختلالات خانوادگی و نرخ طلاق به دلایل متعددی وابسته است.یکی از این دلایل مربوط به صلاحیت های ازدواج در زوجین و کفویت و تناسب آنها با یکدیگر است.

برای تشخیص این موضوعات در حال حاضر، نظام حقوقی، رویه و فرآیند علمی وجود ندارد.

۱۶- توانمندسازی هریک از اعضا خانواده در مسؤولیت‌پذیری، تعاملات خانوادگی و ایفای نقش و رسالت خود با تأکید بر ارتباط بین نسل‌ها و نقش‌های مادری، پدری، همسری و تقسیم کار درون و بیرون خانه.

هریک از اعضای خانواده دارای نقش‌ها و مسؤولیت‌های همسری، پدری، مادری، فرزندی و جنسیتی (زن/مرد) میباشد که ایفای هریک از این نقش‌ها و مسؤولیت‌ها به درستی ، موجب پیشبرد و سلامت و تحکیم خانواده می‌شود.

این موضوعات در آموزه‌های دینی نیز تحت عنوان "حقوق و تکالیف" و "اخلاق در خانواده" مورد عنایت قرارگرفته‌است .

فرزندان تکالیفی نظیر احترام ، اطاعت و تلاش برای جلب رضایت والدین را برعهده دارند .

هر یک از زوجین نقش‌های جنسیتی خود را در کنار «تقسیم کار در زندگی» ایفا می‌کنند اما مشاهده می‌شود همه اعضاء خانواده نسبت به ایفای نقش خود از توانایی و مهارت کافی برخوردار نیستند. یکی از مهم‌ترین این مهارت‌ها درک متقابل اعضای خانواده به خصوص زوجین از نیازهای روحی– روانی، جسمی، بهداشتی و ... یکدیگر در موقعیت‌های مختلف و مهارت و آگاهی برای چگونگی رفتار شایسته در مقابل آنها می‌باشد.

کاهش انتقال این مهارت‌ها از نسل گذشته و یا ناکافی بودن این انتقال در زندگی جدید،

نهادهای جدیدی را وارد صحنه می‌سازد تا به آموزش مهارت‌ها و توانمندسازی اعضاء خانواده در مسؤولیت پذیری و ایفای نقش‌های جنسیتی و موقعیتی خود بپردازند .

در اینجا خطاب این بند پیشنهادی به نهادهای اجتماعی ، رسانه‌ها ، نهاد روحانیت ، دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی–آموزشی و اجتماعی کشور است تا با ایجاد ساز و کار لازم در ساختار مدیریتی و برنامه‌های خود به این امر مبادرت ورزند .

ضرورت‌ها و توصیف وضع موجود:

– جذابیت‌های زندگی جدید ، در کنار کاستی‌های آموزشی و تربیتی و تغییر سبک زندگی ، موجب شده تا مهارت‌های لازم برای ایفای نقش‌ها و مسؤولیت‌های اعضاء خانواده دچار اختلال شود .

۱۷– طراحی مدل‌های اسلامی– ایرانی برای آشنایی «دختران و پسرانِ به قصد ازدواج» با حفظ حریم عفاف و با نظارت خانواده‌ها.

با گسترش جوامع شهری و تغییر الگوی ارتباطات و مناسبات انسانی در سایه آپارتمان‌نشینی، اشتغال خارج از خانه، بعد مسافت و ... بازشناسی دختران و پسران آماده ازدواج و تشخیص صلاحیت‌های آنان به موضوعی جدید تبدیل شده و رفته رفته محیط‌هایی نظیردانشگاه، پارک‌ها و اماکن عمومی جایگزین روابط خویشاوندی و محله زندگی برای انتخاب همسر شده‌اند.

این وضعیت از وجوه مختلف قابل بررسی است :

۱– روش‌های سنتی، کارآمدی خود را از دست می‌دهند. زیرا جوانان با میادین و گزینه‌های متنوعی روبرو هستند و به همین دلیل درباره همسرگزینی و ازدواج بین آنان و خانواده‌ها تعارضاتی به وجود می‌آید.

۲– وضعیت جدید، نه تنها در فرهنگ عمومی ما مقبول نیست بلکه آثار زیانبار آن را به تجربه دریافته ایم.

۳– شرایط کنونی موجب شده تا خصوصاً "دختران" پای‌بند به ارزش‌ها و خانواده مورد شناسایی قرار نگیرند و "سن ازدواج دختران " افزایش یابد.

از این رو، باید متناسب با شرایط جدید، روش‌هایی که بتوانند کارآمد باشند طراحی شود.

این روش‌ها باید تؤامان به چند عنصر توجه داشته‌باشند:

– نظارت و مدیریت خانواده.

– خواست و رغبت نسل جوان.

– کمک‌رسانی مراکز مشاوره‌ای.

– امکان آشنایی قبل از ازدواج.

این یک موضوع پیچیده فرهنگی و اجتماعی است و محتاج تعیین جهت‌گیری کلی است.

ضرورت‌ها و توصیف وضع موجود:

– شرایط جدید زندگی موجب تغییر الگوی همسریابی شده‌است. این تغییر هنوز به یک روش کارآمد و مقبول تبدیل نشده وعلاوه برآنکه خوبی های روش سنتی را ندارد کاستی‌هایی دارد که مورد پذیرش نمی‌تواند باشد. در عین‌حال روش سنتی، رفته‌رفته کارآمدی خود را از دست می‌دهد.

۱۸– شناسایی مستمر عوامل طلاق و فروپاشی خانواده و طراحی ساز و کارهایی برای پیشگیری از آن و حمایت همه‌جانبه از آسیب‌دیدگان ناشی از طلاق بخصوص فرزندان و زنان.

طلاق پدیده ای مذموم نزد شرع و عرف است که خود معلول علل فراوان و متنوع می باشد. پرسش

این است که آیا می توان از وقوع طلاق و پاشیدن خانواده جلوگیری نمود؟

بی تردید با عناصر و ارزش های فرهنگی اسلامی – ایرانی، این امری شدنی است. در جامعه اسلامی نرخ طلاق ۶۱/۳ درصدی برای کشور و ۱۳ درصدی برای استان تهران پذیرفتنی نیست. نقطه آغاز برای پیشگیری ازطلاق و افزایش آن، شناسایی علمی عوامل طلاق و برنامه ریزی برای کاهش این عوامل در جامعه می‌باشد.

این یک تلاش دایمی خواهد بود و شاید چند دهه کار مستمر را نیاز داشته باشد. از طرفی آسیب‌دیدگان ناشی ازطلاق به هر میزانی که باشند خود و جامعه را تحت تأثیر قرار می دهند. عمده‌ترین گروه‌های آسیب پذیر در طلاق، زنان و فرزندان هستند. آسیب هایی نظیر

فشارهای روانی و عاطفی، مشکلات معیشتی، اشتغال، مسکن، آسیب‌های اجتماعی و در مواردی مفاسد اخلاقی تنها عناوین گوشه‌ای از این آسیب‌هاست.

چگونگی برخورد با بازماندگان طلاق، یک موضوع برای مدیریت جامعه می باشد. به نظر می رسد جز در موارد اندک و استثناء ، این مدیریت در سطح نظام وجود ندارد و موضوعی در دستور کار نمی باشد. حال آنکه بسیاری از مشکلات اجتماعی ناشی از عدم حمایت و مراقبت از بازماندگان طلاق است و در تقابل با جهت گیری مبنایی کشور درتحکیم خانواده می باشد.

بر این اساس، باید به این موضوع در جهت گیری های کشور توجه ویژه داشت و برای آن تدارک مناسبی فراهم نمود.

ضرورت‌ها و توصیف وضع موجود:

– رشد نرخ طلاق در ایران از ۹ درصد در دو دهه قبل به حدود ۵۱ درصد در سه سال قبل و ۶۱/۳ درصد در حال حاضر و بیش از ۱۳ درصد در استان های تهران و البرز، زنگ خطر جدی برای بروز آسیب های اجتماعی گسترده است.

– بی تفاوتی نسبت به این پدیده ، علاوه بر آنکه زیبنده جامعه اسلامی نیست، به معنای نادیده گرفتن سهم قابل توجهی از جمعیت کشور در برنامه ها و مدیریت اجتماعی می باشد.

۱۹- حمایت همه‌جانبه حقوقی، اقتصادی و فرهنگی از خانواده‌های با سرپرستی زنان

خانوارهایی که سرپرستی آنها با زنان می‌باشد در سال ۱۳۹۰ به ۲۱ درصد از کل خانوارهای ایرانی رسیده‌اند. این درصد، عددی معادل ۲/۴ میلیون خانوار را نشان می‌دهد. این در حالی است که در سال۱۳۸۵ این میزان ۹/۵ درصد گزارش شده است.

قطعاً جهت‌گیری اصلی نظام همانطور که در این سیاست های پیشنهادی نیز آمده است تقویت خانواده‌هایی با حضور مرد و زن و فرزندان در کنار یکدیگر است. لکن چشم ها را در برابر ۲/۴ میلیون خانوارِ زن سرپرست نیز نمی‌توان بست. این خانواده ها با مشکلات عدیده‌ای روبرو هستند. معمولاً مجموعه‌ای از مشکلات حقوقی، اقتصادی و فرهنگی گریبان گیر آنهاست که با توجه به رشد فزاینده تعداد این خانوارها در سال های اخیر، رفته‌رفته به تغییر جغرافیای اجتماعی و خانوادگی ایران تبدیل خواهند شد.

پاک کردن صورت مسأله، دست یازیدن به راه حل‌هایی نظیرتعدد زوجات و متعه که خود

تالی فاسدهای ویران‌گری در جامعه خواهد داشت و کلی گویی دردی را درمان نمی‌کند.

مساله مهم به رسمیت شناخته شدن این خانواده‌ها و برنامه‌ریزی جامعه برای مشکلات حقوقی، اقتصادی و فرهنگی آنهاست.

ضرورت‌ها و توصیف وضع موجود:

– افزایش خانوارهای زن سرپرست نسبت به کل خانوارهای ایرانی از ۷/۳ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۲۱/۱ درصد در سال ۱۳۹۰ و تعداد آن در جمعیت معادل ۲/۴ میلیون خانوار، پدیده‌ای غیرقابل چشم‌پوشی است.

– این خانوارها، مسایل متعددی دارند که عدم رسیدگی به آنها آسیب‌های متعدد اجتماعی نظیر مفاسد اخلاقی، اعتیاد، بزهکاری و ... را در پی خواهد داشت.

۲۰– مدل‌سازی برای حفظ احترام و کرامت کهن‌سالان برای مراقبت‌های جسمانی و روحی و عاطفی آنان

جمعیت کشور به سمت کهنسالی حرکت کرده است و طی دو دهه آینده موضوع "کهنسالان" تبدیل به چالشی برای مدیریت کشور خواهد شد.

کهنسالان نیازهای متنوع بهداشتی، درمانی، تغذیه و ... در کنار نیازهای اجتماعی، عاطفی و "مورد احترام قرار داشتن" دارند که تامین آنها از عهده خانواده‌های جوان خارج است.

خانواده‌های جوان که خود دارای مسائل متعددی از قبیل دو شغله بودن و یا شاغل بودن توامان مرد و زن، مدیریت بهداشتی، درمانی، اوقات فراغت، تحصیل، مسکن و ... خود و فرزندان خود را دارند، دیگر نمی‌توانند به همه نیازهای کهنسالان پاسخ‌گوباشند.

آنچه تحت عنوان احترام و رسیدگی به کهنسالان در ارزش های دینی و ملی ما وجود دارد باید به لحاظ روشی، چگونگی دستیابی به آن باز تعریف شود.

این موضوعی حائز اهمیت برای آینده خواهد بود. با پافشاری بدون در نظر گرفتن شرایط و مقتضیات جدید، احترام کهنسالان از بین می‌رود و خواسته ما به ضدخود تبدیل می‌شود. شاهد خواهیم بود عملا کهنسالان در بین فرزندان دست به دست شوند و نسبت به آنها و نیازهای ایشان بی‌تفاوتی بوجود آید. در مواردی نیز اختلافات خانوادگی زوج‌های جوان به همین دلایل آغاز می‌شود. این واقعیت ها را نمی‌توان انکار کرد و یا نسخه‌های شخصی را

برای همه جامعه تجویز نمود.

براین اساس، مدل سازی و فرهنگ‌سازی برای تکریم و احترام کهنسالان و پاسخ گویی به نیازهای آنان یکی از جهت گیری‌های اصولی در عرصه خانواده می‌باشد.

توجّه به این نکته لازم است که کهنسالان طیف وسیعی را شامل می‌شود که متناسب با توانایی‌های جسمی، ظرفیت‌های علمی و ذهنی و تجربی، می‌توان مُدل‌های متنوعی طراحی نمود که در بسیاری مواقع حتّی «احساس مفید بودن» را در آنها زنده نگاه داشت و جامعه را نیز هم‌چنان از تجربیات آنها بهره‌مند ساخت.

ضرورت‌ها و توصیف وضع موجود:

– افزایش کهنسالان در جمعیت ایران، جامعه ایران را با پدیده کهنسالی روبرو خواهد ساخت که با مدل‌های سنتی نمی‌توان پاسخ گوی تحقق ارزشها و تامین نیازهای این بخش از جامعه بود.

سیاستهای پیشنهادی	توجیهات	مستندات از حضرت امام (ره) و رهبر معظم انقلاب	سیاستهای ابلاغی (تاکنون)
۱- محور قرار گرفتن «نهاد خانواده» به عنوان کلمه طیبه اسلام و کانون و نقطه عزیمت نظام برنامه‌ریزی و قانون گذاری کشور در همه عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی.	• نص قانون اساسی • فقدان این رویکرد در پنج دوره برنامه توسعه کشور • عدم تخصیص اعتبارات مناسب برای رسیدگی به امور خانواده • تخصیص اعتبارات اندک برای طرح‌های بزرگ و اتلاف اعتبارات بدلیل ناقص اجرا شدن • فقدان ساختار مناسب برای پیگیری و تحقق سیاست های ابلاغی • آسیب پذیری خانواده از مناقشات سیاسی • تحمیل هزینه های اضافی به سبد خانواده نظیر طرحهای خودگرائی بیمارستانها ، خودیاری مدارس • محاسبه خانوار به جای خانواده در سرشماری	• مسأله خانواده خیلی مهم است. بروید، ببینید در خانواده‌ها چه خبر است ... طرح‌های بلند مدت (برای خانواده) بریزید. • خانواده، کلمه طیبه است. • از نظر اسلام، خانواده یک رکن بزرگ است. (رهبری)	• تقویت نهاد خانواده (سیاستهای کلی برنامه پنجم)

۲- تبلیغ، ترویج و تسهیل ازدواج و تشکیل و استمرار خانواده به عنوان اصل و محور و امر مقدس و سنت اسلامی و نفی تجرّد در جامعه.	• دستور صریح قرآن، سنّت نبوی (ص) • اجماع اهل نظر بر «ازدواج» و «تشکیل و تحکیم» خانواده به عنوان اصلی‌ترین راه پیشگیری و درمان آسیب‌های فردی و اجتماعی در مقابل فرهنگ غربی • بالا رفتن سن ازدواج • سخت گیری برخی خانواده ها و سرایت رویکردهای مادی به ازدواج در بین مردم (تجمل گرائی و . . .)	• مسأله ازدواج در شرع مقدس امر بسیار مهمی است. (رهبری) • آدم تنها، مرد تنها و زن تنها که همه‌ی عمر را به تنهایی می‌گذرانند، از دید اسلام یک چیز مطلوبی نیست. (رهبری)	
۳- فرهنگ سازی و ترویج تعاملات اخلاقی در جامعه و خانواده به عنوان اصلی‌ترین عامل پایداری خانواده و محوریت سه اصل «رضایت و انصاف»، «خدمت و احترام» و «مودت و رحمت» متقابل برای "آرامش و سکینه" و تحکیم پایه‌های زندگی و حذف موارد مغایر با کیان و اخلاق خانواده در همه نظامات برنامه‌ریزی، قانونگذاری و اجرایی کشور	• دستور صریح قرآن و تفسیر و تبیین عالمان دینی از آموزه‌های اسلامی. • اختلالات خانوادگی در اثر سوء رفتار و اخلاقیات • ترویج بی بند و باری توسط رسانه های غربی • برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و تصمیمات اجرایی که منجر به ضرورت افزایش ساعات کار برای تأمین معاش و کاهش ارتباطات خانوادگی می‌شود. • فقدان برنامه های جامع، بلندمدت و مستمر فرهنگی برای ترویج اخلاقیات در جامعه و خانواده	• خانه مطلوب مسلمان، خانه تربیت است. خانه مسلمان خانه علم و اخلاق است. (امام ره) • خانواده در اسلام یعنی محل سکونت دو انسان، محل آرامش روانی دو انسان، محل انس دو انسان با یکدیگر، محل تکامل یک نفر به وسیله نفر دیگر. (رهبری)	

۴- شناسایی و ترویج ارزش‌های متعالی و سنت‌های ازدواج و خانواده در اسلام و زدودن پیرایه های باطل از آن و مقابله دائمی با تهاجم فرهنگی و مؤلفه‌ها و عملکرد مخرّب ضدفرهنگی غرب درمورد خانواده و زندگی خانوادگی.	• هدف قرار گرفتن‌خانواده در نقشه‌تهاجم‌فرهنگی و شبکه‌های‌ماهواره‌ای،مجازی‌و... • ورود شیوه ها و رفتارهای غلط به حوزه ازدواج و خانواده و اختلاط آن با سنت ها و ارزش های اسلامی • رایج شدن سنّت‌های غلط فرهنگی و اقتصادی در حوزه ازدواج و خانواده برخلاف آموزه‌ها و ارزش‌های اسلامی (کم رنگ شدن قبح طلاق ، بی بند و باری جنسی، ارزش شدن ظاهر و ....)	• در اسلام یکی از مهم‌ترین کارها تشکیل خانواده و سپس حفظ بنیان خانواده است. (رهبری) • غربی‌ها می خواهند خانواده‌ها را متلاشی کنند تا فرهنگ این جوامع تضعیف شود و بتوانند سوار اینها شوند. (رهبری)	
۵- مطالعه مستمر وضعیت آسیب‌ها و نیازها و مسایل خانواده به منظور ایجاد پشتوانه اصلاحات و تکمیل نظامات حقوقی و برنامه‌های کشور	• ضرورت داشتن پشتوانه علمی و شناسایی مقتضیات، آسیب‌ها و نیازهای خانواده برای هرگونه حرکت راهبردی و حقوقی در کشور.		
۶- بازنگری، اصلاح و تکمیل نظام حقوقی و رویه‌های قضایی در حوزه خانواده متناسب با نیازها و مقتضیات جدید و ایجاد ساز و کارهای تأمین عدالت و امنیت در تمامی مراحل انتظامی و دادرسی و ضمانت اجرایی احکام در دعاوی خانواده.	• مقتضیات و واقعیات جدید در حوزه خانواده و جامعه. • ضرورت استمرار بازنگری و اصلاح احکام شرعی نظیر آن‌چه در مواردی نظیر شرط رضایت همسر اوّل در مورد ازدواج دوم، ارث زن از عرصه، حضانت و ... صورت پذیرفت. • چالش‌های موجود در حوزه ضمانت اجرای مفاد قانون و احکام صادره. • ناآگاهی برخی قضات نسبت به مسایل خاص زنان و خانواده		

۷- وضع قوانین و تنظیم صریح، شفاف، متعادل و متوازن حقوق بین زن و مرد، فرزندان و خویشاوندان خانوادگی براساس بینات و مسلمات اسلام و ایجاد ضمانتهای اجرایی لازم	• فقدان ضمانت‌های قانونی برای انجام تکالیف شرعی و حقوقی. • " ضمان عاقله" ، موسع بودن مفهوم حسن معاشرت زوجین ، تنبیه فرزند – تفاوت غرب و شرع در " کار زن در منزل " و " حضور مرد در منزل"	• در خانواده، حدود و حقوقی هست و این حقوق به شدّت عادلانه و متوازن ترتیب داده شده است. آن‌چه به نام اسلام است و غلط است، آنها را نمی‌گویم. آن‌چه متعلّق به اسلام است. بیّنات اسلام و مسلمات اسلام است. (رهبری)	
۸- تعیین مسئولیتها و تدوین شرح وظایف و ساختار و تشکیلات دستگاه‌های اجرایی دولتی و نهادهای عمومی متناسب با جایگاه رفیع خانواده.	• ضرورت تعیین نسبت وظایف و علت وجودی هر دستگاه در برابر خانواده (نظیر بند ج ماده ۴۱ قانون برنامه پنجم توسعه) درخصوص جوانان • عدم پاسخ‌گویی قانونی هیچ یک از دستگاه‌ها در قبال خانواده. (عدم تعیین تکلیف اصل دهم قانون اساسی در حوزه اجرا گرچه بصورت رویه دستگاهها انجام می‌گیرد.)		

۹- تعیین شاخص‌های حد و مرز روابط زن و مرد در جامعه به منظور حفظ و تحکیم بنیان خانواده و فرهنگ سازی و ارتقاء کیفی نهادهای حکومتی برای نظارت و رعایت آن	• رویکرد اسلام درباره نحوه معاشرت و ارتباطات اجتماعی زن و مرد در جامعه اسلامی متضمن حفظ و تحکیم بنیان خانواده است. این موضوع یا رها شده و مدیریت نمی‌شود، یا به بدترین وجه آن اقدام می‌شود و سلیقه ای عمل می شود.	• اگر آن ضوابطی که اسلام در محیط جامعه به عنوان حایل بنی زن و مرد قرار داده است، بشکند، خانواده خراب می‌شود. (رهبری)	
۱۰- بازتعریف مدل «خانواده، محلّه زندگی، مسجد» برای حفظ و ارتقای هویت اسلامی و ملی از طریق صیانت از خانواده	• تضعیف کارکرد مسجد و محله و گسسته شدن ارتباطات اجتماعی به عنوان مهم‌ترین عوامل جامعه‌سازی و صیانت از فرد و خانواده. • سابقه نقش تاریخی مؤثر مسجد و محله در تشکیل، استمرار و حل و فصل مسایل خانواد.	• مسجد باید رابطه‌ی خود را با جوانانی که ازدواج می‌کنند و حتی با نوزادانی که متولد می‌شوند، برقرار و مستحکم کند. (رهبری)	

۱۱- جلب مشارکت خانواده برای پیشبرد اهداف و برنامه های کشور در همه عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و دفاعی	• تکیه بر کارکرد انسان‌سازی و جامعه‌سازی خانواده. • سابقه درخشان خانواده در پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس. • تأثیر و تأثر متقابل خانواده و برنامه های نظام		
۱۲- طراحی ساز و کارهای مناسب برای رفع دغدغه‌های آینده درباره اشتغال، ازدواج و مسکن فرزندان و ایجاد فضای بانشاط و شاداب برای خانواده‌ها	• خلاصه شدن همه ذهنیت‌ها، گفتگوها، تلاش‌های اقتصادی و ... خانواده برای آینده فرزندان و «خودفراموشی» و «اکنون فراموشی» آنها و به وجود آمدن خلاء «زندگی» و در نتیجه بحران‌های زناشویی. • تأثیر روحیه ناامیدی از آینده در جوانان بر خانواده	• تلاش برای رفع دغدغه‌هایی از قبیل ازدواج و آینده‌ی شغلی و علمی (جوانان). (رهبری)	• رفع دغدغه‌های شغلی، ازدواج، مسکن و آسیب‌های اجتماعی (جوانان). (سیاست‌های کلی برنامه پنجم)
۱۳- آموزش " مسائل ازدواج و خانواده " در نظام تعلیم و تربیت و نهادهای ذی‌ربط متناسب با سن و جنس	• آگاهی‌های اندک زنان و مردان و تأثیر آن در طلاق.	• مرد و زن برای ازدواج و تشکیل خانواده باید عالم به تعلیم و تربیت و قوانین و آداب اسلامی بوده و آنها را اجرا نمایند. (امام ره)	

۱۴- سازماندهی و تسهیل دسترسی به نظام مشاوره‌ای قبل، حین و پس از تشکیل خانواده از طریق حمایتهای بیمه‌ای	• امکان حل و فصل مسایل خانواده] از پیشگیری تا مراقبت و اصلاح[از طریق مشاورین متخصص. • عدم توانایی پرداخت هزینه‌های مشاوره به دلیل قرار نگرفتن این موضوع در قالب حمایت‌های بیمه‌ای.		
۱۵- تدوین نظام حقوقی و ساز و کار اجرایی مشاوره و تشخیص صلاحیت ازدواج (عقل و رشد) و کفویت زوجین به عنوان پیش‌نیاز ثبت ازدواج	• عدم کفویت و عدم صلاحیت‌های] آگاهی، مهارت، توانایی[ازدواج، یکی از علل افزایش نرخ طلاق در ازدواج‌های جوانان می‌باشد.		

۱۶- ارتقاء سطح توانایی‌های هر یک از اعضای خانواده در مسئولیت‌پذیری، تعاملات خانوادگی و ایفای نقش و رسالت خود	• فقدان یا کمبود توانایی‌های اعضای خانواده برای ایفای نقش‌های خود. مثل : ناتوانی اعضای خانواده در طرح و حل مسائل خود بدور از تشنج و بی اخلاقی، نبود درک متقابل و شناخت وظایف		
۱۷- طراحی مدل‌های اسلامی– ایرانی برای آشنایی دختران و پسران به قصد ازدواج با حفظ حریم عفاف و با نظارات خانواده‌ها	• گسترش زندگی شهرنشینی و کاهش تعاملات خویشاوندی و محله‌ای، فرصت شناسایی دختران و پسران را کاهش داده است.		

۱۸- شناسایی مستمر عوامل طلاق و فروپاشی خانواده و طراحی ساز و کارهایی برای پیشگیری از آن و حمایت همه جانبه از آسیب دیدگان ناشی از طلاق بخصوص فرزندان و زنان	• افزایش نرخ طلاق. • آسیب‌های اجتماعی ناشی از آسیب‌های زنان، فرزندان و مردان به جا مانده از طلاق و مدیریت نشدن آن • فقدان آمار و اطلاعات درخصوص فرزندان طلاق • فقدان ساز و کار گسترده برای مراقبت از فرزندان طلاق		
۱۹- حمایت همه‌جانبه حقوقی، اقتصادی و فرهنگی از خانواده‌های زن سرپرست	• فزونی آمار خانواده‌های زن سرپرست و مشکلات عدیده اقتصادی و فرهنگی ایشان.		• حمایت از اقشار محروم و زنان سرپرست خانوار. (سیاست‌های کلی برنامه پنجم)
۲۰-مدل‌سازی برای حفظ احترام و کرامت کهنسالان برای مراقبت‌های جسمانی و روحی و عاطفی آنان	• چالش پیش روی جامعه ایران به دلیل افزایش کهنسالان و کاهش امکان اقتصادی و عملی مراقبت از آنها توسط فرزندان.		

دیدگاه های شورای عالی انقلاب فرهنگی، کمیسیون علمی فرهنگی اجتماعی و معاونت اجتماعی قوه قضائیه

شورای عالی انقلاب فرهنگی

چکیده

از آنجائیکه قطب الرحای جوامع بشری در طول تاریخ نهاد خانواده بوده و آثار تربیتی و فرهنگی حاکم بر این نهاد چهره جامعه را ترسیم و تعریف و تبیین می نماید؛ لذا جامعه شناسان کارکرد جامعه را بر اساس کارکرد خانواده تعریف و تشریح می نمایند. از اینرو در اسلام برای اصلاح جامعه توجه خاصی به کانون خانواده داشته وآنرا مقدس دانسته و برای آن حقوقی را تعریف ،و اصولی را برای آن تدوین و تاکید نموده است. در نظام مقدس جمهوری اسلامی نهادهای حاکمیتی مبتنی بر قوانین و احکام بالادستی دیدگاهها و راهبردهای خود را برای رشد و حرکت و بالندگی خانواده اسلامی تدوین و بیان نموده اند که در این مبحث به بیان دیدگاه های شورای عالی انقلاب فرهنگی، کمیسیون علمی، فرهنگی اجتماعی و قوه قضائیه پرداخته شده است.

واژگان کلیدی

خانواده، تاریخ، حقوق، رشد، حاکمیت

الف) اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاستهای تحکیم و تعالی آن

خانواده از ابتدای تاریخ تاکنون در بین تمامی جوامع بشری، به عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی؛ زیربنای جوامع و منشأ فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و تاریخ بشر بوده است، پرداختن به این بنای مقدس و بنیادین و حمایت و هدایت آن به جایگاه واقعی و متعالی‌اش، همواره سبب اصلاح خانواده بزرگ انسانی و غفلت از آن موجب دور شدن بشر از حیات حقیقی و سقوط به ورطه هلاکت و ضلالت بوده است.
اسلام به عنوان مکتبی انسان‌ساز بیشترین عنایت را به تکریم، تنزیه و تعالی خانواده دارد و این نهاد مقدس را کانون تربیت و مهد مودت و رحمت می‌شمرد و سعادت و شقاوت جامعه انسانی را منوط به صلاح و فساد این بنا می‌داند و هدف از تشکیل خانواده را تأمین نیازهای مادی، عاطفی و معنوی انسان از جمله دستیابی به سکون و آرامش برمی‌شمارد.
دستیابی به این اهداف والای مکتب اسلام و حفظ و حراست دقیق و مستمر از آن، نیازمند توجه جدی به خانواده و پیاده کردن قوانین مربوط به آن در اسلام است و ضروری است کلیه برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌ها در تمام سطوح، حق مدارانه و ملهم از نگرش توحیدی و در راستای تعالی و مصالح خانواده باشد.

شورای فرهنگی ـ اجتماعی زنان براساس بند سوم شرح وظائف خود مبنی بر «سیاستگذاری و برنامه‌ریزی جهت تقویت نهاد مقدس خانواده بر مبنای آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استوار ساختن روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی » و نیز با بهره‌گیری از قرآن و سنت، قانون اساسی و دیگر قوانین جاری در نظام اسلامی ایران و رهنمودها و فرمایشات حضرت امام خمینی (ره) و بیانات روشنگرانه مقام معظم رهبری در مورد خانواده، اقدام به تهیه سیاست‌های تشکیل، تحکیم و تعالی خانواده نموده است.
تعریف خانواده:

خانواده گروهی است متشکل از افرادی که از طریق نسب یا سبب و رضاع با یکدیگر به عنوان شوهر، زن، فرزندان، مادر، پدر، برادر و خواهر در ارتباط متقابلند و فرهنگ مشترکی پدید آورده و در واحد خاصی به نام خانواده زندگی می‌کنند.
اصول و مبانی:
۱ـ نظام زوجیت از ارکان عالم خلقت و از آیات و نشانه های الهی است و وحدت زن و مرد در ابعاد انسانی و اختلاف آنها در بعد بشری از شاهکارهای خلقت و موجب تداوم و تکامل حیات آنان می‌باشد؛

۲ـ زن و مرد بر اساس حکمت الهی با لحاظ تفاوت‌های طبیعی آنها باید از حقوق انسانی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عادلانه برخوردار شوند؛
۳ـ خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است، قوانین و مقررات و برنامه‌های کشور باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، حمایت و پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد؛
۴ـ نتایج ازدواج ایجاد مؤدت، رحمت و آرامش میان زن و شوهر است و با تکریم و احسان توسط فرزندان و رحمت و تربیت توسط والدین تداوم و تکامل می یابد؛
۵ـ اعضای خانواده بویژه والدین نسبت به حفظ حرمت و صیانت خانواده از آفات و آسیب‌ها و توانا نمودن اعضا در ابعاد شناختی و رفتاری جهت هدایت آنها در مسیر الی الله و حصول به حیات طیبه مسئول می‌باشند؛
۶ـ تربیت و عواطف اجتماعی به عنوان مهمترین ویژگی‌های نظام انسانی از خانواده نشأت می‌گیرد و توجه به نقش محوری زن به عنوان محور عاطفه و تربیت و نقش محوری مرد در امر تربیت و تأمین معیشت و اداره زندگی، امری ضروری است.

اهداف :

۱ـ تحقق دیدگاه اسلام در خصوص اهمیت جایگاه، منزلت و کارکردهای خانواده در نظام اسلامی؛
۲ـ حمایت از تشکیل، تحکیم و تعالی نهاد خانواده و پیشگیری از تزلزل و فروپاشی آن؛
۳ـ ارتقاء سطح فرهنگی و تربیتی اعضای خانواده به منظور ایفای نقش آن در سلامت و بهبود فرهنگی جامعه؛
۴ـ همگرایی و هماهنگی در کلیه سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در موضوع خانواده به منظور بهبود وضعیت تشکیل، تحکیم و تعالی خانواده؛
۵ـ آگاهی افراد خانواده نسبت به حقوق و وظایف یکدیگر و زدودن نگرش‌های غلط جامعه؛
۶ـ گسترش و تعمیق ارزش‌های اصیل اسلامی در خانواده برای تربیت نسل سالم، با ایمان، مسئول و مؤثر در رشد خود، خانواده و جامعه؛
۷ـ ایمن سازی خانواده از آسیب و بحران‌های اجتماعی و حمایت از خانواده‌های آسیب‌دیده؛

هدف اول

تحقق دیدگاه اسلام در خصوص اهمیت جایگاه، منزلت و کارکردهای خانواده در نظام اسلامی

راهبردها:

۱- ترسیم الگوی خانواده متعادل و تبیین ویژگی های الگویی خانواده آرمانی در اسلام ؛

۲- تحکیم مبانی اعتقادی خانواده و تواناسازی آن در ابعاد شناختی و اخلاقی جهت هدایت خانواده در مسیر الهی و تقویت فرهنگ اسلامی؛

۳- توسعه آگاهی‌های جامعه و اعضای خانواده نسبت به اهمیت، کارکردها و تأثیر آن بر بنیان های شخصیت فرزندان و توسعه انسانی جوامع به عنوان عامل مهم انتقال فرهنگ و ارزش ها؛

۴- ارتقای امنیت و تأمین نیازهای مادی، معنوی و مصونیت بخشی خانواده در ابعاد فرهنگی، روانی، اقتصادی و اجتماعی؛

۵- تأمین نیازهای مادی، معنوی، عاطفی فرزندان در خانواده به منظور افزایش احساس تعلق اعضای خانواده به یکدیگر؛

۶- تأمین و ارتقاء سلامت روحی، جسمی، اجتماعی زنان در مراحل مختلف زندگی و ایجاد تسهیلات مورد نیاز و ارائه خدمات مناسب در این مراحل (دوران بارداری، تغذیه، نوع کار، حضانت کودک و....)؛

۷- تقویت شخصیت و جایگاه واقعی زن و مرد به عنوان پدر، مادر و همسر و توجه به نقش اساسی آنها در توسعه انسانی و تربیت نسل بالنده در خانواده ؛

۸- توسعه آگاهی زنان و اعضای خانواده در خصوص ایجاد الگوی صحیح اقتصادی و تنظیم درآمدها و هزینه‌های خانواده و تأثیر آن بر اقتصاد کشور .

سیاست های اجرایی:

- معرفی و ارائه الگو از زنان و مردان موفق جامعه، با لحاظ موفقیت آنها در نقش مادری، پدری و همسری؛
- تکریم و تجلیل از خانواده‌های ایثارگر انقلاب اعم از شهدا، جانبازان، اسرا و تأمین نیازهای مادی و معنوی آنان؛

– تکریم و بزرگداشت خانواده از طریق تخصیص ایامی از سال به خانواده و معرفی خانواده‌های نمونه؛
– هدایت زنان در پذیرفتن نقش‌های اجتماعی هماهنگ با نقش مادری و همسری به منظور ارج‌گذاری و کارآمدسازی فعالیت‌های خانوادگی؛
– ترسیم کارکردهای زیستی، تربیتی، روانی و عاطفی خانواده به عنوان مهمترین بستر رشد فرهنگی جامعه از طریق رسانه‌ها و کتب درسی؛
– بازنمایی روحیه همکاری و وفاداری متقابل زن و مرد در زندگی مشترک و بحران‌های خانوادگی و پرهیز از ترویج روحیه مردستیزی و یا زن‌ستیزی در برنامه‌ها ؛
– بازنمایی ضرورت توجه والدین نسبت به تخصیص زمان کافی جهت تربیت فرزندان و تأمین نیازهای عاطفی آنان و بیان پیامدهای بی‌توجهی به این امر ؛
– آگاهی بخشی زنان در خصوص تأثیر تغذیه مناسب، ورزش و رعایت بهداشت و تأمین سلامت جسمی و نشاط روحی و برنامه‌ریزی دولت جهت تأمین آنها؛
– ایجاد روحیه پس‌انداز و آینده نگری در خانواده بر محور قناعت و ایجاد مراکز مناسب جهت انجام فعالیت‌های تولیدی و خود اشتغالی در کنار وظائف خانه‌داری جهت کمک به اقتصاد خانواده

هدف دوم

حمایت از تشکیل، تحکیم و تعالی نهاد خانواده و پیشگیری از تزلزل و فروپاشی آن.

راهبردها:

۱– تسهیل در امر ازدواج به عنوان پیمان الهی و تشویق جوانان به تشکیل خانواده همراه با تعدیل توقعات و کاهش تشریفات و تأثیر آن بر صیانت نفس و سلامت فرد و جامعه؛
۲– توسعه آگاهی‌های جوانان درخصوص نقش تناسب اعتقادی و فرهنگی زوجین در ایجاد تفاهم و تحکیم خانواده و روش‌ها و معیارهای شرعی انتخاب همسر؛
۳– توسعه نقش سازنده، هدایتی و حمایتی والدین در امر ازدواج جوانان و حفظ تناسب فرهنگی خانواده‌ها؛
۴– توسعه و جهت‌دهی نظام آموزشی با توجه به نقش‌ها و ویژگی‌های مشترک و اختصاصی زنان و مردان و توانمند کردن دختران جهت ایفای نقش مادری و همسری و پسران جهت ایفای نقش پدری و آموزش روابط حقوقی آنها به یکدیگر؛

۵- توسعه آگاهی‌های زوجین نسبت به تأثیر روابط جنسی سالم در تقویت پیوندهای عاطفی، نشاط روحی و افزایش رضایت‌مندی آنان از زندگی و اختصاص علائق زوجیت به همسر قانونی؛
۶- افزایش آگاهی‌های زوجین در زمینه حقوق و تکالیف یکدیگر، احکام زناشویی و تنظیم خانواده، تلطیف روابط حقوقی توأم با حسن خلق و معاشرت ؛
۷- اصلاح الگوی مشارکت و نقشهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی زنان متناسب با نقش‌های خانوادگی آنان با حفظ ارزش‌ها و منزلت زن؛

۸- تقویت اخلاق، معنویت، محبت و صمیمیت در روابط اعضای خانواده ؛
۹- اتخاذ تدابیر مناسب جهت اصلاح قوانین و ساختارهای حقوقی، اقتصادی و فرهنگی برای پیشگیری از وقوع طلاق ؛
۱۰- اتخاذ تدابیر مناسب جهت پیشگیری از اعمال هرگونه خشونت علیه اعضای خانواده ؛

سیاست های اجرایی:

- حمایت از ایجاد تشکلهای غیردولتی و مردمی با محوریت مؤسسات و شخصیت‌های علمی و مذهبی و استفاده از مشارکت زنان در راستای حمایت از تشکیل خانواده در این تشکلها؛
- انجام فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی در امر آسان‌سازی ازدواج با رویکرد فرهنگی، با مشارکت کلیه دستگاه های تبلیغی و فرهنگی کشور و نمایش معایب زندگی در تجرد و تنهایی؛
- ایجاد تسهیلات لازم جهت حمایت مادی و معنوی خصوصاً از خانواده‌های جوان در دوران تحصیل و سربازی؛
- تقویت مشارکت خانواده‌ها و اقدام در تأمین نیازهای اقتصادی و مادی زوج‌های جوان به هنگام ازدواج؛

- ترویج دیدگاه‌های صحیح اجتماع در خصوص تقلیل هزینه‌های ازدواج از قبیل جهیزیه سبک، مهریه متناسب و کاهش هزینه‌های جشن ازدواج و پرهیز از تحمیل هزینه‌های سنگین؛
- توسعه مراکز رسمی آموزشی و مشاوره خانواده قبل و بعد از ازدواج با حمایتهای دولت؛

– تواناسازی اعضای خانواده از طریق کسب مهارت‌های لازم، به منظور تأمین نیازهای اساسی خانواده از طریق نظام آموزش رسمی و فرهنگ عمومی؛
– فرهنگ‌سازی و آموزش درخصوص گسترش فرهنگ عفاف و پای‌بندیهای اخلاقی به منظور تحکیم بنیان خانواده و جلوگیری از بروز ناهنجاری‌های اجتماعی؛
– پیشگیری از مفاسد اخلاقی و اجتماعی و مبارزه قانونی با عوامل اصلی مفسده‌انگیز به منظور حفظ کیان خانواده؛
– ایجاد و توسعه مراکز امداد و ارشاد در کنار دادگاه‌های خانواده و تقویت آنها؛
– بازنمایی متناسب از نقش‌های متنوع و کارآمد زنان در ایجاد نگرش متعادل بین نقش‌ها و مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی آنان؛
– تشویق و ترغیب خانواده‌ها به داوری خویشان و ارائه مشاوره به آنان در اختلافات خانوادگی و ارائه الگوهای قضاوت بی‌طرفانه در بین زوجین؛
– افزایش و تقویت مراکز مشاوره ژنتیک و بیماری‌های خطرناک و انجام آزمایش‌های پزشکی قبل از ازدواج جهت اطلاع از وضعیت جسمانی و روانی زوجین؛
– برخورد قاطعانه دستگاه انتظامی و قضایی با بزهکاران و عوامل اصلی جرم‌زا به عنوان تهدید کننده استحکام خانواده؛
– ارزیابی و بازنگری قوانین موجود و تدوین قوانین حمایتی لازم و اتخاذ تدابیر مناسب جهت نظارت بر حسن اجرای قوانین جهت تحکیم بنیان خانواده؛
– شناساندن عوارض و پیامدهای منفی ناشی از طلاق به زوجین و تأکید بر تشکیل خانواده در مورد زنان بیوه و بی‌سرپرست؛

هدف سوم

ارتقای سطح فرهنگی و تربیتی اعضای خانواده به منظور ایفای نقش آن در سلامت و بهبود فرهنگی جامعه

راهبردها:

۱– تبیین نگاه نظام مند دین درخصوص جایگاه زن در خانواده و تأکید بر ارتقاء نقش زن در تربیت و فرهنگ‌سازی و استحکام و پویایی خانواده و اجتماع؛
۲– هماهنگی و توسعه کمی و کیفی فعالیت‌ها و تولیدات کلیه نهادهای فرهنگی و گروه‌های مرجع به منظور ارتقای جایگاه و نقش خانواده؛
۳– توسعه تحقیقات در خصوص مسائل و مشکلات خانواده و کارکردهای آن و انعکاس

یافته‌های آن به جامعه، مسئولین و برنامه‌ریزان کشور ؛
۴- توسعه آگاهی‌های خانواده جهت حفظ حرمت اعضای خانواده بویژه سرپرستی، نگهداری و تأمین معاش پدر و مادر ناتوان و از کار افتاده؛
۵- توسعه و ترویج وجوه مثبت آداب و سنن ملی و محلی در ارتباط با خانواده به منظور ارتقاء فرهنگ خانواده و جامعه؛
۶- توسعه فرهنگ ساده زیستی، قناعت، خوداتکایی، تولید و ارائه الگوی مناسب مصرف به منظور تصحیح فرهنگ اقتصادی خانواده ؛

سیاست های اجرایی:
- آموزش زنان و مردان درخصوص اهمیت نقش آنان در تربیت فرزندان متناسب با مقتضیات زمان و مراحل مختلف رشد آنان؛
- بررسی الگوهای ارائه شده از زنان و خانواده در انواع فیلم‌های سینمایی، مطبوعات، کتب و سایر رسانه‌ها و میزان تأثیر آنها در افزایش ناهنجاری‌های فرهنگی و اخلاقی و ارائه راهکارهای مناسب جهت اصلاح گروه های مرجع؛
- بررسی و شناخت مسائل و مشکلات فرهنگی، حقوقی و اقتصادی اعضای خانواده ؛
- بازنمایی و ریشه‌یابی صحیح و اصولی علل گسست فرهنگی بین نسل‌ها از طریق تحقیقات جامع ملی و استفاده از یافته‌های تحقیقات به ویژه در تولیدات فرهنگی و هنری؛
- تبیین و احیای فرهنگ احترام به پدر و مادر و قدرشناسی و حمایت از آنها همراه با حفظ کرامت سالمندان در برنامه‌های رسانه‌ها؛
- تأمین امکانات لازم جهت بهره‌برداری بهینه از اوقات فراغت و ارتقاء فرهنگی اعضای خانواده؛

- کاهش تبلیغات تجاری و مصرفی رسانه‌ها به منظور جلوگیری از ترویج روحیه مصرف‌گرایی؛
- تشویق زنان به استفاده بهینه از دارایی و اندوخته شخصی در چرخه اقتصادی خانواده و کشور؛

هدف چهارم

همگرایی و هماهنگی در کلیه سیاست ها و برنامه‌ریزی ها در موضوع خانواده به منظور

بهبود وضعیت تشکیل، تحکیم و تعالی خانواده

راهبردها:

۱- اولویت دادن به خانواده به عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی جامعه و توجه به مصالح آن در سیاست گذاری، قانون گذاری و برنامه‌ریزی‌های مرتبط و مؤثر در خانواده؛

۲- ضرورت نگاه نظام‌مند برنامه‌های توسعه کشور نسبت به تقویت نهاد خانواده و بهینه‌سازی کارکردهای آن بر اساس الگوی اسلامی ؛

۳- تقویت نگاه دینی و علمی در امر برنامه‌ریزی کلان کشور با رویکرد به امور زنان و کارآمد ساختن خانواده ؛

سیاست های اجرایی:

- استفاده از سازوکار مناسب توسط دولت با هدف برنامه‌ریزی و ایجاد هماهنگی بین دستگاه های مختلف درخصوص اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های مرتبط با خانواده؛

- تعیین شاخص‌ها و ارزیابی کمی و کیفی برنامه‌های توسعه کشور و سنجش عملکرد دستگاه های اجرایی و پیشرفت‌ها بر اساس نگاه منسجم و استوار به خانواده متعادل و مطلوب؛

هدف پنجم

آگاهی افراد خانواده نسبت به حقوق و وظائف یکدیگر و زدودن نگرش‌های غلط جامعه

راهبردها:

۱- توسعه مشارکت اعضاء خانواده در تصمیم‌گیری‌ها و تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری، تعاون و همکاری اعضای خانواده؛

۲- توسعه آگاهی‌های عمومی نسبت به الزامات شرایط اجتماعی و نقش‌های اعضای خانواده و انعطاف آنان نسبت به انتظارات متقابل در جهت تحکیم خانواده؛

۳- ارتقاء آگاهی و اصلاح نگرش جامعه و خانواده درخصوص حقوق و مسئولیت‌های زنان در خانواده؛

سیاستهای اجرایی:

- اصلاح کتب درسی، متون آموزشی و تولیدات فرهنگ عمومی در جهت آموزش آداب و اخلاق اسلامی و تبیین وظائف و حقوق اعضای خانواده نسبت به یکدیگر؛
- ترسیم آثار منفی ناشی از عدم آشنایی اعضای خانواده نسبت به حقوق و وظائف

خانوادگی و اجتماعی یکدیگر و تأثیر آن در ناکارایی و تزلزل خانواده؛

– انتقال فرهنگ کار، ابتکار و مسئولیت‌پذیری به فرزندان خانواده و تقبیح روحیه کاهلی و بیکاری در بین آنان؛
– توجه به آثار مثبت و منفی جهانی شدن در امر تشکیل خانواده.

هدف ششم

گسترش و تعمیق ارزش‌های اصیل اسلامی در خانواده برای تربیت نسل سالم، با ایمان، مسئول و مؤثر در رشد خود، خانواده و جامعه

راهبردها:

۱– هدایت و ترغیب زوجین، جهت تقویت ایمان مذهبی و فرهنگ اسلامی،آشنایی با تکالیف و آداب قبل از بارداری، دوران بارداری و شیوه‌های صحیح تربیت فرزندان در مقاطع مختلف سنی آنان؛
۲– توسعه آگاهی والدین به منظور تأمین حقوق فرزندان در زمینه تغذیه، سلامت جسمانی و روانی، تربیت و برخورداری آنان از رفتار عادلانه والدین؛
۳– کمک به والدین جهت رشد و آماده‌سازی فرزندان خود در راستای پذیرش و ایفای مسئولیت‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی خود ؛
۴– توجه جدی و تقویت نقش الگویی والدین در تربیت صحیح فرزندان .

سیاستهای اجرایی:

– تبیین آثار مثبت تربیت مذهبی فرزندان در پیشبرد جامعه؛
– بازنمایی اثرات مثبت رعایت عدالت بین فرزندان و ضرورت اجتناب از هرگونه تبعیض براساس جنسیت؛
– نشان دادن نمادهائی از رفتار، سلوک و روحیات مذهبی پدر و مادر و تأثیر آن در تربیت و انتقال مفاهیم دینی به فرزندان؛
– افزایش سطح آگاهی زنان و دختران نسبت به فرائض دینی و عمل به آنها بر اساس درک عمیق، عالمانه و آگاهانه و نشان دادن آثار التزام عملی به آن با پرهیز از ارائه تصنعی اعمال عبادی؛
– تقویت ارتباط خانواده با نهادهای آموزشی و پرورشی و ایجاد هماهنگی بیشتر در بین

آنها به منظور ایفای نقش بهتر در تربیت فرزندان.

هدف هفتم

ایمن سازی خانواده از آسیب و بحران‌های اجتماعی و حمایت از خانواده‌های آسیب دیده

راهبردها:

۱- ارتقاء آگاهی اعضای خانواده نسبت به هنجارها، ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی و خانوادگی به منظور برخورد صحیح با مشکلات و بحران‌های زندگی

۲- محافظت و جلوگیری از آسیب‌پذیری خانواده، از طریق مبارزه همه جانبه با ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی (اعتیاد، طلاق، فرار و...)؛

۳- اتخاذ تدابیر مناسب جهت حمایت از خانواده‌های آسیب‌دیده و کاهش ضایعات ناشی از بحران‌های خانوادگی و اجتماعی؛

۴- حمایت از زنان و کودکان در برابر هرگونه تعرض نسبت به حقوق آنان توسط اعضای خانواده و ناهنجارهای رفتاری

سیاستهای اجرایی:

- آموزش‌های لازم به دختران و پسران در زمینه انتخاب همسر با در نظر گرفتن سلامت دینی، فکری، جسمی و روانی یکدیگر به منظور پیشگیری از بروز آسیب‌های اجتماعی در زندگی؛

- بررسی علل افزایش ناهنجاری‌های فرهنگی و اخلاقی در بین اعضای خانواده و ارائه راهکارهای مناسب جهت رفع آن؛

- آموزش اعضای خانواده در جهت حل منطقی مشکلات خود قبل از مراجعه به سازمان ها و مراجع قانونی؛

- تدوین قوانین حمایتی و گسترش پوشش کامل بیمه‌های اجتماعی و اقتصادی برای مردان بیکار، زنان بیوه، سالخورده، سرپرست خانوار و کودکان بی‌سرپرست و زنان خانه‌دار؛

- تأمین نیازهای مادی و معنوی خانواده‌های بی‌بضاعت و بی‌سرپرست به ویژه زنان سرپرست خانوار؛

- مقابله با بزه‌کاران اجتماعی، باندهای فساد و فحشاء و متعرضان به نوامیس مردم و مروجین فرهنگ ابتذال با هدف تأمین امنیت و حفظ کیان خانواده‌ها؛

با تصویب طرح: اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاستهای تحکیم و تعالی آن در جلسه

۴۶۵ مورخ ۴۸/۴/۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی کلیه دستگاه‌ها و سازمان های اجرایی ذیربط موظف خواهند بود در حدود وظایف خود نسبت به تهیه آئین نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و برنامه‌های اجرایی لازم مبتنی بر طرح مذکور اقدام نموده و گزارش فعالیتهای انجام شده را سالیانه به هیئت نظارت و بازرسی شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه نمایند .

ب) سیاستهای کلی برای تحکیم خانواده

کمیسیون علمی فرهنگی اجتماعی

۱- محور قراردادن تحکیم بنیان خانواده در سیاست ها،برنامه ریزی ها و اجرا.

۲- تدوین و ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی با ایجاد جامعه خانواده‌محور متکی بر فرهنگ و معارف اسلامی.

۳- ایجاد سازوکارهای مناسب فرهنگی - اقتصادی و اجتماعی برای تسهیل ازدواج آگاهانه، ساده، بهنگام و پایدار و نهادینه سازی خانواده اسلامی در جامعه ایران.

۴- صیانت از استحکام،امنیت و پیوند خانواده به عنوان واحد بنیادی و سنگ بنای جامعه اسلامی.

۵- تبیین،ترویج و احیای فرهنگ و معارف اسلام (قرآن کریم و سیره پیامبر«ص» و اهل بیت«ع») در خصوص اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده و نقش آن در دستیابی به حیات طیبه و سعادت دنیوی و اخروی.

۶- اصلاح و تکمیل نظام های آموزشی،تبلیغی، اقتصادی،حقوقی و رویه های قضایی برای ایجاد جامعه ی خانواده‌محور و تقویت نهضت فراگیر ملی برای ازدواج موفق جوانان و تشکیل خانواده اسلامی.

۷- برنامه ریزی جامع برای کاهش و رفع موانع فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی تشکیل و تداوم خانواده.

۸- فراهم ساختن مقدمات لازم برای تبدیل خانواده به کانون آرامش و مرکز تربیت اسلامی و پشتوانه مستحکم برای سلامت، بالندگی، پیشرفت فردی و اجتماعی و اعتلای مادی و معنوی همسران و فرزندان.

۹- بازمهندسی فرهنگی و اجتماعی برای رفع تشریفات زائد، تجمل گرایی، اسراف، ممانعت از بالا رفتن سن ازدواج و کلیه عواملی که از دواج جوانان را برای تشکیل خانواده اسلامی با سختی و مشکل مواجه می سازد.

۱۰- ارائه و ترویج الگوی صحیح همسریابی متناسب با فرهنگ و ارزش های اسلامی - ایرانی و شرایط زمانی و تحولات پدید آمده در جامعه جهانی.

۱۱- شناسایی مستمر عوامل مختل کننده پیوند خانواده و مقابله مؤثر با آسیب ها و عوامل تهدید کننده استحکام و امنیت خانواده.

۱۲- فراگیر ساختن آموزش در سطح کشور برای ارتقای مهارت های زندگی و تحکیم مناسبات و استواری روابط خانوادگی متکی بر فرهنگ، اخلاق و حقوق اسلامی.

۱۳- مقابله مؤثر و همه جانبه با تهاجم فرهنگی و سرمایه گذاری های دشمن اسلام برای ترویج سبک های زندگی مبتنی بر خانواده زدایی و لاابالی گری و گسترش ابتذال و فحشاء.

۱۴- نهادینه سازی نقشهای حیاتی و تکالیف و حقوق متقابل اعضای خانواده نسبت به یکدیگر و وضع قوانین و تنظیم شفاف مناسبات حقوقی و مسئولیت های متقابل میان ارکان تشکیل دهنده خانواده(زنان، مردان و فرزندان) مبتنی بر تعالیم اسلام.

۱۵- حمایت از نهادهای دولتی و مردمی حامی نهاد خانواده.

۱۶- ارتقای کارکردها، منزلت،حرمت و حریم خانواده در جامعه و فرهنگ‌سازی برای تکریم ارکان تشکیل دهنده خانواده.

۱۷- حمایت از عزت و کرامت همسری و ایجاد فضای سالم در روابط اجتماعی زن و مرد در چارچوب تعالیم اسلام و تقویت نقش مادری بانوان در تربیت فرزندان و حفظ بنیان خانواده در حمایت مادی و معنوی از مسئولیت خطیر مادران در تربیت نسل و خانه داری به عنوان ارزش قدسی و یک حرفه تخصصی و آموزش آن در مقاطع تحصیلات تکمیلی.

۱۸- طراحی جامع برای رفع نیازهای اساسی جوانان در امر ازدواج بویژه آموزش، اشتغال و مسکن.

۱۹- تقویت سازوکارهای ضروری برای استمرار تامین درآمد معقول و مناسب خانوارهای شهری و روستایی با ایجاد اشتغال مولد و بیمه های لازم و تنظیم قدرت خرید.

۲۰- حمایت مادی و معنوی از مسئولیت های تربیتی و اقتصادی پدران در تداوم و تحکیم بنیان خانواده و ایجاد تسهیلات لازم برای ایفای بهینه آن.

ج) پیشنهادات معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه

احتراما پیرو جلسه مورخه ۱۹/۴/۴ کمیسیون خاص و هماهنگی آن مجمع عنوان ابلاغی مقام معظم رهبری و ایده‌ها و محورهای پیشنهادی کمیته بانوان و جوانان موارد به شرح ذیل پیشنهاد می گردد:

۱- در سیاست ها و راهبردها، متن گسترش، پشتیبانی وتعمیق فعالیت های سازمان ها، بنیادها و مؤسسات مردم نهاد در زمینه تشکیل، تحکیم و تعالی خانواده اضافه گردد.

۲- توسعه کمی و کیفی برنامه های رسانه ملی به منظور ارتقای جایگاه و نقش خانواده از طریق تشکیل شورای سیاست گذاری و برنامه ریزی خانواده و راه اندازی شبکه مستقل رادیویی و تلویزیونی خانواده با هدف الگوسازی، ترویج و نهادینه سازی و مبانی و ارزش های اسلامی و ویژگی های سبک زندگی خانواده اسلامی - ایرانی مدنظر قرار گیرد.

۳- ارتقاء و گسترش نقش نهادهای دینی و روحانیت در امر تشکیل، تحکیم اعتلای معنوی خانواده و ارائه الگوی خانواده تراز اسلامی مدنظر قرار گیرد.

۴- الزام وزارت بهداشت و درمان درخصوص اعمال سیاست های ازدیاد و یا تنظیم خانواده براساس آمایش جمعیتی که منجر به ازدیاد نسل در مناطق با رشد کم و کاهش رشد جمعیت در مناطق با رشد سریع جمعیت گردد (توسعه کمی و کیفی جمعیت و توازن در رشد جمعیت در مناطق جغرافیایی و بر اساس آمایش جمعیتی)

۵- توسعه و قانونمند کردن دوره های آموزش قبل،حین و پس از ازدواج و طلاق بر اساس سبک زندگی اسلامی - ایرانی و اصلاح محتوا و روش آموزش های موجود براساس مفاهیم دینی مدنظر قرار گیرد.

۶- ثبات بخشیدن به فرایند ازدواج و طلاق با تاکید بر گذراندن دوره های آموزش و مشاوره های پیش از ازدواج و طلاق.

۷- اصلاح و تکمیل قوانین مدنی،کیفری با رویکرد تقویت نهاد خانواده و پیشگیری از

اضمحلال آن.

۸- در بند ۲ ایده ها و محورهای پیشنهادی، بکارگیری قیود بهنگام، آگاهانه، پایدار و ساده بعد از ازدواج پیشنهاد می شود.

۹- در بند ۲۱ با عنایت به اهمیت بازنگری و اصلاح برنامه های کلان اقتصادی با رویکرد تقویت بنیان خانواده، کنترل مصرف گرایی، اسراف و تجمل گرایی و ترویج کسب روزی حلال، قناعت و ساده زیستی براساس الگوی اقتصاد اسلامی هم مدنظر قرار گیرد.

۱۰- بازنگری در نظام اشتغال و تحصیل بانوان با رویکرد حفظ و ارتقاء منزلت و نقش همسری و مادری زن در خانواده،به رسمیت شناختن شغل خانه داری و برخورداری زنان از مزایای مادی و معنوی و بیمه های اجتماعی و... مدنظر قرار گیرد.

۱۱- گسترش و ارتقاءخدمات مشاوره، مددکاری اجتماعی و مداخله در بحران خانواده و توسعه کمی و کیفی مراکز ارئه خدمات به آسیب دیدگان اجتماعی مدنظر قرار گیرد.

۱۲- در بند ۴۱ علاوه بر نظام مشاوره، استقرار سامانه های معاضدت ها و داوری های اجتماعی با تاکید بر محوریت مسجد برای مشکلات و دعاوی مرتبط با خانواده مدنظر قرار گیرد.

۱۳- رصد و شناسایی سیاست های کلان اقتصادی (مثل شیوه هدفمند سازی یارانه ها)که می توان به معیشت خانوارها لطمه بزند و زمینه سازی لازم برای اقدامات اصلاحی و پیشگیرانه بهنگام در چنین سیاست ها و اقدامات، مدنظر قرار گیرد .

۱۴- ارائه الگوی خانواده فاطمی(س) و برجسته سازی گروه ها، افراد و خانواده های الگو مدنظر قرار گیرد.

۱۵- توجه ویژه به مفاهیم رشد و تعامل یکپارچه کودکان (DCE) مبتنی بر مفاهیم دینی در محیط خانه مدنظر قرار گیرد.

۱۶- تعالی بخشی به نقش کارآمدی فعالان،فعالیت ها، فرصت ها و ظرفیت های مؤثر در قوام و تعالی خانواده و بازمهندسی و تقویت نهادهای اجتماعی در راستای صیانت از نهاد خانواده مدنظر قرار گیرد.

۱۳- رصد و شناسایی سیاست های کلان اقتصادی (مثل شیوه هدفمند سازی یارانه ها)که می توان به معیشت خانوارها لطمه بزند و زمینه سازی لازم برای اقدامات اصلاحی و پیشگیرانه بهنگام در چنین سیاست ها و اقدامات، مدنظر قرار گیرد .

۱۴- ارائه الگوی خانواده فاطمی(س) و برجسته سازی گروه ها، افراد و خانواده های الگو مدنظر قرار گیرد.

۱۵- توجه ویژه به مفاهیم رشد و تعامل یکپارچه کودکان (DCE) مبتنی بر مفاهیم دینی در محیط خانه مدنظر قرار گیرد.

۱۶- تعالی بخشی به نقش کارآمدی فعالان،فعالیت ها، فرصت ها و ظرفیت های مؤثر در قوام و تعالی خانواده و بازمهندسی و تقویت نهادهای اجتماعی در راستای صیانت از نهاد خانواده مدنظر قرار گیرد.

راهکارهای اجرایی سیاست ها

کمیته زنان و جوانان

چکیده

پیش فرض های تدوین سیاست های کلی خانواده در این بررسی در برگیرنده: ضرورت مدیریت اجتماعی کشور با محوریت نهاد خانواده، ضرورت سازماندهی جمعیت ایران مقدم بر سازماندهی خدمات، ضرورت مدیریت فرآیند «تربیت» از مسیر خانواده و همین طور ویژگی های این سیاست ها شامل: تغییر نقطه عزیمت و تدوین برنامه های توسعه کشور از اقتصاد به فرهنگ ، مهندسی مجدد خانواده با همه لوازم آن به عنوان یک نهاد اجتماعی ، اتخاذ مبنای واحد در اصلاح و تکمیل نظام حقوقی خانواده ، بازتعریف مدل «خانواده، محله زندگی، مسجد» در ساختار اجتماعی ایران ، حرکت از «کلی گویی» به نیازها،آسیب ها، چالش ها و روابط خانواده و در نهایت رویکردهای اصلی سیاست های پیشنهادی شامل: قانونی (اعم از قوانین ناظر به حقوق و مسئولیت ها، نهادها و کارکردها و ساختارها) ، تبلیغی و ترویجی ، اعلام مواضع و تثبیت دستاوردهای نظام در موضوع خانواده و مبنایی برای تصویب قوانین. و راهکارهای اجرایی در تشریح هر بند سیاست به دنبال آمده است.

واژگان کلیدی

خانواده، سیاست ها، راهکارها، قوانین

راهکارهای اجرایی سیاست ها

۱- محور قراردادن «نهاد خانواده» به عنوان کلمه طیبه اسلام و کانون و نقطه عزیمت نظام برنامه ریزی و قانونگذاری کشور در همه عرصه های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی.

از طریق:

- مبنا قراردادن خانواده در ساختار برنامه های سالانه و پنج ساله کشور به جای قراردادن خانواده در چند ماده محدود.
- تغییر ساختار برنامه ریزی و قانونگذاری براساس شناخت آرمان ها، نیازها، آسیب ها، چالش ها و توانایی ها و کارکردهای خانواده.
- گنجاندن مسائل مربوط به خانواده در قوانین بودجه سالانه و قوانین برنامه توسعه کشور.
- رصد مستمر مسایل خانواده از طریق پژوهش های اجتماعی.

۲- مهندسی مجدد «خانواده» در جامعه اسلامی با مفهوم وسیع آن در قالب ارتباطات و مسئولیت های متقابل دینی و بازتعریف کارکردهای خانواده در همه عرصه های فرهنگی، تربیتی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به عنوان فرصتی بی بدیل و ممتاز در ایران اسلامی.

از طریق:

- «مهندسی اجتماعی ایران با تکیه بر شناخت کارکردهای نهاد خانواده و بسط آن در ساخت جامعه و عرصه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی.
- اولویت قراردادن «مدیریت اجتماعی» نسبت به سایر موضوعات با محوریت خانواده.
- مأموریت سپاری منسجم و هدفمند به مراکز علمی- پژوهشی و نهادهای فرهنگی برای بازتعریف مدل خانواده در ایران.

۳- تبلیغ، ترویج و تسهیل ازدواج و تشکیل و استمرار خانواده به عنوان اصل و محور و امر مقدس و سنت اسلامی و نفی تجرد در جامعه.

از طریق:

- اتخاذ سیاست های اجرایی و وضع قوانین و مقررات تشویقی و حمایتی برای ایجاد تمایل به ازدواج و فرزندآوری در زوج های جوان.
- فرهنگ سازی از طریق رسانه ملی برای ارزش گذاری به تشکیل خانواده، مادری و تربیت فرزند به عنوان مسئولیتی والا.

۴- فراهم آوردن مقتضیات، رفع موانع و زدودن آسیب ها و چالش های «تحکیم خانواده»، فرهنگ سازی و ترویج تعاملات اخلاقی در جامعه و خانواده به عنوان اصلی ترین عامل استواری خانواده با محوریت سه اصل «رضایت و انصاف»، «خدمت و احترام» و «مودت و رحمت» متقابل برای «آرامش و سکینه» و تحکیم پایه های زندگی.

از طریق:

- ممنوعیت نشر برنامه های مخل به ارزش های خانواده و روابط اخلاقی در آن از طریق رسانه ها و نهادهای فرهنگی- هنری.
- فرهنگ سازی از طریق طراحی و نشر «تعاملات اخلاقی در خانواده» و نظارت مستمر برحسن اجرای آن.
- اتخاذ تصمیمات اقتصادی در حوزه کسب درآمد مکفی در محدوده ساعت کار رسمی برای افزایش ساعات حضور اعضای خانواده در کنار یکدیگر به خصوص پدران.

۵- شناسایی و ترویج ارزش های متعالی و سنت های ازدواج و خانواده در اسلام و زدودن پیرایه های باطل از آن و مقابله دائمی با تهدیدات و تهاجم فرهنگی و مؤلفه ها و عملکرد مخرب ضد فرهنگی غرب در مورد خانواده و سبک زندگی خانوادگی اسلامی- ایرانی.

از طریق:

- مبارزه فرهنگی با رفتار «گروه های مرجع» درباره ازدواج فرزندان و تشریفات و تجملات آن.
- اهتمام به کاهش فاصله درآمد بین جوانان تحصیل کرده دانشگاهی و اهل حرف و مشاغل با گروه های مرجع (ورزشکاران، بازیگران سینما و

تلویزیون و فرزندان مسئولین).

- کاهش بار روانی «احساس عدم دستیابی» در بین جوانان از طریق عدم نمایش ازدواج های اشرافی، پررنگ کردن ارزش های اخلاقی، کاهش فاصله طبقاتی و ...

۶- آسیب شناسی و نیازسنجی مستمر مسائل خانواده به منظور ایجاد پشتوانه اصلاحات و تکمیل نظامات حقوق و برنامه های کشور.

از طریق:

- رصد مستمر مسایل خانواده در حوزه های فقهی، حقوقی،تربیتی، اقتصادی و ... در نهادهای ذیربط.
- تعیین تکلیف برای دستگاه ها و نهادهای ذیربط برای شناسایی و تصمیم گیری در حوزه مسائل خانواده با استفاده از نتایج پژوهش ها.

۷- بازنگری، اصلاح و تکمیل نظام حقوقی و رویه های قضایی در حوزه خانواده متناسب با نیازها و مقتضیات جدید و ایجاد سازوکارهای تأمین عدالت و امنیت در تمامی مراحل انتظامی و دادرسی و ضمانت اجرایی احکام در دعاوی خانواده.

از طریق:

- تعیین تکلیف قانونی برای قوه قضاییه به منظور تدوین نظام جدید حقوقی خانواده با تکیه بر «مبنای واحد فقهی» و تهیه قانون جدید خانواده متناسب با مقتضیات جدید.
- الزام ضابطین و مجریان قانون برای بازنگری همه عوامل و مراحل دادرسی و اجرای احکام به منظور تأمین عدالت و امنیت در همه مراحل.

۸- بازنگری و تعیین تکلیف و اصلاح ساختار و تشکیلات دستگاه های اجرایی دولتی و نهادهای عمومی ذیربط برای تأمین مفاد بند۱ و مسئولیت های ناشی از وظایف مصرّح در این سیاست ها.

از طریق:

- تهیه و تدوین لایحه جامع اصلاح ساختار و تشکیلات و تعیین تکالیف

دستگاه های اجرایی توسط هیأت وزیران.

۹- باز تعریف مدل «خانواده، محله ی زندگی، مسجد» و برجسته کردن کارکردهای آنها برای حفظ و ارتقای هویت اسلامی و ملی و صیانت از جامعه.

از طریق:

- تصویب تکالیف قانونی برای شوراهای شهر و شهرداری ها.
- تصویب آئین نامه در هیأت وزیران برای همکاری و تعامل دستگاه های ذیربط در این خصوص.

۱۰- تعیین شاخص های حد و مرز روابط زن و مرد در جامعه به منظور حفظ و تحکیم بنیان خانواده و فرهنگ سازی و ارتقای کیفی نهادهای حکومتی برای نظارت و رعایت آن.

از طریق:

- تصویب طرح جامع در شورای عالی انقلاب فرهنگی مشتمل بر تعیین تکالیف دستگاه ها و نهادهای ذیربط برای اجرای آن.

۱۱- تأمین نیازهای اقتصادی و اشتغال مولد برای خانواده و طراحی سازوکارهای مناسب برای کاهش دغدغه های آینده درباره اشتغال، ازدواج و مسکن فرزندان و ایجاد فضای بانشاط و شاداب برای خانواده ها.

از طریق:

- برنامه ریزی بلند مدت برای تأمین اشتغال و مسکن فرزندان از بدو تولد.

۱۲- جلب مشارکت خانواده برای پیشبرد اهداف و برنامه های کشور در همه عرصه های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و دفاعی.

از طریق:

- سازماندهی اجتماعی ایران با محوریت خانواده.

۱۳- آموزش «مسائل ازدواج و خانواده» در نظام تعلیم و تربیت و نهادهای ذیربط متناسب با سن و جنس.

از طریق:

- تعیین تکلیف قانونی برای وزارت آموزش و پرورش، علوم و تحقیقات، بهداشت و درمان و صدا و سیما.

۱۴- سازماندهی و تسهیل دسترسی به نظام مشاورهای قبل، حین و پس از تشکیل خانواده از طریق حمایت های بیمه ای، تربیت مشاور و ساماندهی ساختار مشاورهای.

از طریق:

- تصویب آیین نامه مربوط به هیأت وزیران و تعیین تکالیف دستگاه ها و نهادهای ذیربط در آن.

۱۵- ایجاد سازوکار اجرایی مشاوره و تشخیص صلاحیت ازدواج (عقل و رشد مورد نیاز برای تشکیل خانواده و کفویت زوجین) به عنوان پیش نیاز ثبت ازدواج.

از طریق:

- تهیه و تدوین لایحه از طریق قوه قضاییه برای تصویب در مجلس.

۱۶- توانمندسازی هریک از اعضای خانواده در مسئولیت پذیری، تعاملات خانوادگی و ایفای نقش و رسالت خود با تأکید بر ارتباط بین نسل ها و نقش های جنسیتی.

از طریق:

- تقویت مشکلات متولی امر خانواده با تعیین تکلیف قانونی با همه لوازم آن.

۱۷- طراحی مدل های اسلامی- ایرانی برای آشنایی دختران و پسران به قصد ازدواج با حفظ حریم عفاف و با نظارت خانواده ها.

از طریق:

- تعیین مأموریت برای تشکیلات متولی امور خانواده به منظور طراحی و مدیریت راهبردی آن.

۱۸- شناسایی مستمر عوامل طلاق و فروپاشی خانواده و طراحی سازوکارهایی برای پیشگیری از آن و حمایت همه جانبه از آسیب دیدگان ناشی از طلاق بخصوص فرزندان و زنان.

از طریق:

- واگذاری تکلیف اجرایی از سوی هیأت وزیران به مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری از طریق تصویب آیین نامه مربوطه.

۱۹- حمایت همه جانبه حقوقی، اقتصادی و فرهنگی از خانواده های با سرپرستی زنان.

از طریق:

- پیش بینی مواد مربوطه در قانون بودجه سنواتی و برنامه های پنج ساله توسعه.

۲۰- مدل سازی برای حفظ احترام و کرامت کهن سالان برای مراقبت های جسمانی و روحی و عاطفی آنان.

از طریق:

- واگذاری تکالیف قانونی به سازمان بهزیستی از سوی هیأت وزیران.

نظر مشورتی مجمع تشخیص مصلحت نظام

خانواده واحد بنیادی و سنگ بنای جامعه اسلامی و کانون رشد و تعالی انسان و پشتوانه سلامت و بالندگی و اقتدار و اعتلای معنوی کشور و نظام است و سمت و سوی حرکت نظام باید معطوف باشد به :

۱- ایجاد جامعه ای خانواده محور و تقویت و تحکیم خانواده و کارکردهای اصلی آن برپایه الگوی اسلامی خانواده به عنوان مرکز نشو و نما و تربیت اسلامی فرزند و کانون آرامش بخش

۲- محور قرارگرفتن خانواده در قوانین و مقررات ، برنامه ها ، سیاست های اجرایی و تمام نظامات آموزشی ، فرهنگی ، اجتماعی و اقتصادی بویژه نظام مسکن و شهرسازی

۳- برجسته کردن کارکردهای خانواده و مسجد برای حفظ و ارتقای هویت اسلامی و ملی و صیانت از خانواده و جامعه

۴- ایجاد نهضت فراگیر ملی برای ترویج و تسهیل ازدواج موفق و آسان برای همه دختران و پسران و افراد در سنین مناسب ازدواج و تشکیل خانواده و نفی تجرد در جامعه با وضع سیاست های اجرایی و قوانین و مقررات تشویقی و حمایتی و فرهنگ سازی و ارزشگذاری به تشکیل خانواده متعالی براساس سنت الهی

۵- ارتقای سرمایه اجتماعی و استحکام مناسبات و استواری روابط خانوادگی برپایه رضایت و انصاف ، خدمت و احترام و مودت و رحمت با تأکید بر:

–بکارگیری ظرفیت های آموزشی ، تربیتی و رسانه ای کشور بمنظور ایفای نقش یکپارچه در جهت تحکیم بنیان خانواده و رابط خانوادگی

–فرهنگ سازی و تقویت تعاملات اخلاقی

–مقابله موثر با جنگ نرم دشمنان برای فروپاشی و انحراف روابط خانوادگی و رفع موانع و زدودن آسیب ها و چالش های تحکیم خانواده

–ممنوعیت نشر برنامه های مخل ارزش های خانواده

–ایجاد فرصت برای حضور مفید و موثر اعضای خانواده در کنار یکدیگر و استفاده موثر خانواده از اوقات فراغت بصورت جمعی

۶– ارائه و ترسیم الگوی اسلامی خانواده و تقویت و ترویج سبک زندگی اسلامی – ایرانی با :

–ترویج ارزش های متعالی و سنت های پسندیده در ازدواج و خانواده

–پررنگ کردن ارزش های اخلاقی و زدودن پیرایه های باطل از آن

–مبارزه با اشرافیت و تجمل گرایی و مظاهر منحط فرهنگ بیگانه

–برجسته سازی رفتارهای شایسته گروه های مرجع و جلوگیری از شکل گیری گروه های مرجع ناسالم

۷–بازنگری ، اصلاح و تکمیل نظام حقوقی و رویه های قضایی در حوزه خانواده متناسب با نیازها و مقتضیات جدید و حل و فصل دعاوی در مراحل اولیه توسط حکمیت و تأمین عدالت و امنیت در تمامی مراحل انتظامی ، دادرسی و اجرای احکام در دعاوی خانواده با هدف تثبیت و تحکیم خانواده

۸–ایجاد فضای سالم و رعایت روابط اسلامی زن و مرد در جامعه

۹–فراهم آوردن زمینه لازم و طراحی سازوکار مناسب برای ایجاد اشتغال ، تأمین مسکن و ارتقای معیشت و اقتصاد خانواده ها توانمندسازی آنان برای کاهش دغدغه های آینده

۱۰–ساماندهی نظام مشاوره و آموزش و تسهیل دسترسی به آن قبل ، حین و پس از تشکیل خانواده براساس مبانی اسلامی – ایرانی در جهت تحکیم بنیان خانواده

۱۱–توانمندسازی اعضای خانواده در مسئولیت پذیری امور خانواده و تعاملات اجتماعی، اقتصادی و تربیت نسل سالم، مومن، مولد و بانشاط

۱۲–حمایت از عزت و کرامت همسری ، نقش مادری ، خانه داری و اجتماعی زنان و نقش پدری و اقتصادی مردان و مسئولیت تربیتی و معنوی زنان و مردان

۱۳–پیشگیری از آسیب های اجتماعی و عوامل تزلزل نهاد خانواده بویژه موضوع طلاق ، اعتیاد و جبران آسیب های ناشی از آن با شناسایی مستمر عوامل طلاق و فروپاشی خانواده و فرهنگ سازی کراهت طلاق

۱۴–حمایت حقوقی ، اقتصادی و فرهنگی از خانواده های با سرپرستی زنان و تشویق و تسهیل ازدواج آنان

۱۵–اتخاذ روش های حمایتی و تشویقی مناسب برای تکریم سالمندان درخانواده و تقویت مراقبت های جسمی و روحی و عاطفی از آنان

۱۶–ایجاد سازوکارهای لازم برای ارتقای سلامت همه جانبه خانواده ها بویژه سلامت باروری و فرزندآوری در راستای برخورداری از جامعه سالم ، پویا و بالنده

۱۷–بازنگری و اصلاح و آموزش قوانین و مقررات مربوط به فرزندان و والدین

بخش چهارم: گزارش و نقد کتاب

گزارشات:

– خانواده، رهیافتی نو در عرصه ی سیاست گذاری عمومی/ بهمن مشکینی

خانواده، رهیافتی نو در عرصه‌ی سیاستگذاری عمومی

این مقاله در فصلنامه پویش راهبردی شماره دوم به چاپ رسیده است.

بهمن مشکینی[1]

چکیـــده

خانواده، صرف نظر از تعاریف گوناگونی که برای آن شده است، با پیوند زناشویی بین زن و مرد آغاز می شود. سبب اصلی این پیوند، میل و کشش درونی انسان از جنبه ی غرایز و عواطف و انگیزه‌ی بقای نسل به حکم عقل و علاقه به تکامل معنوی در سایه ی زوجیت از جنبه ی فطرت الهی انسان است. این جهات متنوع موجب شده تا جنبه‌های دینی ، اخلاقی، حقوقی و عاطفی درباره ی این پیوند در هم آمیزند و علوم جدید نیز به طور مستقل یا میان رشته ای به بحث درباره‌ی آن بپردازند.این مقاله، درصدد است با نگاهی همه جانبه به موضوع خانواده و تحلیل وضعیت خانواده در جامعه ایران رهیافتی نو در عرصه سیاستگذاری عمومی ارائه دهد.واقعیت آن است که خانواده باید کانون سیاست گذاری در عرصه های فرهنگ و هنر ، آموزش، اقتصاد و امور زیربنایی قرار گیرد، چنانچه در این مقاله به نتیجه رسیده ایم.

واژگان کلیدی

خانواده ، ازدواج

---

[1] - محقق و پژوهشگر

مقدمه

خانواده، نهادی طبیعی است که از فرط بداهت، درست دیده نمی‌شود. مجموعه آموزه‌های الهی و خطابه‌های نبوی و ولایی و تبیین و تفسیر شریعت توسط عالمان متأله تا به زبان نظامات تقنینی، فرهنگی، اقتصادی و ... ترجمه نشود و همه از اهمیت و قداست و اصالت خانواده سخن نگویند، در مقام برنامه‌ریزی‌های توسعه، بسان کتاب آسمانی که به آن عمل نشود خواهند بود.

خانواده، به عنوان یک نهاد، از وجوه مختلف قابل مطالعه است:

– مبانی نظری و رویکرد به خانواده و تشکیل آن:

رویکرد قرآن و سنت و بزرگان فکری و همچنین بررسی وضعیت خانواده در فرهنگ غرب در این بخش مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

– مطالعه روندی از مرحله شکل‌گیری تا استمرار:

موضوعاتی نظیر آمادگی برای تشکیل خانواده (بلوغ، عقل و رشد)، همسریابی، کفویت، نیازهای اقتصادی، روابط و مناسبات خویشاوندی، تولد فرزندان، نیازهای متقابل و بسیاری عناوین دیگر به صورت روندی و کارکردی در این بخش مورد بحث قرار می‌گیرد.

– بررسی نسبت محیط بیرونی با خانواده:

نهادهای اجتماعی و قوای سه‌گانه نسبت به خانواده دارای نقش‌های فراوان و متفاوتی هستند. تعیین این نسبت و سپردن مسئولیت‌ها و نقش‌ها باید مورد بررسی قرار گیرد.

– تحلیل وضعیت خانواده در ایران:

تحلیل وضعیت خانواده، با استفاده از اطلاعات و آمار و شاخص‌های مربوط، برای تشخیص چالش‌های کنونی خانواده ضروری است. در این بین بررسی نسخه‌هایی که درحوزه‌ی خانواده ارائه می‌شود نیز باید صورت گیرد.

۱- مبانی نظری

خانواده، کوچک‌ترین نهاد اجتماعی است که با اراده یک زن و مرد شکل می یابد و با پیوندهای خانوادگی و تولد فرزندان بزرگ تر می‌شود و رفته رفته فرهنگ و ارتباطاتی را پایه گذاری می کند که منجر به پدید آمدن جوامع روستایی و شهری می‌گردد. از این جهت خانواده نهادی حساس است چون نقشی حیاتی برای رشد، پیشرفت و اجتماعی شدن نوع انسان ایفا می‌کند.

در این بین، خانواده یک نظام صرفاً درون‌گرا نیست، بلکه با همه‌ی نظام‌های بیرون از خود در ارتباط است و در تأثیر و تأثر دائمی با آنها قرار دارد.

در قرآن و سنت به خانواده توجه جدی شده و در عصر ما نیز عالمان دینی تلاش کرده‌اند این آموزه‌های دینی را به صور گوناگون بیان کنند. همچنین در فرهنگ غرب نیز رویکردی متفاوت به موضوع خانواده شده است که به اختصار به هریک از آنها می‌پردازیم:

۱-۱- قرآن

قرآن، بنیان هستی را بر پایه زوجیت دانسته (و خلقناکم ازواجاً) و استمرار حیات بشر و پدید آمدن جوامع را به یک زن و مرد نسبت می‌دهد و می‌فرماید:

یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ...[۱]

ای مردم! ما شما را از یک مرد و یک زن آفریده ایم و شما را به هیئت اقوام و قبایلی در آورده ایم تا با یکدیگر انس و آشنایی یابید.

حضرت باری تعالی سپس مبنای زوجیت را وحدت اعلام کرده (و هوالذی خلقکم من نفس واحده و جعل منها زوجها لیسکن الیها)[۲] و اخلاق و آرامش را ثمره شیرین پیمان زناشویی می‌داند.

در سوره مبارکه روم می‌فرماید:

و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم موده و رحمه[۳]

۱. حجرات/۱۳
۲. اعراف/۱۸۹
۳. روم/۲۱

و خداوند برای شما از نوع خودتان، همسرانی آفرید که با آنان آرام گیرید و در میان شما دوستی و مهربانی افکند.

از نظر قرآن، تشکیل خانواده، امری فطری و حرکت در جهت خواسته الهی است و از این منظر، ازدواج و خانواده، مقدس و محترم است و ترک آن سرزنش شده است.

قرآن می فرماید: انت لباس لهم ، هن لباس لکم[۱]

این عبارت بیانگر روابط زن و مرد در خانواده است. محققین معانی متعددی برای این عبارت ذکر کرده‌اند. از آن جمله و مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- زن و مرد مکمل یکدیگرند؛ وجود یکی بدون دیگری نقص است.
- زن و مرد عیب‌پوش یکدیگرند.
- رابطه‌ی زن و مرد یک رابطه‌ی دیگر خواهی و نفی خودخواهی‌هاست.
- خانواده، حجابی در مقابل نامحرم و دیگران است.
- محور رابطه‌ی زن و مرد، اخلاقی است و سیر الی الله با محاسبه و مراقبه و سفارش به نیکی‌ها در سایه زوجیت محقق می‌شود.

این برداشت‌ها، نشانگر عمق بینش اسلامی درباره خانواده است که در مباحث بعدی راه گشا خواهد بود.

۲-۱- روایات

در باب نکاح روایات بسیاری وارد شده است که همگی نشان دهنده‌ی اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده و مبغوض بودن ترک ازدواج است.

از آن جمله‌اند:

ما بنی فی الاسلام بناء احب الی الله عزوجل ، و اعز من التزویج [۲]

هیچ بنایی در اسلام دوست داشتنی‌تر و عزیزتر از ازدواج نزد خداوند عزوجل نیست.

---

۱. بقره/۱۸۷

۲. رسول اکرم (ص) / بحار الانوار/ ج ۱۰۳/ص ۲۲۲

شرارکم عزابکم، رکعتان من متأهل خیر من سبعین رکعه من غیر متأهل[۱]

بدترین شما، آنانی هستند که ازدواج نمی‌کنند، دو رکعت نماز از متأهل، بهتر از هفتاد رکعت نماز از مجرد است.

همچنین قدم گذاشتن برای ازدواج جوانان توصیه شده و این نشان‌دهنده‌ی اهمیت ویژه تشکیل خانواده در اسلام است:

من زوج عزبا کان ممن ینظر الله الیه یوم القیامه [۲]

کسی که مجردی را به زوجیت درآورد از جمله کسانی است که روز قیامت مورد عنایت حضرت حق قرار می‌گیرد.

۳-۱- قانون اساسی

در مقدمه‌ی قانون اساسی آمده است:

خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یابنده‌ی انسان است اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است.

از این عبارت استخراج می‌شود:

۱- خانواده در جمهوری اسلامی ایران، بنیادی‌ترین واحد اجتماعی است.

۲- خانواده کانون اصلی رشد و تعالی انسان است.

۳- فراهم کردن امکانات برای ایفای نقش خانواده از وظایف حکومت اسلامی است.

در اصل دهم نیز همه‌ی قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌ها را برای آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی می‌شمرد.

« ازآن جا که خانواده واحد بنیادی جامعه‌ی اسلامی است، همه‌ی قوانین و مقررات و

۱. رسول اکرم (ص) / کنز

۲. امام صادق (ع)/ بحار الانوار/ ج۷/ ص ۲۹۸

برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.»

۴-۱- رهبران و بزرگان فکری

رهبران و بزرگان فکری، از زوایای گوناگون به موضوع خانواده پرداخته اند. امام خمینی(ره) خانواده را کانون علم و اخلاق و تربیت می دانند:

«خانه‌ی مطلوب مسلمان، خانه‌ی تربیت است. خانه‌ی مسلمان خانه‌ی علم و اخلاق است.»

ایشان آگاهی ها و مهارت های لازم برای تشکیل خانواده را ضروری می دانند و می فرمایند :

« مرد و زن برای ازدواج و تشکیل خانواده باید عالم به تعلیم و تربیت و قوانین و آداب اسلامی بوده و آنها را ا جرا نمایند.»

رهبر معظم انقلاب خانواده را کلمه طیبه می‌دانند و با الهام از آیه ۱۲ سوره مبارکه روم می‌فرمایند:

«مرد برای یافتن آرامش، به زن در محیط خانواده احتیاج دارد؛ زن هم برای یافتن آرامش به مرد در محیط خانواده احتیاج دارد.»

این تعبیر، در مقابل کسانی است که آرامش در کنار همسر را یک طرفه تفسیر می‌کنند حال آن که از منظر حضرت آیت الله خامنه‌ای، آرامش، اطمینان، امنیت، مودت و رحمت در زندگی زناشویی دوطرفه است.

ایشان آنگاه می‌فرمایند:

«خانواده در اسلام یعنی محل سکونت دو انسان؛ محل آرامش روانی دو انسان؛ محل انس دو انسان با یکدیگر؛ محل تکامل یک نفر به وسیله نفر دیگر؛ آن‌جایی که انسان در آن صفا می‌یابد؛ راحتی روانی می‌یابد؛ این محیط خانواده است.»

علامه طباطبایی(ره) نیز می‌فرماید:

«اسلام، ازدواج و تشکیل خانواده را عامل اصلی پیدایش و بقای جامعه بشری تشخیص می‌دهد.»

همچنین استاد شهید مطهری(ره) درباره‌ی خانواده با طرح مباحث گسترده می‌نویسد: «نه تنها ازدواج مقدس است، بلکه کانون خانوادگی مقدس است.» و ادامه می دهد:

« اسلام زندگی خانوادگی را یک اجتماع طبیعی می داند و برای این اجتماع طبیعی یک مکانیسم مخصوص تشخیص داده است و رعایت آن مکانیسم را لازم و غیرقابل تخلف دانسته است.»

ایشان عامل تشکیل خانواده را عامل اخلاقی می‌داند و سپس به موضوعی عمیق اشاره می‌کند:

«کانون خانوادگی و فلسفه‌ی خانوادگی و روح خانوادگی عبارت است از روح مافوق غریزه جنسی که میان دو نفر پیدا می‌شود؛ یعنی شخصیت یکدیگر را دوست دارند و تا سنین پیری که دیگر غریزه جنسی به کلی ضعیف یا نابود می‌شود، علقه خانوادگی و محبت میانشان هست و روز به روز هم شدیدتر می‌شود.»

از این جا به بعد استاد مطهری(ره) به عامل اخلاقی در خانواده می پردازند و در عباراتی این طور می‌آورند:

– ازدواج صرفاً برای اطفای غریزه جنسی نیست، مسئله وحدت و صمیمیتی است که باید پایدار بماند؛

– در نظام اجتماع، قانون اساس است و در اجتماع خانوادگی عواطف؛

– علقه خانوادگی علقه خاصی است براساس عواطف و وحدت و یگانگی و صمیمیت، برخلاف علقه اجتماعی که اساس آن بیگانگی و عدالت است؛

– مشکلات خانواده و زندگی خانوادگی را فقط محبت می تواند حل کند نه عدالت و قانون ؛

حضرت آیت الله جوادی آملی نیز عبارات متعددی در این باب دارند که مشابهت زیادی با نظرات استاد مطهری دارد. ایشان می‌فرماید:

– خانواده، براساس محبت و عقلانیت اداره می‌شود؛

– خانواده، با اخلاق و عشق اداره می‌شود، نه با حقوق و وظایف؛

از بیانات رهبران و بزرگان فکری که همه‌ی آنها از یک سنخ اند برداشت می‌شود: اولاً خانواده مقدس است. ثانیاً عامل اصلی تعیین‌کننده در تشکیل و اداره‌ی خانواده، محبت و عقلانیت می‌باشد.

اما آنچه فهم ما درباره‌ی خانواده را از منظر جهان بینی اسلامی عمیق‌تر می‌سازد عباراتی است

که در آنها شهید مطهری(ره) به لایه درونی‌تر ازدواج و خانواده اشاره می‌کنند:

به عقیده‌ی ما اساس و ماهیت زندگی خانوادگی شرکت و مالکیت نیست، وحدت است؛

– زندگی خانوادگی اساسش از بین رفتن من و تو و ایجاد یگانگی است؛

– ازدواج، شکستن حصار خودی است.

این عبارات تکلیف انسان در قبال مسیر الی الله را در سایه‌ی زوجیت روشن می‌سازد و فرسنگ ها با مباحثی که خانواده را در تقسیم مالکیت و چارچوب ها و قراردادها محدود می‌کند فاصله دارد.

۵-۱- فرهنگ غرب

ازدواج، در مسیحیت پس از مسیح (ع) یک تنزل از مقام تقرّب محسوب می‌شود و راهبان مسیحی به همین دلیل از ازدواج منع می‌شوند. گرچه این به معنای نفی «تشکیل خانواده» در غرب نیست لکن به آن صورت که در اسلام، ازدواج، مسیر قرب الی الله معرفی شده، نمی‌باشد.

نظامات حقوقی خانواده در غرب، به گونه‌ای است که علقه خانوادگی در حصار تنگ «قرارداد اجتماعی» قرار می‌گیرد و جدا شدن زوجین از یکدیگر یک امر عادی محسوب می‌گردد. گرچه در این باره، ممنوعیت طلاق نزد کاتولیک‌ها یک استثنای مذهبی است که به نوبه‌ی خود مشکلات دیگری به وجود آورده است، حال آن که اسلام، که طلاق را مذموم دانسته در مواردی همین طلاق مذموم را واجب شمرده است.

اخیراً نیز برخی کشورها نظیر انگلستان، تعریف ازدواج را از دو جنس به یک جنس تغییر داده‌اند. صرف‌نظر از نگاه ارزشی به این مطلب، این امر حاکی از نوع نگاه بخشی از جامعه‌ی غرب به ازدواج است که البته به دلیل سنت‌ها و ارزش‌های دینی هنوز اکثریت، در برابر آن مقاومت می‌کنند. باید توجه داشت که بسیاری معتقدند این همجنس‌گرایی زاییده‌ی نگاه فمینیستی به موضوع رابطه‌ی زن و مرد و خانواده می‌باشد.

آن‌چه مسلم است این که، ازدواج آن‌چنان که در اسلام مقدّس است در غرب جنبه‌ی تأکیدی و تقدّسی ندارد و طلاق نیز نظیر آن‌چه در اسلام قبیح است، اصلاً مذموم نمی‌باشد.

به رسمیت شناخته شدن زندگی مشترک هم‌خانگی (بدون ازدواج)، بی‌بند و باری جنسی،

افزایش سن ازدواج بدون آن که توصیه به ازدواج یک فرهنگ پذیرفته شده باشد و مواردی از این قبیل، حداقل نشان از عدم تأکید جدّی بر موضوع ازدواج و تشکیل خانواده در غرب دارد. البته جامعه‌شناسان به موضوع خانواده خصوصاً از جنبه‌ی یک نهاد اجتماعی و کارکردهای آن توجه کرده و مطالب قابل استفاده‌ای در این زمینه به جامعه بشری عرضه کرده‌اند که مبدأ بسیاری از تصمیمات به نفع خانواده شده است.

۶-۱- بحث و نظر

آنچه از قرآن و روایات و کلام بزرگان فکری مستفاد می شود آنست که با وجود آن که ازدواج یک پیمان و قرارداد بین زن و مرد است لکن جنس آن با قراردادهای اجتماعی متفاوت می‌باشد.

– ازدواج و استمرار آن در قالب کانون خانواده مقدس شمرده شده است.

– علقه زوجیت و خانوادگی با علقه های دیگر اجتماعی متفاوت است. این علقه براساس عواطف و وحدت و یگانگی است و آن دیگری براساس بیگانگی و قانون .

– مسئله ی خانواده در این بینش با محبت و عشق و عقلانیت جلو می رود و حل و فصل می‌شود و در اجتماع با قانون.

– طلاق در این بینش مذمت شده است.

در مقابل، در فرهنگ غرب، ازدواج مقدس نیست، صرفاً یک پیمان است که در آن تقسیم مالکیت مسئله‌ی تعیین‌کننده‌ای است. تشکیل‌خانواده، ارزش‌گذاری دینی و معنوی نمی شود و طلاق، قبیح نیست. در این بینش، قانون همان طور که در نظام اجتماع عامل تعیین کننده است در خانواده نیز همین طور می باشد.

اشتباهی که رخ داده است این است که قضاوت درباره‌ی خانواده در اسلام صرفاً براساس احکام فقهی است. فقه، مجموعه تکالیف و نظام حقوقی اسلام است و نه جهان‌بینی اسلامی. رابطه‌ی جهان بینی با فقه همان رابطه‌ی جهان بینی با ایدئولوژی است که در آن جهان‌بینی زیرساخت ایدئولوژی (مجموعه بایدها و نبایدها) می‌باشد.

گرچه فقه شیعی از چنان قابلیتی برخوردار است که می تواند با تکیه بر اصول و مبانی خود، آنچه در بینش جهان شمول اسلامی وجود دارد را در قالب نظام حقوقی مضبوط کند، لکن هنوز از همه‌ی این ظرفیت‌ها استفاده نشده است. قواعد اجتهاد دست فقیه را برای بهتر دیدن

مستحدثات و مقتضیات و اجتهاد بر اساس اصول بازگذارده است.

یکی از شواهد مثال برای روشن شدن مطلب این که:

– در فقه، وظیفه‌ی مرد در قبال زن و خانواده، تأمین نفقه تعیین شده است. گرچه موارد دیگری نظیر حسن معاشرت نیز از وظایف مرد است و در قانون خانواده نیز به آن اشاره شده لکن ضمانت اجرایی برای آن ذکر نشده است. از ناحیه‌ی حقوق نیز، تعدد زوجات، تمکین وسایرموارد حقوق مرد می‌باشد. پرسش اصلی این است که آیا از همه ی آنچه در بینش اسلامی نسبت به خانواده وجود دارد همین مقدار می تواند خروجی تکالیف شرعی مرد در قبال خانواده باشد؟ و آیا برای توصیه‌هایی که به مردان شده است نمی تواند ضمانت‌های شرعی در فقه به وجود آید؟

– اکثر متشرعین، تربیت فرزند را وظیفه‌ی زن شمرده‌اند. قطعاً زن نقش برجسته و بی بدیلی در تربیت فرزندان دارد، لکن آیا «مرد» وظیفه ای در این بین ندارد؟ از متن آموزه‌های دینی روشن می‌شود که مرد نه تنها در این قضیه وظیفه داردبلکه در موضوعاتی، مسئولیت اصلی بر عهده‌ی اوست. چگونه است که برای حضور مرد در خانه تکلیفی شرعی تعیین نشده باشد و او بتواند به این وظیفه‌ی خود عمل کند؟ قول مشهور فقها این است که در صورتی که مرد یک زوجه دارد واجب است یک شب از چهار شب را نزد او بگذراند و سه شب دیگر آزاد است۱. این در شرایطی است که آیت الله جوادی آملی در کتاب «زن در آیینه جلال و جمال» آورده‌اند: «اگر مرد از محل کار بیرون بیاید و به منزل نرود قوّام و قیّوم و فرمانروا و مدیر نیست.» این مطلب را چگونه می توان با فتوای مشهور جمع کرد؟ این از مصادیق فقدان ساز وکار فقهی برای وظایف مرد در قبال خانواده است.

– از این منظر اگر بخواهیم برخی نقل ها درباره متشرعین پیش از خود را واکاوی کنیم دچار تناقض خواهیم شد. نقل است که بزرگی در حال کار علمی بودند و خبرآمد که فرزندشان بیمار است. ایشان در حد بیان جمله‌ای یا تکان دادن سر اکتفا کردند و به کار خود ادامه دادند. پس از آن خبر آوردند که فرزند از دنیا رفت و ایشان پس از ذکر اناالله و انا الیه راجعون کار خود را از سر گرفتند .

البته در منبع این گونه نقل ها، چگونگی و صحت و سقم آن باید تردید کرد، لکن اگر چنین باشد از نظر فقهی کار خلافی صورت نگرفته است.

۱– رویکردی نوین در روابط خانواده (شورای فرهنگی– اجتماعی زنان)

پرسش این است که آیا انسانِ تربیت شده‌ی اسلام و خواسته‌ی حضرت مصطفی(ص) از پیروانش، این گونه است؟ قطعاً این‌طور نیست و برای آن شواهد فراوانی نیز وجود دارد. پس چرا این گونه می شود؟ چرا در شرایط کنونی اجتماعی، مردان متشرع به خود اجازه می دهند همسر دوم (دائمی یا موقت) اختیار کنند بدون آن که وجوه این اقدام شرعی خود درباره زن و خانواده خود و آنچه در کلام استاد مطهری(ره) و حضرت آیت الله جوادی آملی به آنها اشاره شده را به عنوان بخش دیگر و اصلی تر بینش اسلامی مد نظر داشته باشند.

اینها به دلیل عدم مداخله همه‌ی اجزا و لوازم منظومه بینش اسلامی در اجتهاد و احکام فقهی است.

شاهد آن بوده ایم که امام خمینی(ره) با ملاحظه همین مطلب، موضوع رضایت همسر اول را برای تعدد زوجات مطرح کردند که این البته آغاز راه بود و متأسفانه بسط و عمق پیدا نکرد. اعتقاد نگارنده این است که با نقطه ضعف اساسی که در فرهنگ غرب درباره‌ی ازدواج و خانواده وجود دارد اگر موضع اسلام در مباحث خانواده درست فهمیده شود و در ساحت نظامات حقوقی جاری و ساری گردد، جهانیان خواهند دانست اسلام در چه جایگاه ممتازی در مباحث اساسی امروز جامعه بشری قرار دارد.

۲– خانواده، از مرحله ی شکل گیری تا استمرار

۱-۲- پیش از ازدواج

فاصله‌ی بلوغ جنسی تا سن رشد را می توان دوره‌ی آمادگی برای ازدواج دانست. این دوره در دهه‌های گذشته کوتاه تربود و شکل‌گیری ساده‌تری داشته است؛ به تدریج که زندگی شهرنشینی گسترش یافت و عوامل تأثیر گذار بر این دوره تنوع پیدا کرد، با دوره‌ای طولانی‌تر و پیچیده‌تر روبه رو شده‌ایم. در گذشته، آگاهی‌ها و مهارت‌های موردنیاز برای ازدواج و اداره زندگی ساده‌تر و متفاوت از وضعیت کنونی بود. این آگاهی‌ها و مهارت‌ها به تدریج در خانواده گسترده و به نسل بعد منتقل می‌شد. در دوره ی جدید این نیازها بسیار متنوع شده و انتظار انتقال آن از خانواده به فرزندان دور از واقعیت است.

فهرستی از مهمترین این نیازها را می توان به این ترتیب ارائه کرد:

مقاطع سنی	نیازها
دوره ی بلوغ	– احکام بلوغ – آگاهی های علمی دوره ی بلوغ – آگاهی ها و مهارت های بهداشت جنسی – آگاهی‌ها و مهارت‌های موردنیاز درباره‌ی جنس مخالف و آسیب‌های بهداشتی، تربیتی و روانی ارتباط با جنس مخالف – آگاهی‌ها و پیشگیری‌های لازم درباره‌ی مسائل روحی‌وروانی خاص این دوره
دوره‌ی دبیرستان	– مهارت‌های زندگی (خانواده) – آگاهی‌های تفصیلی درباره جنس مخالف و نحوه‌ی برخورد متناسب با کرامت انسانی، ترسیم آینده ای روشن در تشکیل خانواده و تقدس ازدواج و خانواده –کیفیت پیشگیری و مقابله با آسیب‌های مربوط به ارتباط با جنس مخالف
۲۲–۱۸ سالگی	– کیفیت و مهارت آشنایی با جنس مخالف برای ازدواج – مهارت‌های جلب رضایت همسر و افزایش علقه زناشویی – اصول و آموزه‌های دینی درباره زندگی زناشویی و خانواده – وظایف شرعی، حقوقی، اخلاقی و عرفی زوجین – اخلاق زناشویی

در این بین، موضوعی که در حوزه‌ی قوانین، درباره‌ی شرایط ازدواج از آن غفلت شده است شرط رشد برای دو طرف می‌باشد.

درگذشته سه عنوان «بالغ و عاقل و رشید» برای پسران و «بالغه و عاقله و رشیده» برای دختران شروط احراز صلاحیت ازدواج ذکر می‌شده است. بلوغ در حوزه‌ی قوانین جای خود را بازکرده گرچه همچنان درباره‌ی سن بلوغ محل بحث وجود دارد.

درباره‌ی عقل نیز به حداقل تشخیص عقل اکتفا می شود حال آنکه تعریف عقل و نیاز به استفاده از عقل در شرایط کنونی بسیار گسترده تر از گذشته است و باید از علوم جدید برای

تعیین حداقل های مورد نیاز استفاده کرد.

لکن رشد مفهومی است که متروک مانده و آن را گاه با بلوغ و گاهی با عقل مترادف گرفته‌اند در حالی‌که حق مطلب این نیست. (در قوانین، به «رشد» اشاره شده است، لکن عملاً آن‌چنان که شایسته است مورد عنایت قرار نمی‌گیرد.)

شهید مطهری(ره) درباره رشد در تألیفات متعددی قلم زده اند و آورده‌اند :

«کلمه‌ی رشد در عربی به معنای نمو نیست که در فارسی استعمال می‌شود بلکه همان معنایی است که در فقه می‌گویند عاقل بالغ رشید. رشد یعنی اینکه انسان در یک ناحیه از نواحی زندگی مثلاً در امر ازدواج آن چنان حدی از فکر و عقل را داشته باشد که مصالح خود را در انتخاب همسر و در اداره زندگی خانوادگی درک کند. معنی رشد، درک ارزش ها و سرمایه‌ها و طرز استفاده و بهره برداری از آنهاست. رشد یعنی قدرت مدیریت؛ رشد یعنی اینکه انسان شایستگی و لیاقت اداره و نگهداری و بهره برداری یکی از سرمایه ها و امکانات مادی و یا معنوی که به او سپرده می‌شود را داشته باشد. رشد مربوط به اندام نیست.یک نوع کمال روحی است. مثلاً در مورد ازدواج، پسری که می‌خواهد ازدواج کند، باید معنی و هدف و ارزش نتایج ازدواج را درک کند و قدرت تشخیص و انتخاب و اراده داشته باشد، به صرف تلقین این و آن، شخصی را به عنوان همسر انتخاب نکرده باشد، همچنان که دختر نیز برای انتخاب همسر باید رشد داشته باشد.[۱]»

از مطالب فوق، می توان این گونه نتیجه‌گیری کرد که باید شرایط رشد از دوره‌ی بلوغ به بعد در خانواده، مدرسه، رسانه، نهادهای دینی و ... فراهم شود تا نسلی آماده‌ی ازدواج گردد و بتواند منتقل‌کننده‌ی فرهنگ و هویت اسلامی به نسل‌های بعد در کانون خانواده باشد.

۲-۲- شکل‌گیری (تشکیل خانواده)

با گسترش جوامع شهری و تغییر الگوی ارتباطات و مناسبات انسانی درسایه‌ی آپارتمان‌نشینی، اشتغال خارج از خانه، بُعد مسافت و ... بازشناسی دختران و پسران آماده ازدواج و تشخیص صلاحیت‌های آنان به موضوعی جدید تبدیل شده است. رفته رفته محیط‌هایی نظیر دانشگاه، پارک‌ها و اماکن عمومی جایگزین روابط خویشاوندی و محله زندگی برای انتخاب همسر شده است.

افزایش سطح تحصیلات و آگاهی‌های عمومی و دسترسی آسان به منابع اطلاعاتی و همچنین

۱- فرهنگ مطهر- ص ۴۳۸

پیچیده‌تر شدن روابط زندگی، نیازمند مهارت افزون بر گذشته برای ازدواج و پایداری زندگی شده است. اختلالات زندگی زناشویی و افزایش میزان طلاق عاطفی و طلاق قانونی، نوعی واهمه برای ازدواج در جوانان ایجاد می‌کند که می تواند در آینده منجر به کاهش تمایل به ازدواج شود.

از این رو می توان مسائل اصلی در این مرحله را به قرار ذیل شناسایی نمود:

الف- طراحی فرصت‌هایی برای انتخاب همسر و تشخیص صلاحیت‌های کفویت در همسر آینده.

آمارها نشان می‌دهند ۵۸ درصد علل مراجعه برای طلاق، «عدم تفاهم و سازش» بوده است. این امر گویای آن است که گام‌های لازم برای شکل‌گیری ازدواج در تشخیص صلاحیت طرفین به خوبی برداشته نشده است.

در این بین، مدیریت و هدایت صحیح روابط و آشنایی‌های قبل از ازدواج در دانشگاه‌ها، فرهنگ سراها و ... و نهادسازی‌های لازم برای ارائه‌ی مشاوره و اطلاع‌رسانی در این زمینه با مراقبت‌های لازم از سوی نهادهای فرهنگی و با نظارت خانواده، می تواند راهگشا باشد.

باید توجه داشت در حال حاضر همچنان ۲۶ درصد ازدواج‌ها به صورت سنتی شکل گرفته است و افزایش آمار طلاق می تواند رابطه مستقیمی با دشواری تشخیص صلاحیت توسط خانواده داشته باشد.

ب- فرصت و اختیار برای انتخاب آزادانه در امر ازدواج.

در نظرسنجی‌ها، ۳۱/۵ درصد زنان اعلام کرده‌اند ازدواج بدون رضایت آنها بوده است. این موضوع، نشان می‌دهد همچنان عامل «رضایت» با چالش روبه‌روست.

فرهنگ‌سازی ازدواج و احکام شرعی در این بین، می تواند یکی از مهم‌ترین عوامل اصلاح وضعیت موجود باشد.

ج- آگاهی، آمادگی و مهارت برای زندگی خانوادگی.

تحلیل علل درخواست طلاق (عدم تفاهم و سازش ۵۸ درصد، مشکلات جنسی در زوجین میانسال ۳۲/۸ درصد و ...) نشانگر آن است که جامعه‌ی جوان ما، مهیای زندگی خانوادگی نشده و از مهارت کافی برای آن برخوردار نیست.

مدارس، رسانه‌ها، منابع مطالعاتی مفید و ... در این زمینه به خانواده کمک نمی‌کنند و خانواده نیز به تنهایی از عهده‌ی این نقش مهم برنمی‌آید. آنچه در مرحله قبل درباره آگاهی ها و مهارت های مورد نیاز فهرست شد باید در این مرحله استمرار و عمق یابد.

۳-۲- پایداری (خانواده نوپا)

در زندگی مشترک، مرحله دشواری وجود دارد که پایداری آینده، طلاق عاطفی یا طلاقِ قانونی محصول چگونگی تنظیم روابط درون خانواده در این مرحله است که معمولاً در حدود سه تا پنج سال پس از ازدواج به طول می‌انجامد.

آمارها نشان می‌دهند ۶۵ درصد درخواست طلاق در سه سال اول زندگی بوده است و این امر مراقبت ویژه از خانواده در این مرحله را ایجاب می‌کند. چالش‌های عمده این مرحله عبارتند از:

۱- عدم پایبندی و مسئولیت‌پذیری مردان جوان در زندگی مشترک.

بیش از ۹۰ درصد زنان جوان، علت مراجعه خود را به دادگاه‌های خانواده عدم تفاهم با شوهر، خشونت خانگی و اعتیاد همسران اعلام کرده‌اند.

باید توجه داشت پسران تصور کاملی از وظایف شرعی و قانونی خود پس از ازدواج ندارند. بسیاری از مردان جوان، همچنان به ارتباطات با دوستان خود ادامه می‌دهند و وقت کافی برای همسران خود اختصاص نمی‌دهند. این به دلیل عدم آماده‌سازی آنها برای ازدواج در مراحل پیشین است. آمارهایی نظیر مشکلات جنسی با فراوانی بیش از ۱۰ درصد (اظهارشده) در اختلافات ازدواج‌های جوانان، گویای واقعیات پیچیده‌ی این مرحله می‌باشد.

چالش‌های دیگر این مرحله نیز عبارتند از:

۲- کمبود مهارت‌های لازم نزد دو طرف.

۳- دخالت‌های غیرمسئولانه اطرافیان.

۴- عدم تنظیم خواسته ها و توقع های اقتصادی، اخلاقی، جسمی و جنسی دو طرف.

۵- فقدان نظامات مشاوره‌ای و حمایتی از خانواده‌های نوپا.

۶- نارسایی‌های اقتصادی و تحمیل آن به فضای روابط خانوادگی.

۴-۲- استمرار (خانواده میانسال)

با تولد و رشد فرزند یا فرزندان و تثبیت‌خانواده، مسائل جدیدی پیش‌روی خانواده قرار می‌گیرد که عمده ی آنها عبارتند از:

۱- تمایلات زنان به فعالیت در عرصه‌های اجتماعی –اقتصادی و علمی.براساس نظرسنجی‌ها، ۵۶ درصد پاسخ‌گویان اعلام کرده‌اند دخترانی که زود ازدواج می‌کنند، فرصت تحصیل و اشتغال را از دست می‌دهند.

نیاز به تحصیل، تمایل به استقلال اقتصادی و موضوع مالکیت اموال به دست آمده در خلال زندگی از مهم‌ترین چالش‌های این مرحله می‌باشد و حجم وسیعی از اختلافات خانوادگی در این مرحله را تشکیل می‌دهند.

۲- تمایلات چندهمسری در مردان.

تمایلات مردان به ازدواج‌های موقت و مجدد، یکی از نابسامانی‌های این مرحله است. جمهوری اسلامی ایران با قرار دادن شرط «رضایت» برای ازدواج‌های رسمی، موضوع تعدد زوجات رسمی را محدود ساخته لکن «ازدواج موقت» و پنهانی یکی از چالش‌های خانواده‌ها و زنان میانسال می‌باشد.

علاوه بر دو مورد فوق، کمبود قوانین لازم حقوقی و حمایتی و عدم وجود ضمانت‌های لازم برای قوانین موجود یکی دیگر از چالش‌های این مرحله می‌باشد.

۳- ضعف و نقص کارکرد مدرسه و نیاز به صرف زمان و هزینه در زمینه‌های تربیتی و آموزشی از سوی خانواده.

۵-۲- کهنسالی

در مرحله‌ی کهنسالی موضوعاتی نظیر بهداشت و سلامت، تأمین اجتماعی و جلب محبت فرزندان حائز اهمیت است .

۶-۲- خانواده‌های با سرپرستی زنان

خانواده‌هایی که به علت فوت یا طلاق، زن سرپرست خانواده می‌باشد با مشکلات، آسیب‌ها و چالش‌های متنوعی روبه رو هستند. موضوعاتی نظیر اشتغال و تأمین اجتماعی از مهم‌ترین

این چالش‌ها هستند که در عرصه‌های بعدی به آنها پرداخته خواهد شد. باید توجه داشت براساس سرشماری سال ۵۸ زنانی که سرپرست خانواده هستند، بالغ بر ۱/۱۴۶/۰۰۰ نفر می‌باشند که نسبت به دهه‌ی قبل ۲۱درصد افزایش داشته است.

۳- نسبت محیط بیرونی با خانواده

خانواده، یک نهاد صرفاً درون‌گرا نیست و با نهادها و محیط‌های بیرونی خود در تعامل است و در عین تأثیرگذاری بر آنها، تأثیر بسیاری نیز می‌پذیرد. در اینجا به برخی از این ارتباطات می‌پردازیم:

۱-۳- نهاد تعلیم و تربیت

دوازده سال از عمر خانواده در ارتباط دائمی و پرحجم با نهاد تعلیم و تربیت می گذرد. هر چه پیش تر رفته‌ایم این ارتباط، ابعاد وسیع‌تری یافته و تقریباً تمامی رفتارهای خانواده را متأثر از خود ساخته است.

– اقتصاد خانواده به طور وسیعی درگیر با نظام تعلیم و تربیت است.

– وقت گذاری برای لذت زندگی تابع تعیین و تکلیف های مدرسه است.

– خانواده باید وقت بسیاری را صرف خنثی سازی تأثیرات غلط محیط و روابط درون مدرسه بر فرزندان نماید.

– خانواده نقش آموزشی مکمل برای فرزندان دارد.

و بسیاری موارد دیگر که در جای خود باید به آنها پرداخت. پرسش اصلی این است که نظام تعلیم و تربیت در قبال این میزان بارگذاری بر دوش خانواده، چه سهمی در کاهش مشکلات و کمک به خانواده برای ایفای نقش خود دارد. خصوصاً این وضعیت در دوره راهنمایی و متوسطه پر رنگ تر است.

خانواده، از نظام تعلیم و تربیت انتظار دارد که فرزندان با هویت دینی و ملی تربیت شوند. مؤدب به آداب اجتماعی باشند. اخلاق محور تربیت آنها باشد. جامعه پذیر و قانون‌گرا و مسئولیت‌پذیر تربیت شوند.

ولی هم مشاهدات و هم نتایج پژوهش‌ها بیانگر واقعیت دیگری است. امروز، خانواده باید افزون بر تأمین هزینه‌ها، نقش‌های بر زمین مانده‌ی نظام تعلیم و تربیت را نیز برعهده بگیرد

و از آن بدتر آموزه های غلط در محیط مدرسه را نیز خنثی کند.

۲-۳- رسانه‌ی ملی

رسانه‌ی ملی در ترویج فرهنگ و ارزش‌ها نقشی بی‌بدیل دارد. این نقش به خوبی شناخته شده و برای آن تلاش می‌شود. رسانه ملی گام‌های مثبتی در موضوع خانواده برداشته است. لکن از دو منظر باید بیش از پیش به این رسالت دینی خود واقف گردد:

۱- کمک به ترویج فرهنگ‌ازدواج، افزایش مهارت زندگی، تحکیم بنیان‌خانواده و کاهش رنج‌ها و آرامش‌بخشی به کانون خانواده.

۲- حفاظت از کانون خانواده با نفی نمایش یا گفتاری که اختلال در روابط خانواده ایجاد می‌کند.

در مواردی مشاهده می‌شود که :

- عشق خیابانی و بدون پشتوانه نظری به فرجام نیک می‌رسد (سریال نرگس و دلنوازان)

- مخالفت پدر با عشق خیابانی منشأ خودخواهانه، مادی و زشت بودن شخصت پدر دارد (سریال نرگس)

- همه مشاجره‌های خانوادگی در هنگام غذا خوردن اتفاق می‌افتد(چند سریال).

- مردان، لایق محبت و فداکاری نیستند (تا ثریا) .

- مردان به همسران خود خیانت می کنند.(چند سریال).

- قبح طلاق کم رنگ می شود.(هزار راه نرفته).

- دعوای سهم ارث از پدر در زمان حیات وی طرح می شود. (چند سریال) .

- فرزندان نسبت به پدر یا مادر بی‌حرمتی می کنند. (چندین سریال) .

اینها در کنار جنگ رسانه ای علیه ارزشهای اسلامی و ملی، در شبکه هایی نظیر فارسی ۱، زمزمه و من و تو که به صورت واضح خانواده را نشانه گرفته‌اند محل تأمل است.

۳-۳- نهاد روحانیت

نهادروحانیت، پدر معنوی جامعه است. این نهاد در ترویج فرهنگ ازدواج، مشاوره و آموزش، تحکیم بنیان خانواده و حل و فصل اختلافات خانوادگی از گذشته تاکنون نقش ممتازی داشته است.

این نقش نسبت به گذشته کمرنگ‌تر شده و هرچه به سمت شهرهای بزرگ و پرجمعیت حرکت می‌کنیم، این نقش در لابه لای جمعیت انبوه گم می‌شود. یکی از دلایل این کاستی، فاصله ای است که روحانیت از زندگی در محله و مسجد و در بین مردم گرفته است. اگر از کرسی ولایت و تصدی برخی مسئولیت‌ها در حکومت دینی بگذریم، هیچ نقشی برای روحانیت ممتازتر از مربی‌گری، معلمی و ترویج فرهنگ دینی از پایگاه مسجد و در سایه‌ی زندگی در بین مردم وجود ندارد.

این نقش باید بازسازی شود . امروز نهاد خانواده به بازیگری این‌چنین در کنارخود نیاز مبرم دارد. موارد فوق، تنها سه شاهد مثال برای بیان نسبت محیط بیرونی با خانواده است. همه‌ی ارکان و نهادهای اجتماعی و حاکمیتی باید نسبت خود را با خانواده تعیین کنند. ارکانی نظیر مقننه، قضائیه، نهادهای برنامه‌ریزی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... باید کارکردهای خود را متناسب با آرمان های نظام در حوزه خانواده و جاری و ساری شدن این آرمان ها از مجرای خانواده تنظیم کنند.

۴- تحلیل وضعیت خانواده در ایران

۱-۴- بررسی اطلاعات و آمار

سال نامه‌ی آماری کشور در سال ۷۸، آمار تعداد خانوار در ایران را ۷۱/۱۰۵/۱۷۷ خانواده اعلام کرده است. استفاده از واژه‌ی خانوار که یک مفهوم «جمعیت‌شناسانه» است به جای خانواده این امکان را برای آمارگیری فراهم نموده تا ساکنین در یک محل سکونت اعم از یک نفر یا بیشتر و یا دارای پیمان زوجیت یا غیر آن را در سرجمع خانوار محاسبه نماید.

این موضوع با تعریفی که ما از خانواده داشته‌ایم فاصله دارد و با تعریفی که در برخی اسناد بین‌المللی وجود دارد نزدیک‌تر است. براساس تعریف ما، نهاد اجتماعی که با پیمان زوجیت آغاز شود و حداقل با یکی از والدین و فرزندان ادامه یابد، «خانواده» نامیده می‌شود. لکن با قراردادن عنوان خانوار، کسانی که در تجرد به سر می‌برند و یا زندگی بدون پیمان زوجیت دارند نیز خانوار محسوب می‌گردند. این موضوع، موجب اختلال در جهت‌گیری برنامه‌های

کشور می‌شود و ضروری است تا نقطه‌ی عزیمت آمار و برنامه‌های کشور در این زمینه از «خانوار» به «خانواده» اصلاح گردد.

جدول های ذیل نشان دهنده‌ی وضعیت ترکیب جمعیتی کشور برحسب خانوار می باشد:

جدول شماره ۱

خانوار و جمعیت برحسب جنس در کل کشور				
شرح	تعداد خانوار	جمعیت		
		مرد و زن	مرد	زن
آبان۱۳۳۵	۳۹۸۵۶۸۰	۱۸۹۵۴۷۰۴	۹۶۴۴۹۴۴	۹۳۰۹۷۶۰
آبان ۱۳۴۵	۵۱۶۷۱۹۲	۲۵۷۸۸۷۲۲	۱۳۳۵۵۸۰۱	۱۲۴۳۲۹۲۱
آبان ۱۳۵۵	۶۷۱۱۶۲۸	۳۳۷۰۸۷۴۴	۱۷۳۵۶۳۴۷	۱۶۳۵۲۳۹۷
مهر ۱۳۶۵	۹۶۷۳۹۳۱	۴۹۴۴۵۰۱۰	۲۵۲۸۰۹۶۱	۲۴۱۶۴۰۴۹
مهر ۱۳۷۰	۱۰۷۸۷۲۲۷	۵۵۸۳۷۱۶۳	۲۸۷۶۸۴۵۰	۲۷۰۶۸۷۱۳
آبان ۱۳۷۵	۱۲۳۹۸۲۳۵	۶۰۰۵۵۴۸۸	۳۰۵۱۵۱۵۹	۲۹۵۴۰۳۲۹
آبان ۱۳۸۵	۱۷۵۰۱۷۷۱	۷۰۴۹۵۷۸۲	۳۵۸۶۶۳۶۲	۳۴۶۲۹۴۲۰

جدول شماره ۲

ترکیب خانوارهای معمولی برحسب ساکن و غیرساکن (آبان ۱۳۸۵)					
شرح	جمع	یک نفره	سرپرست و همسر	سرپرست و همسر و فرزندان سرپرست	سرپرست و فرزندان
کل کشور	۱۷۳۵۲۶۸۶	۹۰۳۱۳۹	۲۱۵۸۶۶۹	۱۱۴۵۵۳۸۸	۹۲۵۲۵۲
ساکن در نقاط شهری	۱۲۲۸۲۹۲۶	۶۳۶۱۹۴	۱۵۶۲۸۷۸	۸۲۰۱۵۶۹	۶۵۳۸۵۰
ساکن در نقاط روستایی	۵۰۴۸۴۳۹	۲۶۶۰۵۳	۵۹۳۸۶۹	۳۲۳۹۰۷۴	۲۷۰۳۷۶
غیر ساکن	۲۱۳۲۱	۸۹۲	۱۹۲۲	۱۴۷۴۲	۱۰۲۶

جدول شماره ۳

ترکیب خانوارهای معمولی برحسب ساکن و غیرساکن (آبان ۱۳۸۵)					
شرح	سرپرست و همسر با سایر	سرپرست و همسر با سایر خویشاوندان درجه یک سرپرست به جز فرزندان	سرپرست و همسر با سایر خویشاوندان درجه یک سرپرست به جز همسر	سرپرست و غیر خویشاوند	سایر
کل کشور	۶۴۱۰۱	۱۹۵۸۹	۲۵۷۱	۵۴۱۷	۱۸۱۸۵۶۰
ساکن در نقاط شهری	۳۴۲۰۰	۱۰۳۹۹	۱۹۳۶	۴۶۶۱	۱۱۷۷۲۳۹
ساکن در نقاط روستایی	۲۹۷۸۶	۹۱۴۵	۶۳۵	۷۳۸	۶۳۸۷۶۳
غیر ساکن	۱۱۵	۴۵	۰	۱۸	۲۵۵۸

این جدول ها نشان می‌دهند:

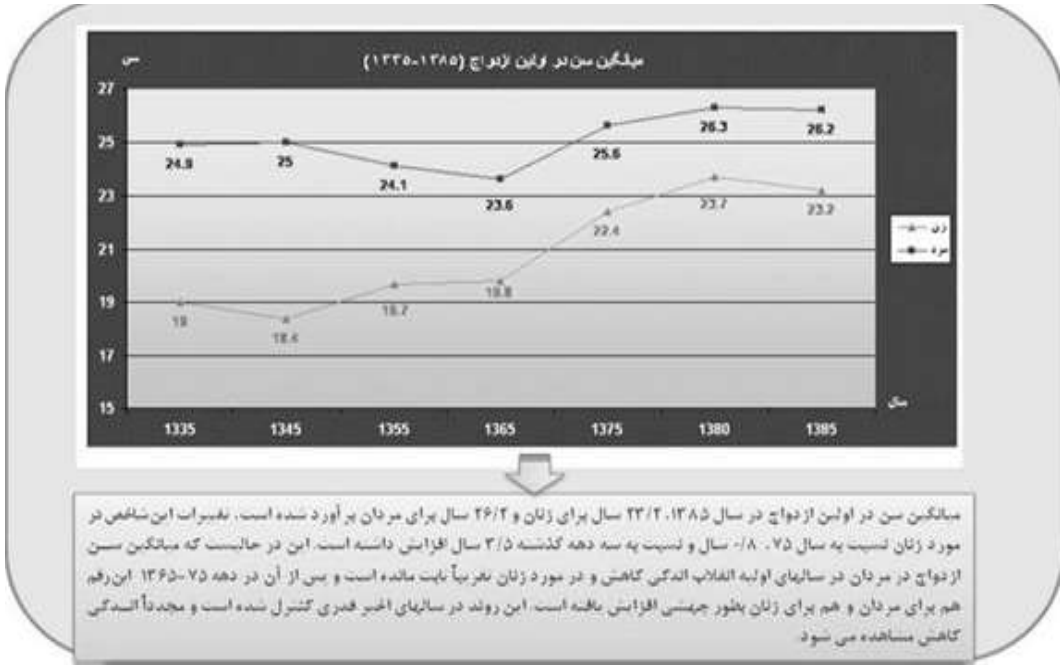
۱- جمعیت کشور و خانوارهای ایرانی طی پنج دهه، شهری‌تر شده‌اند و خانواده با مسائل جامعه شهری روبه رو شده است.

۲- خانوارهای با سرپرست زن در سرجمع خانوارهای ایرانی روبه افزایش است.

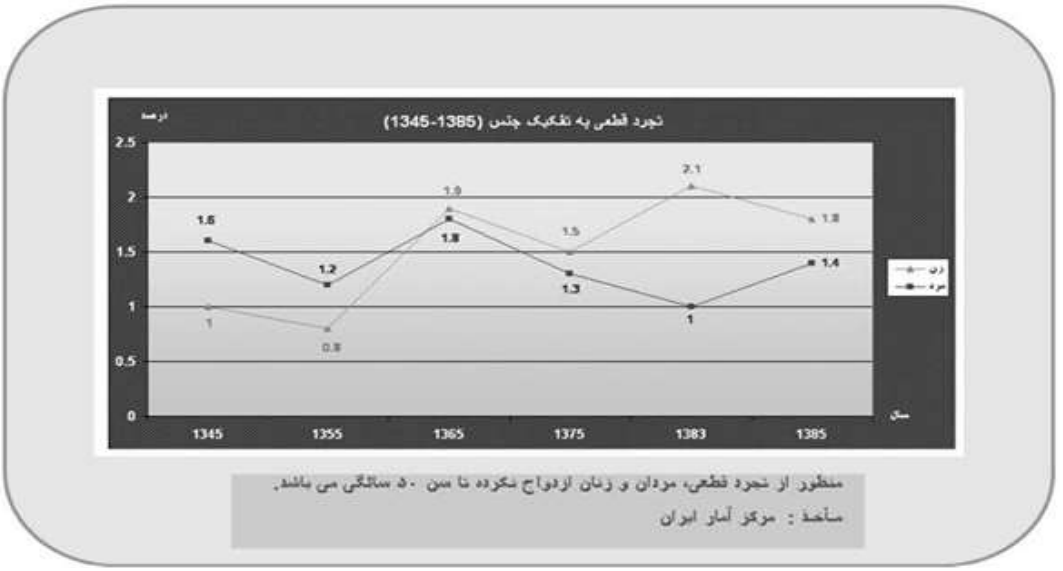
۳- پدیده‌ی «زندگی مجردی» روبه افزایش است.

آمار و اطلاعات تکمیلی در حوزه‌ی خانواده به توصیف وضعیت ازدواج، طلاق و سایر موارد در این حوزه کمک می‌کند که در جداول و نمودارهای بعدی قابل بررسی است:





میانگین سن در اولین ازدواج در سال ۲۳/۲ ،۱۳۸۵ سال برای زنان و ۲۶/۲ سال برای مردان بر آورد شده است. تغییرات این شاخص در مورد زنان نسبت به سال ۷۵ ۰/۸ سال و نسبت به سه دهه گذشته ۳/۵ سال افزایش داشته است. این در حالیست که میانگین سن ازدواج در مردان در سالهای اولیه انقلاب اندکی کاهش و در مورد زنان تغریباً ثابت مانده است و پس از آن در دهه ۷۵-۱۳۶۵ این رقم هم برای مردان و هم برای زنان بطور چهشی افزایش یافته است. این روند در سالهای اخیر قدری کنترل شده است و مجدداً اندکی کاهش مشاهده می شود



منظور از تجرد قطعی، مردان و زنان ازدواج نکرده تا سن ۵۰ سالگی می باشد.
مأخذ : مرکز آمار ایران



توزیع نسبی خانوارهای زن سرپرست برحسب بعد خانوار به تفکیک سال های سرشماری (درصد)

بعد خانوار	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
۱ نفره	۳۶	۳۹	۳۴	۳۶/۰۵
۲تا ۳ نفره	۳۴	۳۲	۳۳	۳۸/۵۳
۴تا ۵ نفره	۲۰	۱۸/۵	۲۱	۱۸/۴۲
۶ نفره و بیشتر	۱۰	۱۰/۵	۱۲	۷
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

در سرشماری سال ۱۳۸۵ بیشتر از یک سوم خانوارهای زن سرپرست ۲ یا ۳ نفره اند.

۵– تحلیل و جمع‌بندی

با شکل‌گیری بنیان‌های جدید اجتماعی، خانواده متأثر از مناسبات جدید، دچار تحول شده و از گسترده به هسته‌ای تغییر شکل داده است. خلأ و در بعضی موارد بحران در کارکردها در شرایطی که به دلیل تحولات جهانی، دوره‌ی گذار توسعه و ضرورت‌های افزون بر گذشته در تأثیر خانواده بر حوزه تربیت، دین، اخلاق و هویت در تقابل با تهاجم فرهنگی، نقش بیشتری برای خانواده ایجاد کرده است و خانواده بیش از گذشته نیاز به حمایت، توانمندسازی و استحکام بخشی دارد.

براین اساس، اصلی‌ترین مؤلفه‌ها برای تحلیل وضعیت خانواده و سیاست‌ریزی بر پایه آن عبارتند از:

الف– خانواده، علاوه بر کارکردهای گذشته، دارای کارکردهای پیچیده جدیدی شده است۱. در عین حال متناسب با کارکردهای گسترده، توانایی‌ها، شرایط و حمایت‌های لازم برای شکل‌گیری، استواری و ایفای نقش خانواده ، به وجود نیامده است.

ب– نقص نهادهای اجتماعی در ایفای نقش و خلأ کارکردی آنها موجب شده است تا باری افزون بر توان خانواده بر دوش آن گذاشته شود۲ و از این بابت این نهادها به جای کمک به خانواده ، مشکلات آن را بیشتر می‌کنند.

ج– نارسایی‌های بخش‌های زیربنایی، اقتصادی و آسیب‌های دوره گذار توسعه؛ خانواده را متأثر ساخته و در مواردی با بحران روبه رو کرده است و خانواده که در شرایط جدید بار بیشتری را باید بر دوش بکشد، ناچار در حد تأمین نیازهای اولیه‌ی مادّی تنزل یافته است. در این بین زنان نیز ناچار شده‌اند در عرصه‌ی اقتصاد و معیشت خانواده فعال‌تر شوند و حضور آنان در زندگی کم رنگ‌تر و یا با تحمّل مشقت فراوان برای ایفای نقش شده است. در مواردی که مردان با کار مضاعف برای تأمین هزینه های زندگی تلاش می کنند و مادران در خانه مسئولیت ها رابر دوش می کشند شاهد تربیت زنانه‌ی پسران بدون الگو برداری از مردانگی پدران هستیم.

---

۱ – نظیر ارائه مشاوره در حوزه‌های رفتاری و تربیتی، شغلی، تحصیلی، ازدواج و ... ، ارائه اطلاعات صحیح در فرآیند هویت‌یابی فرزندان در ابعاد جسمی، جنسی، عقلی، اجتماعی، دینی، انقلابی و . . . ، آماده‌سازی جوانان برای ورود به عرصه‌های پیچیده اجتماعی جدید و ...

۲ – نظیر عدم پاسخ‌گویی حوزه‌های مربوط به شبهات دینی، نقص کارکرد مدرسه در حوزه‌های تربیتی، هویت دینی و انقلابی، اطلاع‌رسانی تخصصی درباره ابعاد هویتی (جسمی، جنسی و ...) و بسیاری موضوعات دیگر.

د- جهت‌گیری تربیتی و آموزشی خانواده، مدرسه، رسانه و نهادهای اجتماعی متناسب با فضای جدید برای آماده‌سازی فرزندان جهت تشکیل خانواده، همسریابی و همسرداری و زندگی زناشویی نبوده است و موجب شده تا نسلی به مقطع تشکیل خانواده نزدیک شود که مهیای آن نیست.

هـ -شهرنشینی، الگوی همسریابی را تغییر داده، لکن الگوهای متناسب با وضع جدید طراحی و نهادینه نشده و جامعه‌ی جوان، همسریابی را در مجرایی که جامعه ی بزرگ سال آن را به رسمیت نمی‌شناسد جستجو می‌کند و این خود موجب بروز آسیب‌هایی در روابط نسل‌ها و چگونگی تشکیل و استمرار خانواده شده است.

و- افزایش سطح مطالبات زن و مرد از یکدیگر و ناتوانی طرفین در پاسخگویی به این مطالبات؛ مشکلات جدیدی برای خانواده به وجود آورده است. در خانواده‌های دارای فرزند این اختلال بین فرزندان و والدین نیز وجود دارد.

ز- خانواده، کانون تهاجم فرهنگی دشمنان، برای رسیدن به اهداف خود است. از طرفی هیچ نهادی به اندازه‌ی خانواده، نمی تواند در تقابل با این تهاجم موفق باشد. همچنین سیاست‌های آموزشی، بهداشتی، اقتصادی، فرهنگی و ... کشور از مجرای خانواده به بهترین نحوی قابل اجراست و موجب کاهش هزینه‌های دولتی می‌شود.

با این همه، نسخه‌های متعددی درباره‌ی خانواده تجویز می‌شود. نقطه عزیمت این نسخه‌ها مشاهده‌ی یک نقص یا بیماری در جامعه و تجویز برای آن بدون داشتن یک نگاه عالمانه، جامع و دقیق است.

برخی از این نسخه‌ها عبارتند از:

۱- نارسایی‌های اقتصادی و افزایش سطح توقعات موجب شده که جوانان نتوانند ازدواج کنند. بنابراین در کنار تشویق به آسان و ساده برگزار کردن ازدواج، ازدواج نیمه فعال، به صورتی که پس از عقد نکاح، زوجین در منزل پدری بمانند ولی رسماً زن و شوهر باشند تا شرایط تهیه مسکن و شغل را پیدا کنند پیشنهاد شده است. این خلاصه اشکال و طرح ارائه شده از سوی برخی شخصیت‌ها و نهادها بوده است.

وجوه مختلف ایرادات وارد بر این طرح از این قرارند:

- تشویق به ازدواج آسان، سنت نبوی (ص) است، لکن مراسم ازدواج اعم از خریدها، ایاب

و ذهاب‌ها، مراسم و ... بخش ناچیز و خاطرات ازدواج را تشکیل می‌دهد. تشکیل خانواده واقعیتی بزرگ‌تر است. داشتن شغل و درآمدپاسخ‌گو برای تأمین نیازهای زندگی و اجاره مسکن مهم‌تر از ازدواج است. متأسفانه این توصیه‌ی نبوی (ص) اکنون به عنوانی برای بستن چشم در برابر مسئله‌ی اصلی تبدیل شده است.

– پیوند زناشویی، شیرینی داردکه در صورت چشیده نشدن در همان اوان پس از ازدواج رسمی، آرام‌آرام از دست می‌رود. امروز اکثر متخصصین طولانی شدن فاصله‌ی دوران عقد تا زندگی رسمی را مخل استمرار زندگی زناشویی می‌دانند. بنابراین آینده‌ی فاسد ازدواج بدون زندگی مشترک زیر یک سقف می تواند حتی منجر به افزایش آمار طلاق شود.

– این نسخه در صورت ارزشمندی، هیچ‌گاه یک نسخه ملی نیست و حداکثر یک توصیه به حسب مصداق است و نباید تبدیل به یک راه حل ملی شود که متأسفانه نزدیک به یک دهه به صور مختلف مطرح گردیده است.

۲– به همان دلایل پیش‌گفته در نسخه ی شماره (۱)، دختران و پسران به عقد موقت یکدیگر درآیند. برخی از پیشنهاددهندگان این طرح، برای آن عنوان «دوستی اسلامی» را نیز انتخاب کرده‌اند.

این طرح از جنبه‌های مختلف دارای اشکال است:

– ازدواج موقت که در شرع می تواند مبنای محرمیت باشد برخلاف برخی تصور عامّه، صرفاً محرمیت نیست بلکه عقد نکاح با شروط خود می‌باشد و به دلیل آن که مسئولیت‌های ناشی از آن بسیار محدود است، شانه خالی کردن از آن بسیار ساده می‌باشد. رواج این فرهنگ در بین دختران و پسران می تواند دامنه‌ای از بی‌رغبتی به ازدواج دائم تا بی‌بند و باری به وجود آورد.

– هنگامی که طرفین نسبت محرمیت جنسی از نظر شرع پیدا کردند، دیگر نمی توان تبعات ناشی از آن را از ازاله بکارت تا بارداری کنترل کرد. در این صورت، مشکلات و آثار متعدد و خطرآفرین اجتماعی مترتب می‌شود که مفسده‌ی آن از مصلحت آن بیشتر خواهد بود.

– باید عنایت داشت که این نسخه با موضوع محرمیت کوتاه‌مدّت مرسوم بین خانواده‌های مذهبی برای بازشناسی دختر و پسری که با مقدمات لازم قصد ازدواج دارند متفاوت است.

۳– تشویق زنان به از خودگذشتگی برای ازدواج مجدد شوهران خود در جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی.

پیش از بیان ایرادات وارد بر این رویکرد، پرواضح است که منظور از این بیان، «ازدواج مخفیانه» مردان نیست. چه آن که، این عمل هم از نظر اخلاقی و هم از نظر تبعات فاسد آن، توصیه نمی‌شود بلکه مذموم نیز هست. همچنین در این توصیه و تشویق، تفاوتی بین ازدواج موقت یا دایم نمی‌باشد.

ایرادات واردشده:

– مهم‌ترین ایراد وارد بر این رویکرد، «عدم اطلاع صاحبان این سخن» از شرایط و مقتضیات و واقعیات جامعه و مسائل خانواده است. در این مقاله کوشیده‌ایم تا فهرست برخی از جوانب مسائل خانواده را عنوان کنیم و می‌دانیم بسیاری از موارد را فروگذاشته‌ایم. طراحان محترم، بدون شناخت این همه، مشکل جامعه را «زنان بیوه» و «دختران هرگز ازدواج نکرده» فرض کرده‌اند و راه حل را چندهمسری مردان انگاشته‌اند.

– قریب به ۱/۷ میلیون زن سرپرست خانوار در ایران وجود دارد. سالانه حدود یک‌صدهزار بیوه در اثر طلاق حادث می‌شود. چه تعداد مرد دارای تمکن مالی در ایران وجود دارد که تمایل به چندهمسری داشته باشد و مانعی نیز برای اقدام وی نباشد تا مشکل جامعه (به زعم طراحان) حل شود؟

– این توصیه‌ها کارساز نیست. اگر می‌بود سارا همسر ابراهیم خلیل، هاجر را تحمل می‌کرد. نتیجه قهری این اقدام، فروپاشی خانواده‌ها و کباب شدن مسیر صواب است. همسران اول، در اثر این اقدام تحمل نخواهند کرد و ناچار طلاق می‌گیرند. آن‌گاه قلم شرم می‌کند که این اصطلاح را به کار برد که در اثر این توصیه (که فقط نیّتش خیر است) «زنان در جامعه اسلامی ایران، دست به دست خواهند شد» (العاقل یکفیه الاشاره). از طرفی آسیب‌های روحی فرزندان و تأثیر آن بر دین‌گریزی آنان تنها یکی از آسیب‌های ناشی از عمل به این نسخه خواهد بود.

– طراحان این توصیه(همان‌طور که فقهای ما درباره صدور یک فتوی انجام می‌داده‌اند)ابتدا درباره‌ی خود و اطرافیان خود، امتحان کنند و سپس به ارائه‌ی نسخه‌های ملی بپردازند. این طور بیشتر به عملی بودن توصیه‌های خود پی خواهند برد.

نسخه‌ی اصلی برای کانون خانواده همان متن قانون اساسی و قراردادن نهاد خانواده در کانون برنامه‌ریزی کشور است. اگر چنین شود آن‌گاه شاهد حل اساسی همه معضلات و آسیب‌هایی هستیم که در خانواده و حواشی آن می‌بینیم و همگان درباره آن احساس تکلیف می‌کنیم.

پیشنهادها و راه‌کارها:

۱- موضوع خانواده محور برنامه‌های توسعه و برنامه‌های اجرایی دستگاه‌ها قرار گیرد. این بدان معناست که برخلاف وضع موجود در برنامه‌های توسعه، اقتصاد در خدمت خانواده باشد. منظور از این پیشنهاد فراتر از اختصاص چند ماده یا تبصره در برنامه‌های توسعه نظیر آن‌چه تاکنون شاهد آن بوده‌ایم، می‌باشد.

پیشنهاد مصرّح ما، اختصاص یک فصل جدید در برنامه تحت عنوان «خانواده» در عرض فصول دیگر است. افزون بر این در همه‌ی فصل‌های دیگر، موضوع خانواده معیار ارزیابی صحّت و درستی هریک از مواد قرار گیرد و با آن سنجیده شود.

۲- موضوع خانواده در وظایف اساسی همه‌ی دستگاه‌های اجرایی و نهادهای عمومی گنجانده شود و نسبت به آن ساختار و تشکیلات، منابع انسانی، بودجه و اعتبارات و برنامه‌های اجرایی تنظیم گردد.

۳- بازنگری نظام فقهی خانواده، متناسب با وضعیت جدید و به منظور اجرایی نمودن آموزه‌ها و توصیه‌های دینی و نشر سیره‌ی عملی، از معصومین (ع) تا عالمان متأله عصر حاضر نظیر حضرت امام خمینی (ره)، رهبر معظم انقلاب، علامه طباطبایی(ره)، شهید مطهری (ره)، شهید بهشتی (ره) و دیگر صالحان، بر اثبات شایستگی فقه شیعه برای اداره جهان مهر تأیید دیگر خواهد بود. قوانین خانواده نیز برهمین اساس باید مورد بازنگری قرار گیرند و در مواردی که صرفاً توصیه است ضمانت اجرا به وجود آید.

۴- از اظهارنظرها و توصیه‌های بدون پشتوانه‌ی نظری و جامعیت جداً باید پرهیز شود. این‌گونه اظهارنظرها، گاهی تهاون به اسلام عزیز را موجب می‌شود.

۵- «آموزش» ازدواج و خانواده از سطوح مدرسه‌ای تا پس از تشکیل خانواده در نهادهای ذیربط اجرا شود.

۶- «مشاوره» ی ازدواج قبل، حین و پس از ازدواج سازمان دهی گردد.

۷- برای موضوع تشخیص صلاحیت ازدواج وکفویت زوجین که یک موضوع تخصصی است نهادسازی شده و برای ثبت ازدواج، اجباری گردد.

۸- برای ثبت «مهریه عندالمطالبه» به هر میزان که بین طرفین تعیین شود «پشتوانه مالی و تضمین حقوقی» به وجود آید. به تعبیر دیگر «زندان مهریه» باید حذف و مهریه‌ی نظیر دیگر

تعهدات مالی درصورت به اجرا گذاشته شدن، قابل وصول باشد.

۹- تعیین حداقل معیشت و رفاه نسبی با انجام ۸ ساعت کار و تضمین آن در هر شرایط، به اولویت نخست بودجه کشور تبدیل گردد. گام نخست در این راه، طراحی شاخص‌های این حداقل و تعیین نرخ آن در هر سال می‌باشد. شاخص‌هایی نظیر تفریح و اوقات فراغت، مراقبت‌ها و پیشگیری‌های سلامت، فرهنگ، ورزش و ... باید در بین شاخص‌ها وجود داشته باشد. هم‌چنین رفع دغدغه خانواده درباره هزینه‌های درمان و آموزش از طرفی و اشتغال، مسکن و ازدواج فرزندان در آینده از طرف دیگر باید در برنامه‌های اقتصادی یک اولویت مستمر باشد.

۱۰- ایجاد فضای امید و آرامش و نشاط همراه با ارائه‌ی الگوهای صحیح چگونه زیستن و روابط و مناسبات خانوادگی و پرهیز از نمایش یا گفتاری که به نحوی موجب اختلال در روابط خانواده می‌شود از اساسی‌ترین وظایف رسانه ملی باشد.

۱۱- طراحی مدل‌هایی برای آشنایی دختران و پسران به قصد ازدواج با حفظ حریم عفاف و با نظارت خانواده‌ها خصوصاً در کلان‌شهرها می تواند در وظایف دستگاه‌های فرهنگی دیده شود.

۲۱- بازتعریف مُدل «خانواده، محلّه‌ی زندگی، مسجد» نه تنها برای موضوع خانواده بلکه برای حفظ و ارتقای هویت اسلامی و ملّی جامعه از ضرورت‌های انکارناپذیر است.

۳۱- حمایت همه‌جانبه از زنان خودسرپرست و سرپرست خانواده، یک ضرورت جدید ملی است.

۴۱- برای مراقبت از «کهنسالان» مُدل‌سازی صورت پذیرد. کهنسالان نیازهایی دارند که نمی‌توان با وجود مشکلات فراوان خانواده‌های جوان انتظار رسیدگی به همه آنها را از سوی ایشان داشته باشیم. مُدل‌های مراقبتی که شئونات و احترام کهنسالان را در برداشته باشد باید جایگزین توصیه‌های غیرقابل اجرای فعلی شود.

منابع:

– آیات قرآن مجید

– بیانات امام خمینی(ره)

– بیانات رهبر معظم انقلاب

– علامه طباطبایی (ره)، تفسیر المیزان

– اعزازی، شهلا (۹۸۳۱)، جامعه شناسی خانواده با تاکید بر نقش ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، چاپ هفتم، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان

– بهشتی، احمد (۷۷۳۱)، خانواده درقرآن، چاپ اول، تهران: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی

– میرخانی، عزت السادات (۹۷۳۱)، رویکردی نوین در روابط خانواده، چاپ اول، تهران:انتشارات شورای فرهنگی اجتماعی زنان

–جوادی آملی(۷۸۳۱)، زن در آیینه جلال و جمال، قم: مرکز نشر اسراء،ناشر دارالهدی

– گروه پژوهشهای فرهنگی و اجتماعی (زمستان ۹۷۳۱)، فرهنگ و خانواده، ، چاپ اول، تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام

– ساروخانی، باقر (۸۸۳۱)، مقدمه‌ای بر جامعه شناسی خانواده، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات سروش

– محمد،محمدی ری شهری(۲۶۳۱)، میزان الحکمه، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی

– مطهری، مرتضی (۱۸۳۱)، نظام حقوق زن در اسلام، چاپ سی ویکم، تهران: انتشارات صدرا

– مطهری، مرتضی،یادداشت‌های استاد